

# بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- فصلنامه «رهیافت» در حوزه علم، فناوری و نوآوری توسط مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور منتشر می شود.
- هدف این فصلنامه، تقویت و ایجاد هماهنگی در امر پژوهش و نیز طرح مسائل، مطالعات و فعالیت‌هایی است که در حوزه سیاست‌گذاری علمی و پژوهشی در زمینه‌های مختلف اعم از علوم انسانی و علوم طبیعی صورت می‌گیرد.
- آراء و نظریات مندرج در مقاله‌ها، نقدها و گزارش‌ها، ضرورتاً بازگوکننده رأی و نظر مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور و مسئولان فصلنامه نیست.
- فصلنامه در ویرایش و حذف مطالب آزاد است.
- فصلنامه سیاست پژوهی علم، فناوری و نوآوری بر مبنای ارزشیابی پایگاه استنادسازی علمی (ISC) در هفتمین جشنواره پژوهش و فناوری، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به عنوان نشریه برتر برگزیده شد.
- نشریه رهیافت در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)، پایگاه مجلات تخصصی نورمگز (noormags.ir) و همچنین از ابتدای سال ۱۳۹۶ در پایگاه SID نمایه شده است. نشریه رهیافت تحت حمایت پایگاه سیناوب قرار گرفته و در آن سایت درج شده است.
- فصلنامه سیاست پژوهی علم، فناوری و نوآوری رهیافت بنا بر مجوزهای شماره ۳/۲۹۹۰/۱۲۴۲ و ۳/۱۱/۱۱۴۵ از تاریخ ۱۳۸۲/۱۲/۲۰ از سوی مدیر کل محترم امور پژوهش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری حائز رتبه علمی - ترویجی شده است.

## رهیافت

شماره ۷۲، زمستان ۱۳۹۷ ISSN: 1027-2692

صاحب امتیاز: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور

مدیر مسئول: وحید احمدی

سردبیر: اکرم قدیمی

هیئت تحریریه: حمیدرضا آراسته، علی پایا، محمد توکل، محمدرضا حسینی بهشتی، هادی خانیکی، محمدعلی زلفی‌گل،

آریا الستی، ابراهیم صالحی عمران، فریده عصاره، مقصود فراستخواه، اکرم قدیمی، رضا مکنون، جعفر مهرداد

مدیر داخلی: سمیه کریمی زاده اردکانی

ویراستار: آریتا منوچهری قشقایی ویراستار لاتین: زهیر صباغ‌پور آذریان

صفحه‌آرا و طراح جلد: رحیم کبیرصابر

امور مشترکین و توزیع: حسن چشمی

نشانی: تهران، میدان ونک، خیابان ملاصدرا، خیابان شیراز جنوبی، خیابان قانع‌راد، شماره ۹

کد پستی: ۱۴۳۵۸۹۴۴۶۱

تلفن: ۸۸۰۳۶۱۴۴

آدرس الکترونیکی مرکز: www.nrisp.ac.ir

پست الکترونیک نشریه: rahyaft.nrisp@gmail.com

www.rahyaft.nrisp.ac.ir



## راهنمای نگارش مقاله برای فصلنامه رهیافت

مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور با هدف سیاست‌پژوهی در حوزه‌های علم، فناوری و نوآوری، فصلنامه علمی-ترویجی رهیافت را با اهداف زیر منتشر می‌کند:

۱. ارائه اطلاعات توصیفی و تشریحی در خصوص جنبه‌های مختلف علم، فناوری و نوآوری و تازه‌ترین تحولات در آنها؛
۲. ایجاد هماهنگی در پژوهش‌ها در حوزه‌های علم، فناوری و نوآوری و پشتیبانی از این پژوهش‌ها و تقویت آنها؛
۳. اطلاع‌رسانی در خصوص عمده‌ترین مسائل؛ تازه‌ترین فعالیت‌های پژوهشی و جدیدترین آثار نشریافته در حوزه سیاست‌گذاری علوم و پژوهش‌های گوناگون؛
۴. کمک به رشد و نهادینه‌شدن فرهنگ علمی و روحیه پژوهش و نوآوری در جامعه از طریق انتشار مقالات و متون اطلاع‌بخش در حوزه‌های علم، فناوری و نوآوری.

### راهنمای نگارش

علاقتمندان به چاپ مقاله در فصلنامه رهیافت در ارسال و نگارش مقاله به نکات زیر توجه کنند:

- مقاله‌های تحلیلی و ترویجی در اولویت چاپ قرار دارند؛
- ارسال مقاله به شکل الکترونیکی خواهد بود. برای این منظور فایل مقاله را از طریق سایت [www.nrisp.ac.ir](http://www.nrisp.ac.ir) و یا از طریق سامانه الکترونیکی [Rahyaft.nrisp@gmail.com](mailto:Rahyaft.nrisp@gmail.com) ارسال کنید؛
- مقاله‌ها با نرم‌افزار Word به همراه pdf آن و حداکثر در هشت هزار کلمه تهیه شود؛
- مقاله‌های ارسالی نباید قبلاً به چاپ رسیده و یا هم‌زمان برای بررسی به مجله‌های دیگری ارسال شده باشند (بررسی مقاله‌ای که این بند را نقض کرده باشد متوقف می‌شود)؛
- نویسندگان باید مقاله‌های خود را در چهارچوب فصلنامه آماده و ارسال کنند؛
- در انتخاب عنوان از حداقل واژگان و از سایز ۱۴ فونت B Lotus به صورت Bold استفاده شود.

### نویسندگان مقاله:

- نام و نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان در صفحه اول مقاله با سایز ۱۲، فونت B Nazanin به صورت Bold نوشته شود؛
- نویسندگان هر کدام با اعلام یک شماره به صورت بالانویس بر اساس الگوی ذیل مشخص شوند:

## عنوان مقاله

نویسنده اول<sup>۱</sup>، نویسنده دوم<sup>۲\*</sup>، نویسنده سوم<sup>۳</sup>، ...

۱. رتبه علمی نویسنده اول، رشته تحصیلی، گروه آموزشی، دانشکده و دانشگاه محل تحصیل، شهر، کشور
  ۲. رتبه علمی نویسنده دوم، رشته تحصیلی، گروه آموزشی، دانشکده و دانشگاه محل تحصیل، شهر، کشور
  ۳. رتبه علمی نویسنده سوم، رشته تحصیلی، گروه آموزشی، دانشکده و دانشگاه محل تحصیل، شهر، کشور
- نویسنده مسئول مکاتبات مقاله (که می‌تواند هر یک از چند نویسنده مقاله باشد) می‌باید نام و آدرس پست الکترونیکی خود را در پانویشت صفحه نخست درج کند و با یک علامت ستاره در آغاز پانویشت، مسئولیت خود را مشابه مثال معرفی کند: \* مسئول مکاتبات: Email\_id@EmailProvider.com؛
  - چکیده به دو زبان فارسی و انگلیسی در ۲۰۰-۳۰۰ کلمه تدوین شود و به همراه کلیدواژه‌ها در انتهای چکیده در یک صفحه مجزا از متن اصلی درج شود؛
  - چکیده فارسی با فونت B Lotus 12 pt, Bold و چکیده لاتین با فونت Times New Roman 10 pt نوشته شود؛
  - متن چکیده باید به صورت ساختارمند و پیوسته شامل: هدف، روش کار، یافته‌ها و نتیجه‌گیری باشد:
- هدف:** مسئله و هدف مطالعه به صورت شفاف توضیح داده شود؛
- روش:** چهارچوب روش‌شناسانه مورد استفاده در پژوهش و روش‌های به‌کار گرفته شده در آن، شیوه گردآوری و تنظیم مطالب به صورت مشخص توضیح داده شود؛
- یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** اهم یافته‌های اصلی پژوهش و نتیجه‌گیری باید با توجه به یافته‌ها و در چهارچوب آن نوشته شود؛
- کلیدواژه‌ها:** ۳ الی ۵ کلمه متناسب با عنوان و محتوای مقاله با فونت (B Lotus 11 pt) نوشته شود.
- **متن مقاله** به صورت تک‌ستون و با فونت (B Lotus 13 pt) نوشته شود؛
  - معادل انگلیسی واژه‌ها و اصطلاحات داخل متن با فونت (Time New Roman 10 pt) پانویس شوند، در صورت تکرار واژه یک بار پانویس کفایت می‌کند؛
  - اسامی خاص یک‌دست باشد و از سبک متعارف نوشته‌های علمی خارجی تبعیت کند؛
  - فصلنامه در ویرایش مقالات بدون تغییر محتوا آزاد است؛
  - ارجاع منابع و مأخذ در متن مقاله با استفاده از شیوه ونکوور است. مراجع مورد استفاده در متن مقاله با یک عدد درون کروه مشخص می‌شوند. در این شیوه‌نامه مراجع به همان ترتیبی شماره‌گذاری می‌شوند که در متن ظاهر می‌شوند. منابع به ترتیب استناد، با استفاده از اعداد، در داخل کروه شماره‌گذاری می‌شوند. به هر منبع یک شماره اختصاص می‌یابد آن هم در اولین مکانی که در متن مورد استناد قرار می‌گیرد. از آن شماره در استنادهای مکرر به آن منبع، صرفنظر از مکان بعدی استناد استفاده می‌شود. این اعداد بعد از علائم سجاوندی مثل نقطه‌ها، ویرگول‌ها و قبل از

دونقطه‌ها و نقطه‌ویرگول‌ها قرار بگیرند. در انتهای مقاله، فهرست مشخصات منابع به ترتیب اسنادها مطابق نمونه‌های

ذیل و مثال‌های متعاقب آن آورده می‌شود:

نام خانوادگی حرف اول نام. عنوان کتاب. شرح ویرایش («ویرایش» در فارسی و «ed» در انگلیسی) شماره ویراست. محل نشر: ناشر، سال انتشار

[۱] ناجی ا. اصول بهداشت روانی. ویرایش ۵. تهران: دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۱۳۸۰.

[2] Getzen Te. Health economics: fundamentals of funds. 3<sup>rd</sup> ed. New York: John Wiley & Sons; 1997

نام خانوادگی حرف اول نام. عنوان مقاله. مخفف عنوان مجله در انگلیسی. سال ماه؛ شماره دوره: (شماره نشریه) شماره صفحه  
[۱] رعایت ا، مبین ن، ناصرزاده ا، مشیری م. «بررسی علت بروز تشنج در نوزادان. پژوهش در پزشکی». ۱۳۸۲؛ ۱۴ (۴): ۷۸-۹۶.

[2] Fauci As. Braunwald E., Lsselbaacher Kj. Wilson Jd, Martin Jb. Kasper Dl. "Early life events in allergic. Sensitization". *Br Med Bull* 2000; 56 (4): 883-93.

- شکل‌ها و تصویرها باید به گونه‌ای ترسیم یا تهیه شوند که برای تکثیر و نسخه‌پردازی مناسب باشند. جدول‌ها به ترتیبی که در متن آمده‌اند دارای شماره و عنوان باشند و در قسمت بالای جدول توضیح کوتاه در خصوص آن ارائه شود و تاریخ تهیه و مأخذ آنها به‌طور دقیق در زیر آنها قید شود. توصیه می‌شود اکیداً از ذکر جدول بدون توضیح در متن مقاله خودداری شود. کلیه متون داخل جدول به صورت وسط‌چین با فونت (B Mitra 10 pt) تایپ شوند. همه اعداد در جداول به صورت فارسی و وسط‌چین تایپ شوند؛
- نقد و معرفی کتاب، مصاحبه و میزگرد با افراد شاخص در حوزه فناوری یا متخصصان در حوزه‌های مختلف علمی نیز بخش‌هایی از فصلنامه خواهد بود؛
- هرگونه تشکر و قدردانی از افراد و سازمان‌هایی که در انجام مطالعه یا تهیه مقاله همکاری داشته‌اند، در پایان مقاله قبل از پی‌نوشت‌ها آورده شود.



شماره ۷۲، زمستان ۱۳۹۷

شماره استاندارد بین‌المللی نشریه: ۲۶۹۰-۱۰۲۷

سخن سردبیر ..... ذ

در رثای مقاله: «هشت نسل مقالات اصیل علوم انسانی در ایران

مقصود فراستخواه ..... ۱

نقش سازمان‌های مردم‌نهاد علمی در توسعه علم و فناوری

سید حامد مزارعی، مهدی پاکزاد بناب، مصطفی محسنی کیاسری ..... ۱۹

عوامل مؤثر بر یکپارچگی دانش فنی و دانش بازار در شرکت‌های نوآور: موانع و راهکارها

مصطفی صادقی، مهدی کیامهر ..... ۳۳

بررسی تأثیر عوامل مؤثر بر قصد تسهیم دانش

علی بیرانوند، محمدحسن صیف ..... ۴۷

مطالعه علم‌سنجی انتشارات علمی حوزه زلزله‌شناسی بر اساس پایگاه استنادی وبگاه علوم

محمد فلاح، علی قربی، علیرضا نوروزی، افسانه جعفری ..... ۶۱

الگویابی ساختاری تأثیر مهارت‌های ارتباطی کتابداران بر ارتباطات بین فردی

و نقش آن بر راهبردهای مدیریت تعارض در کتابخانه‌ها

اکبر بهمنی چوب بستنی و سید مهرداد سیدین ..... ۷۷

ایده رصدخانه‌های فرهنگی

نویسنده کاتارزینا پلبانسیک | مترجم: الهام یوسفی ..... ۹۱

معرفی کتاب | ارزیابی پژوهش در علوم انسانی: معیارها و روش‌ها

فرزانه قنادی‌نژاد ..... ۱۰۳

گزارش‌ها

نخستین همایش تعامل نظام دانشگاهی و فضای اجتماعی ..... ۱۰۷

چکیده‌های انگلیسی ..... ۱۱۴

برگ درخواست اشتراک

**فصلنامه علمی ترویجی رهیافت**

لطفا دوره یک‌ساله/ از شماره ..... تا شماره ..... فصلنامه علمی ترویجی رهیافت را برای اینجانب/ مؤسسه  
..... به نشانی ..... ارسال کنید (قبض مبلغ واریز شده به حساب شماره ۲۱۷۲۰۴۹۰۰۱۰۰۲ نزد بانک ملی شعبه دانشگاه تهران به‌نام  
درآمدهای اختصاصی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور ضمیمه است).

امضا:

تاریخ:

شماره تماس برای پیگیری:

بهای تک‌شماره: ۶۰.۰۰۰ ریال

بهای اشتراک یک‌ساله: ۲۰۰.۰۰۰ ریال

نشانی دفتر مجله: تهران. میدان ونک، خیابان ملاصدرا، خیابان شیراز جنوبی، خیابان قانع‌راد، پلاک ۹،  
مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور. طبقه سوم تلفن: ۸۸۰۳۶۱۴۴ داخلی: ۱۱۰۴ دورنگار: ۸۸۰۶۹۷۶۰  
کد پستی: ۱۴۳۵۸۹۴۴۶۱ نشانی الکترونیکی: [Rahyaft.nrisp@gmail.com](mailto:Rahyaft.nrisp@gmail.com)



## سخن سردبیر

علم دیگر، زاده بارقه ناگهانی بلوغ و اندیشه یک یا چند دانشمند نیست، بلکه کوششی آگاهانه و منظم و در عین حال نهادی و سازمان یافته است تا به حل یک مسئله یا دشواری ذهنی و یا عملی نائل آید. چنین خصلتی، علم را با دیگر نهادها و ارزش‌های اجتماعی پیوندی مستحکم می‌زند. به همین دلیل است که امروز در بیشتر کشورها، سازمان‌هایی ویژه به کار علم مشغول اند؛ سازمان‌هایی که علاوه بر سیاست‌گذاری علم و پژوهش و آموزش، تولید و انتقال آن را نیز برعهده دارند.

برای سنجش میزان اهمیت‌بخشی به علم و مسایل علمی شاخص‌ها و ابزارهایی وجود دارد که شاید مهم‌ترین آنها مجلات علمی باشد. امروزه کمیت و کیفیت مجلات علمی منتشر شده به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی و اعتبار علمی هر کشوری محسوب می‌شود. مجلات علمی از ابزارهای مهم ارتباطی میان مجامع علمی و محققین با بخش‌های تحقیقاتی و حوزه صنعت و تولید می‌باشند. ارتباط تنگاتنگ مجلات علمی با نهاد دانشگاه، پژوهش و صنعت سبب می‌شود مجلات علمی به طرح مباحث کلان توسعه یافته بپردازند. امروزه، در کنار پیشرفت‌های شتابان علم و فناوری شاهد انتشار انبوه نشریات علمی هستیم.

نظر به اهداف متعالی ره‌یافت از جمله اطلاعات توصیفی و تشریحی در خصوص جنبه‌های مختلف علم، فناوری و نوآوری و ارائه تازه‌ترین تحولات در آنها و ایجاد هماهنگی در پژوهش‌ها در حوزه‌های علم، فناوری و نوآوری و پشتیبانی از این پژوهش‌ها و تقویت آنها؛ هیئت تحریریه ره‌یافت درصدد انتشار مقالات اصیل است تا ره‌یافت را به جایگاه واقعی خود نزدیک کند.

انتشار مقالات مروری نظام‌مند که با یک پرسش متمرکز آغاز و بر استفاده از تجزیه و تحلیل شواهد معتبر، ارزیابی نقادانه و پاسخگویی به حل مساله به ویژه مسائل بومی در حوزه علم، فناوری و نوآوری تمرکز دارد در اولویت نشریه قرار دارد.

در این نشریه تصمیم داریم تا در کنار علم و موضوعات علمی نگرشی جدید به دنیایی داشته باشیم که علم و عشق در کنار هم قرار می‌گیرند. عشق به خدا و همنوعان و سایر موجودات، یکی از ابزارهایی است که عزم ما را در رسیدن به تمام خوبی‌هایی که علم میانبری خواهد بود بر دستیابی بر آنها، را در خود و جامعه تقویت کنیم بدون این عشق، علم طبل میان تهی و سنج پر هیاهویی خواهد بود که بشریت را در اوجی از حسرت ای کاش ها باقی خواهد گذاشت.

امید است با دریافت مقاله‌های اصیل علمی که نویسنده با عشق به بهبود جامعه آنها را به رشته تحریر درآورده و چاپ آنها در فصلنامه ره‌یافت، رویکردی نوین در عرصه علم، فناوری و نوآوری در کشور ارائه دهیم و تلاش امروز ما بتواند راهی برای نزدیکی به مرزهای دانش فراهم آورد و آیندگان از خرمن آن بهره مند شوند.

اکرم قدیمی  
سردبیر فصلنامه ره‌یافت



## در رثای مقاله؛

«هشت نسل مقالات اصیل علوم انسانی در ایران»<sup>۱</sup>

مقصود فراستخواه\*

عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۱۵

## چکیده

رشد علمی در ایران فریبنده شده است. نماگرهای غرورآمیز آن به همراه شواهد نگران‌کننده به یک پارادوکس تبدیل گشته است. نشانه‌های متناقض از آن می‌رسد. ایران کشوری است با پنجاه هزار مقاله علمی که در طی بیست سال، ۵۰ برابر شده و نرخ رشد آن از کشورهایی با روند توسعه پرشتاب همچون چین و کره و ترکیه گوی سبقت ربوده است. نزدیک به ۱۸۰۰ مجله غالباً به صورت فصلنامه، همچنان سالانه انبوهی مقاله را به آرشیو دانش ایرانی می‌افزاید. مقالاتی که چند میلیون استناد خورده است. ۲۰ درصد مقالات علمی ایرانیان با یک نویسنده همکار بین‌المللی نوشته شده است. سهم ایران از دانش انسانی و اجتماعی جهان برحسب انتشارات مقالات از حدود ۰/۴ درصد در ۱۳۹۱ به ۰/۷٪ در ۱۳۹۷ افزایش یافته است. دور تندی است: «منتشر کن یا مضمحل شو». اما حاصل چیست؟ ماشین عظیمی که گردش مالی سالانه بالای ۱۰۰۰ میلیارد تومانی در پشت آن قرار دارد و سوختش با هشتصد هزار دانشجوی تحصیلات تکمیلی به علاوه بیش از هشتاد هزار هیأت علمی تأمین می‌شود، مدل کارخانه‌ای آن «تولید اتوماتیک مقاله به شیوه دانشجو-استاد» است (دانشجو می‌نویسد و استاد می‌بیند). چرخ‌دنده‌هایش آیین‌نامه‌هایی است که مقاله می‌شمارد و مدرک می‌دهد، دوباره می‌شمارد و مرتبه علمی می‌دهد، باز می‌شمارد رتبه تعیین می‌کند و باردیگر همچنان اسطوره شمارش؛ شمارش و بازهم شمارش. گاهی حتی آثاری از فساد نظام‌مند در کار تولید و انتشار این مقالات رخنه می‌کند. اما یک چیز همچنان در هاله ابهام مانده است: تأثیر اجتماعی این مقالات چیست؟ چه کمکی برای ترویج دانش و آگاهی ملی ایرانیان می‌کند؟ چه مددی به عمل و زندگی روزمره مردم در گوشه کنار مناطق کشور و توسعه پایدار این سرزمین می‌رساند؟ چه ارزش افزوده ملی به دست می‌دهد؟ مقالات علوم انسانی و اجتماعی در این میان کجای قضیه‌اند؟ برای آزمون کیفیت یک عملکرد، انواع راه‌ها وجود دارد. یک راه نیز مقایسه آنها با عملکرد معیار از گذشته تا به امروز است. در این مقاله هشت نسل مقالات اصیل علوم انسانی و اجتماعی که طی دوسده گذشته تا به امروز از اختر تا بخارا به چاپ رسیده است به عنوان عملکرد معیار و مبنایی برای نقد انبوهه جاری مقالات رسمی! قرار می‌گیرد که در مجلاتی با عنوان علمی پی در پی منتشر می‌شوند. احتمالاً دست کم ده نوع گرایش آسیب‌زا سبب شکلی از اینرسی می‌شود و امید به کیفیت و تأثیر اجتماعی مقالات علوم انسانی و اجتماعی را کاهش می‌دهد: کمیت‌گرایی، صورت‌گرایی، مناسک‌گرایی، دولت‌گرایی، عرضه‌گرایی، معیشت‌گرایی، رسمیت‌گرایی، رفتارگرایی / وظیفه‌گرایی، مدیریت‌گرایی و برج عاج‌گرایی.

**کلیدواژه‌ها:** رشد علمی، اسطوره شمارش، اثربخشی مقالات، ترویج دانش، علوم انسانی و اجتماعی، خط معیار کیفیت، موانع بر سر راه.

۱. این مقاله برآمده از تحقیق مؤلف درباره اثربخشی علوم انسانی برای «طرح اعتلا» در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است.

\*. m\_farasatkah@yahoo.com

۱. مقدمه

بیان مسئله؛ جرم بحرانی در رشد علمی ایران

اثربخشی اجتماعی آنها و احیاناً برخی شواهدی که آنها را در مظان انواع فساد علمی و کژکارکردی‌ها قرار می‌دهد. بدین ترتیب در داستان علم در ایران تغییرات مثبت و منفی به هم آمیخته‌اند و از یکپارچگی لازم برخوردار نیستند. به گونه‌ای که اصلاً نمی‌توان با اطمینان کافی از یک توسعه متوازن، اساسی، درونزا و پایدار علمی در ایران سخن گفت. برای آزمون کیفیت یک عملکرد، انواع راه‌ها وجود دارد. یک راه نیز مقایسه آنها با عملکرد گذشته است. در این مقاله هشت نسل مقالات اصیل علوم انسانی و اجتماعی که طی دو سده گذشته تا به امروز از اختر تا بخارا به چاپ رسیده است مبنایی برای نقد انبوهه جاری مقالاتی رسمی! قرار می‌گیرد که در مجلاتی با عنوان علمی پی در پی منتشر می‌شوند.

به جهتی می‌توان از یک دورخیز علمی در ایران سخن گفت که طی ۲۰ سال از ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۸، تعداد مقالات علمی از ۱۰۰۰ مقاله به ۵۰۰۰۰ مقاله رسیده است. یعنی ۵۰ برابر شده است و نرخ رشد آن حتی کشورهای با روند توسعه سریع مثل چین و کره جنوبی و ترکیه را نیز پشت سر گذاشته است. به نحوی که سهم جهانی ما در دانش، از ۰/۱ درصد به ۲/۶ درصد ارتقا یافته است [۱] همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌کنیم بیشترین فراوانی این ۵۰ هزار مقاله به حوزه علوم پایه (۴۰٪) و سپس به دو حوزه «پزشکی» و «فنی مهندسی»، (هر کدام ۲۲ درصد)، بعد از آن حوزه کشاورزی و علوم محیطی (۱۰ درصد) و نهایتاً علوم انسانی و اجتماعی (۵ درصد) تعلق دارند.

کیفیت پژوهش‌های علمی و بویژه تأثیر اجتماعی آن در ایران بسیار بحث‌برانگیز است و از این جهت در رتبه‌های پایین جهانی قرار داریم. مقاله یکی از مهم‌ترین آثار «خلق دانش» به‌شمار می‌آید و در آن طی دو دهه گذشته روندی از رشد چشمگیر در عملکرد ملی مشاهده می‌شود اما موضوع اصلاً به این سادگی نیست. به‌طور کلی مسأله ایران این است که از یک سو تغییراتی مهم در سطح جامعه اتفاق می‌افتد و از سوی دیگر این تغییرات نامتجانس، ناهمگن و تناقض‌آمیز هستند و از یکپارچگی، تقارن و هم‌افزایی لازم برخوردار نیستند، بخشی از تغییرات با بخشی دیگر می‌ستیزند و در نتیجه به یک «جرم بحرانی»<sup>۱</sup> تبدیل می‌شوند.

در موضوع مورد بحث این مقاله، از طرفی رشد کمی بسیار غرور برانگیزی در تعداد مقالات علمی به عنوان یک نشانه‌شناسی از تحولات ایران از حیث افزایش آموزش‌های دانشگاهی، دانشجویان تحصیلات تکمیلی، پایان‌نامه‌ها، رساله‌های دکتری و مقالات مستخرجه و به چاپ رسیده از حاصل جمع آنها می‌بینیم که در نشریات علمی پژوهشی و مستند شده داخل و خارج طی دو دهه گذشته انتشار یافته‌اند و مورد استناد قرار گرفته‌اند. از طرف دیگر در این تغییرات که عمدتاً به صورت نمونه‌ای مفرط از پارادایم «منتشر کن یا مضمحل شو»<sup>۲</sup> خود را نشان می‌دهند، تردیدهایی جدی وجود دارد؛ تردید در کیفیت آنها بویژه

| رشد مقالات علمی در ایران از ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۷ |                     |              |       |      |
|--|---------------------|--------------|-------|------|
| ۱۳۹۷                                     | ۱۳۷۶                | شاخص         |       |      |
| ۵۰۰۰۰                                    | ۱۰۰۰                | تعداد        |       |      |
| ۲/۶                                      | ۰/۱                 | درصد از جهان |       |      |
| علوم انسانی، اجتماعی                     | کشاورزی، علوم محیطی | فنی و مهندسی | پزشکی | پایه |
| ۵  | ۱۰                  | ۲۲           | ۲۲    | ۴۱   |
| توزیع در گروه‌های مختلف (درصد)           |                     |              |       |      |

تهیه شده توسط نویسنده و برگرفته از داده‌های Azadi, et al., 2019

۳. ایران یک درصد از جمعیت جهان را در خود جای داده است ولی ۲/۶ درصد دانش جهانی را البته به حساب انتشار مقاله، تولید می‌کند.

1. Critical Mass  
2. Extreme example of the "Publish or Perish" paradigm

صورت گرفته است. به طور متوسط بیش از ۱۰ استناد به هر مقاله علمی ایرانیان انجام پذیرفته است و از این میان به آن دسته از مقالات ایرانیان که نویسنده همکار بین‌المللی مسئول مکاتبات داشت نزدیک به ۲۰ مورد استناد شده است [۱].

این رشد با افزایش استناد علمی و حتی همکاری‌های علمی بین‌المللی نیز تا حدودی همراه بود. به نحوی که طبق جدول ۲، حدود ۲۰ درصد مقالات یاد شده با یک نویسنده بین‌المللی به صورت مشترک تهیه و منتشر شده‌اند. نزدیک به ۴.۵ میلیون (۴.۴۰۰.۰۰۰) استناد علمی به مجموع آنها

جدول ۲. مشارکت علمی ایرانیان در دانش جهانی

| وضعیت همکاری بین‌المللی و نیز استناد به مقالات علمی ایرانیان در بازه زمانی ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۷ |   |  |
|---|---|--|
| ۲۰ درصد   | سهم مقالات با همکاری یک نویسنده بین‌المللی      |  |
| ۴.۴۰۰.۰۰۰ استناد  | تعداد استناد صورت گرفته به مقالات علمی ایرانیان |  |
| ۱۰/۱ استناد   | متوسط استناد به هر مقاله                        |  |
| ۱۴/۳  | تعداد استناد به مقالات با همکار بین‌المللی      |  |
| ۱۹/۳  |   | هر مقاله حداقل با یک همکار بین‌المللی                |
| ۱۷/۵  |   | هر مقاله با نویسنده همکار بین‌المللی و مسئول مکاتبات |
| ۲۱/۱  |   | هر مقاله با همکاری ایرانیان مقیم خارج                |

تهیه شده توسط نویسنده و برگرفته از داده‌های Azadi, et.al, 2019

پوشش دارد و بیش از نیمی از هزار و چند صد نشریه علمی غیر پزشکی و بیش از ۴۰ درصد کل نشریات علمی پزشکی و غیر پزشکی کشور را به خود اختصاص می‌دهد که در جدول ۳ نشان داده شده است.

## ۲. ادبیات تحقیق

### وضع علوم انسانی و اجتماعی در رشد علمی ایران

علوم انسانی و اجتماعی از حیث جمعیت دانشجویی نزدیک به نصف آموزش عالی ایران (بیش از ۴۶٪) را تحت

جدول ۳. تعداد نشریات علمی ثبت شده کشور در وزارتین حسب موضوعات

| دوره انتشار بخشی از نشریات علمی حوزه وزارت عتف |           |           |         | تعداد نشریات | گروه‌های عمده         |
|--|-----------|-----------|---------|--------------|-----------------------|
| فصلنامه  | دوماهنامه | دوفصلنامه | ماهنامه | ۷۳۶          | علوم انسانی و اجتماعی |
|  |           |           |         | ۲۲۲          | فنی و مهندسی          |
|  |           |           |         | ۱۷۸          | کشاورزی و منابع طبیعی |
| ۷۴۲  | ۲۶        | ۴۹۷       | ۱۱      | ۱۴۶          | علوم پایه             |
|  |           |           |         | ۳۹           | هنر و معماری          |
|  |           |           |         | ۱۸           | دامپزشکی              |
|  |           |           |         | ۴۱۵          | علوم پزشکی            |
| ۱۷۵۴   |           |           |         |              | جمع                   |

مأخذ: تهیه شده توسط نویسنده با اخذ اطلاعات از سایت‌های وزارتین «علوم، تحقیقات و فناوری» و «بهداشت و درمان و آموزش پزشکی»،

مرداد ۹۸

آموزش عالی پولی در کشور یک گردش مالی بزرگ را می‌بینیم به طوری که شاید حسب محاسبات دم‌دستی مؤلف بنابر اطلاعات و مطالعات و پیگیری‌های جاری حرفه‌ای‌اش بتوان گفت دانشجویان تحصیلات تکمیلی<sup>۳</sup> ما حداقل سالانه پولی بیش از یک رقم هولناک ۱۰۰۰ میلیارد تومانی برای انجام پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها پرداخت می‌کنند.

طبیعی است که این جریان مالی وسوسه‌برانگیز به علاوه جریان آیین‌نامه‌ای مثل الزام پذیرش مقاله یا چاپ مقاله برای برگزاری جلسه دفاع و نیز تبدیل الگوی تولید مقالات در ایران به مدل مقالات کارخانه‌ای و اتوماسیونی! «دانشجو-استاد» طی سال‌های اخیر، دست به دست هم می‌دادند و به روند غیرکیفی و صوری چاپ مقالات از طریق انواع نشریات رسمی علمی مرتب دامن می‌زدند. این تولیدات انبوه شاید هم گاهی با ترندهای مستقیم و غیرمستقیم نفوذ و فشار همراه بود و احیاناً حتی به نحو سیستماتیک و حتی ناخودآگاه با توسل به شیوه‌های فساد همچون فروش گزارش پایان‌نامه و انتشار مقالات و یا انواع کژکارکردها برای چاپ و انتشارشان نیز همراه می‌شد. بنابراین چگونه می‌توان تنها با خیره شدن به آمار و ارقام فریبنده رشد مقالات در این سرزمین دل خوش بود؟

از سوی دیگر مقالات علوم انسانی و اجتماعی امروز که در نشریات علمی و پژوهشی کشور یا خارج منتشر می‌شوند چندان واجد آن آثار و صفات و خصیصه‌هایی نیستند که در مقالات معیار از اختر تا بخارا طی دو سده گذشته تا به امروز تجربه شده است. آنچه در غالب این مقالات رسمی! کمتر شاهد هستیم خلق معانی و گشودن آفاق معرفتی است. این مقالات چندان نمی‌توانند پرسش‌افکنی بکنند، خیلی نمی‌توانند در انتقال دانش<sup>۴</sup> به زندگی روزمره در

با وجود این به سبب ماهیت رشته‌های حوزه علوم انسانی و اجتماعی و ویژگی‌های خاص از حیث پایین بودن کشش تقاضاهای بازاری و فنی و کارخانه‌ای به آن و دیگر محدودیت‌های سیاستی و آکادمیک بر سر راه آن، کمترین فراوانی در مقالات علمی و کمترین سهم در تولید دانش جهانی را دارا بوده است. در عین حال سهم این علوم نیز در ایران در تولید دانش علوم انسانی و اجتماعی جهان روندی از رشد کمی را طی سال‌های اخیر نشان داده است. با رجوع به درگاه علم<sup>۱</sup> که مؤسسه اطلاعات علمی (ISI) آن را پشتیبانی می‌کرد و اخیراً توسط کلاریویت آنالیتیکز<sup>۲</sup> نگهداری می‌شود، می‌توانیم شاهد نرخ رشد مقالات علوم انسانی و اجتماعی در ایران نیز باشیم؛ به طوری که سهم ایران از دانش انسانی و اجتماعی جهان برحسب انتشارات مقالات و به استناد همان درگاه پیش گفته از حدود ۰/۴ درصد در ۱۳۹۱ به ۰/۷٪ در ۱۳۹۷ افزایش یافته است در جدول شماره ۴ سهم هر یک از حوزه‌های علمی در ایران در دانش جهانی بر حسب انتشار مقالات نشان داده شده است.

جدول ۴. سهم هر یک از حوزه‌های علمی در دانش جهانی بر حسب انتشار مقالات

| سال مآخذ ۲۰۱۸         |                    |
|-----------------------|--------------------|
| موضوع                 | درصد از دانش جهانی |
| کل مقالات             | ۲/۶                |
| علوم فنی و مهندسی     | ۳/۷                |
| کشاورزی و علوم محیطی  | ۲/۷                |
| علوم پایه             | ۲/۶                |
| علوم پزشکی            | ۱/۳                |
| علوم انسانی و اجتماعی | ۰/۷                |

مآخذ: www.clarivate.com

اما آیا می‌توان به این روندهای رشد دل بست؟ به نظر می‌رسد پاسخ منفی است. زیرا از یک سو نوعی سیطره کمیت بر تولید مقاله در ایران را شاهد هستیم بدون آن که آثار کیفیت چندان و بویژه تأثیر اجتماعی خاصی از خود نشان بدهد. از سوی دیگر پس پشت آن با توجه به غلبه

۳. عدد دانشجویان تحصیلات تکمیلی در ایران که در سال ۱۳۹۵ تا مرز یک میلیون نیز نزدیک می‌شد در حال حاضر نیز حدود هشتصد هزار (طبق آخرین آمار گروه پژوهش‌های آمار و انفورماتیک مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی: دقیقاً ۷۹۷۳۶۵ نفر) قرار دارد و در زمان تدوین این مقاله حدود ۳۰۰ هزار دانشجوی تحصیلات تکمیلی عملاً در حال اجرای پایان‌نامه یا رساله خود هستند (گروه پژوهش‌های آمار و انفورماتیک مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۹۸: مرداد ۹۸) (۱۳)

4. Knowledge mobilization (KMb)

1. Web of Science  
2. Clarivate Analytics (Clarivate.com)

## ۲. بحث در یافته‌ها؛ هشت نسل مقالات اصیل علوم انسانی و اجتماعی در ایران

اگر دوره استبداد منور ناصری را آغاز مطبوعات معاصر ایرانی فرض کنیم، تا به امروز که شاهد دوره پسا انقلاب اسلامی هستیم می‌توان ۸ نسل مطبوعات از اختر تا بخارا را به عنوان فضایی برای انتشار مقالات علوم انسانی و اجتماعی در نظر گرفت. در جدول ۵ هر یک از دوره‌ها با نمونه‌ای شاخص از نشریات این هشت نسل برحسب آرشیو مطالعات و یادداشت‌های مؤلف نشان داده شده است [۲ و ۳ و ۱۱].

جامعه عمومی و عرصه‌های اجتماعی فرهنگی و اقتصادی و مدیریتی و کسب و کاری و سیاستی توفیق داشته باشند. به ترویج عمومی علم و بسط آگاهی، یاری اندکی می‌رسانند و چرخه دانش را از مسأله تا نظریه و از نظریه تا عمل و کاربست نظریه تکمیل نمی‌کنند و مهم‌تر از آن این است که به ندرت نیز نقد می‌شوند و کمتر محل گفت‌وگوی علمی قرار می‌گیرند. بدین ترتیب کم و بیش نظاره‌گر آثاری از فرمالیسم علمی و کالایی شدن و حتی پولی شدن و ابزاری شدن در مقالات هستیم.

جدول ۵. هشت نسل جنبش مطبوعاتی در ایران و مقالات اصیل علوم انسانی در آن

| نسل | دوره                | مورد مثال‌های مجلات  | بازه زمانی            |
|-----|---------------------|--|-----------------------|
| ۱   | نسل استبداد منور    | اختر، قانون  | دهه ۱۲۵۰ تا ۱۲۷۰      |
| ۲   | نسل پیشا مشروطه     | تربیت  | ۱۲۷۵ تا ۱۲۸۶          |
| ۳   | نسل پسا مشروطه      | علمی، کاوه، دانشکده، ارمان   | دهه ۱۲۹۰              |
| ۴   | نسل جنبش نوسازی     | فروغ تربیت، ایرانمهر، تعلیم و تربیت، آینده   | دهه ۱۳۰۰ و ۱۳۱۰       |
| ۵   | نسل پس از شهریور ۲۰ | سخن، یادگار، یغما، علم و زندگی، فرهنگ ایران، سپیده فردا، راهنمای کتاب                                      | دهه ۱۳۲۰ تا انقلاب ۵۷ |
| ۶   | نسل پس از انقلاب    | گروه الف) نشر دانش، کیهان فرهنگی، تعلیم و تربیت و فرهنگ گروه ب) ایران‌نامه، آدینه، دنیای سخن، کلک و ارغوان | دهه ۶۰ به بعد         |
| ۷   | نسل جمهوری دوم      | گروه الف) نگاه نو، گفت‌وگو گروه ب) کیان، زنان، ایران فردا، ارغنون، راه نو، آئین                            | دهه ۷۰ و بخشی از ۸۰   |
| ۸   | نسل پسا انقلاب      | گروه الف) بخارا تا نقد و بررسی کتاب گروه ب) مهرنامه، اندیشه پویا   | دهه ۸۰ و ۹۰           |

مأخذ: یافته‌های نویسنده از مرور نشریات مهم کشور طی دو سده گذشته

### نسل ۱. نسل استبداد منور

«اختر» را محمدطاهر تبریزی مشهور به مهدی اختر با نجف علی خویی در سه دهه پیش از مشروطه طی ۱۲۵۵ تا ۱۲۷۵ راه انداختند. به دلیل محدودیت‌های داخل کشور طی دوره ناصری، این نشریه در عثمانی منتشر می‌شد. مقالاتش به تحول‌خواهی ایران دامن زدند و مردم کشور را با آزادی و قانون آشنا ساختند. روشنفکرانی همچون آقاخان کرمانی، یوسف مستشارالدوله و حبیب اصفهانی در اختر، مقاله‌های دوران ساز نوشتند. این همان نشریه‌ای است که حتی یک

چندین سال مرور نظام‌مند مؤلف در این نشریات و تحلیل محتوای مقالات آن [۴] به روشنی نشان می‌دهد که مقاله نوشتن، تجربه‌ای پیشرو در این سرزمین بود و مقالات اصیل علوم انسانی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی مهمی برجای می‌گذاشتند. تحولات یک و نیم قرن گذشته ایران را بدون توجه به محتویات این مقاله‌ها و بازتاب‌ها و آثار اجتماعی آنها نمی‌توان توضیح چندان رضایت‌بخشی داد. در زیر به بخشی از داده‌ها و شواهد هر نسل به دلیل گنجایش محدود مقاله حاضر اشاره مختصری می‌شود:

سطر از مقالاتش آتش به جان مستعدینی مثل رشیدیه در می‌انداخت، «در اروپا از هر هزار تن، ده تن بی‌سوادند و در ایران از هر هزار تن، ده تن با سواد» [۵] در همین دوره باید از «قانون» نیز یاد کرد که ملکم خان از ۱۲۶۷ تا هشت سال انتشار داد و در آغاز کار سیدجمال‌الدین نیز به او یاری می‌رسانید. نویسندگان آن از تحصیلکردگان دارالفنون بودند و مقالاتش در آماده کردن جامعه ایران برای مشروطه‌خواهی بسیار مؤثر شدند.

### نسل ۲. نسل پیشا مشروطه

«مجله تربیت» را محمدحسین فروغی در ۹ سال قبل از مشروطه انتشار داد. از ۱۲۷۵ تا ۱۲۸۶ تعداد ۴۳۴ شماره درآمد. محمدعلی فروغی دستیار پدر بود. این نخستین مجله غیردولتی در ایران به شمار آمده است و زین‌العابدین تقی‌اف از تجار آذربایجان به آن کمک مالی می‌کردند. مقالات این مجله خوانندگان را به عقلانیت سوق می‌دادند و طرح مباحث اجتماعی بدیعی در می‌انداختند. مقالاتی که برای مثال از استعداد علمی مردم ایران و استعداد صنعتی مردم ایران بحث می‌کردند. از جمله تأثیرات این مجله دعوت مردمان به فراگیری علوم و فنون جدید و شرح آثار دانش‌های نوین دنیا و دانشمندان جهان بود. در واقع نخستین مقالات اصیل معاصر در ترویج علم و بیان ساده مباحث علمی را در این مجله می‌بینیم. از این گذشته مقالاتی در همین مجله بود که از فلسفه وجودی و نتایج اجتماعی مجلس شورای ملی برای نمایندگان سخن گفتند، در تاریخ دولت مشروطه تحقیق کردند و سلطنت مشروطه را با سلطنت استبدادی به هم‌سنجی گذاشتند. تربیت چندبار توقیف و رفع توقیف شد ولی فروغی‌های پدر و پسر دست از طلب برنداشتند و کوشیدند ستون آن را ایستگاه‌نگه بدارند. محمدعلی فروغی از پدرش نقل کرده است: «مقدمه می‌چیدم به یک زبانی حالی کنم که کشور قانون لازم دارد» (یغما، ۱۳۳۹: ش ۱۴۲: ۶۶-۵۴).

### نسل ۳. نسل پسا مشروطه

مقالات این نسل، خوراک فکری و معرفتی برای جنبش نوسازی ایران را فراهم آوردند. «مجله علمی» را

موسی شیبانی در ۱۲۹۳ به راه انداخت و نویسندگان و اعضای تحریریه آن بزرگانی چون سهام‌الدین غفاری، محمد مصدق، محمدعلی مافی، فیروز میرزا نصرت‌الدوله، یحیی فراگوزلو و لقمان ادهم بودند. اینان عمدتاً تحصیلکرده‌های فرانسه و سوئیس بودند و بسیاری از آفاق جدید حقوقی و اقتصادی ایران را آنان برای مردم این سرزمین گشودند. «مجله دانشکده» نیز که همان «مجله بهار» است از ۱۲۹۷ توسط محمدتقی بهار به وجود آمد و در واقع معرف افکار انجمن ادبی دانشکده، یا جرگه دانشوران بود. دوازده شماره درآمد. رشید یاسمی در این مجله درباره انقلاب ادبی مطلب می‌نوشت. عباس اقبال تاریخ ادبی تحریر می‌کرد و همینطور دیگر نویسندگان همچون علی‌اصغر حکمت و یوسف اعتصامی، که در امثال نیما اثر می‌گذاشتند.

«کاو» توسط تقی‌زاده در برلین چاپ می‌شد. از ۱۲۹۴ تا ۱۳۰۰. این مجله در آشنایی مردم با تاریخ ایران و پیشینه‌های تمدنی آن نقش داشت. یک چند در جنگ جهانی اول وارد سوگیری‌های سیاسی شد؛ برضد روس و در دفاع از آلمان. ولی بعداً دوباره به روال مباحث علمی ادبی و فرهنگی برگشت. نام‌آورانی چون محمد قزوینی، محمد علی جمال‌زاده و حسین کاظم‌زاده ایرانشهر در آن مقالاتی پر محتوا می‌نوشتند؛ مقالاتی با جذابیت زیاد که واقعاً خواننده و بلکه بلعیده می‌شد و در افکار و اعمال مخاطبان خود اثر می‌گذاشت. «ارمغان» را نیز محمد وحید دستگردی در ۱۲۹۹-۱۲۹۸ به راه انداخت و تا ۱۳۵۷ تعداد ۳۶۰ شماره از آن درآمد. مقالاتی از جمال‌زاده، فروغی، دستگردی، عزت‌الله فولادوند و مرتضی مدرس چهاردهی در ارمغان انتشار می‌یافت و به ادراک خواننده در باب فرهنگ، تاریخ، آموزش و پرورش و زبان‌های ایرانی واقعاً تأثیر می‌گذاشت. یعنی مقالات، حاوی پیام‌های زنده‌ای بودند.

### نسل ۴. نسل جنبش نوسازی

«فروغ تربیت» مجله‌ای پیش‌تاز در نوعی درک بومی از تجددخواهی بود که به ابتکار ابوالحسن فروغی درآمد. همان سه شماره منتشر شده حاوی مقالاتی از برادران فروغی (محمدعلی و ابوالحسن)، عباس اقبال و امثال آنان



شد. این مجله مرهون همت علی‌اصغر حکمت بود و در دوره بعد از وقفه نیز دیگرانی مثل نصرالله فلسفی تا محیط طباطبایی آن را مدیریت کردند. این مجله حاوی دو بخش بود بخشی که اطلاعات رسمی و اداری و قوانین و آمار و اخبار مرتبط با وزارت آموزش و پرورش را در برمی‌گرفت و بخشی دیگر، که مقالات خوبی در زمینه مباحث علمی و تربیتی و تاریخی و ادبی بودند؛ مقالاتی جذاب، اطلاع‌رسان<sup>۱</sup>، تحلیلی، مفهوم‌ساز و روشن‌گر از نویسندگانی همچون رشید یاسمی، عیسی صدیق، عباس اقبال، هلن هس، آندره هس، محمود شیمی، علی دشتی، غلامحسین رهنما، مهدی قلی هدایت مخبرالسلطنه، احمد بدر نصیرالدوله، اسماعیل یکانی، محمدتقی بهار، بهاء‌الدین پازارگاد، محمد محیط طباطبایی، کاظم زاده ایرانشهر، فاطمه سیاح، محمدعلی فروغی، ویلیام هاز، مسعود کیهان، فخر داعی، محمدباقر هوشیار و محمد مشایخی.

«مجله آینده» را نیز محمود افشار یزدی از ۱۳۰۴ در موضوعات فرهنگی، سیاسی، تاریخی و ادبی در آورد. در اثنای کار سال‌هایی به سبب مضامین انتقادی از حکومت وقت، به تعلیق درآمد ولی دوباره از ۱۳۲۳ انتشار یافت. پس از انقلاب از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۲ این مجله فاخر توسط فرزند محمود افشار، ایرج افشار مدیریت شد. مقالات عمیق و پرمحتوا و اثرگذار از فروغی، مصدق، حکمت، قاسم غنی، حسین مکی، رشید یاسمی، مجتبی مینوی، عباس اقبال، اللهیار صالح، فریدون کشاورز و سعید نفیسی در شماره‌های مختلف آینده به چاپ رسید.

## نسل ۵. نسل پس از شهریور ۲۰

«مجله سخن» را جامعه لیسانسه‌های دارالمعلمین عالی از خرداد ۱۳۲۲ به راه انداختند و تا سال ۱۳۵۷ انتشار می‌یافت. سردبیر آن در ابتدا نائل خانلری بود و بعد دیگرانی از همان سنخ اهل فرهنگ عهده‌دار این کار شدند: بیرشک، یارشاطر، ابوالحسن نجفی، رضا سید حسینی و ایرج افشار.

بود که باب‌هایی تازه می‌گشودند و تا به امروز کوشندگانی از آن راه‌ها وارد کنش فکری و اجتماعی می‌شوند. نمونه‌اش مقاله‌ای با عنوان «علوم قدیمه و جدید» از صفحه ۱۰ به بعد شماره اول است که توضیح می‌دهد علوم جدید از طریق گفت‌وگوی خلاق خود با علوم قدیم و سنت‌های فکری این سرزمین می‌توانند بهتر و پایدارتر توسعه پیدا بکنند. ابوالحسن فروغی در این مقاله تحلیل عمیقی از تاریخ فکری و فرهنگی و تاریخ علم به دست می‌دهد، صورت‌های قدیم و جدید در هر علم را مقایسه می‌کند و توضیحی فراهم می‌آورد که اصولاً تحقیقات علمی جدید از طریق فهم و تحلیل گذشته آن علم توسعه پیدا می‌کند.

حسین کاظم‌زاده، «مجله ایرانشهر» را از ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۶ در آورد که وجهه نظر مقالاتش به آموزش، تجدد و علوم جدید بود. همین مجله نیز بود که خوانندگان را با هویت تاریخی ایران آشنا می‌کرد و مقالات کسانی چون محمد قزوینی، رشید یاسمی، ابراهیم پورداوود، رضازاده شفق و عباس اقبال با مقالات پربار خود به مخاطب‌ها نوعی حس تمدنی می‌دادند؛ به همراه شور آموختن و شوق پیشرفت کشور. مورد مثالی از مقالات ایرانشهر، مقاله‌ای است از «اسدالله بیژن» با عنوان «فلسفه پراگماتیسم یا فلسفه عملیت» (شماره ۱۰، شهریور ۱۳۰۴) عبارات او را امروز که می‌خوانیم تازگی دارد و در ما اثر می‌گذارد پس حدود یک قرن پیش انصافاً بدیع و پیشرو بود: «ترقیات آمریکایی‌ها از فلسفه اجتماعی آنهاست: پراگماتیسم. ... صحت و سقم هر ادعا بدون استثنا بسته به امتحان عملی آن است و لازمه هر امتحان این است که محیط عمل آن آزاد باشد... یک جامعه که تنبل است، شائق بی‌سر و صدایی و سکون است، با تغییرات دل‌خوشی ندارد ... آنچه را که در گذشته تصدیق کرده است می‌گزیند. در جاده کوبیده راه می‌رود. به حقایق ثابت تکیه می‌کند...» [۶].

«مجله تعلیم و تربیت» یا «آموزش و پرورش» ابتدا و از فروردین ۱۲۹۸ توسط وزارت معارف در زمان نصیرالدوله با نام مجله اصول تعلیمات به نوعی منعکس‌کننده رسمی اخبار و مسائل و دیدگاه‌های نخبگان پیرامونی وزارت یاد شده بود. بعد از ۱۳۰۴ دوره تازه‌ای از انتشار به خود گرفت. در سال ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۳ به سبب شرایط سیاسی دچار وقفه

۱. برای مثال بنگرید به مقاله‌ای از محمود شیمی در شماره ۳ و ۴، خرداد و تیر ۱۳۰۴، تعلیم و تربیت، صص ۳۷-۴۰ با عنوان «حفظ الصحه اطفال و سنوات تحصیلی» که چگونه در آن زمان از استانداردهای سلامت در مدارس بحث می‌کند.

شاطر به وجود آورد و از ۱۳۳۷ تا ۱۳۵۷ به مدت دو دهه کارکرد مدیر و سردبیرش ایرج افشار بود. دانشوران و متفکرانی چون زرین کوب، مینوی، نفیسی، آرام، بیرشک، پورداوود، جمال‌زاده، صناعی، نصرالله فلسفی، حسین گل‌گلاب، مسعود کیهان، مهدوی، مصاحب، محمود نجم‌آبادی، هشترودی و محیط طباطبایی در این مجله مقالاتی درباره اصلاع و اکناف و عناصر و سطوح مختلف فرهنگ ایرانی داشتند.

نظر مؤلف این است که هریک از این مجلات را اگر بخواهید از آرشیو ملی ایران حذف کنید نه فقط یک مجله بلکه بخش بزرگی از اندیشه و دانش معاصر علوم انسانی و اجتماعی ایران کاسته می‌شود. اینها مقالاتی برای باری به هرجهت نبودند بلکه پیام و بشارت و دلالتی داشتند و طرح معناهای بدیعی می‌انداختند. مجله «یغما» حافظه بزرگ علوم انسانی و اجتماعی در تاریخ معاصر است که توسط حبیب یغمایی خلق شد و از ۱۳۲۷ تا ۱۳۵۷ فعالیت داشت و ۳۶۶ شماره از آن منتشر شد؛ با مقالاتی حاوی تحقیقات اصیل در ادبیات، فرهنگ، اجتماعی، هنر، تاریخ، آموزش و پرورش که تاحد زیادی نیز به سنت‌های ادبی و وفاداری نشان می‌دادند ولی بازهم پویایی‌های معنایی و معرفتی و اندیشه‌های روشنگر و افق‌گشاینده‌ای در آنها می‌بینیم. مقالاتی از جلال همایی، مجتبی مینوی، صناعی، محیط طباطبایی، محمد معین، اسلامی ندوشن، صفی اصفیا، ملک الشعرای بهار، ابراهیم پور داوود، علامه قزوینی، بدیع الزمان فروزانفر، فریدون آدمیت، سعیدی سیرجانی، باستانی پاریزی و خود حبیب یغمایی. نمونه‌اش مقاله آدمیت درباره سه مکتوب میرزا فتحعلی و سه مکتوب و صد خطابه میرزا آقاخان کرمانی بود که بی‌گمان از حیث تاریخ اندیشه معاصر ایران تازگی و بداعت داشت و روشنی تازه‌ای می‌انداخت. یا مقاله‌های ادامه‌داری (از سال ۱۳۴۸) درباره مدرسه دارالفنون از اقبال یغمایی که بسیار تفصیلی بخشی از تاریخ آموزشی و فرهنگی و تاریخ نهادهای آموزشی ایران را برای اولین بار با جزئیات بسیار مفید بازنمایی می‌کرد.

در اینجا یک مورد مثال از این مقالات را از صناعی در شماره ۱۲ سال یغما اسفند ۴۸، شماره پیاپی ۲۵۸ می‌آوریم. صناعی در زمان انتشار مقاله‌اش استاد دانشگاه تهران بود و

مقالاتی در این مجله از کسانی چون هدایت، بزرگ علوی، خود خانلری و بیرشک، محمد معین، محسن هشترودی، زهرا خانلری، عبدالله شیبانی، محمود صناعی، احسان طبری، لطفعلی صورتگر، فواد روحانی، محمد دبیر سیاقی و پرواند آبراهامیان می‌بینیم که ألحق والانصاف امروز نیز به چند بار خواندن‌شان می‌ارزند. امیرحسین آریانپور در هشت مقاله طی سال‌های ۴۰ و ۴۱ آفاق تازه‌ای از جامعه‌شناسی هنر می‌گشود. مقاله‌های علوم انسانی انتقادی در این مجله کم نیستند. نمونه‌اش مقالاتی از احمد بیرشک درباب ضرورت استقلال دانشگاه و مقاله دیگرش در انتقاد از قوانین دانشگاه و بورکراسی دانشگاه بود. مثلاً در مقاله نخست دانشگاه را بسان کشور و سرزمینی دارای نواحی کوچکتر (دانشکده‌ها) با الگوی جمهوری دموکراسی می‌داند که «در انتخاب رئیس و طرز اداره خود آزاد بوده و برجسته‌ترین افراد خود را برای سرپرستی برمی‌گزینند. مجلس شورای این کشور (شورای دانشگاه) بااطلاع کامل به حدود وظایف خود به حل و فصل امور می‌پردازد و از میان برجستگان قوم یک نفر را به ریاست عالی کشور برمی‌گزیند و برای مدت سه سال سرنوشت این جمهوری کوچک را در اختیار این فرد برگزیده می‌گذارد» [سخن، ۱۳۲۲، ش ۱۱: ۵۸۹-۵۹۲]

در همین نسل مجلات دیگری نیز با رویکرد انتقادی می‌بینیم از جمله مجله «علم و زندگی» که خلیل ملکی از دی ماه ۱۳۳۰ در می‌آورد و در دوره‌ای هم نام «نبرد و زندگی» به خود گرفت. تا اسفند ۱۳۴۰ این مجله در می‌آمد و خود ملکی به علاوه دیگرانی مثل آشوری، آل احمد، نادر نادرپور، سیمین دانشور، ضیاء موحد و علی اصغر حاج سید جوادی در آن مقالاتی اثرگذار نوشتند. مجله «فرهنگ ایران» را نیز ایرج افشار از ۱۳۳۱ در آورد و اتفاقاً حتی تا سال‌های بعد از انقلاب (۱۳۸۷) این مجله در مجموع سی شماره منتشر شد. مجله «راهنمای کتاب» را هم احسان یار

۱. نویسنده که دانش‌آموزی در باب دانشگاه‌پژوهی است و بیست و چند سال است در این زمینه مطالعه می‌کند در میان صدها کتاب و مقاله داخل و خارج، چنین عبارتی نغز و عمیق تاکنون از هیچ نویسنده جدی ایرانی یا بین‌المللی در باب استقلال دانشگاه خوانده است.

خرداد ۱۳۲۸ در ۴۳ شماره مقالاتی از محمد قزوینی، منوچهر ستوده، ابوالقاسم سحاب، ریچارد فرای، علی اصغر حکمت و عبدالحسین نوایی در آن چاپ شد. لطف این مقالات آن بود که نکاتی بدیع دربرداشتند و اطلاعاتی به خوانندگان می‌دادند که شگفتی‌شان را برمی‌انگیخت. مقاله‌ای در شماره نخست یادگار به تجربه اقامتی مظفرالدین شاه در پاریس طی سه سفر ۱۹۰۰ و ۱۹۰۲ و ۱۹۰۵ در پنج سال آستانه مشروطه می‌پردازد. مأخذ اصلی اطلاعاتش گزارش‌های گزایه پاولی مسئول پادشاهان میهمان در پاریس است که در کتاب «اعلیحضرت‌ها» انتشار داده بود. در آن زمان مسیوکوری رادیوم را کشف کرده بود. تعریفش را به مظفرالدین شاه می‌کنند که چگونه این کشف، انقلاب بزرگی برپا خواهد ساخت و بدین ترتیب او را به دیدن مسیوکوری ترغیب می‌کنند. از این سو نیز کوری را نیز با انواع توجیحات متقاعد می‌سازند که در حضور شاه ایران آزمایشی بکند. برای این کار میهمانخانه الیزه پالاس را انتخاب می‌کنند و لازم بود اتاق آزمایش تاریک شود. تا مسیوکوری اتاق را خاموش می‌کند تا عملکرد رادیوم را نشان دهد شاه می‌ترسد و نعره‌ای می‌کشد و سر و صدا بلند می‌شود. چراغ‌ها را روشن می‌کنند و کوری به قهر صحنه را ترک می‌کند. این مقاله پس افتادگی نخبگان حاکم ایرانی را از آفاق آن زمانه به نحو مؤثری بازنمایی می‌کند (یادگار، ۱۳۲۳، ش ۱). عبدالحسین نوایی نیز در مقاله‌ای با عنوان «فرمان تدریس نظامیه نیشابور» (یادگار، ۱۳۲۳، ش ۶: ۳۲-۴۳). اطلاعات روشنگری درباره ساخت مذهبی حاکم بر مدارس نظامیه و تأثیر آن بر کژکاردهای این مشهورترین نهاد آموزشی در تاریخ ما به دست می‌دهد.

### نسل ۶. نسل پس از انقلاب

مقالات اصیل علوم انسانی و اجتماعی ریشه در آب داشتند و به رغم همه فراز و نشیب جاده پریپیچ و خم و ناهموار تاریخ معاصر ما توانستند نسل به نسل در هر شرایطی به راه خود در آفرینش معنا و تفکر و آگاهی و نقد و روشنگری و کمک به بهبود اوضاع و ارتقای شرایط زندگی در این سرزمین و تقلیل مرارت‌های انسانی و

یکی از شاخص‌های اصلی کیفیت آموزش دانشگاهی را «آموختن زبان علم جهانی» می‌داند و بر آن تأکید می‌کند. «دانشجوی علوم جدید قبل از ورود به دانشگاه باید یک یا دو زبان علمی جدید دنیا راه بیاموزد به حدی که دانشجوی بی اشکال همه کتب و مجلات علمی را بدان زبان بخواند و بتواند منظور خود را بدان بیان کند». بعد به آموزش و پرورش ایراد می‌گیرد و می‌گوید در سوئد و فنلاند و دانمارک و نروژ و هلند دانش‌آموزان در دبیرستان یکی دو مورد از زبان انگلیسی و فرانسه یا آلمانی را نیز می‌آموزند. از خطر بدفهمی ناسیونالیسم ایرانی می‌گوید. بعد از ضرورت آمدن استادان خارجی به ایران و تدریس در دانشگاه‌ها بحث می‌کند. می‌گوید راه اصلاح دانشگاه از اصلاح آموزش و پرورش می‌گذرد. سپس پیشنهاد می‌کند که یک دوره کوتاه کالج قبل از دوره لیسانس دانشگاه بین دبیرستان و دانشگاه وجود داشته باشد برای تقویت زبان خارجی و نیز چند درس پایه حسب رشته‌ها. آنگاه اکتشاف مهمی دارد: سیستم تعلیماتی کالج آمریکا را نمی‌توان بر تعلیمات متوسطه‌ای پیوند زد که اصول آن از برنامه فرانسوی گرفته شد. دانشجوی دانشگاه باید از سال اول، مجلات علمی و فنی جهانی را به زبان خارجی بخواند. استادان باید ارزیابی شوند که آیا علم یاد می‌دهند یا شبه علم. هشدار می‌دهد نسبت به اینکه هر کس به دانشگاه بیاید و مدرکی بگیرد بدون توجه به اینکه چه کرده و چه آموخته است [۷].

و اما «سپیده فردا» که پایه آن از سال ۱۳۳۲ در دانشسرای عالی توسط آذر رهنما به راهنمایی محمد باقر هوشیار گذاشته شد، تا ۱۳۴۲ انتشار یافت؛ مقالاتش در حقیقت گفتمان «کودک ایرانی» را به جریان انداخت. می‌شود گفت که کودک در تاریخ معاصر ما با این مقالات بود که کودک شد. مقالات این مجله دریچه‌هایی به سوی عالم کودکی، ادبیات کودکان به روی خوانندگان ایرانی می‌گشودند، تعلیم و تربیت مدرن کودک را تبیین می‌کردند و باب تازه‌ای در روان‌شناسی پرورشی و اجتماعی باز می‌کردند.

از دیگر مجلات نسل پنجم، «یادگار» است که عباس اقبال آشتیانی آن را از شهریور ۱۳۲۳ تأسیس کرد و تا

«نشر دانش» توسط مرکز نشر دانشگاهی و احمد سمیعی گیلانی در حوزه علوم انسانی و میان‌رشته‌ای به وجود آمد و از ۱۳۵۹ تا ۱۳۸۴ کار کرد. نویسندگان آن کسانی چون نصرالله پورجوادی، کامران فانی، خرمشاهی، حسین معصومی همدانی، محمد خوانساری، مرتضی مطهری، عبدالکریم سروش، محمدعلی اسلامی ندوشن، نوش‌آفرین انصاری، ابوالحسن نجفی، علی محمد کاردان، سیروس پرهام، رضا داوری، مهدی محقق، ماشاءالله آجودانی، فتح‌الله مجتبیایی و علی بلوک‌باشی بود. این مقالات همه حاوی دلالت و معنا و پیام‌هایی رای خواننده می‌شدند. مخاطبان از خواندن آنها نه احساس ملال داشتند و نه حس تصنع به آنها دست می‌داد. مقالات اصیلی بودند و افقی می‌گشودند و پرسشی در می‌انداختند یا اطلاعات تازه‌ای به دست می‌دادند. برای مثال فتح‌الله مجتبیایی در مقاله «اصل اخذ و اقتباس در نقل مفاهیم علمی» یعنی همزمان با انقلاب فرهنگی در ایران، انقلاب فرهنگی چین را به‌طور جد مورد نقادی قرار می‌دهد که چگونه اصلاحات علمی و فرهنگی دوره جمهوری ملی شکست خورد، حزب کمونیست غلبه یافت و آنگاه انقلاب فرهنگی به بسته شدن دانشگاه‌ها انجامید. استادان و محققان از کار برکنار شدند و دانشجویان به روستاها اعزام شدند و سپاه‌های خلقی تشکیل شد. پس از بازگشایی نیز شرایط پذیرش دانشجویان موقوف به آزمایش‌های حزبی شد «آنچه در چین گذشته... از تجربه‌های بزرگ تاریخ است» [۱۰] چینی بعد از مائو یک باره با جمعیتی بزرگ در آن سرزمین مواجه شد و نخبگان از سر ناچاری راه واقع‌گرایی در پیش گرفتند.

معصومی همدانی نیز در مقاله‌اش با این فرض رایج کلنجار می‌رود که یگانه زبان علمی جهان اسلام در دوره تمدنی گذشته زبان عربی بود. این مقاله به ما توضیح می‌دهد که دانشمندان ایرانی آثاری به فارسی نیز داشتند از خوارزمی تا بیرونی و ابن‌سینا، زیج‌هایی که به فارسی نوشته شدند و کتاب‌هایی مثل کیهان‌شناخت و جهان‌دانش و بقیه. در عین حال روشنی تازه‌ای در این مقاله بر مباحث تاریخ علم در ایران افکنده شده است. نویسنده درباره تاریخ علم بحث می‌کند و دو نسخه از آن را از هم متمایز می‌سازد: تاریخ گذشته علم و تاریخ علم گذشته. از سوی

اجتماعی ادامه بدهند چه در دوره‌های استبداد، چه بحران تحولات پیش از مشروطه یا پس از آن، حتی با وجود هر نوع مشکلات که از درون مانند قحطی، ناامنی، منازعات و خودکامگی، و از بیرون مانند تجاوز نیروهای بیگانه، همچنان شاهد انتشار مقالاتی پرمحتوا و مفید و اثرگذار در نشریات هستیم. در بعد از انقلاب نیز از «کتاب جمعه»<sup>۱</sup> تا به امروز مقالات اصیل طی سه نسل از دوره‌های بست و گشاد تحولات در کشور همچنان نفس نفس می‌کردند. برخی از این مقالات توسط نویسندگان ایرانی در خارج از کشور و بخش اعظمی نیز حتی در داخل کشور منتشر می‌شدند. مقالاتی که خواننده و استناد می‌شدند، شعله آگاهی را روشن نگه می‌داشتند و نقش مهمی در فرهنگ و جامعه و زندگی و تغییرات اجتماعی و حل مسائل ایرانی و ترویج دانش و خردورزی جمعی ایفا می‌کردند.

«ایران‌نامه» از ۱۳۶۱ توسط بنیاد مطالعات ایران دانشگاه تورنتو به وجود آمده و تا دهه ۹۰ انتشار یافته است. در این مجله از پژوهشگران، نویسندگان و صاحب‌نظران ایرانی و خارجی مقالات بسیار بدیع و پرمحتوا و اصیل می‌بینیم. محمد توکلی طرقي مدیریت آن را برعهده داشت و کسانی همچون تورج اتابکی، عباس امانت و آصف بیات اعضای هیأت تحریریه‌اش بودند. ویژگی این مقالات آن است که به هرچیز دست گذاشته‌اند فکر بکر و حرف‌های تازه‌ای به دست داده‌اند، حال چه محمود صناعی آن‌گاه که به تحلیل ایام حیات و افکار و احوال سعدی می‌پردازد [۷] و مقاله‌اش الگویی برای نقد تاریخی و توضیح یک شخصیت ادبی ارائه می‌کند و چه وحید طلوعی آن‌گاه که در مقاله «پیشا تاریخ جامعه‌شناسی در ایران» به نقد و بررسی فرض‌های متعارف و رایج علوم اجتماعی اهتمام می‌کند و با شواهد فراوان توضیح می‌دهد که چگونه بینش جامعه‌شناسی قبل از دانش رسمی جامعه‌شناسی در تاریخ معاصر ایرانی از طریق کنش اجتماعی و در مطبوعات مشروطه و حتی قبل از آن در اصلاحات دوره ناصری شکل گرفته است [۹ و ۱۲].

۱. کتاب جمعه توسط احمد شاملو از مرداد ۵۸ درآمد و ادامه کارنامه مطبوعاتی او طی چهار دهه بود در خوشه و کتاب هفته. مقالاتی که در اینها انتشار می‌یافتند و خوانده می‌شدند از جمله عوامل افق‌گشایی و رشد شعر نو و شعر اجتماعی در ایران شدند.

استناد می‌شدند از کسانی چون آوینی، هانری کربن، اعوانی، داوری، مجتبابی، محمد مجتهد شبستری، چیتیک، حسین نصر و تکمیل همایون.

یکی از مجلات بسیار اثرگذار این دوره که در حاشیه دولت توسط برخی عملکردهای مرزی، طی دوره مسؤولیت محمد خاتمی در کیهان و از سال ۱۳۶۳ به وجود آمد و کارنامه موفقی از خود در تاریخ فکری و فرهنگی ایران گذاشت، کیهان فرهنگی بود. گردانندگان آن سید کمال حاج سید جواد، مصطفی رخصت و حسن منتظر قائم بود که از آغاز بنای خود را صریحاً بر وصل به جای فصل، جذب به جای دفع و اتخاذ شیوه سعه صدر و قبول واقعیت تفاوت و تنوع افکار و ضرورت وجود انتقاد در مسائل فکری و فرهنگی گذاشتند و گفتند: «ما باید دوران گذاری را طی کنیم... تردیدی نیست که سلیقه‌ها و اتخاذ شیوه‌ها مختلف است و نقطه‌نظرهای متفاوت در زمینه‌های گوناگون فرهنگی وجود خواهد داشت... دیدگاه‌ها باید در محیطی سرشار از تفاهم مطرح و نقادی شود» (کیهان فرهنگی، شماره ۲). کیهان فرهنگی الگوی تازه و آزاد منشانه و تنوع‌پذیر و نوگرایانه‌ای از فعالیت فرهنگی مطبوعاتی عرضه کرد، به سراغ بزرگانی از فرهنگ رفت مثل جعفر شهیدی (ش ۱)، محمدحسین شهریار (ش ۲)، عبدالجواد فلاطوری (ش ۳)، احمد آرام (ش ۴)، محیط طباطبایی (ش ۱۰)، محمدتقی مدرس رضوی (ش ۸)، محمدتقی شریعتی (ش ۱۱)، محمدتقی جعفری (ش ۷)، ابوالقاسم گرجی (ش ۱۲). شاید برای اولین بار در بعد از انقلاب اسلامی بود که در سومین شماره کیهان فرهنگی (خرداد ۶۳) موضوع ضرورت «گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها» و مشکلات و موانع و تنگناهای آن، از زبان عبدالجواد فلاطوری در مقاله‌ای با عنوان «ضرورت تبادل و کلید تفاهم فرهنگ‌ها» به میان آمد. فلاطوری در این مقاله از ضرورت داد و ستد آگاهانه میان فرهنگ‌های شرق و غرب، سخن گفته و ابراز تأسف کرده که چه‌سان در میان فرهنگ‌ها از جمله اسلام و مسیحیت و شرق و غرب، «مشکل تفهیم و تفهم در بحث و گفت‌وگو» به صورت یک غامضه درآمده است (کیهان فرهنگی، ۱۶/۳). در کیهان فرهنگی مقالاتی پرتأثیر درج می‌شد از نویسندگانی چون عبدالکریم سروش، محمد

دیگر بحث نوآورانه‌ای دارد که به جز مواردی مثل علم جبر خوارزمی تا خیام و نورشناسی ابن‌هیثم یا کارهایی از بیرونی، بقیه کارهای علمی در تاریخ ما از نوع علم متعارف بودند و درون پارادایم علمی زمانه خویش بودند و به ندرت پرسش‌های بنیادی و انقلاب‌های علمی در می‌انداختند. کارهایی عمدتاً در حل مشکلات جزئی و موضعی جهان علم در چهارچوب‌های پارادایمی بودند. پس اگر تاریخ‌نگاری انقلابی علم بر ما غلبه کند شاید نتوانیم تاریخ‌نگار علم خوبی در باب سیر تاریخی علم در ایران باشیم [۱۱].

همان طور که در جدول ۵ دیدیم، نسل ششم مجلات پس از انقلاب در دو مسیر منتشر می‌شدند؛ نخست مطبوعاتی که در اطراف نهادهای رسمی یا توسط آنها به وجود می‌آمدند و در عین حال نقش علمی مهمی در اشاعه آگاهی و ترویج علوم و دانش در جامعه ایران داشتند و دوم مطبوعاتی که در بیرون از دستگاه‌های دولتی منتشر می‌شدند و استقلال نظر و فرصت روشنگری بیشتری در آنها می‌بینیم. در بالا «نشر دانش» نمونه‌ای از سنخ نخست و «ایران‌نامه» از سنخ دوم بودند. به سنخ اول می‌توان مثال‌هایی دیگر همچون کیهان فرهنگی، تعلیم و تربیت و نامه فرهنگ را افزود و به سنخ دوم نیز نمونه‌هایی مانند آدینه، دنیای سخن، کلک و ارغوان.

«تعلیم و تربیت» خود را ادامه همان مجله تعلیم و تربیت یا آموزش و پرورش دوره قبل از انقلاب می‌دید و از ۱۳۶۴ توسط آموزش و پرورش‌های پس از انقلاب دوباره شروع به فعالیت کرد تا به امروز. در آن مقالاتی با محتوا می‌بینیم از غلامحسین شکوهی تا حداد عادل، افروز، صافی، علی اکبر فرهنگی، علی علاقه‌بند، علی دلاور، محمدعباس‌زادگان، حسین لطف‌آبادی و کسانی همچون زهرا گویا، عبدالحسین نفیسی، عزت‌الله فولادوند، محمود مهرمحمدی، علی‌اکبر سیف و نادر سلسبیلی در هیئت تحریریه این مجله بودند. «نامه فرهنگ» نیز از پاییز ۶۹ تا ۱۳۸۴ در حوزه معاونت بین‌الملل وزارت ارشاد به مدیرمسئولی محمد علی ابطحی و سردبیری هادی خانیکی (و از ۱۳۷۱ رضا داوری) کار کرده است. در آن مقالاتی عهده‌دار مباحث فرهنگی، دینی و فلسفی بودند و خواننده و

جنس مجسمه اصلی فرق دارد و کاملاً مشخص است که در مجسمه دستکاری شده است...» (همان). در مقاله شماره ۱۳ مجله (۲۰ خرداد ۶۶) از ضعف نیروی علمی دانشگاه‌ها و افت کیفیت تحصیلی در آنها انتقاد شد (آدینه، ۶/۱۳). شماره خرداد ۷۱ آدینه بحث کرد که «در جامعه بدون مطبوعات؛ اندیشمندان و کارشناسان و متفکران رشته‌های گوناگونی - حتی علوم تجربی - فکر نمی‌کنند، نظریه جدیدی ارائه نمی‌شود، در دانشگاه‌هایی که در راستای نیازهای برنامه‌های توسعه گسترش داده‌ایم دانشجویانی درس می‌خوانند که بر اثر بی‌اطلاعی از جهان و نظریات گوناگون به رغم استعدادهای خوبی که دارند انسان‌هایی بدون شعور اجتماعی و فرهنگی، بدون قدرت نقد و انتقاد و بی‌بهره از ذهنیت علمی بار می‌آیند. مدیریت نهادهای اقتصادی و اجتماعی را انسان‌های تک بعد بر عهده می‌گیرند».

«دنیای سخن» نیز به دست شمس‌الدین صولتی دهکردی از نیمه دهه ۶۰ به راه افتاد با مقالاتی از ابراهیم گلستان، نراقی، یارشاطر، فصیح، ورجاوند، جلال ستاری، جواد مجابی، ضیاء موحد، کیارستمی، زرین کوب، دستغیب، سعیدی سیرجانی، علی برزگر، عنایت‌الله رضا، مشیری، ندوشن، اخوان ثالث، ابتهاج، گلشیری و خیلی از نویسندگان دیگر که در مقالاتشان حرفی برای گفتن داشتند. نمونه‌اش مقاله‌ای از جواد مجابی (آبان ۶۶): «مسائلی چون فقر و ناداری عمومی، بی‌سوادی فراگیر و بحران‌های پیاپی سیاسی از موانع عمده موفقیت فعالیت‌های اهل قلم و فرهنگ است. علاوه بر این، آفرینشگری فکر و فرهنگ و هنر را نیز مانع می‌شده است. صور اسرافیل را برای چه طناب انداختند، عشقی را برای چه ترور کردند، دهان فرخی را برای چه دوختند، چرا آل احمد دق مرگ شد، چرا هدایت خودکشی کرد، چرا شریعتی در غربت جان باخت، تو می‌دیدید که زندگی دهخدا، نیما، پورداود و مانند آن هر روزش از نظر تحمل شرایط حاکم دشوارتر از مرگ بوده است» (دنیای سخن، ۵/۱۳). در مقاله‌ای در شماره آبان و آذر ۷۰ تحت عنوان «بازگشت به حیات گلبول‌های دفاعی» راه مقابله با هجوم فرهنگی نه سیاست ممنوعیت بلکه سیاست مصونیت دانسته می‌شود. چنگیز پهلوان در مقاله

مجتهد شبستری، حسن حبیبی، بهاء‌الدین خرمشاهی، محمد مسجد جامعی، کیومرث صابری، علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، محمدمهدی جعفری، نصرالله پورجوادی، محمد ترکمان، رضا رئیسی طوسی، محسن مخملباف، حسین رزمجو و حتی احسان طبری. یک نمونه‌اش قبض و بسط شریعت بود که افق تازه‌ای از معرفت‌شناسی دینی گشود و گفتمان ساز شد. کیهان فرهنگی منعکس‌کننده مهم‌ترین چالش‌های فکری و فرهنگی در آن دوره بود که نمونه‌اش مقاله «دین و عقل» مجتهد شبستری بود. این مقالات علوم انسانی تأثیر بزرگی در گفتمان‌های فکری و اجتماعی ما و تحولات اجتماعی ایران معاصر برجای گذاشتند.

اما در ضلع دیگر از مطبوعات مستقل این دوره که اندکی قبل‌تر نمونه «ایران‌نامه» را آوردیم شاهد مجلات دیگری مثل آدینه، دنیای سخن، کلک و ارغوان بودیم با مقالات روشنگر بیشتر در اشاعه آگاهی و ترویج فکر تغییر و توسعه با تأثیرات اجتماعی و فرهنگی بسیار بارز. آدینه توسط غلامحسین ذاکری از پاییز ۶۴ (۱۵ آذر) به صورت دو هفته یکبار منتشر شد با مقالاتی فاخر و پر تأثیر از نویسندگانی همچون نراقی، شاملو، انور خامه‌ای، افشار، بزرگ علوی، خانلری، پهلوان، براهنی، علی‌نژاد، سیمین بهبهانی، شهین خوارزمی، علی اکبر ترابی، دهباشی، عنایت‌الله رضا، سرکوهی، رئیس دانا، کاظم کردوانی، محمدرضا باطنی، محمدرضا درویشی، سپانلو، دولت‌آبادی، فرهادپور، مصطفی رحیمی، گلشیری و بقیه. در مقاله‌ای نقد سینمای ایران را می‌بینیم (شماره اول آدینه، آذر ۶۴)، همچنین در مقاله‌ای دیگر: «زن در سینمای ایران، موجودی حاشیه‌ای، منفعل، غصه‌خور، اشک‌ریز، ملتسم و توسری خور نشان داده می‌شود» (آدینه، اسفند ۶۴). مقاله‌ای دیگر در باب هویت شهرنشینی و معماری ایرانی «در سال‌های اخیر مجسمه بسیار بود که در توفان‌های سیاسی از میان رفت، در تهران چند تایی باقی ماند ... مجسمه زن و مرد کشاورز را داریوش صنیع‌زاده طراحی کرده ... جلو کاخ کشاورزی در خیابان بولوار... به جلو موزه هنرهای معاصر انتقال یافت... نخست چندی بر روی آن برزنت کشیده شد سپس زن کشاورز را به روسری ملبس کردند و به پای آن شلوار پوشاندند. جنس این روسری و شلوار که از ورقه‌های فلزی ساخته شد کاملاً با

ثقفی، منصوره کاویانی، مرتضی ممیز، منوچهر آتشی، مریم حیدری، مهرداد بهار، مسعود برزین و هوشنگ ابتهج نشان می‌دهد که مقاله اصیل و نافذ و اثربخش علوم انسانی و اجتماعی که می‌گوییم چه معنایی دارد.

در شماره ۱۶ کلک؛ چنگیز پهلوان در مقاله‌ای با عنوان «گفتارهایی درباره سیاست و توسعه فرهنگی» به بررسی و تحلیل انتقادی نسبت میان ایدئولوژی سیاسی و فرهنگ و جامعه دست می‌زند و در باب نوعی روشنفکری و عملکرد دانشگاهی به ملاحظه می‌نشیند که «در برابر تغییر در ساخت کشاورزی سنتی ایران می‌کرد و از حفظ روستاها و شیوه‌های کشاورزی قدیم سخت به دفاع برمی‌خاست. قنات که نوعی نماد رمانتیک کشاورزی ایران شده بود و در بسیاری از جاها عملاً دیگر نقشی نداشت چنان ستوده می‌شد که هنوز به عنوان تنها راه نجات از بی‌آبی عرفی می‌گشت... ما می‌خواهیم نشان دهیم که گاه کسانی حتی اگر نیت خیر داشته باشند ممکن است به آسانی به سبب غم و اندوه مبهمی که در دلشان برای گذشته و سنت جای می‌گیرد به دام اندیشه‌ها و عنصرهای واپس‌مانده تاریخی بیفتند» (کلک، تیر ۱۳۷۰ همان، ۲۰). مقاله‌ای هم در شماره ۸۴ آمده است و چنین می‌نویسد: «مقام مطبوعات در کشور ما ناشناخته مانده است... صاحب‌نظران، قوای حکومتی را پنج - نه سه - می‌دانند و به استقلال این پنج قوه یعنی مقننه، مجریه، قضائیه، آموزش و پرورش و رسانه‌های جمعی معتقدند. {نتیجه} عدم توجه کافی به استقلال مطبوعات... کاهش مقام مطبوعات در جامعه و نزول کیفی آنها بوده است. علت فوق یکی از علت‌های افسردگی مطبوعات در کشور ماست» (کلک، ۵/۸۴). ارغوان نیز از آذر ۶۹ با صاحب امتیازی و مدیر مسؤلی محسن سید عباسی منتشر شد با مقالاتی پرسش افکن مثلاً اینکه «خودسانسوری - رایج‌ترین نوع نگاه به آثار نوشتاری است» (ارغوان، ۱۳۶۹، ش ۱: ۴).

## نسل ۷. نسل جمهوری دوم

در این دوره نیز مثل دوره پیشین، مطبوعاتی در پیرامونی نزدیک یا دور دولت یا مستقل از آن عهده‌دار انتشار مقالات مهم علوم انسانی و اجتماعی ایران معاصر

آبان ماه ۷۰ با عنوان «توسعه فرهنگی در آسیا» می‌نویسد کشورهای آسیایی هنگامی می‌توانند مؤثر واقع شوند که تفسیر و ترکیب درستی از نو و کهن، از تداوم و تغییر ارائه بدهند (دنیای سخن، ۱۳۷۰: ش ۲۶/۴۵-۳۰).

از جمله کنشگران برجسته در این نسل و بعد از آن علی دهباشی است. از کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برخاسته بود، با علی اصغر حاج سید جوادی همراه شده بود و سردبیری‌اش را نیز با ماهنامه کلک از ۱۳۶۹ آغاز کرد. کلک یکی از نخستین مجلات بعد از انقلاب بود که به صاحب امتیازی و مدیر مسؤلی کسری حاج سید جوادی به میان آمد و در آن طیف متفاوتی از مقالات علوم انسانی و فرهنگی و اجتماعی منتشر شد با نویسندگانی چون بیضایی، پاریزی، آشوری و خیلی‌های دیگر از این تبار. این مقالات در حوزه‌های تحقیقات فرهنگی و هنر، و دانش و تمدن ایرانی افق‌گشایی می‌کردند و آگاهی‌های اثرگذاری برای جامعه فراهم می‌آوردند: «در کلک هیچ اندیشه و برداشتی غریبه و نامحرم نیست و هیچ پژوهنده و نویسنده‌ای ناگزیر نمی‌شود که پیش از چاپ نوشته‌اش به اصطلاح موضع خود را روشن! کند... نگران حذف و دگرگونی و مسئله‌شدگی گفتار خویش باشد» (کلک، ۸/۲۷). نگاهی به مقالاتی از آیدین آغداشلو، سید ابوالقاسم انجوی شیرازی، احمد اشرف، نصر، بیرشک، سیروس طاهباز، احمد تفضلی، سیمین بهبهانی، امیرحسین چهل‌تن، شاهرخ مسکوب، آریانپور، عباس میلانی، انورخامه‌ای، زرین کوب، ایرج افشار، فولادوند، بابک احمدی، عطاءالله مهاجرانی، باقر پرهام، علی‌اکبر مهدی، بزرگ علوی، علی حصوری، خرمشاهی، دشتی، بهرام بیضایی، علی دهباشی، ورجاوند، فرهنگ رجایی، جلال ستاری، فریدون آدمیت، جلیل دوستخواه، فریدون مشیری، جمشید بهنام، کامران فانی، چنگیز پهلوان، کاوه بیات، حسن کامشاد، کریم امامی، حمید عضدانلو، باستانی پاریزی، خسرو ناقد، محمد اصلانی، آشوری، محمد افتخاری، جهانگللو، محمدامین ریاحی، براهنی، محمد پوینده، رضا ثقفی، محمد حقوقی، رضا سید حسینی، باطنی، سهیلا شهبهانی، محمدعلی موحد، همایون کاتوزیان، رحیمی، محمود عنایت، م.ع. سپانلو، مراد

دمکراتیک سقراط و محکومیت او به اعدام تولید کرده است. اما ما به جز موارد نادر مثل ابن خلدون که برای مقابله با انحطاط، علم نوین را تأسیس کرد، غالباً دچار زوال فکری و نگون بختی و جدال بودیم. غربی‌ها درباره انحطاط رم کار کردند ما چه؟ درباره انحطاط ساسانی و یا سقوط صفویه چه کردیم؟ (راه نو، خرداد ۱۳۷۷). «آیین» از ۱۳۸۲ در آمد با مقالاتی که گروه‌های هدفی از خوانندگان را بر سر مباحث مورد نظرشان با خود می‌کشید و «ارغنون» نیز تحت حمایت احمد مسجد جامعی از بهار ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۳ کار می‌کرد بعد متوقف شد و دوباره از ۱۳۹۳ ادامه یافت. مقالات نویسندگانی چون اباذری و فرهادپور در ارغنون از یکسو باب‌های تازه‌ای از دانش فرهنگی و فلسفی با رویکرد انتقادی به روی خوانندگان می‌گشودند و از سوی دیگر جستارگشایی‌های مهمی انجام می‌دادند مثلاً در باب جهانی‌شدن، روانکاوی، زندگی روزمره، نظریه سیستم‌ها، فلسفه اخلاق، عقلانیت و نقد ادبی و مانند آن. هر یک از این پرونده‌ها امروز نیز قابل خواندن اند.

از دیگر مجلات این دوره «نگاه نو» بود که از مهر ۱۳۷۰ به صاحب امتیازی و مدیر مسئولی محمدتقی بانکی و زیر نظر شورای نویسندگان به دبیری خشایار دیهیمی به صورت ماهنامه منتشر شد با مقالاتی اصیل از امثال آذرنگ، خرمشاهی، کامشاد، فولادوند، آشوری، کاوه بیات، محمدرضا نیکفر، رحیمی، مرتضی ثاقب‌فر و دیگر نویسندگان مطرح. مثلاً نیکفر پژوهشگر ایرانی مقیم آلمان (کلن) در مقاله‌ای با عنوان «دکارت در قبیله ما» که در شماره مرداد ۷۵ نگاه نو به چاپ رسید، از دکارت به عنوان یکی از نمایندگان دوران جدید یاد کرد که معرف نوعی «اصالت فرد» جدید اروپایی است. یک فرد تا آنجا اصالت دارد که به هستی همه چیز شک می‌کند، فردی که پرسشگری پیش می‌گیرد، همه چیز را از نو می‌سندد، اندیشه می‌ورزد، دانش تولید می‌کند. نیکفر از مهم‌ترین مبادی و جای پاهای دوران جدید را همین فردیت می‌داند که در ساختار قبیله‌ای رشد نمی‌کند زیرا ساختار قبیله‌ای - عشیره‌ای، ساختاری جمع‌گراست و در آن فرد پایمال می‌شود. در حالی که هم اندیشه و هم دانش و هم آزادی و خلاقیت و شک و انتقاد، ثمره فردیت آدمی است. این است که نویسنده نتیجه می‌گیرد که در قبیله ما، جایی برای دکارت نیست (نگاه نو، ۲۹/۲۱-۲۱).

شدند و در کار مواجهه خلاق اندیشه و دانش انسانی با مسائل واقعی این جامعه تاحد زیادی توفیق و اثربخشی داشتند. نشریاتی مثل کیان، زنان، ایران فردا، ارغنون، راه نو، آئین، نگاه نو، گفت‌وگو. در «کیان» از آبان ماه سال ۷۰ مقالاتی منتشر شد که خوانندگانی در هر گوشه کشور روزها و هفته‌ها برای خواندنش انتظار می‌کشیدند. مقالات نوعاً با ماجراهای ذهنی مخاطبان و مجادلات مهم گفتمانی در حوزه‌های معرفت و اندیشه و دانش انسانی درگیر می‌شدند و اثرگذاری فکری و فرهنگی و اجتماعی و بازتاب جدی داشتند و به بحث و گفت‌وگو دامن می‌زدند. از کسانی چون سروش، ابوالحسن نجفی، احمد صدری، احمد نراقی، مقصود فراس‌تخواه، خرمشاهی، عبدالکریمی، جواد طباطبایی، پهلوان، شایگان، جهانگل، سیدمحمد مهدی جعفری، رخ‌صفت، علیرضا ذکاوتی قراگزلو، علی‌رضا قلی، غلامعباس توسلی، محمدجواد غلامرضا کاشی، مجتهد شبستری، محمود صدری، مراد فرهادپور، مرتضی اسعدی، مرتضی مردی‌ها، مرتضی ممیز، هادی خانیکی، یوسف اباذری. «زنان» نیز در کنار کیان، مباحث و مطالعات زنان در ایران را دنبال کرد با مدیریت شهلا شرکت از بهمن سال ۱۳۷۰ تا دی ۱۳۸۶. ایران فردا هم از سال ۷۱ توسط عزت سحابی در آمد با مقالاتی حرف‌دار و انتقادی در حوزه مسائل ایران مانند اشاعه الگوی توسعه اقتصادی غیر سرمایه‌داری و راهبردهای سرزمینی.

«راه نو» از اردیبهشت ۷۷ به محل انتشار مقالاتی در حوزه علوم اجتماعی انتقادی بدل شد. مثلاً هادی خانیکی با اشاره به جامعه جوان، آزادی‌گرا، عدالتخواه، پرسشگر، منتقد، آرمان‌گرا و نوگرای فعلی ایران بر به رسمیت شناخته شدن این ویژگی‌ها و درک آنها و اتخاذ روش‌های دمکراتیک تأکید کرد و از جمله برداشتی معقول از اسلامی شدن دانشگاه‌ها را توضیح داد (راه نو، ۱۸/۱۰-۲۱). جواد طباطبایی مسأله اصلی ایران را چالش سنت و تجدد می‌داند و نه پسانوگرایی (پست مدرنیسم). پست مدرن یک جریان زنده در غرب است و در ایران صرفاً جنبه تقلیدی دارد. وقتی ما نمی‌دانیم دکارت، کانت، هگل، نیچه و هوسرل چه گفته‌اند، چگونه یکباره به هایدگر می‌پریم. اندیشه غربی از آغاز آن در یونان تا کنون از مواجهه خلاق فکری با بحران‌های خود بود که بالیده است؛ مثلاً افلاطون کتاب جمهور را در مواجهه با بحران دمکراسی آنن و محاکمه



ابهام رفت و انقلابیون نیز هویت ملی را در چهارچوب امت اسلامی دیدند.

نسل ۸ با توجه به نزدیک بودنش به زمان تدوین مقاله حاضر و آشنایی بیشتر خوانندگان نیازی به توضیح در این گنجایش محدود ندارد. چه کسی است که نداند مقالات نشریاتی مانند بخارا، نقد و بررسی کتاب، مهرنامه (که البته اخیراً انتشارش متوقف شده است) و اندیشه پویا و امثال آن حاوی مباحثی از علوم انسانی و اجتماعی و فرهنگی بودند و هستند که موافقان و مخالفان به یکسان قصد خواندن آنها را می‌کنند و دعاوی و محتویاتشان محل بحث و گفت‌وگو و نقادی قرار می‌گیرد؛ از این طریق در ترویج علوم و دانش‌ها و خردجمعی و آگاهی اجتماعی واقعاً اثر می‌گذارد و مطمئناً در کردارهای گفتمانی جامعه و سیاست اجتماعی و نحوه مواجهه با مسائل و مباحث این سرزمین در سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی نقش بارزی دارند. در جدول ۶ شمه‌ای از حوزه‌های تأثیر مقالات علوم انسانی و اجتماعی در هشت نسل به اختصار درج شده است.

سرانجام لازم است یاد کنیم در این نسل از فصلنامه گفت‌وگو که از تیرماه ۱۳۷۲ توسط رضا و مراد ثقفی با مقالاتی از امثال احمد اشرف، بابک احمدی، پهلوان، شایگان، جهانبگلو، مجید رهنما، نازی عظیمی و دیگران، شایگان در شماره دوم (دی ۷۲) در نقد نظریه «رویاریوی تمدن‌ها» (از هانتینگتون) می‌نویسد و اشرف در باب «هویت ایرانی» و این که ایرانی بودن در عصر صفوی به مفهوم سنتی و در دوره انقلاب مشروطه به مفهوم نوین ملی تعریف شد. در دوران پهلوی نه تنها گونه‌ای دولت ملی در ایران ساخته شد بلکه بر اثر گسترش سواد و مخابرات و ارتباطات و رشد شهرنشینی و تحرک جغرافیایی جمعیت و پیدایش گروه وسیع روشنفکران و طبقه متوسط، آگاهی ملی و احساس تعلق به یک واحد بزرگ ملی توسعه یافت؛ اما همچنان نگاه پادشاهان پهلوی به ملت، نگاه شبان / رمه و والی / رعیت بود در حالی که مفهوم ملت غیر از رعیت است. از انقلاب اسلامی دو اتفاق دیگر در تعریف ایرانی بودن افتاد؛ گروه‌های چپ به جای ملت ایران از مفهوم خلق‌های ایران استفاده کردند که رشته وحدت میان آنها در

جدول ۶. شمه‌ای از حوزه‌های تأثیر مقالات علوم انسانی و اجتماعی در هشت نسل

| نسل | تأثیرات اجتماعی   |
|-----|---|
| ۱   | تحول‌خواهی، فکر آزادی، فکر قانون عرفی، جنبش رشديه، مشروطه‌خواهی   |
| ۲   | عقلانیت اجتماعی، ترویج علوم جدید، آشنا ساختن با مجلس شورای ملی و مشروطه و قانون   |
| ۳   | افق‌گشایی حقوقی و اقتصادی، انقلاب ادبی، هویت تاریخی، فرهنگ و زبان‌های ایرانی  |
| ۴   | درک بومی از تجددخواهی، علم‌شناسی، استانداردهای مدارس، دادن حس تمدنی، شورآموختن و شوق پیشرفت، بدیاری فکر و اجتماعی پراگماتیسم  |
| ۵   | نقد بورکراسی، نقد قوانین، طرح استقلال دانشگاهی، روشنگری‌های تاریخی، نقد نظام آموزشی، طرح مسأله «شبه علم» گفتمان‌سازی درباره کودک، پس افتادگی ایران، منازعات مذهبی در نظامیها  |
| ۶   | ارتقای سطح درک اجتماعی و تاریخی، واقع‌گرایی انتقادی، کثرت‌پذیری، نقد تاریخی، نوآوری و نقد مشهورات رایج، عبرت‌آموزی از انقلاب فرهنگی چین برای ایران، مباحث بدیع در تاریخ علم در ایران، گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، نقد سینمای ایران، نقد وضعیت هنر در ایران، نقد وضعیت رسانه در ایران، تحول آفرینی فکری و ادبی، نقد عملکرد دانشگاه‌ها و دانشگاهیان، نقد روشنفکران و ... |
| ۷   | جستارگشای‌های توسعه، اشاعه گفتمان‌های دانش و خردورزی، علوم اجتماعی انتقادی، مباحث مربوط به دانشگاه، چالش‌های سنت و تجدد، نحوه مواجهه با بحران‌ها، جهانی شدن، زندگی روزمره در ایران، فرهنگ ایرانی و فردگرایی، هویت ایرانی  |
| ۸   | ادامه تأثیرات در ترویج علوم و دانش‌ها و خردجمعی و آگاهی اجتماعی و در کردارهای گفتمانی جامعه و سیاست اجتماعی و نحوه مواجهه با مسائل و مباحث این سرزمین در سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی  |

مأخذ: یافته‌های نویسنده از تحلیل محتوای نمونه‌ای از نشریات مهم کشور طی دو سده گذشته

## ۳. نتیجه گیری

عملکرد این هشت نسل تجربه مقاله‌نویسی و نشر آنها، خط معیار خوبی برای صفات و خصیصه‌های مقالات اصیل علوم انسانی و اجتماعی و اثرگذاری آنها در فرهنگ و جامعه به دست می‌دهند. روزگاری مقاله در این سرزمین از ژرفنای آگاهی‌های زلال متفکران برمی‌خواست و به افکار و اندیشه‌های مخاطبان دامن می‌زد. مقاله قدر و اعتبار داشت. مقالاتی که در نشریات علوم انسانی و اجتماعی انتشار می‌یافت اخگرهای معرفت و بیداری بودند. حاوی معادن و اکتشافات عمیق بودند و صور خیال دانایان را به تصور و تصویر درمی‌آوردند. در مجالس و مجامع و حتی در کوی و برزن ولوله می‌انداختند و به بحث و گفت‌وگو دامن می‌زدند. اما سال‌هاست که در میان انبوهی از مجلات نام و نشان‌دار علوم انسانی که توسط وزارتین علیّه به‌طور رسمی با عنوان علمی معنون شده‌اند، هرچه ورق می‌زنیم یافتن مقالاتی از آن اعداد مقالات اصیل دشوار گشته است. با نظری به جدول ۳ و با این فرض که هر نشریه علمی رسمی در ایران به‌طور متوسط سالی سه شماره منتشر شود و هر شماره حداقل شش مقاله در آن به چاپ برسد می‌توان برآورد کرد که در یک سال به‌طور تخمینی حدود ۱۳ هزار مقاله علوم انسانی و اجتماعی در مجلات علمی به رسمیت شناخته شده توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری انتشار پیدا می‌کند. اما چه مقدار از این مقالات واجد دلالت‌های معرفتی و معنایی و مفهومی یا خصیصه‌های روشنگر و انتقادی و یا ارزش‌های سیاسی و کاربردی مشخصی هستند و می‌توانند گرهی فروبسته از گره‌های توسعه در سطوح ملی و محلی ما را بگشایند، چقدر قادر یا حتی مایل‌اند که از رنج‌ها و محنت‌ها و مرارت‌های بشری بکاهند، سخنی تازه بگویند، بصیرتی ایجاد کنند، به ژرف‌اندیشی وا دارند، پرسش تازه‌های بیفکنند یا بشارتی و هشدار می‌دهند. چقدر می‌توانند اثری بدیع باشند، شگفتی در اذهان و افکار و دل‌ها و جان‌ها و ضمائر مخاطبان پدید بیاورند، طرح مسأله‌ای یا حل معمای بکنند، تصمیمی بسازند، سیاستی پیشنهاد بکنند و دلالتی اجرایی و قابلیت کاربردی داشته باشند؟ پاسخ چندان مثبت و دلگرم‌کننده مطمئنی به این پرسش‌ها وجود ندارد.

درست برعکس با مروری در هشت نسل مقالات علوم انسانی و اجتماعی در مطبوعات غیر رسمی ایران طی دو سده گذشته از اختر تا بخارا واقعاً ملاحظه می‌کنیم که این مقالات با اطمینان همواره خوانده شده‌اند، مورد استنادهای داغ و بلکه محل بحث و گفت‌وگوی جدی در صحن جامعه قرار گرفته‌اند، نقش گفتمانی له و علیه داشتند، از نفوذ و تأثیر اجتماعی به اشکال مختلف برخوردار بودند. اما اگر امروز در غالب مقالات علمی و رسمی چنین آثاری نمی‌بینیم علتش چیست؟ پرسشی است که باید با دقت بیشتر و صرف تحقیقات روش‌مند و داده‌ها و شواهد کافی بررسی و آزمون بشود. به نظر می‌رسد احتمالاً دست کم ده نوع گرایش آسیب‌زا، سبب شکلی از اینرسی می‌شود و امید به کیفیت و تأثیر اجتماعی مقالات علوم انسانی و اجتماعی ما را کاهش می‌دهد و این ائتلاف منابع ملی است:

۱. کمیت‌گرایی: کمیت بر ما بدجوری سیطره یافته است و در نتیجه کیفیت مدام به آب می‌رود. اگر به فرض در طول این چهل سال به جای چند ده هزار نویسنده مقالات رسمی، همان چند ده نویسنده که نام‌هایشان در بالا ذکر شد به نوشتن همان مقالات غیر رسمی‌شان آزادانه ادامه می‌دادند ما امروز افق‌های بیشتر و بهتری در پیش روی زندگی‌مان در این سرزمین داشتیم. اما خاص‌گرایی و نخبه‌سالاری راه پایداری برای یک جامعه نیست ما نیاز به مقالات همان چند ده هزار و بلکه چند صد هزار نویسنده ایرانی برای فهم مسائل پیچیده این سرزمین داریم. چیزی که هست نه با این دوپینگ مقاله‌سازی، بلکه آن چنان که نویسندگان جدی ما در طی این دو سده راه پرپیچ خم معاصر شدن ایرانی را به بحث گذاشتند. آنچه اکنون توی دست ما هست کمیت متورمی از مقالات رسمی است که جرمی بحرانی شده‌اند، فقط بر ما سنگینی می‌کنند به جای آنکه روزنی از دیوار زمان ایرانی به روی ما بگشایند.

۲. صورت‌گرایی: ارزش‌های اداری و ابزاری جای ارزش‌های فکری و اکتشافی و ارتباطی و ابرازی را گرفته است. فرمالیسم آیین‌نامه‌ها، زندگی و تکاپوهای درون‌زای علمی و تأثیر اجتماعی دانش و ترویج آگاهی اصیل انتقادی و جدی را در سایه قرار داده است.

وسطح مطلوبیتهایی والاتر داشتند. آن «وضع ذهنی» که علامه قزوینی را به رقص نوشتن در می‌آورد گم شده است. ۸. رفتارگرایی و وظیفه‌گرایی: شرایطی در کشور و سازمان‌های دولت زده و ایدئولوژی زده و نفت‌زده به راه افتاده است که کنشگران علمی را به کارکنان و کارگران علمی استحاله می‌کند. نیک‌بختانی دوام می‌آورند ولی خیلی‌ها از پای می‌افتند، اسیر چرخه‌هایی از انجام وظایف اداری صوری می‌شوند که دست و پا کردن مقالات بخشی از این گرونده است. مقاله نوشتن به یک رفتار شرطی تقلیل یافته است تا اینکه یک پرکتیس یا پراکسیس فکری و معرفتی و علمی و هنری و اجتماعی باشد. سردبیران و داوران به همراه نویسندگان سوبه‌های مختلف یک گردونه رفتارگرایی شرطی شده هستند. در نوشتن این مقالات روح کنش فکری و علمی اندک است و بیشتر از جنس نوعی رفتار سازمانی است. اگر هم قرار است کسی این مقالات را بخواند او نیز شاید دانشجوی نگون‌بخت دیگری است که برای تولید این نوع مقالات، از سر ناچاری به این مقالات مراجعه می‌کند. این چنین است که مقالاتی بدون اینکه خاصیتی جدی و اجتماعی داشته باشند مدام بازتولید می‌شوند.

۹. مدیریت‌گرایی: از اختر تا بخارا نوعی جوشش‌های فکری و معرفتی و اجتماعی و علمی و حرفه‌ای در کار بود. این در حالی است که مجلات رسمی در حوزه‌های وزارتین فخمیه، بیش از اینکه با روحیه ابتکار و استقلال علمی و حرفه‌ای و تعاملات اجتماعی آزاد علمی کار بکنند چشم به گردش مدیریت‌ها و قبض و بسط‌ها و رفت و آمدهای اداری و سازمانی و بخشنامه‌های تابع آن می‌دوزند تا سر پا بمانند. حاصلش همین مقدار مقالات می‌شود که هست و از کوزه همان برون تراود که در اوست.

۱۰. برج عاج‌گرایی: عادت به زیستن در ظل اقتصاد نفتی با نوعی نخبه‌گرایی علمی به وضعیتی انجامیده است که علم برای علم یک هدف فی‌نفسه شده است بدون اینکه علم در اقلیم ریشه بزند، در زیست‌بوم خویش نفس بکشد و علم‌ورزی ما حساس به محیط اجتماعی و ذی‌نفعان بیرونی باشد. استادان کف خیابان و دانشگاهیانی که برای درس و بحث و تحقیق دانشگاهی خود به مسائل عینی

۳. مناسب‌گرایی: بوردیو تعبیر خوبی دارد که چگونه نگهدارندگان آثار هنری، معمولاً آن حس و حال‌ها و تجربه‌ها را ندارند که خالق آن آثار واجدش هستند. اکنون نگهداری مجلات و مؤسسات علمی مهم‌تر از خود تفکر و اکتشاف و ذوق علمی و پیدایی و پدیدایی آگاهی اجتماعی و بیداری علمی شده است. وسیله‌ها اصالت یافته و جای اهداف را گرفته‌اند. غایات فراموش شده است. مقاله‌ها انگشتانی برای نشان دادن ماه بود. ماه را فراموش کرده‌ایم و در انگشتان خیره مانده‌ایم.

۴. دولت‌گرایی: دانشگاه‌ها و مؤسسات و دوره‌هایی داریم الی ماشاءالله که هرچند تا می‌توانند پول هم می‌گیرند ولی مدیریت و کنترل آنها دولتی و یا غیر دولتی است با نوعی لختی بورکراتیک و ناکارآمد که از توی آن کیفیت علمی و اثر بخشی و مقالات اصیل در نمی‌آید.

۵. عرضه‌گرایی: عرضه رشته‌ها و دوره‌ها و برنامه‌های درسی و نتیجتاً پایان‌نامه‌ها و رساله‌هایی بدون موزون ساختن ریتم و آهنگ و جهت‌گیری آنها با تقاضاهای واقعی در جامعه، حاصلش همین نوع مقالات صوری می‌شود که اغلب می‌بینیم.

۶. معیشت‌گرایی: «ارزش‌های بقا» مهم‌تر از ارزش‌های خودبینی و خودشکوفایی شده است. هم دانشجویان مان و هم خود ما و هم مدیران، درگرونده‌ای از سرپا نگه‌داشتن کرخت شده‌ایم. شاید کمتر فرصت درنگی هست که آیا ذی‌نفعانی دیگر نیز از این تشریفات و تظاهرات علمی ما چیزی عایدشان می‌شود یا نه؟

۷. رسمیت‌گرایی: پدیدآورندگان مقالات اصیل رسماً موظف به اعمالی صوری نبودند، انگیزه‌هایی درون‌زا و حرفی برای گفتن داشتند. از میرزاآقا خان کرمانی یوسف مستشار تبریزی تا ابوالحسن خان فروغی، رشید یاسمی تا عباس اقبال، محمد قزوینی یا پورداوود، قاسم غنی یا سعید نفیسی، خانلری یا صناعی، اشرف یا آشوری، همایی یا فروزانفر، آدمیت یا پاریزی و بقیه نسل‌های پدیدآورندگان دانش انسانی و اجتماعی و فرهنگی در ایران هیچکدام برای اخذ مدرک، تدارک رزومه و تبدیل وضعیت استخدامی و ارتقای اداری مقاله نمی‌نوشتند. بلکه حالت‌ها و حیرت‌ها

ندرت پای شخص ثالث اجتماعی به میان می‌آید. دانشگاه‌ها و دانشگاهیان کمتر به سفارش اجتماعی حساس‌اند و مقالاتی که حاصل نهایی چنین میدان‌ها و عادت‌واره‌ها و کلاس‌ها و گروه‌ها هستند دور از انتظار است که چیزی غیر از این باشند که داریم.

محلّه و شهرشان و به فرهنگ و اجتماع و اقتصاد جامعه خویش رجوع بکنند بسیار اندک شده‌اند. کمتر مورد کاوی و مسأله‌یابی می‌کنیم، شکاف میان نظر و عمل هر روز بیشتر می‌شود، تئوری‌های ما با کاربردهای واقعی چندان آشنا نیستند. هنگام تعریف و تصویب پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها به

## References

## منابع

1. Azadi, Pooya. et. al.. "The Scientific Output of Iran: Quantity, Quality and Corruption. Stanford Iran 2040 Project" An Academic Platform for Research on Iran's Long-Term Sustainable Development. (S. Sadeh, M. Mirramezani, M. B. Mesgaran, A. Feizpour, P. Azadi, ) Working Paper 7, Stanford, University, February 2019.
۲. براون ادوارد گرانویل. تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران. محمدعباسی و ...، تهران: کانون معرفت (سه جلد)؛ ۱۳۳۷
۳. محیط طباطبایی، م. تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران. تهران، ۱۳۶۶.
۴. فراستخواه، م. آرشیو تحلیل محتوای مقالات ایرانیان در دوسده اخیر؛ از اختر تا بخارا. تهران: آرشیو شخصی مؤلف. ۱۳۹۸.
۵. کسروی، ا. تاریخ مشروطه ایران. تهران: امیرکبیر. ۱۳۷۳
۶. بیژن، ا. «فلسفه پراگماتیسم یا فلسفه عملیت. ایرانشهر» شهریور ۱۳۰۴ (۳)، ۵۷۷-۵۸۸.
۷. صنایعی، م «نظری به شخصیت سعدی و برخی عوامل مؤثر در آن». ۱۳۶۴. ۳ (۱۲): ۵۵۹-۵۸۶.
۸. طلوعی، و «پیشاتاریخ جامعه‌شناسی ایران» زمستان ۱۳۹۴. ایران‌نامه، ۳۰(۴): ۱۴۴-۱۷۱.
۹. مجتبابی، ف «اصل اخذ و اقتباس در نقل مفاهیم علمی» مهر و آبان ۱۳۶۲ نشر دانش ۱۸: ۲-۹.
۱۰. معصومی همدانی، ح «زبان فارسی و تاریخ علم» مهر و آبان ۱۳۷۴ نشر دانش. ش ۹۰: ۲-۵.
۱۱. پروین، ن. تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳.
۱۲. قزوینی، م. قانون قزوینی. به کوشش ایرج افشار، تهران: طلایه، ۱۳۷۰
۱۳. گروه پژوهش‌های آمار و انفورماتیک مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی. آمار آموزش عالی، تهران: گروه پژوهش‌های آمار و انفورماتیک مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، مرداد ماه ۱۳۹۸.
۱۴. پی‌نوشت: یغما، ۱۳۳۹: ش ۱۴۲؛ سخن، ۱۳۲۲، ش ۱۱ یادگار، ۱۳۲۳، ش ۱ و ۶؛ دنیای سخن، ۱۳۷۰: ش ۴۵؛ ارغوان، ۱۳۶۹، ش ۱؛ راه نو، ۱۳۷۷ ش ۱۰ و بقیه نشریاتی که به آرشیو آنها در مقاله استناد شده است ...

## نقش سازمان‌های مردم‌نهاد علمی در توسعه علم و فناوری

سید حامد مزارعی<sup>۱</sup>، مهدی پاکزاد بناب<sup>۲\*</sup>، مصطفی محسنی کیاسری<sup>۳</sup>

۱. پژوهشگر پژوهشکده مطالعات فناوری

۲. عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور

۳. پژوهشگر پژوهشکده مطالعات فناوری

تاریخ پذیرش: ۹۷/۹/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۱۵

### چکیده

مفهوم سازمان‌های مردم‌نهاد چندین سال است که در برنامه‌های توسعه در کنار بخش دولتی و خصوصی به عنوان رکن سوم توسعه مطرح شده است؛ یکی از راه‌های ایفای چنین نقشی توسط این سازمان‌ها به‌روزرسانی وظایف و کارکردهای آنها در اساسنامه نمونه آنهاست. در این مقاله به انجمن‌های علمی به عنوان سازمان‌های مردم‌نهاد علمی تأکید شده است. در این راستا، تحقیق حاضر در پی یافتن جواب به سه سؤال اصلی است، ۱- سازمان‌های مردم‌نهاد علمی در توسعه علم و فناوری چه کارکردهایی باید داشته باشند؟ ۲- چه کارکردهایی در راستای توسعه علم و فناوری در اساسنامه نمونه انجمن‌های علمی کشور گنجانده شده است؟ ۳- برای بهبود و ارتقاء کارکرد این سازمان‌ها در توسعه علم و فناوری چه پیشنهادی سیاستی را می‌توان ارائه کرد؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد که کارکردهایی مانند، انجام و راهبری پروژه‌های تحقیق و توسعه، ارائه مدل‌هایی برای توسعه، جریان‌سازی علمی، مباحث مربوط به توسعه پایدار، شناسایی و اولویت‌بندی نیازها و انتقال آن به دولت، خدمات مشاوره‌ای به دولت و شرکت‌های نوپا، آموزش فناوری‌های جدید، کمک به تدوین استانداردها و مقررات صنعتی، شبکه‌سازی در حوزه علم و فناوری و ... باید به اساسنامه نمونه انجمن‌های علمی افزوده شود.

**کلیدواژه‌ها:** سازمان‌های مردم‌نهاد، انجمن‌های علمی، توسعه علم و فناوری، کارکردهای سازمان‌های مردم‌نهاد علمی.

\*-نویسنده عهده‌دار مکاتبات Pakzad@nrsp.ac.ir

## ۱. مقدمه

نظریه پردازان اجتماعی و سیاسی، گروه‌های ذی‌نفع عمومی، دانشمندان و سیاست‌گذاران، به ویژه در کشورهای توسعه‌یافته به‌طور گسترده‌ای مفهوم افزایش مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری علم و فناوری را مورد استفاده قرار می‌دهند. دلیل مبنایی برای افزایش مشارکت عمومی این پیش‌فرض است که مشارکت عمومی منجر به سیاست‌گذاری بهتر و مؤثرتری در علم و فناوری خواهد شد [۱]. مشارکت عمومی در علم و فناوری به دو دلیل عمده دنبال می‌شود: یک دلیل عمده و اصلی برای افزایش مشارکت عمومی منجر به افزایش احتمال پذیرش فناوری در جامعه می‌گردد. دلیل دوم برای افزایش مشارکت عمومی نیز مشارکت بالادستی عنوان می‌شود که در آن نقش عموم کمک به دولت برای تصمیم‌گیری در خصوص فناوری است [۲].

در مطالعات علم و فناوری این پیش‌فرض مطرح است که مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌های فنی ارزش عمومی و کیفیت علم و فناوری را بهبود می‌بخشد [۳]. از دهه ۱۹۶۰ به بعد، هم در مطالعات علم و فناوری و هم در سیاق‌های گسترده‌تر فشار برای دموکراتیزه کردن بیشتر علم و فناوری وجود داشته است. این فشار، پاسخی علیه آرمانی مبنی بر خودمختاری علم و فناوری بوده که پس از جنگ جهانی وجود داشت [۴].

در چند دهه گذشته، مشارکت بخش سازمان‌های غیردولتی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی رشد فزاینده‌ای یافته است. سازمان‌های مردم‌نهاد توانسته‌اند نقش مهمی در عرصه‌های سیاست، اقتصادی و اجتماعی، حفاظت از محیط زیست، بهداشت، خیریه، رفاه و ... ایفا کنند. همچنین در کشورهای در حال توسعه، نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در اجرای برنامه‌های توسعه مشارکتی و جلب کمک‌های مالی بین‌المللی اهمیت خاصی به آنها بخشیده است. به‌طور خلاصه، از آنجا که این سازمان‌ها در ارائه کالاها و خدمات به اقشار مختلف انعطاف‌پذیرتر، کارآمدتر، اثربخش‌تر و شفاف‌تر عمل کرده‌اند، دولت‌ها مشتاقانه در تلاش‌اند مسئولیت‌های هر چه بیشتری به این سازمان‌ها در برنامه‌های توسعه اقتصاد

ملی واگذار کرده و به بخش سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان بخش سوم و مکمل بخش‌های دولتی و خصوصی توجه خاص کنند [۷].

در این مقاله بر انجمن‌های علمی به نمایندگی از سازمان‌های مردم‌نهاد علمی تمرکز (منظور از انجمن‌های علمی در این پژوهش، انجمن‌هایی است که اساسنامه آنها در کمیسیون انجمن‌های علمی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تصویب شده است) و سعی شده است به سه سوال اساسی پاسخ داده شود. ۱- سازمان‌های مردم‌نهاد علمی در توسعه علم و فناوری چه نقش و کارکردی باید داشته باشند؟ ۲- چه وظایف و کارکردهایی در راستای توسعه علم و فناوری در اساسنامه نمونه انجمن‌های علمی کشور گنجانده شده است؟ ۳- با توجه به سوالات فوق، برای بهبود و ارتقاء نقش و کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد علمی در توسعه علم و فناوری چه پیشنهادهایی را می‌توان ارائه کرد (پیشنهادهای سیاستی)؟ برای پاسخ به پرسش‌های فوق در بخش اول مقاله طرح مسئله، اهمیت موضوع، پرسش‌های تحقیق، روش تحقیق و در بخش دوم ادبیات و کارکردهای سازمان‌های مردم‌نهاد در توسعه علم و فناوری آورده شده است. در بخش سوم چهارچوب تحقیق به‌طور کامل تشریح شده و در بخش چهارم تجزیه و تحلیل بر اساس پرسش‌های سه‌گانه تحقیق ارائه شده است. در انتها نتیجه‌گیری آورده شده است.

## طرح مسئله و اهمیت موضوع

بر اساس رویکرد سیستمی، توسعه علم و فناوری در هر کشور حاصل ارتباط و تعامل بازیگران مختلف با یکدیگر است. به‌عبارت دیگر براساس این دیدگاه اولاً بایستی تمامی بازیگران در نظام علم و فناوری کشور حضور داشته باشند و ثانیاً این بازیگران نقش‌ها و کارکردهای خود را به درستی ایفاء نمایند و نهایتاً اینکه تعامل و ارتباط بهینه بین بازیگران وجود داشته باشد. بنابراین دولت به تنهایی نمی‌تواند و نباید کل فرایند توسعه علم و فناوری کشور را در اختیار داشته باشد؛ بلکه دولت‌ها بایستی با انتخاب سیاست‌های مناسب زمینه را برای حضور و فعالیت سایر بازیگران نظام ملی نوآوری فراهم نمایند. در

دسترالعمل فراسکاتی<sup>۱</sup> که توسط سازمان همکاری اقتصادی و توسعه ارائه شده پنج دسته نهاد تحت عنوان شرکت‌های تجاری، سازمان‌های دولتی، سازمان‌های آموزش عالی، بخش‌های خارجی و سازمان‌های غیرانتفاعی (مردم‌نهاد) برای نهادهای فعال در سیستم نوآوری مشخص گردیده است [۸]. همان‌طور که مشخص است یکی از این پنج دسته سازمان‌های مردم‌نهاد هستند که می‌توانند در راستای توسعه علم و فناوری ایفای نقش نمایند.

از طرف دیگر در سند چشم‌انداز بیست‌ساله و نقشه جامع علمی کشور بر دستیابی کشور به جایگاه اول علمی و فناوریانه منطقه تأکید شده است. در نقشه جامع علمی کشور در سومین اقدام ملی مرتبط با سومین راهبرد ملی از اولین راهبرد کلان ملی توانمندسازی بخش غیردولتی در نظام علم و فناوری و کاهش تصدی‌گری دولت را هدف‌گذاری کرده است. از سوی دیگر با توجه به روند رو به رشد توسعه علم و فناوری در کشور و با هدف پایدارسازی این رشد لازم است تا نظام علم و فناوری کشور از لحاظ ساختاری و نهادی اصلاح و تکمیل و بدین منظور لازم است تا نقش و کارکردهای مورد انتظار از هر یک از بازیگران به‌طور شفاف تبیین شود. بنابراین تحقیق حاضر با هدف بررسی و مشخص نمودن وظایف و کارکردهای سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند توسعه علم و فناوری کشور تعریف و اجرا می‌شود.

## ۲. ادبیات تحقیق

سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن) متشکل از سازمان‌های غیردولتی و غیرانتفاعی هستند که فعالیت در آنها داوطلبانه و دربردارنده اهداف سیاستی است [۱۳] و [۱۴]. برخی از انواع سمن‌ها نیز در زمینه‌های خیریه، گروه‌های ذی‌نفع با علایق سیاسی خاص (مانند انجمن‌های صنعتی)، جنبش‌های اجتماعی و انجمن‌های مدنی فعالیت دارند [۱۵]. طبق تعریف جامعه جهانی سمن‌ها که زیر نظر سازمان ملل متحد قرار دارد، یک سازمان مردم‌نهاد به هر گروه شهروندی غیرانتفاعی و داوطلبانه‌ای که در سطح محلی، ملی و بین‌المللی تشکیل می‌شود، اطلاق می‌شود. این سازمان‌ها وظیفه محور بوده و عموماً افرادی با علایق مشترک آنها را سازمان‌دهی می‌کنند. سمن‌ها طیف گسترده‌ای از خدمات و کارکردهای بشردوستانه را انجام می‌دهند: اموری مانند انتقال دغدغه شهروندان به دولت، مشاوره و جهت‌دهی سیاست‌ها و تشویق مشارکت مدنی از طریق فراهم نمودن اطلاعات. برخی از این سازمان‌ها حول مسئله خاصی مانند حقوق بشر، محیط‌زیست یا سلامت فعالیت می‌کنند. همچنین آنها با در اختیار داشتن مهارت و خبرگی، همانند مکانیسم‌های هشدار سریع عمل نموده و به پایش و اجرای توافقنامه‌های ملی و بین‌المللی کمک می‌نمایند [۱۶].

## پیشینه تحقیق

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته، تاکنون تحقیقی با عنوان نقش سازمان‌های مردم‌نهاد (علمی) در توسعه علم و فناوری در کشور انجام نشده است. ولی در مورد نقش‌ها و کارکردهای مختلف این سازمان‌ها تحقیقات مختلفی صورت گرفته است. عبیری گلپایگانی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد را در توسعه حوزه محیط‌زیست و منابع طبیعی [۹]، علی‌الحسابی در توسعه روستایی [۱۰]، مقیمی و علی بیگی (۱۳۹۶) در اقدامات کارآفرینانه حوزه محیط‌زیست، گراوند (۱۳۹۶)، سید نقوی (۱۳۸۵)، کرمی و دیگران

نهادهای اجتماعی به ویژه نهادهایی که به صورت خودجوش از بطن و متن جامعه رویش پیدا می‌کنند آثار ماندگاری را در ساخت جامعه بر جا می‌گذارند. این نهادها بعد از تشکیل، مناسبات و شکل ساختاری جوامع را تحت تأثیر قرار می‌دهند و حاکمان سیاسی را به عنوان تدبیرکنندگان امور جامعه، ملزم به ایجاد تدابیری برای حذف، پذیرش، تعدیل، سازگاری و ... می‌سازند. در این بخش از مقاله تلاش می‌شود تا کارکردها و مزایای ایجاد و تقویت نهادها و سازمان‌های مردم‌نهاد با تمرکز بر نقش این

1. Frascati Manual

طریق وسایل ارتباط جمعی را برای سازمان‌های مردم‌نهاد متصور می‌شود [۱۹]. ویلیام<sup>۴</sup> در میان طیف گسترده‌ای از نقش‌هایی که سازمان‌های مردم‌نهاد ایفا می‌کنند، شش نقش توسعه و بهره‌برداری از زیرساخت‌ها، حمایت از نوآوری، نمایش و رهبری پروژه‌ها، تسهیل ارتباطات، کمک‌های فنی و آموزشی، تحقیقات، نظارت و ارزیابی برنامه‌ها را مورد توجه قرار داده است [۲۰]. سینک کومر روای<sup>۵</sup> در تحقیقات خویش به این نتیجه می‌رسد که سازمان‌های مردم‌نهاد نقش مهمی در همه زمینه‌های توسعه ایفا می‌کنند. ایشان با نگاه توسعه و نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در آن، نه نقش اساسی را برای این قبیل سازمان‌ها معرفی می‌کنند: برنامه‌ریزی و مجری برنامه‌های توسعه، تجهیز کردن و به حرکت درآوردن منابع محلی و اقدامات بدیع، سازنده جامعه پایدار متکی به خود، واسطه مردم و دولت، حامی و شریک برنامه دولت در فعال‌سازی سیستم ارائه خدمات برنامه‌های توسعه روستایی و غیره، نمایندگی اطلاعات و تسهیل‌کننده توسعه آموزش و پرورش [۲۱]. ژانگ<sup>۶</sup> فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد در چین را بررسی و کارکردهای گوناگونی را برای این قبیل سازمان‌ها معرفی نموده است. این کارکردها به‌طور خلاصه عبارت است از مشارکت در تهیه پیش‌نویس سیاست‌ها و قوانین برای بخش صنعت، ارائه مشاوره به شرکت‌های جدید پیش از ورود آنها به بازار، انتشار اطلاعات، پیش‌بینی بازار، تهیه پیش‌نویس برای مقررات و استانداردهای صنعتی، ارزیابی کیفیت تولیدات صنعتی، کمک به توسعه بازار محصولات، قیمت‌گذاری در صنعت، آموزش فناوری‌های جدید، کمک به شرکت‌ها برای بهبود مدیریت کسب‌وکار، بهبود همکاری‌های داخلی و بین‌المللی در زمینه فناوری اقتصادی و تبادل اعضای هیئت‌علمی، ارتقاء نوآوری‌های فناورانه، بازتاب نیازهای اعضا و حفاظت از منابع خویش و کمک به دولت در حل مسائل و اداره کردن مشکلاتی که گریبان‌گیر صنایع در زمان بازسازی و توسعه می‌شود [۲۲]. همچنین هیومن<sup>۷</sup> فهرستی از نقش‌ها و

سازمان‌ها در توسعه علم و فناوری در دو بعد بررسی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد عمومی و تخصصی (انجمن‌های علمی) مورد واکاوی و بررسی قرار گیرند.

تی کین کیو<sup>۱</sup> و جین سینگر<sup>۲</sup> در تحقیقات خود به این نتیجه می‌رسند که سازمان‌های مردم‌نهاد نقش بزرگی در آموزش توسعه پایدار در ویتنام داشته‌اند. تحقیقات ایشان از پنج سازمان مردم‌نهاد نشان می‌دهد که این سازمان‌ها از طرق کمک به افزایش منابع، تأمین مالی تحقیقات مرتبط، و بازنگری دوره‌های آموزشی به ارتقاء آموزش توسعه پایدار در مؤسسات آموزش معلمان کمک کرده‌اند [۱۷]. لوئیس<sup>۳</sup> برای سازمان‌های مردم‌نهاد در رابطه با توسعه رفاه و اشتغال‌زایی گروه‌های خاص جامعه سه نقش مجری‌گری، تسهیل‌گری و شریک را قائل شده است. بر اساس نقش مجری‌گری، سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان بخشی از برنامه‌ها و پروژه‌های خود و همچنین برنامه‌های دولت و آژانس‌های حامی به بسیج منابع برای ارائه کالاها و خدمات برای گروه‌های خاص اقدام می‌کنند. بر اساس نقش تسهیل‌گری، این سازمان‌ها در نقش ساماندهی و انسجام گروه‌های خاص با رویکرد توانمندسازی و ایجاد اشتغال عمل نموده و از طریق رایزنی، فعالیت‌های حمایتی و نفوذ در فرایند خط مشی‌گذاری جهت بهبود اشتغال گروه‌های خاص را تسهیل می‌کنند. همچنین این سازمان‌ها در نقش شریک، اقدام به همکاری با دولت و بخش خصوصی برای انجام فعالیت‌های اشتغال‌زایی گروه‌های خاص به صورت مشارکتی و توسعه توانمندی آنها می‌نمایند [۱۸]. ساپکوتا با نگاه اشتغال‌زایی برای گروه‌های خاص، شش وظیفه آموزش‌های شغلی و حرفه‌ای جهت ارتقاء سطح مهارت گروه‌های خاص، تدارک ابزار، تجهیزات و کمک مالی به گروه‌های خاص جهت اشتغال به کار، همکاری با دولت جهت ایجاد بسترها و زیرساخت‌های لازم، ارائه خدمات توان‌بخش و توانمندسازی جهت حضور فعال و پر نشاط گروه‌های خاص در جامعه و آگاه ساختن سیاستمداران و مقامات کشوری از نیازها و خواسته‌های گروه‌های خاص از

4. William  
5. Singh kumar ravi  
6. Zhang  
7. Human

1. Thi kinh kieu  
2. Jane singer  
3. lewis



ارائه دهند. همچنین از نظر وی یکی از مهم‌ترین خدماتی که سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند انجام دهند این است که شرایط مساعد ذهنی و عینی لازم را برای حضور و مشارکت آگاهانه مردم در عرصه زندگی اجتماعی فراهم کنند. همچنین ایشان بیان می‌کند که سازمان‌های غیر حکومتی مردم‌نهاد در کنار کارکردهای تخصصی کارکرد آموزشی نیز دارند. آنها با انتشار بوتن، روزنامه، کتاب، مجله و انتقادهای صریح، شفاف و عالمانه از سیاست‌های حکومت باعث آگاهی‌های اجتماعی مردم می‌شوند [۱۱].

مقنی‌زاده معتقد است که اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند بر عملکرد نهادها و سازمان‌ها در حوزه تخصصی خود نظارت داشته باشند و در صورت لزوم، آن عملکردها را نقد کنند. به عبارت دیگر بعد از سیاست‌گذاری‌ها و اتخاذ تصمیمات توسط دستگاه‌ها و اجرایی شدن آنها، سازمان‌های مردم‌نهاد در کنار سایر نهادهای اجتماعی به بررسی و نقد عملکردهای دولت می‌پردازند [۲۶]. برخی دیگر از پژوهشگران بر ارتقای سطح فرهنگ مشارکت عمومی در حوزه‌های مختلف از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد تأکید می‌کنند. سلطانی عربشاهی در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده است که سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند با ایجاد شرایط و زمینه‌های مناسب، مردم را به زندگی و فرهنگ مشارکتی سوق دهند. هر اندازه که سطح کنش‌ها و رفتارهای اجتماعی مردم آگاهانه‌تر و مسئولانه‌تر باشد حضور و مشارکت آنان نیز تأثیرگذاری بیشتری خواهد داشت [۲۷].

هدف انجمن مطالعات علم و فناوری اروپا<sup>۱</sup> ترغیب مطالعه علم و فناوری از جمله توسعه تاریخی علم و فناوری و نقش علم و فناوری در جامعه است. این انجمن دارای کارکردهایی در زمینه بهبود ارتباطات و تبادلات علمی در زمینه مطالعات علم و فناوری، افزایش دید به سیاست‌گذاران و عموم مردم، تأمین مالی جهت برپایی کارگاه‌های آموزشی و در نهایت تحریک و حمایت از آموزش در مورد علم و فناوری است [۲۸]. انجمن علم و فناوری چین<sup>۲</sup> سعی در ترویج علم و فناوری در جامعه چین

کارکردهای سازمان‌های مردم‌نهاد آفریقایی جنوبی را شناسایی و معرفی نموده‌اند: کمک به افزایش ظرفیت‌های محلی و همچنین گسترش ظرفیت‌هایی برای همکاری مؤثر جوامع محلی در فرایند توسعه، کمک به افزایش ظرفیت و بهره‌وری جوامع محلی از طریق افزایش اعتماد به نفس، سرمایه‌گذاری، کنترل و ارزیابی دستیابی فعالیت‌های توسعه برای برآورده کردن نیازهای جامعه، کمک به افزایش دسترسی جوامع محلی به اطلاعات، آموزش، ایجاد ارتباط با نهادهای مناسب، ایجاد مدل‌هایی برای فرایند توسعه و وادار کردن دولت و دیگر آژانس‌ها به استفاده و توسعه مدل‌ها، دستیابی به نقش حمایتی به‌وسیله ایجاد اثربخشی و کارایی سازمانی از طریق خودکفایی مالی، ارتباط با آژانس‌های دولتی، بخش خصوصی و سایر ذی‌نفعان و کمک به ایجاد ارتباط با دیگر کشورها [۲۳].

می‌یر با نگاه ارتقای سطح علم و فناوری در جامعه و در پژوهش خودکارکردهای کارآفرینی، انتقال فناوری، تولید اقتصادی و نوآوری سازمانی را برای سازمان‌های مردم‌نهاد معرفی می‌کند [۲۴].

امیر احمدی ویژگی عمده سازمان‌های مردم‌نهاد را گردآوری و تدوین تقاضاها و نیازهای اجتماعی و برنامه‌ریزی برای مرتفع نمودن آنها می‌داند [۲۵]. وحیدیان اولویت‌بندی تقاضاهای اجتماعی، مشاوره به حکومت، افزایش آگاهی‌های مردم در حوزه‌های مختلف، ارتقای سطح فرهنگ مشارکت عمومی و قابلیت جذب نخبگان را از کارکردهای اصلی سازمان‌های مردم‌نهاد می‌داند. ایشان در تحقیقات خود به این نتیجه می‌رسد که یکی از ضرورت‌های وجود نهادهای غیر حکومتی و مردمی برای یک جامعه و نظام سیاسی در واقع شناسایی، طبقه‌بندی و اولویت‌گذاری نیازها و تقاضاهای اجتماعی است. دلیل دیگر برای وجود این قبیل سازمان‌ها این است که این سازمان‌ها می‌توانند به عنوان مشاوران حکومت در فرایند تصمیم‌گیری مشارکت و حضوری فعال داشته باشند و حکومت را برای اتخاذ تصمیمات معقول‌تر یاری رسانند. دلیل این موضوع این است که سازمان‌های مردم‌نهاد به خوبی می‌توانند واقعیات جامعه را به تصمیم‌گیرندگان منتقل کنند و راهکارهایی را برای حل مشکلات یا بهتر اداره کردن امور

1. Easst  
2. Cast

داشته و این کار را از طریق کمک به ظهور استعداد های حرفه‌ای، افزایش سواد علمی، ارائه مشاوره‌های علمی و فنی انجام می‌دهد. همچنین این انجمن با هدف کمک به توسعه علم و فناوری در جامعه چین سعی در ایجاد و تقویت روابط همکاری با سازمان‌های علمی و فناوری بسیاری از کشورها نموده و به عنوان نماینده جامعه علم و فناوری چین، عضو بسیاری از سازمان‌های علمی و فناوری بین‌المللی است. دیگر کارکردهای انجمن علم و فناوری چین عبارت است از آموزش کارگران علمی و فناورانه، انعکاس نظرات کارگران علمی و فناوری و حفظ حقوق و منافع قانونی آنها به مراجع ذی‌ربط، استقرار سیستم نوآوری فناورانه در شرکت‌ها با هدف ارتقاء قابلیت‌های کلی نوآوری شرکت‌ها، توسعه فعالیت‌های علمی و آموزشی برای جوانان، انعکاس نظرات و درخواست‌های فعالان علم و فناوری به بخش دولتی، کمک به تدوین سیاست‌ها و قوانین مربوط به علم و فناوری و ارائه مشاوره سیاستی و نظارت دموکراتیک بر امور دولت [۲۹]. انجمن علم و فناوری هوایوان<sup>۱</sup> با هدف ترویج کارآفرینی و به‌منظور تسهیل شبکه‌سازی و تبادل ایده‌های کسب‌وکار در میان کارآفرینان موفق چینی تأسیس شده است. اهداف این انجمن به‌طور خلاصه عبارت از ترویج کسب‌وکار، تبادل فرهنگی و تقویت روابط مفید کسب‌وکار بین ایالات متحده آمریکا و چین و ایجاد بستری برای تبادل دانش است

[۳۰]. انجمن بین‌المللی آموزگاران فناوری و مهندسی<sup>۲</sup> سازمانی حرفه‌ای برای آموزگاران فناوری، نوآوری، طراحی و مهندسی است و هدف آن ارتقاء سواد فناورانه برای همه (علی‌الخصوص آموزگاران) از طریق حمایت از آموزش فناوری و مهندسی و ارتقاء حرفه‌ای آموزگاران این رشته‌ها است. از دیگر وظایف این انجمن می‌توان به رفع نیازهای حرفه‌ای و تحقق منافع اعضا و همچنین بهبود درک عمومی از فناوری، نوآوری، طراحی، آموزش مهندسی و اعطای جوایز به آموزگاران اشاره کرد. همچنین این انجمن با ارائه اطلاعات به دولت، سازمان‌ها، انجمن‌ها و دیگر گروه‌های ذی‌ربط در مورد آموزش فناوری سعی در هدایت یک برنامه قوی در زمینه سیاست عمومی دارد [۳۱]. بنیاد علم نوین سازمان ملل دارای سه کارکرد عمده در حوزه حمایت از زمینه‌های متنوع پژوهش علم و فناوری است. این کارکردها شامل ارائه کمک‌های مالی به مؤسسات و دانشمندان، ترویج تحقیقات علمی و توسعه راه‌های فناورانه پایدار و ارتقای آگاهی عمومی از علم است [۳۲].

در این قسمت کارکردهای متفاوتی برای سازمان‌های مردم‌نهاد با استفاده از ادبیات موجود شناسایی شد. برخی از این نقش‌ها به‌طور مستقیم مربوط به حوزه علم، فناوری و نوآوری بوده و برخی غیرمستقیم. در جدول ۱ تمام کارکرد شناسایی شده همراه با ذکر منابع آورده شده است.

جدول ۱: کارکردهای سازمان‌های مردم‌نهاد در توسعه علم و فناوری

| کارکردها                               | مراجع   |
|--|---|
| انجام سیاست‌پژوهی                      | (Lewis, 2006), (Zhang, 2005), (Human, 1993), (امیراحمدی, ۱۳۸۶), (CAST, 2007), (EASST, 2014) |
| کمک به دولت برای اجرای سیاست‌ها        | (Lewis, 2006), (Sapkota, 1997a), (Singh, 2003), (Zhang, 2005), (Human, 1993)                |
| کمک به دولت برای ارزیابی سیاست‌ها      | (William, 1991), (CAST, 2007), (امیراحمدی, ۱۳۸۶), (مقنی‌زاده, ۱۳۸۰)                         |
| انجام برنامه‌های توسعه                 | (Singh, 2003)   |
| انجام و راهبری پروژه‌های تحقیق و توسعه | (William, 1991), (ENSF, 2008)   |
| برنامه‌ریزی برای توسعه                 | (Singh, 2003)   |
| ارائه مدل‌هایی برای توسعه              | (Human, 1993)   |
| جریان‌سازی علمی                        | (صادقی, ۱۳۸۴) [۳۳]  |

2. ITEEA

1. HYSTA

| مراجع  | کارکردها  |
|--|---|
| (EASST, 2014), (ITEEA), (ENSF, 2008)   | ارائه کمک‌های مالی در جهت توسعه به مؤسسات و دانشمندان |
| (Lewis, 2006), (Human, 1993), (CAST, 2007), (ITEEA), (امیراحمدی, ۱۳۸۶)   | شناسایی نیازهای جامعه                                 |
| (امیراحمدی, ۱۳۸۶), (امیراحمدی, ۱۳۸۶)   | تدوین و اولویت‌بندی نیازهای اجتماعی                   |
| (SAPKOTA, 1997b), (Singh, 2003), (Zhang, 2005), (امیراحمدی, ۱۳۸۶), (CAST, 2007)  | انتقال نیازهای جامعه به دولت                          |
| (Lewis, 2006), (Zhang, 2005), (CAST, 2007), (امیراحمدی, ۱۳۸۶)  | ارائه خدمات مشاوره‌ای به نهادهای دولتی                |
| (Zhang, 2005), (CAST, 2007)  | ارائه خدمات مشاوره‌ای به شرکت‌های نوپا                |
| (Kieu & Singer, 2017), (Lewis, 2006), (SAPKOTA, 1997b), (William, 1991), (Singh, 2003), (Human, 1993), (EASST, 2014), (ITEEA), (CAST, 2007), (امیراحمدی, ۱۳۸۶) | ارائه خدمات آموزشی (عمومی)                            |
| (SAPKOTA, 1997b)   | ارائه خدمات آموزشی در جهت تخصص‌گرایی                  |
| (Zhang, 2005), (CAST, 2007)  | آموزش فناوری‌های جدید                                 |
| (William, 1991), (Singh, 2003), (Meyer, 1995), (ITEEA)   | حمایت از نوآوری                                       |
| (Zhang, 2005), (CAST, 2007)  | ارتقاء سیستم نوآوری فناورانه در سطح جامعه             |
| (Zhang, 2005), (HYSTA), (ITEEA), (ENSF, 2008)  | انتشار اطلاعات بین اعضاء (انتشار دانش و اطلاعات)      |
| (William, 1991), (Human, 1993)   | تسهیل ارتباط بین اعضاء                                |
| (William, 1991), (Human, 1993)   | تسهیل ارتباط دولت با جامعه                            |
| (William, 1991)  | تسهیل ارتباط جامعه با دولت                            |
| (EASST, 2014)  | افزایش تبادلات علمی                                   |
| (SAPKOTA, 1997b), (William, 1991)  | توسعه زیرساخت‌ها                                      |
| (Zhang, 2005)  | کمک به تدوین استانداردها و مقررات صنعتی               |
| (HYSTA)  | شبکه‌سازی در حوزه علم و فناوری                        |
| (مقنی‌زاده, ۱۳۸۰)  | افزایش مشارکت مردم در سیاست‌گذاری                     |
| (Zhang, 2005), (CAST, 2007), (HYSTA)   | بهبود همکاری‌های علم و فناوری بین‌المللی              |
| (Kieu & Singer, 2017), (Lewis, 2006), (SAPKOTA, 1997b)   | افزایش اشتغال   |
| (Meyer, 1995), (HYSTA)   | کمک به کارآفرینی                                      |
| (Meyer, 1995)  | انتقال فناوری   |
| (CAST, 2007)   | انتشار علم و فناوری در جامعه                          |

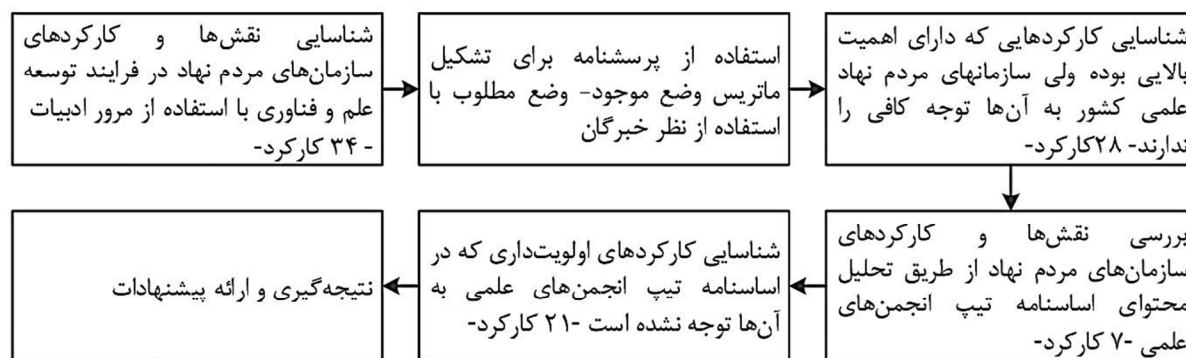
## روش تحقیق

در این تحقیق با استفاده از مرور ادبیات سی‌وچهار کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد علمی در توسعه علم و فناوری شناسایی شد. در ادامه و برای یافتن پاسخ پرسش

اول تحقیق، پرسشنامه‌ای تهیه شده و در اختیار خبرگان قرار گرفت و از آنها خواسته شد درجه اهمیت هر کارکرد را به صورت زیاد، متوسط و کم مشخص نمایند. برای وضعیت موجود نیز دقیقاً مشابه همین کار صورت گرفت. یعنی از

فناوری چه پیشنهادهایی را می‌توان ارائه کرد؟)، نتایج سؤالات اول و دوم مقایسه شده‌اند. بدین ترتیب که تمامی کارکردهای سی و چهار گانه به سه دسته تقسیم شده‌اند، دسته اول کارکردهایی هستند که از نظر خبرگان دارای اهمیت چندانی نمی‌باشند. دسته دوم کارکردهایی هستند که دارای اهمیت هستند و سازمان‌های مردم‌نهاد علمی نیز به آنها توجه مناسبی دارند. دسته سوم کارکردهایی هستند که دارای اهمیت بوده ولی سازمان‌های مردم‌نهاد علمی کشور به آنها توجه چندانی ندارند. کارکردهای دسته سوم به عنوان پاسخ پرسش سوم در نظر گرفته شده است. روش تحقیق پژوهش حاضر در شکل ۱ آورده شده است.

خبرگان خواسته شد که میزان توجه سازمان‌های مردم‌نهاد علمی به هر کدام از کارکردهای سی و چهارگانه چقدر (زیاد، متوسط و یا کم) را مشخص کنند. در نهایت با مقایسه نظرات خبرگان درجه اهمیت هر کارکرد مشخص شد. نتایج این بخش در قالب چهارچوب تحلیل آورده شده است (شکل شماره ۳). برای پاسخ به پرسش دوم تحقیق اساسنامه نمونه انجمن‌های علمی به نمایندگی از سازمان‌های مردم‌نهاد علمی بررسی و با کارکردهای شناسایی شده تطبیق داده شد. در نهایت برای به دست آوردن پاسخ پرسش سوم (برای بهبود و ارتقاء نقش و کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند توسعه علم و



شکل ۱: روش تحقیق

است) تقسیم‌بندی شده است. درایه‌های ۱\*۱، ۲\*۲ و ۳\*۳ درایه‌هایی هستند که وضع موجود مانند وضع بهینه و مطلوب است. لذا سیاست‌گذاری در این کارکردها و مداخله دولت کاری عبث و بیهوده است. کارکردهای «انجام برنامه‌های توسعه» و «کمک به دولت برای اجرای سیاست‌ها» (که در درایه ۲\*۲ قرار دارد) (که در درایه ۱\*۱ قرار گرفته) تنها کارکردهای توسعه علم و فناوری هستند که در این دسته قرار می‌گیرند.

دیگر درایه‌هایی که حاوی هیچ کارکردی نیست درایه ۳\*۳ است. این درایه جایی است که وضع موجود و مطلوب در حال بهینه بر یکدیگر منطبق می‌شوند. هر چه کارکردهای بیشتری در این درایه قرار گیرد نشان‌دهنده این است که سازمان‌های مردم‌نهاد نقش بیشتری در توسعه علم و فناوری کشور دارند، بررسی‌ها نشان می‌دهد که هیچ کارکردی در این دسته قرار نگرفته است. هشت کارکرد،

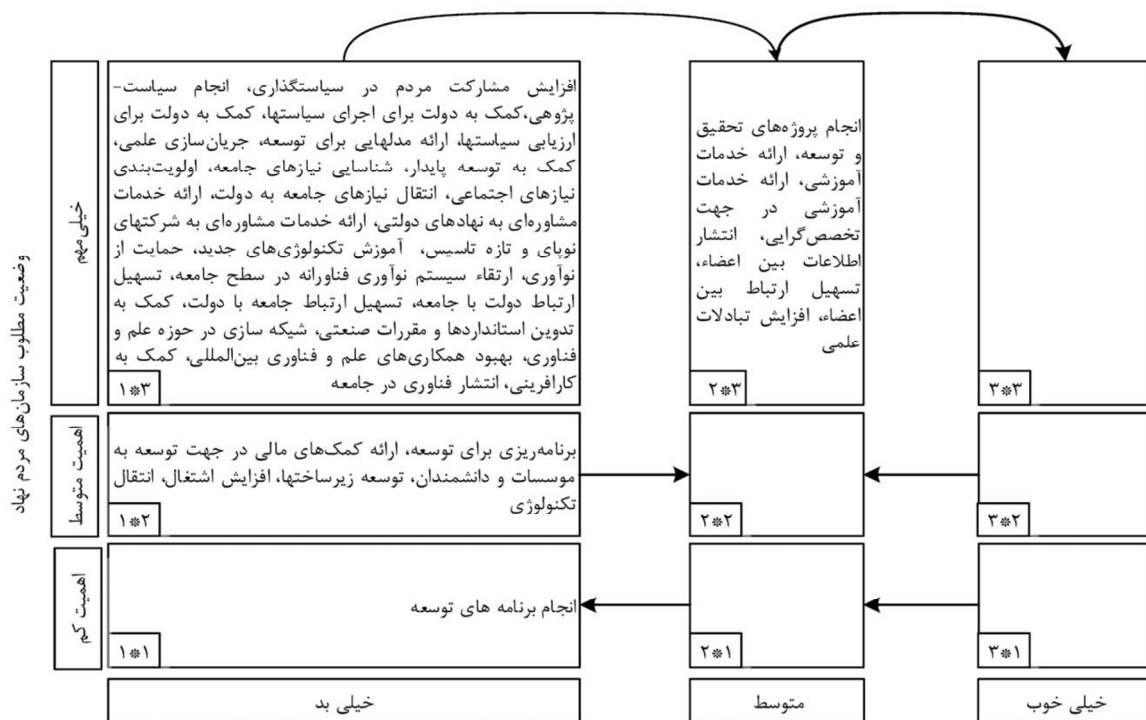
### تجزیه و تحلیل نتایج تحقیق

چارچوب تحلیل تحقیق حاضر در شکل ۲ نشان داده شده است. این چهارچوب دارای دو بعد است. بعد وضعیت موجود که به صورت افقی نشان داده شده و بعد وضعیت مطلوب که به صورت عمودی آورده شده است. بعد وضعیت مطلوب به سه بخش خیلی مهم (کارکردهایی که در این بخش قرار می‌گیرند از نظر خبرگان دارای اهمیت بسیار زیادی می‌باشند)، تا حدودی مهم و کم‌اهمیت تقسیم‌بندی شده است. بعد وضعیت موجود نیز به سه دسته خیلی خوب (کارکردهایی که در این دسته قرار می‌گیرند، کارکردهایی هستند که هم‌اکنون توسط سازمان‌های مردم‌نهاد به خوبی انجام می‌گیرد)، متوسط (کارکردهای این دسته تا حدودی مورد توجه سازمان‌های مردم‌نهاد قرار گرفته است) و خیلی بد (کارکردهای این دسته یا اصلاً توسط سازمان‌های مردم‌نهاد انجام نمی‌شود یا خیلی کم به آن توجه شده

کارکردهای درایه ۳\*۱ شامل کارکردهای افزایش مشارکت مردم در سیاست‌گذاری، انجام سیاست‌پژوهی، کمک به دولت برای اجرا و ارزیابی سیاست‌ها، ارائه مدل‌هایی برای توسعه، جریان‌سازی علمی، کمک به توسعه پایدار، شناسایی نیازهای جامعه، اولویت‌بندی نیازهای اجتماعی، انتقال نیازهای جامعه به دولت، ارائه خدمات مشاوره‌ای به نهادهای دولتی، ارائه خدمات مشاوره‌ای به شرکت‌های نوپا و تازه تأسیس، آموزش فناوری‌های جدید، حمایت از نوآوری، ارتقاء سیستم نوآوری فناورانه در سطح جامعه، تسهیل ارتباط دولت با جامعه، تسهیل ارتباط جامعه با دولت، کمک به تدوین استانداردها و مقررات صنعتی، شبکه‌سازی در حوزه علم و فناوری، بهبود همکاری‌های علم و فناوری بین‌المللی، کمک به کارآفرینی و انتشار فناوری در جامعه است. این کارکردها مهم‌ترین کارکردهای شناسایی شده هستند زیرا از یک‌طرف دارای بیشترین اهمیت بوده و از طرف دیگر مورد توجه سازمان‌های مردم‌نهاد نیست. بر این اساس کارکردهای درایه‌های ۳\*۱ و ۳\*۲ به دلیل اهمیت آنها در توسعه علم و فناوری مورد توجه مقاله حاضر قرار گرفته و در بخش‌های آتی مورد تجزیه و تحلیل بیشتر قرار می‌گیرد.

شامل کارکردهای برنامه‌ریزی برای توسعه، ارائه کمک‌های مالی در جهت توسعه به مؤسسات و دانشمندان، توسعه زیرساخت‌ها، افزایش اشتغال و انتقال فناوری در درایه ۳\*۲ قرار گرفته‌اند، همان‌طور که بیان شد این درایه شامل کارکردهایی است که از نظر خبرگان تا حدودی مهم هستند ولی سازمان‌های مردم‌نهاد به آن توجه چندانی ندارند، این کارکردها در بلند مدت باید تقویت شوند ولی دارای اولویت سطح بالا نیز نمی‌باشند.

شش کارکرد در درایه ۳\*۲ شامل کارکردهای انجام و راهبری پروژه‌های تحقیق و توسعه، ارائه خدمات آموزشی، ارائه خدمات آموزشی در جهت تخصص‌گرایی، انتشار اطلاعات بین اعضاء، تسهیل ارتباط بین اعضاء و افزایش تبادلات علمی قرار گرفته‌اند، این کارکردها دارای اهمیت بسیار بالایی بوده ولی در کشور به اندازه کافی توسط سازمان‌های مردم‌نهاد مورد توجه قرار نگرفته است (اهمیت بالا و توجه متوسط)، این کارکردها دارای اولویت بالا بوده و باید سیاست‌های لازم برای بهبود جایگاه آنها در سازمان‌های مردم‌نهاد توسط دولت تصویب و اجرا شود.



وضعیت موجود سازمان‌های مردم‌نهاد

شکل ۲: چهارچوب تحقیق

**نقش سازمان‌های مردم‌نهاد علمی در فرایند توسعه علم و فناوری: پاسخ به پرسش نخست**

با توجه به مطالعات صورت گرفته سازمان‌های مردم‌نهاد علمی از طریق کارکردهایی می‌توانند باعث توسعه در حوزه‌های علم و فناوری کشور شوند.

**مقایسه اساسنامه نمونه سازمان‌های مردم‌نهاد علمی با کارکردهای شناسایی شده: پاسخ به پرسش دوم**

در جدول ۳ کارکردهای شناسایی شده سازمان‌های مردم‌نهاد علمی با کارکردهای اساسنامه نمونه انجمن‌های علمی (وزارت علوم) مقایسه شده است. ستون سمت راست کارکردهای مهم شناسایی شده را نشان می‌دهد و ستون سمت چپ نشان‌دهنده نقش‌هایی است که در اساسنامه نمونه انجمن‌های علمی به آن توجه شده است.

**جدول ۲: کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد علمی در توسعه علم و فناوری کشور**

| نقش و کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد علمی در فرایند توسعه علم و فناوری کشور |  |    |   |
|--|--|----|---|
| ۱  | افزایش مشارکت مردم در سیاست‌گذاری                    | ۱۵ | تسهیل ارتباط دولت با جامعه                |
| ۲  | انجام سیاست‌پژوهی                                    | ۱۶ | تسهیل ارتباط جامعه با دولت                |
| ۳  | کمک به دولت برای ارزیابی سیاست‌ها                    | ۱۷ | کمک به تدوین استانداردها و مقررات صنعتی   |
| ۴  | ارائه مدل‌هایی برای توسعه                            | ۱۸ | شبکه‌سازی در حوزه علم و فناوری            |
| ۵  | جریان‌سازی علمی                                      | ۱۹ | بهبود همکاری‌های علم و فناوری بین‌المللی  |
| ۶  | کمک به توسعه پایدار                                  | ۲۰ | کمک به کارآفرینی                          |
| ۷  | شناسایی نیازهای جامعه                                | ۲۱ | انتشار فناوری در جامعه                    |
| ۸  | اولویت‌بندی نیازهای اجتماعی                          | ۲۲ | انجام و راهبری پروژه‌های تحقیق و توسعه    |
| ۹  | انتقال نیازهای جامعه به دولت                         | ۲۳ | ارائه خدمات آموزشی                        |
| ۱۰   | ارائه خدمات مشاوره‌ای به نهادهای دولتی               | ۲۴ | ارائه خدمات آموزشی در جهت تخصص‌گرایی      |
| ۱۱   | ارائه خدمات مشاوره‌ای به شرکت‌های نوپای و تازه تأسیس | ۲۵ | انتشار اطلاعات بین اعضا                   |
| ۱۲   | آموزش فناوری‌های جدید                                | ۲۶ | تسهیل ارتباط بین اعضا                     |
| ۱۳   | حمایت از نوآوری                                      | ۲۷ | افزایش تبادلات علمی                       |
| ۱۴   | کمک به دولت برای اجرای سیاست‌ها                      | ۲۸ | ارتقاء سیستم نوآوری فناورانه در سطح جامعه |

جدول ۳: مقایسه کارکردهای شناسایی شده با اساسنامه نمونه انجمن‌های علمی

| کارکردهای شناسایی شده   |  |
|---|--|
| انجام سیاست‌پژوهی   | کارکردهای مورد تأکید در اساسنامه نمونه انجمن‌های علمی در مورد توسعه علم و فناوری   |
| کمک به دولت برای ارزیابی سیاست‌ها   | ماده ۵: بند ۱: انجام تحقیقات علمی و فرهنگی در سطح ملی و بین‌المللی<br>ماده ۱۳: بند ۸: اجرای طرح‌ها و برنامه‌های علمی             |
| بهبود همکاری‌های علمی و فناوری بین‌المللی   | ماده ۵: بند ۲: همکاری با نهادهای اجرایی، علمی و پژوهش در زمینه ارزیابی و بازنگری برنامه‌های مرتبط با آموزش و پژوهش در زمینه علمی |
| انتشار علم و فناوری در جامعه  | ماده ۵: بند ۵: برگزاری گردهمایی‌های علمی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی   |
| ارائه خدمات آموزشی  | ماده ۵: بند ۶: انتشار کتب و نشریات علمی  |
| ارائه خدمات آموزشی در جهت تخصص‌گرایی  | ماده ۵: بند ۴: ارائه خدمات آموزشی، پژوهش و فنی<br>ماده ۵: بند ۶: انتشار کتب و نشریات علمی  |
| افزایش مشارکت مردم در سیاست‌گذاری، ارائه مدل‌هایی برای توسعه، جریان‌سازی علمی، کمک به توسعه پایدار، شناسایی نیازهای جامعه، اولویت‌بندی نیازهای اجتماعی، انتقال نیازهای جامعه به دولت، ارائه خدمات مشاوره‌ای به نهادهای دولتی، ارائه خدمات مشاوره‌ای به شرکت‌های نوپای و تازه تأسیس، آموزش فناوری‌های جدید، حمایت از نوآوری، ارتقاء سیستم نوآوری فناورانه در سطح جامعه، تسهیل ارتباط دولت با جامعه، تسهیل ارتباط جامعه با دولت، کمک به تدوین استانداردها و مقررات صنعتی، شبکه‌سازی در حوزه علم و فناوری، کمک به کارآفرینی، انجام و راهبری پروژه‌های تحقیق و توسعه، انتشار اطلاعات بین اعضاء، تسهیل ارتباط بین اعضاء، افزایش تبادلات علمی | ماده ۵: بند ۴: ارائه خدمات آموزشی، پژوهش و فنی<br>ماده ۵: بند ۶: انتشار کتب و نشریات علمی  |

همان‌طور که ملاحظه می‌شود از میان بیست‌وهشت کارکردی که از نظر خبرگان دارای اهمیت است (ستون سمت راست جدول فوق)، اساسنامه نمونه انجمن‌های علمی تنها هفت مورد از آنها را تحت پوشش قرار داده است. به بیان دیگر از میان بیست و هشت کارکرد مهم شناسایی شده فقط هفت مورد از آنها مورد توجه اساسنامه نمونه انجمن‌های علمی است و بیست و یک مورد از آنها در اساسنامه مغفول مانده است.

**پیشنهادهایی برای بهبود و ارتقاء نقش و کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند توسعه علم و فناوری: پاسخ به پرسش سوم**

با توجه به مرور ادبیات مربوط به کارکردهای سازمان‌های مردم‌نهاد سی‌وچهار کارکرد برای سازمان‌های مردم‌نهاد علمی شناسایی شد. این کارکردها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد؛ اولین دسته شامل کارکردهایی است که از نظر خبرگان دارای اهمیت بالایی نبوده یا در شرایط کنونی دارای اولویت نیستند (شامل شش کارکرد)، بنابراین کارکردها نیازی به سیاست‌گذاری و ورود به اساسنامه نمونه سازمان‌های مردم‌نهاد علمی را ندارند. دسته دوم شامل کارکردهایی است که از نظر خبرگان دارای اهمیت هستند و در اساسنامه نمونه سازمان‌های مردم‌نهاد علمی به آنها توجه شده است (شامل هفت کارکرد). دسته سوم شامل بیست‌ویک کارکرد است که دارای اهمیت بالایی بوده ولی

مورد بررسی قرار گرفت و از بین بیست و هشت کارکرد اولویت‌دار تنها هفت کارکرد احصاء گردید که در اساسنامه نمونه سازمان‌های مردم‌نهاد علمی به آن توجه شده است. در نهایت بیست‌ویک کارکرد به عنوان کارکردهای اولویت‌داری که در اساسنامه سازمان‌های مردم‌نهاد به آنها توجه نشده است به عنوان پاسخ پرسش سوم و پیشنهادهای سیاستی ارائه گردید. این کارکردها عبارتند از: افزایش مشارکت مردم در سیاست‌گذاری، انجام و راهبری پروژه‌های تحقیق و توسعه، ارائه مدل‌هایی برای توسعه، جریان‌سازی علمی، کمک به توسعه پایدار، شناسایی نیازهای جامعه، اولویت‌بندی نیازهای اجتماعی، انتقال نیازهای جامعه به دولت، ارائه خدمات مشاوره‌ای به نهادهای دولتی، ارائه خدمات مشاوره‌ای به شرکت‌های نوپا، آموزش فناوری‌های جدید، حمایت از نوآوری، ارتقاء سیستم نوآوری فناورانه در سطح جامعه، انتشار اطلاعات بین اعضا، تسهیل ارتباط بین اعضا، تسهیل ارتباط دولت با جامعه، تسهیل ارتباط جامعه با دولت، افزایش تبادلات علمی، کمک به تدوین استانداردها و مقررات صنعتی، شبکه‌سازی در حوزه علم و فناوری و کمک به کارآفرینی.

اضافه نمودن کارکردهای مهم و اولویت‌دار به اساسنامه تیپ سازمان‌های مهم نهاد علمی به عنوان پیشنهادها سیاستی در کوتاه‌مدت می‌تواند بسیار مثر ثمر باشد. اما نکته مهم در این بحث تطبیق دادن سطح اهمیت کارکردهای شناسایی شده بر اساس میزان اهمیت وضعیت مطلوب سازمان‌های مردم‌نهاد با وضعیت موجود است. اگر شکل ۲ که حاوی چهارچوب تحقیق است را به عنوان یک ماتریس ۳\*۳ در نظر بگیریم. درایه‌های سطری شامل وضعیت موجود سازمان‌های مردم‌نهاد دو درایه‌های ستونی حاوی وضعیت مطلوب آنهاست. این ماتریس به علت اینکه سازمان‌های مردم‌نهاد علمی نقش چندانی در توسعه حوزه علم و فناوری ایفا نکرده‌اند عملاً ماتریسی بالا مثلثی است. وضعیت مناسب این است که ماتریس فوق تبدیل به ماتریس قطری شود به نحوی که فقط درایه‌های ۱\*۱، ۲\*۲ و ۳\*۳ حاوی کارکردهای مرتبط با توسعه علم و فناوری باشد در غیر این صورت ماتریس به دست آمده یا بالا مثلثی است (که نشان می‌دهد سازمان‌های مردم‌نهاد علمی

در اساسنامه نمونه به آنها توجه نشده است. در نتیجه پیشنهاد می‌شود کارکردهایی مانند، افزایش مشارکت مردم در سیاست‌گذاری، انجام و راهبری پروژه‌های تحقیق و توسعه، ارائه مدل‌هایی برای توسعه، جریان‌سازی علمی، مباحث مربوط به توسعه پایدار، مباحث مربوط به شناسایی و اولویت‌بندی نیاز و انتقال آن به دولت، خدمات مشاوره‌ای به دولت و شرکت‌های نوپا، آموزش فناوری‌های جدید، کارکردهای مربوط به نوآوری، کارکردهای اطلاعاتی و ارتباطی، کمک به تدوین استانداردها و مقررات صنعتی، شبکه‌سازی در حوزه علم و فناوری و کارکرد کارآفرینی به اساسنامه نمونه انجمن‌های علمی افزوده شود. البته باید به این نکته نیز توجه نمود که انجمن‌های علمی عموماً نهادهایی غیرانتفاعی هستند و ورود آنها به بخش اقتصادی، آنها را از کارکردها و مأموریت‌های ذاتی‌شان بازمی‌دارد. در این مقاله منظور از انجام پروژه‌های تحقیق و توسعه دریافت پروژه از دیگر نهادها و انجام آن با هدف کسب منافع اقتصادی نیست؛ بلکه منظور تعریف پروژه در انجمن‌ها و انجام آن با استفاده از ظرفیت‌های موجودشان (دانشجویان و محققان عضو) است.

### ۳. نتیجه‌گیری

در گام اول تحقیق حاضر و با استفاده از مرور ادبیات سی‌وچهار کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند توسعه علمی و فناوری کشور شناسایی شد. با توجه به اینکه همه این کارکردها برای سازمان‌های مردم‌نهاد علمی کشور مناسب (یا دارای اولویت) نیستند، در نتیجه سعی شد از طریق مصاحبه با ده نفر از خبرگان مهم‌ترین کارکردهای سازمان‌های مردم‌نهاد علمی در توسعه علم و فناوری شناسایی شوند. در نهایت شش کارکرد توسط خبرگان فاقد اولویت و بیست‌وهشت کارکرد برای سازمان‌های مردم‌نهاد علمی دارای اولویت تشخیص داده شد. کارکردهای بیست‌وهشت گانه احصاء شده را می‌توان به دو دسته تقسیم‌بندی کرد: الف) کارکردهایی که در اساسنامه فعلی سازمان‌های مردم‌نهاد علمی وجود دارند و ب) کارکردهایی که در اساسنامه فعلی سازمان‌های مردم‌نهاد علمی وجود ندارند. در گام بعد اساسنامه سازمان‌های مردم‌نهاد علمی



که در این درایه قرار می‌گیرند نه دارای اولویت‌اند نه سازمان‌های مردم‌نهاد علمی به آن توجه داشته‌اند) قرار می‌گیرد. در نتیجه در بلند مدت و با هدف رسیدن به این ماتریس مطلوب باید کارکردهای واقع در درایه ۱\*۳ به درایه ۲\*۳ و در نهایت به درایه ۳\*۳ منتقل شوند. با همین استدلال باید درایه ۱\*۲ و ۳\*۲ به درایه ۲\*۲ و درایه‌های ۲\*۱ و ۳\*۱ به درایه ۱\*۱ منتقل شوند.

کشور توجه چندانی به کارکردهای مهم ندارند) یا ماتریس پایین مثلی است (که نشان می‌دهد سازمان‌های مردم‌نهاد علمی کشور به کارکردهایی توجه دارند که دارای اولویت نیست) یا ماتریسی با درایه‌های پراکنده و نامنظم است. اگر ماتریس به دست‌آمده قطری باشد کارکردهای مذکور در درایه‌های ۳\*۳ (کارکردهایی که در این درایه قرار می‌گیرند هم دارای اولویت بالا هستند هم مورد توجه سازمان‌های مردم‌نهاد علمی قرار گرفته‌اند)، ۲\*۲ و ۱\*۱ (کارکردهایی

## References

## منابع

- [1] Barpujari, I "Public Engagement in Emerging Technologies". Issues for India. ENGAGEMENTS, 123. 2011
- [2] Sylvester, D. J., Abbott, K. W., & Marchant, G. E. "Not again! Public perception, regulation, and nanotechnology". Regulation & Governance, 3(2), 165-185. 2009
- [3] Sismondo, S. "An introduction to science and technology studies" (Vol. 1): Wiley-Blackwell Chichester. 2010
- [4] Burningham, K., & Cooper, G. "Being constructive: Social constructionism and the environment". Sociology 1999, 33(2), 296-316.
- [5] Irwin, A. "Citizen science: A study of people, expertise and sustainable development" Psychology Press. 1995
- [6] Lengwiler, M. "Participatory approaches in science and technology: Historical origins and current practices in critical perspective". Science, Technology, & Human Values 2008, 33(2), 186-200.
- [7] SAPKOTA, B. N. "Building Partnerships for Reforms in the Nepalese Bureaucracy". REFORMS IN THE NEPALESE BUREAUCRACY, (1997b), 7(1) 43-49.
- [8] OECD. Frascati Manual 2015: Guidelines for Collecting and Reporting Data on Research and Experimental Development, The Measurement of Scientific, Technological and Innovation Activities. Paris: OECD Publishing.
- [9] عبیری گلپایگانی, ح. «نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه‌های محیط زیست و منابع طبیعی» ماهنامه مهندسی کشاورزی، ۱۳۹۰، ۲۶.
- [۱۰] علی‌الحسابی, م. «نقش سازمان‌های مردم‌نهاد و رهبران محلی در توسعه روستایی». فصلنامه مسکن و محیط روستا» 1390، ۱۳۴.
- [۱۱] وحیدیان, ا. سازمان‌های مردم‌نهاد، رکن سوم توسعه پایدار. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲.
- [۱۲] رضایی, زهرا. «نقش سازمان‌های غیرانتفاعی در توسعه اجتماعی». تهران: پژوهش‌نامه علوم اجتماعی. ۱۳۸۶، ۱۴.
- [13] Lane, M. B., & Morrison, T. H. "Public interest or private agenda?: A meditation on the role of ngos in environmental policy and management in Australia". Journal of rural studies, 2006. 22(2), 232-242.
- [14] Young, D. R. "Alternative models of government-nonprofit sector relations: Theoretical and international perspectives. Nonprofit and voluntary sector quarterly". 2000, 29(1), 149-172.
- [15] Carson, E. D. "Public expectations and nonprofit sector realities: A growing divide with disastrous consequences". Nonprofit and voluntary sector quarterly, 2002, 31(3), 429-436.
- [۱۶]. پورتال سازمان‌های مردم‌نهاد سازمان ملل متحد، (۲۰۱۵) به نشانی <http://www.ngo.org/>.

- [17]. Kieu, T. K., & Singer, J. . Involvement of ngos in Training Teachers in Education for Sustainable Development in Vietnam: A Case Study. *European Journal of Sustainable Development*, 2017 6(1), 153-166.
- [18]. CAST. 2007. Retrieved from <http://english.cast.org.cn/>
- [19]. EASST. 2014. <https://easst.net/about-easst/easst-constitution/>. Retrieved from <https://easst.net/about-easst/easst-constitution/>
- [20]. ENSF. 2008. Retrieved from <http://www.ensf-ngo.org/new/index.php>
- [21]. Human, P. “Development in the transition: Opportunities and challenges for ngos in South Africa” *Development Southern Africa*, 1993 ,10(3), 421-425 .
- [22]. HYSTA. 2016. Retrieved from <http://www.hysta.org/>
- [23]. ITEEA. 2016. Retrieved from <https://www.iteea.org/About.aspx>
- [24]. Kieu, T. K., & Singer, J. “Involvement of ngos in Training Teachers in Education for Sustainable Development in Vietnam: A Case Study”. *European Journal of Sustainable Development*, 2017. 6(1), 153-166 .
- [25]. Lewis, D. “The management of non-governmental development organizations: Routledge”. 2006
- [26]. Meyer, C. A. “Opportunism and ngos: Entrepreneurship and green north-south transfers” *World Development*, 1995, 23(8), 1277-1289 .
- [27]. Singh, R. S. K “Role of ngos in Developing Countries: Potentials, Constraints and Policies: Deep and Deep Publications”. 2003
- [28]. William, C. “ Non-governmental initiatives. ADB, The Urban Poor and Basic Infrastructure Services in Asia and the Pacific. Manila: Asia Development Bank. ”, 1991
- [29]. Zhang, J. “A comparative study of ngos in China and South Africa”. Citeseer , 2005

[۳۰]. امیراحمدی، ه. جامعه سیاسی مدنی و توسعه ملی. تهران: نقش و نگاه. ۱۳۸۶

[۳۱]. مقنی زاده، م. ح. سازمانهای غیردولتی نهادی برای سازماندهی مشارکت در جامعه مدنی. تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور. ۱۳۸۰

## عوامل مؤثر بر یکپارچگی دانش فنی و دانش بازار در شرکت‌های نوآور: موانع و راهکارها

مصطفی صادقی<sup>۱</sup>، مهدی کیامهر<sup>۲\*</sup>

۱. مدیر محصول شرکت پرداخت الکترونیک پاسارگاد  
۲. استادیار دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف

تاریخ پذیرش ۹۷/۱۰/۱۸

تاریخ دریافت ۹۷/۵/۱۵

### چکیده

یکی از عوامل مهم در موفقیت نوآوری، یکپارچگی دانش فنی و دانش بازار است. اما نتایج تحقیقات پیشین در این حوزه نشان می‌دهد که سطح یکپارچگی موجود از سطح مطلوب موردنظر سازمان‌ها کمتر است. هدف این تحقیق بررسی موانع ایجاد یکپارچگی در سازمان‌ها با تمرکز بر واحدهای فنی و واحدهای بازاریابی است. با مطالعه منابع کتابخانه‌ای مشخص شد که عواملی در سطح فردی و سازمانی مانع دستیابی به سطح مطلوب یکپارچگی بین واحدهای ذکر شده می‌شوند، از جمله دنیای تفکر فرهنگی متفاوت کارکنان دو واحد، مسئولیت‌های سازمانی متفاوت و فاصله جغرافیایی بین واحدها. جابه‌جایی کارکنان، طراحی ساختار سازمان با رویکردهای نوآورانه و ایجاد و تقویت سیستم‌های اجتماعی غیررسمی در سازمان از جمله راهکارهایی هستند که به افزایش یکپارچگی کمک می‌کنند. این تحقیق به مدیران ارشد سازمان‌ها و به‌خصوص مدیران عامل و مسئولان نوآوری در سازمان کمک می‌کند که با شناخت بهتر از مسئله و راه‌حل‌ها، بتوانند موفقیت نوآوری‌های سازمان را افزایش دهند.

**کلیدواژه‌ها:** یکپارچگی دانش، نوآوری، توسعه محصول و خدمت جدید.

## ۱. مقدمه

امروزه بنگاه‌ها با شرایط محیطی متغیر و غیرقابل پیش‌بینی روبرو هستند. آنها برای پاسخگویی به این شرایط استراتژی‌ها و برنامه‌های عملیاتی مختلفی را مدنظر قرار می‌دهند. یکی از استراتژی‌های مورد استفاده، بهره‌برداری از نوآوری و توسعه محصول جدید است. همزمان با شتاب تغییرات، شامل افزایش شدت رقابت و انتظارات مشتریان، اهمیت و نیاز به نوآوری شدیداً مورد تأکید قرار گرفته است. اما همچنان این عامل حیاتی و مهم دور از دسترس است زیرا نوآوری مستلزم شناسایی ابزارها، ایده‌ها و فرصت‌ها به منظور خلق محصول و خدمت جدید یا بهبود محصولات و خدمات موجود است. علاوه بر این سازمان‌ها برای دستیابی به نوآوری احتیاج دارند به صورت همزمان، هم به کاوش و جستجو برای یافتن فرصت‌های جدید بپردازند و هم برای پاسخگویی به فرصت‌های کشف شده از توانمندی موجود بهره‌برداری کنند [۱]. به طور معمول مسئولیت کاوش و جستجوی فرصت‌های جدید در بازار در زمره مأموریت‌های واحد بازاریابی (تحقیقات بازار) و مسئولیت شناسایی یا ایجاد توانمندی جدید در سازمان به منظور بهره‌برداری از این فرصت‌ها در زمره مأموریت‌های واحد فنی (تحقیق و توسعه فنی) قرار دارد. بنابراین جهت رسیدن به سطح مطلوب در عامل‌های کلیدی موفقیت یک پروژه توسعه محصول جدید همچون میزان درآمدزایی، میزان سودآوری و فاصله زمانی از شروع پروژه تا زمان ورود محصول به بازار لازم است یکپارچگی و روند انتقال دانش بین این واحدها برقرار شود [۲].

در مواقعی که عدم همراهی و موافقت میان واحدها به وجود آید، ایجاد تعامل و یکپارچه‌سازی مؤثر آنها مشکل خواهد بود. بنابراین مدیریت سازمان، در مسیری که یکپارچگی بین واحدهای تحقیق و توسعه و بازاریابی برقرار شود چالشی جدی است [۳]. زیرا در ابتدای چرخه عمر سازمان‌های کارآفرینانه، کارآفرینان مسئولیت ارزیابی نیاز بازار یعنی آنچه لازم است توسعه داده شود و پاسخگویی به نیاز بازار یعنی چگونگی توسعه محصول را بر عهده دارند و در واقع دانش فنی و دانش بازار در معدودی افراد تجمیع می‌شود ولی با بزرگ شدن سازمان و شکل‌گیری ساختار واحدها و تقسیم وظایف در سازمان، وظایف تحقیق و

توسعه و بازاریابی در افراد مختلف اختصاصی می‌شوند. در این شرایط افراد فنی و صاحب دانش فناورانه وظیفه توسعه محصول و فناوری‌ها را برعهده می‌گیرند و افراد بازاریاب وظیفه تعامل با مشتریان و فروش محصول را عهده‌دار می‌شوند. در چنین شرایطی هرچه واحدها بزرگتر می‌شوند افراد فعال در هرکدام از آنها در تخصص خود خیره‌تر شده و تأثیر مشارکت در موفقیت سازمان را فراموش می‌کنند که در نتیجه ایجاد تعامل و همکاری بین آنها به سختی میسر می‌شود.

در ادبیات موضوع محققان مختلف پس از بررسی اختلاف موجود بین میزان واقعی و میزان مطلوب یکپارچگی و بررسی دلایل این اختلاف و موانع ایجاد یکپارچگی، مکانیسم‌هایی برای افزایش میزان واقعی یکپارچگی ارائه کرده‌اند. در ادامه ابتدا به بیان تعریف یکپارچگی پرداخته سپس موانع موجود در راستای دستیابی به یکپارچگی را بیان می‌کنیم و در انتها راه‌حل‌های استخراج شده از ادبیات موضوع را ارائه خواهیم کرد.

## ۲. مبانی نظری و پیشینه مطالعاتی

### یکپارچگی و اثر آن بر عملکرد پروژه‌های محصولات جدید

منظور از یکپارچگی در این تحقیق انتقال اطلاعات بازار و نیاز موجود در آن از واحد بازاریابی به واحد تحقیق و توسعه و دریافت بازخورد واحد تحقیق و توسعه درباره اطلاعات دریافت شده به منظور ایجاد ذهنیت واحد بین کارکنان دو واحد درباره نیاز موجود در بازار و چگونگی امکان طراحی محصولاتی است که با کمک آنها امکان پاسخگویی به نیاز بازار فراهم باشد.

تا به امروز مطالعات بسیاری اثر یکپارچگی و هماهنگی بین واحدهای تحقیق و توسعه و بازاریابی بر موفقیت فرایند توسعه محصول را بررسی کرده‌اند که نمونه‌هایی از آنها در جدول ۱ قابل مشاهده است. محققین در اکثر این تحقیقات میزان موفقیت پروژه توسعه محصول را در کنار میزان یکپارچگی بین واحدها اندازه‌گیری کرده و سپس در پی یافتن رابطه بین این دو متغیر بوده‌اند. به منظور اندازه‌گیری میزان موفقیت پروژه با توجه به نوع تحقیقاتی که صورت گرفته است پارامترهای مختلفی مورد نظر بوده‌اند. طبق

B2C<sup>۳</sup> هر چه یکپارچگی و هماهنگی بین دو واحد مذکور بیشتر باشد میزان موفقیت در فرایند توسعه محصول نیز بیشتر است [۴]. به‌طور مثال سودر و ویلیامز [۵] پس از یک تحقیق ده‌ساله و پس از بررسی ۲۸۹ پروژه توسعه محصول شواهدی ارائه کردند مبنی بر اینکه رابطه مستحکمی بین تعامل، همکاری و گفت‌وگوی مستمر کارکنان بازاریابی و فنی و میزان موفقیت محصول وجود دارد. علاوه بر این لازم است بین رابطه دوستانه با همکاری حرفه‌ای تفاوت قائل شد زیرا روابط اجتماعی گسترده خارج از تعاملات حرفه‌ای مرتبط با پروژه ممکن است موانعی در مسیر انتقاد هدفمند اعضا ایجاد کند که مضر خواهد بود. علاوه بر تحقیقاتی که به بررسی رابطه بین یکپارچگی و میزان موفقیت پروژه توسعه محصول پرداخته‌اند، تحقیقات بسیاری نیز موانع ایجاد یکپارچگی بین واحدهای مختلف در پروژه توسعه محصول را مورد بررسی قرار داده‌اند که در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

گزارشی که انجمن مدیریت توسعه محصول<sup>۱</sup> پس از بررسی ۷۷ مقاله منتشر شده و ۵۰ گزارش صنعتی از سازمان‌های برتر ارائه کرده است، عوامل‌های اصلی ارزیابی میزان موفقیت پروژه به شرح موارد زیر است:

- شاخص‌های مربوط به مشتری شامل: سهم بازار و رضایت مشتری
- شاخص‌های مالی شامل: حاشیه سود هر محصول و کل سود هدف‌گذاری شده
- شاخص‌های فرایندی شامل: عملکرد فنی، اتمام پروژه طبق برنامه زمان‌بندی
- شاخص‌های در سطح بنگاه شامل: نرخ موفقیت و شکست پروژه‌ها و سهم پروژه‌های جدید از کل فروش بنگاه
- اهداف برنامه‌ای شامل: درصد تحقق اهداف تعیین شده برای هر پروژه

با توجه به نتایج تحقیقات شواهد قوی و قابل‌انکایی وجود دارد که چه در بازارهای محصول محور و چه در بازارهای مبتنی بر خدمات و در هر دو بخش B2B<sup>۲</sup> و

جدول ۱: معرفی تحقیقات گذشته مرتبط با موضوع تحقیق [۴]

| محقق                   | تعداد نمونه         | نوع شرکت‌ها                              | شواهد و نتایج  |
|------------------------|---------------------|--|--|
| کوپر 1983              | ۵۸ پروژه            | صنعتی                                    | پروژه‌هایی که ورودی تحقیق و توسعه و بازاریابی را بالانس می‌کنند عملکرد بهتری دارند.  |
| کوپر ۱۹۸۴              | ۲ شرکت              | الکترونیک، تجهیزات سنگین، شیمیایی و مواد | استراتژی‌های مدیریتی که تعادل بین بازاریابی و تحقیق و توسعه را مدنظر قرار می‌دهند شانس بیشتری برای موفقیت پروژه توسعه محصول جدید و کسب درآمد از فروش محصول جدید دارند. |
| کوپر و دبرتانی ۱۹۹۱    | ۱۰۶ پروژه           | خدمات مالی                               | همبستگی (ارتباط و تعامل) بیشترین میزان ارتباط با موفقیت پروژه را دارد. <sup>۵</sup>  |
| کوپر و کلین اشمیت ۱۹۸۷ | ۵ شرکت<br>۲۰۳ پروژه | تولیدی                                   | همکاری و هماهنگی بازار و فناوری به‌طور فراوانی در موفقیت پروژه مؤثرند.   |

۳. بازارهایی که در آن‌ها فروشنده کالا یا خدمت کسب و کار و خریدار مصرف‌کننده نهایی است که هدف آن از جنس خریداری شده کسب منفعت اقتصادی جدید نیست.

4. William E

5. Correlation= ۰.۴۵

1. PDMA

۲. بازارهایی که در آن‌ها هم خریدار و هم فروشنده، کسب و کار می‌باشند و معمولاً خریدار جنس خریداری شده را در فرایندهای داخلی کسب و کار خود مورد بهره‌برداری قرار می‌دهد.

| شواهد و نتایج   | نوع شرکتها                                    | تعداد نمونه  | محقق                                    |
|---|---|--|---|
| همبستگی ارتباطات با فروش و سهم بازار = ۰.۳۸<br>همبستگی ارتباطات با کاهش قیمت = ۰.۲۹   | خدمات مالی و مدیریتی،<br>حمل و نقل و ارتباطات | ۱۱۵ شرکت<br>۲۶۷ پروژه                                    | دبرنتانی ۱۹۸۹                           |
| تعاملات درباره همه موضوعات مرتبط با پروژه،<br>پروژه‌های موفق را از پروژه‌های ناموفق جدا<br>می‌کند.  | صنعتی، مصرفی و خدمات                          | ۵ شرکت<br>۱۸ پروژه                                       | دوفرتی ۱۹۹۰                             |
| عدم ارتباط مانع شماره یک در دستیابی به<br>یکپارچگی میان واحدهای بازاریابی و تحقیق و<br>توسعه است.   | های تک  | ۱۶۷ شرکت<br>۱۰۷ مدیر تحقیق و توسعه<br>۱۰۹ مدیر بازاریابی | گوپتا، راج، ویلمون ۱۹۸۵                 |
| سطح بالای تلاش مشترک در طراحی محصول<br>جدید عامل مهمی در تعیین موفقیت محصول<br>است. این موضوع هم برای شرکت‌های صنعتی و<br>هم شرکت‌های تولیدکننده کالای مصرفی صدق<br>می‌کند. | شرکت‌های بزرگ تولیدی                          | ۲۵۲ معاون بازاریابی                                      | هایز، انیل، پاراسورامان،<br>مک نیل ۱۹۹۰ |
| موفقیت نوآوری رابطه مستقیمی با یکپارچگی<br>واحدها دارد.   | محصول و خدمات                                 | مرور ادبیات  | مونارت و سودر ۱۹۹۰                      |
| همبستگی قابل توجهی بین موفقیت تجاری،<br>تعاملات بین گروه‌ها و اطلاعات دریافت شده<br>توسط تحقیق و توسعه وجود دارد.   | شرکت‌های نوآور فناورانه                       | ۴۰ شرکت بلژیکی   | دسچولمیستر، دمیر، مونارت و<br>سودر ۱۹۹۴ |
| بین میزان تعامل و نتایج عملکرد رابطه مستقیم<br>وجود دارد.   | دانشمند و مهندس                               | ۱۳۱۱ دانشمند و مهندس                                     | پلز و اندریوس ۱۹۶۶                      |
| رابطه‌ای قوی میان همکاری متقابل گروه‌ها و<br>موفقیت پروژه وجود دارد. (همبستگی = ۰.۷۱)   | خدمات درمانی                                  | ۷۲ گروه بیمارستانی<br>۲۶۷ عضو                            | پیتو ۱۹۹۰                               |
| هرچه هماهنگی بین بازاریابی و تحقیق و توسعه<br>بیشتر باشد، احتمال موفقیت بیشتر است.  | مصرفی و صنعتی                                 | ۵۶ شرکت<br>۲۸۹ پروژه                                     | سودر ۱۹۸۸                               |
| تعامل، یکپارچگی و تبادل اطلاعات به‌طور<br>قابل توجهی بین موفقیت و شکست فنی و تجاری<br>تفاوت ایجاد می‌کند.   | مصرفی و صنعتی                                 | ۱۸ شرکت<br>۱۱۷ پروژه                                     | سودر و چاکرابارتی ۱۹۷۸                  |
| گروه‌های با وابستگی متقابل و با سازمان‌دهی<br>درونی به سمت موفقیت هدایت می‌شوند.  | مصرفی و صنعتی                                 | ۶ پروژه آمریکایی و ژاپنی                                 | تاکیوشی و نوناکا ۱۹۸۶                   |

## موانع ایجاد یکپارچگی

نتایج تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که دستیابی به حد مطلوب یکپارچگی و هماهنگی بین واحدهای بازاریابی و تحقیق و توسعه با موانع مختلفی روبرو است. نتایج یک تحقیق تجربی نشان می‌دهد که عدم هماهنگی بین واحدها بیشتر ناشی از تفاوت نقش آنها در سازمان است تا برداشت آنها، علاوه بر این بررسی نتایج پرسشنامه‌ای که توسط ۲۷۴ مدیر تحقیق و توسعه و ۲۶۴ مدیر بازاریابی تکمیل شد نشان داد که میزان عملی یکپارچگی بین واحدها تنها در حدود ۵۵ درصد میزان مطلوب است [۶]. همین امر باعث شد محققان بسیاری به بررسی موانع یکپارچگی و دلایل عدم هماهنگی بین واحدهای ذکر شده بپردازند که در ادامه خلاصه‌ای از نتایج این تحقیقات بیان می‌شود.

شخصیت<sup>۱</sup>

نتایج تحقیقی که توسط ساکزبرگ<sup>۲</sup> و اسکولوم<sup>۳</sup> صورت گرفته است [۷]، نشان می‌دهد که کارکنان واحدهای بازاریابی و تحقیق و توسعه تفاوت‌های عمده شخصیتی با یکدیگر دارند که همین امر امکان برقراری ارتباط سازنده بین آنها را با مشکل مواجه می‌کند. برخی از این تفاوت‌ها کلیشه‌ای هستند و برخی از آنها در شرایط محیطی که تحقیق مورد نظر صورت گرفته صدق می‌کنند اما، تفاوت‌ها هشدار می‌دهند که ممکن است برخی تمایزات شخصیتی بین کارکنان بازاریابی و کارکنان فنی تحقیق و توسعه وجود داشته باشد. علاوه بر این تفاوت‌های بیان شده حتی در سازمان‌هایی که یکپارچگی بین واحدها در سطح مطلوبی وجود دارد نیز گزارش شده‌اند. لذا شناخت تفاوت‌ها و سعی در تعدیل اثر آنها بر هماهنگی بین واحدها ضروری است. نتایج حاصل از این تحقیق در جدول ۲ قابل مشاهده است.

جدول ۲: تفاوت شخصیت کارکنان بازاریابی و تحقیق و توسعه [۷]

| صفات بازاریابی                                  | صفات تحقیق و توسعه                     |
|---|--|
| <b>اهداف و آرمان‌ها:</b>                        |  |
| حیات و رشد سازمان                               | دانش به عنوان منبعی ارزشمند برای بشریت |
| تمام فعالیت‌ها در راستای اهداف سازمان           | تحقیق به منظور تحقیق                   |
| شناخت سازمانی                                   | ارزیابی شدن و به رسمیت شناخته شدن      |
| <b>نیازها:</b>                                  |  |
| طرح، اصول، سیاست‌ها، نقش‌ها                     | اقتدار                                 |
| شناخت سازمانی                                   | شناخته شدن در بین هم‌تایان، محیط خلاق  |
| کار گروهی                                       | ادامه تحصیلات و توسعه حرفه‌ای          |
| بهبود جایگاه سازمانی                            | حمایت برای پیشبرد دانش در اجتماع       |
| <b>انگیزه‌ها:</b>                               |  |
| تشویق و پاداش از طریق دریافت حقوق و رشد سازمانی | خدمت به بشریت                          |
|   | انتشار نتایج تحقیق                     |
|   | شناخته شدن در حیطه فعالیت‌های حرفه‌ای  |
|   | ثبات پست                               |
|   | آزادی در حل مسئله و پیشرفت دانش        |

1. Personality  
2. Saxberg.B  
3. Slocum J.W

## دنیای تفکر فرهنگی<sup>۱</sup>

کارکنان واحدهای بازاریابی و تحقیق و توسعه عموماً تحصیلات، مهارت‌ها و دوره‌های آموزشی متفاوتی را در کارنامه خود دارند. کارکنان بازاریابی از دانشکده‌های کسب‌وکار فارغ‌التحصیل شده‌اند و مهارت‌های آنها بیشتر در حوزه حل مسائل عمومی با تلفیق داده‌های موجود و درک شهودی آنها از صورت مسئله تقویت شده است درحالی‌که کارکنان تحقیق و توسعه از دانشکده‌های مهندسی فارغ‌التحصیل شده‌اند و بیشتر به دنبال حل مسئله با استفاده از فرضیه‌سازی و آزمایش فرضیه با کمک روش‌های علمی می‌باشند [۴]. تفاوت‌های موجود در محیط فرهنگی بنگاه‌ها تقویت می‌شود و برقراری ارتباط سازنده بین آنها را مشکل‌تر می‌کند [۸]. جدول ۳ خلاصه‌ای از نتایج تحقیقاتی که در این حوزه انجام شده است را نمایش می‌دهد.

## زبان<sup>۲</sup>

به دنبال تفاوت در دنیای تفکر کارکنان، تفاوت در زبان گفت‌وگوی آنها نیز ایجاد می‌شود. کارکنان واحد بازاریابی از اصطلاحات و دانش مربوط به تخصص خود صحبت می‌کنند و کارکنان واحد تحقیق و توسعه نیز از اصطلاحات و دانشی که خود آموخته‌اند. بازاریابان از مزایا و ویژگی‌های

محصول و ادراک مشتری می‌گویند و مهندسان از عملکرد فنی و ویژگی‌های کمی و فناورانه محصول سخن به زبان می‌آورند [۹].

حتی میزان جزئیاتی که هر گروه بیان می‌کند متفاوت است به عنوان مثال بازاریابان نیاز مشتریان را با این عبارت بیان می‌کنند: (مابع ظرفسویی می‌خواهم که ظرف‌های من را بهتر تمیز کند). این عبارت برای تدوین استراتژی بازاریابی مناسب است اما مهندسان برای طراحی بهترین محصول باید بدانند چه ظرفی؟ چه نوع آلودگی؟ با کمک چه نوع آبی؟ و ... در صورتی که هر گروه نیاز واقعی مشتری را با میزان جزئیاتی که برای انجام شغل خود نیاز دارد درک نکند عملاً برقراری هماهنگی بی‌مفهوم و شکست‌خورده خواهد بود [۱۰].

## مسئولیت سازمانی<sup>۳</sup>

محدودیت‌های سازمانی زمانی افزایش می‌یابد که واحدهای مختلف مسئولیت‌ها و اولویت‌های مختلف [۸] و شاخص‌های ارزیابی عملکرد متفاوت (مثلاً سهم بازار در مقابل تعداد اختراع ثبت شده<sup>۴</sup>) داشته باشند و توجه مدیران رده بالای سازمان به اهمیت یکپارچگی وجود نداشته باشد.

## محدودیت‌های فیزیکی<sup>۵</sup>

محدودیت‌های فیزیکی و عدم حضور کارکنان دو واحد در یک منطقه جغرافیایی ایجاد ارتباط و یکپارچگی بین

جدول ۳: تفاوت دنیای تفکر کارکنان بازاریابی و تحقیق و توسعه [4]

| بعد                        | موقعیت کاری |               |
|----------------------------|-------------|---------------|
|                            | بازاریابی   | تحقیق و توسعه |
| چشم‌انداز زمانی            | کوتاه‌مدت   | بلند مدت      |
| گرایش به نوع پروژه موردنظر | افزایشی     | پیشرفته       |
| تحمل ابهام                 | زیاد        | کم            |
| وابستگی به واحد            | متوسط       | کم            |
| گرایش به بوروکراسی         | بیشتر       | کمتر          |
| تمایل به همکاری با دیگران  | مجاز        | مجاز          |
| جهت‌گیری حرفه‌ای           | کمتر        | بیشتر         |

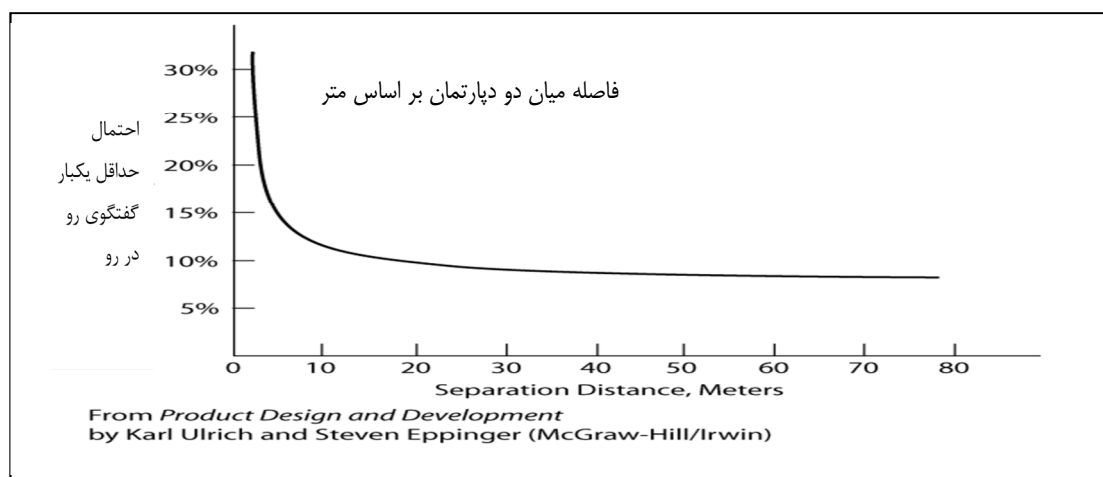
3. Organizational Responsibility  
4. Patent  
5. Physical Barriers

1. Cultural Thought World  
2. Language



این باره انجام شده است نشان می‌دهد [۱۱] زمانی که فاصله بین کارکنان دو واحد از ده متر افزایش می‌یابد احتمال برقراری ارتباط بین آنها به کمتر از ده درصد کاهش می‌یابد.

واحدها را با مشکل مواجه می‌کند. معمولاً عدم حضور واحدهای تحقیق و توسعه و واحدهای بازاریابی در یک مکان طبیعی است؛ در این شرایط احتمال برقراری حداقل یک بار ارتباط در هفته به شدت کاهش می‌یابد [۴]. تحقیقی که در



شکل ۱: اثر فاصله فیزیکی بر برقراری ارتباط بین کارکنان [۱۲]

استقرار یابند. علاوه بر این پیش‌بینی محلی برای گفت‌وگوهای غیررسمی در نقطه‌ای که به راحتی در دسترس تمام افراد باشد ضروری است. به منظور استفاده بهینه از این فضا قرارگیری تخته وایت بورد در آنجا در کنار پذیرایی مختصر که به محلی برای استراحت و تجمع کارکنان تبدیل خواهد شد می‌تواند بسیار اثربخش باشد [۱۳].

نتایج تحقیق دیگری نشان می‌دهد که جایابی مناسب واحدهای درگیر در فرایند توسعه محصول جدید رابطه مستقیمی با میزان موفقیت محصول در زمان ارائه به بازار دارد [۱۴]؛ زیرا جایابی مناسب محل استقرار کارکنان بازاریابی و تحقیق و توسعه از طریق افزایش میزان جریان اطلاعات منجر به موفقیت بیشتر محصول در بازار می‌شود. با وجود اینکه جایابی مناسب محل استقرار واحدها و نزدیکی آنها بخشی از راه حل برای افزایش یکپارچگی است اما باید توجه داشت که تشویق کارکنان به گفت‌وگو و گسترش ارتباطات از طریق سیاست‌های درب-باز<sup>۱</sup> به منظور غلبه بر موانع فیزیکی بسیار ضروری است [۱۵].

### ۳. راهکارها و اثربخشی

نتایج تحقیقات پیشین شش راهکار زیر را به عنوان ابزارهایی برای تعدیل اثر موانع دستیابی به یکپارچگی معرفی کرده‌اند:

جایابی و طراحی فیزیکی مناسب

جابه‌جایی کارکنان

سیستم‌های اجتماعی غیررسمی

ساختار سازمانی

تشویق و جوایز

فرایندهای رسمی مدیریت یکپارچه

در ادامه چگونگی استفاده عملیاتی از هر کدام از روش‌های ذکر شده و شرایطی که هر کدام از موارد می‌تواند در آن اثربخش باشد، را بیان خواهیم کرد.

#### جایابی و طراحی فیزیکی مناسب

تجربیات گذشته نشان می‌دهد با کاهش فاصله فیزیکی محل استقرار کارکنان واحدها، تعامل و ارتباط بین آنها افزایش می‌یابد. بنابراین ضروری است که کارکنان تمام واحدهای درگیر در پروژه توسعه محصول در یک مکان

1. Open-door policies

## جابه‌جایی کارکنان

روندهای رسمی سازمان شکل می‌گیرند بسیار قدرتمند خواهند بود. به‌طور کلی می‌توان اثر این روش بر تعدیل موانع دستیابی به یکپارچگی را این‌گونه بیان کرد [۴]:

«توسعه شبکه ارتباطی غیررسمی بین واحدها، اثر موانع یکپارچگی همچون تفاوت‌های زبانی، دنیای تفکر فرهنگی و موانع فیزیکی را تعدیل و از طریق گسترش جریان اطلاعات همکاری و فرایند تصمیم‌گیری را تقویت خواهد کرد که منجر به کاهش عدم قطعیت‌ها و بهبود تمام عوامل موفقیت پروژه خواهد شد».

### ساختار سازمانی

ساختاری که عموماً برای مدیریت ارتباط بین واحدهای بازاریابی و تحقیق و توسعه در پروژه‌های توسعه محصول مورد استفاده قرار می‌گیرد استفاده از گروه‌های میان کارکردی<sup>۱</sup> برای هر پروژه است. چنین ساختاری منجر به افزایش انگیزه کارکنان برای اشتراک‌گذاری اطلاعاتشان با سایر اعضا می‌شود و از این طریق مسیری برای گفت‌وگو و حل مشکلات موجود بدون دخالت مدیران ایجاد می‌کند [۴]. به‌طور کلی می‌توان اثر این روش بر تعدیل موانع دستیابی به یکپارچگی را این‌گونه بیان کرد:

«ایجاد گروه‌های میان کارکردی برای هر پروژه اثر موانع یکپارچگی همچون تفاوت‌های زبانی، دنیای تفکر فرهنگی و مسئولیت‌های سازمانی را تعدیل خواهد کرد و منجر به ایجاد فضایی می‌شود که در آن تضادها و اختلافات پروژه مورد بحث قرار گرفته و برای حل آنها راه‌حل‌هایی ارائه می‌شود».

### مشوق‌ها و جوایز

مشوق‌ها و جوایز نقش مهمی در تحریک رفتارهای خاصی در سازمان ایفا می‌کنند. تحقیقات گذشته نشان داده است که طراحی سیستم ارزیابی عملکرد به گونه‌ای که مسئولیت‌ها و وظایف متقابل بین کارکنان را به رسمیت

جابه‌جایی کارکنان در بین واحدها یکی از تکنیک‌های تقویت جریان اطلاعات در بین واحدهای درگیر در پروژه توسعه محصول است [۱۳]. جابه‌جایی افراد در بین واحدها اطلاعات ضمنی موردنیاز برای درک بهتر تصمیمات گرفته شده را فراهم می‌کند. این موضوع به‌طور خاص در پروژه‌هایی که روند پیشرفت به صورت رسمی مستند نیستند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. جابه‌جایی کارکنان نه تنها ممکن است در حل مسائل و مشکلات موجود به دلیل دانشی که این افراد با خود به همراه می‌آورند مثمرتر باشد بلکه آنها با خود ارتباطات، تماس‌ها و لینک‌هایی را که با سایر ذی‌نفعان دارند نیز منتقل می‌کنند. این ارتباطات می‌تواند اثر مستقیمی در تعدیل موانعی همچون دنیای تفکر فرهنگی و زبان ارتباطی واحدها داشته باشد و از این طریق احتمال سودمندی اطلاعات و ارتباطات بین واحدها را افزایش داده و عدم قطعیت‌های پروژه را کاهش دهد [۴].

به‌طور کلی می‌توان اثر این روش بر تعدیل موانع دستیابی به یکپارچگی را این‌گونه بیان کرد:

«جابه‌جایی کارکنان باعث کاهش اثر موانع دنیای تفکر فرهنگی، زبان و فاصله فیزیکی خواهد شد و از طریق افزایش سودمندی جریان اطلاعات، هماهنگی بین واحدها و کاهش عدم قطعیت‌ها، افزایش احتمال موفقیت در بازار و کاهش زمان عرضه به بازار را در پی خواهد داشت».

### سیستم‌های اجتماعی غیررسمی

محققان مختلفی [۴] اعلام کرده‌اند که ارتباطات غیررسمی می‌تواند جایگزین فرایندهای رسمی توسعه محصول شود. مهندسان و بازاریابان زیادی ادعا کرده‌اند که فرایندهای رسمی ابزار اصلی دستیابی به تصمیماتی که بر توسعه محصول اثر می‌گذارند نیستند [۱۴]. در حالی که تفاوت‌های فرهنگی موانع ارتباط بین واحدها را افزایش می‌دهد سیستم‌های اجتماعی غیررسمی هم ارتباطات باز بین اعضای یک واحد و هم تعاملات بین واحدها را گسترش می‌دهد. در واقع تعاملات غیررسمی مهارت لازم برای حل مسائلی خاص است. زیرا در برخی موارد توسعه تعاملات غیررسمی با توجه به اینکه خارج از محیط و

۱. Cross Functional در این ساختار برای هر پروژه توسعه محصول گروهی اختصاصی متشکل از کارکنان بازاریابی، تحقیق و توسعه و سایر واحدهای درگیر در پروژه تشکیل می‌شود. اعضای این تیم‌ها اصالتاً عضوی از دپارتمان اصلی خود بوده و پس از اتمام پروژه جاری مجدداً به دپارتمان خود باز می‌گردند.

واحد بازاریابی هم در چهارچوب فعالیت‌های معمول بر عملیات اصلی واحد خود متمرکز باشند و هم در چهارچوب واحد نوآوری بتوانند در طراحی و توسعه ایده و محتوای محصول جدید مشارکت کنند؟

ساختارهای چابک و سازمان دوستوان دو گزینه موجود است که می‌توان برای سازمان‌دهی پروژه‌های توسعه محصول و شرکت‌های نوآورانه از آنها استفاده کرد.

### ساختار چابک

یکی از راه‌حل‌های موجود که به‌طور خاص در صنایعی مثل ICT که هزینه توسعه سریع ایده در آنها زیاد نیست و می‌توان مازول‌های مختلف محصول را در فازهای مجزایی توسعه داد، روش چابکی سازمانی است. چابکی به مفهوم ایجاد هماهنگی و تعادل بین ثبات و انعطاف‌پذیری است. در پروژه‌هایی که به این سبک مدیریت می‌شوند همواره میزانی از ابهام و عدم قطعیت در روند اجرای پروژه وجود دارد و اعضای گروه در هر مرحله از انجام کار اقدامات گذشته خود را ارزیابی می‌کنند و با اهداف گروه و سفارش‌دهنده پروژه تطبیق می‌دهند تا قدم بعدی خود را تعیین کنند. در این دیدگاه حتی ممکن است در مواردی با توجه به شرایط محیطی و منابع در دسترس گروه، اهداف پروژه در حین انجام تغییر یافته و دستاوردهای جدیدی به همراه داشته باشد [۲۳]. البته باید توجه داشت که با وجود رشد سریع مباحث مربوط به مدیریت پروژه چابک در پروژه‌های IT، هنوز استفاده از این روش در صنایع دیگر گستردگی زیادی پیدا نکرده است. آلیاز استار<sup>۲</sup> [۲۴] این موضوع را ناشی از عوامل زیر می‌داند: تغییرات مکرر پرهزینه است، حضور افراد در پروژه‌های مختلف به‌طور همزمان راندمان فعالیت را کاهش می‌دهد، تحویل جز به جز محصول در بازار هنوز میسر نیست و مورد استفاده قرار نگرفته است. با این وجود استفاده از روش مدیریت پروژه در پروژه‌های IT کاملاً قابل اتکا است و تا حد مطلوبی موانع ساختارهای سازمانی در ایجاد یکپارچگی بین گروه‌های توسعه‌دهنده فنی و بازاریابان را کاهش می‌دهد.

بشناسد منجر به تحریک رفتار کارکنان به‌منظور جهت‌گیری یکسان برای رسیدن به اهداف گروه خواهد شد [۴]. از دیدگاه سازمان این موضوع بدین معنی است که پاداش‌ها و فرصت‌های شغلی به صورت هماهنگ و برابر برای کارکنان بازاریابی و تحقیق و توسعه مدنظر قرار گیرد. محققین عمومی حقوق و پاداش نشان داده‌اند که ادراک بی‌عدالتی در بین کارکنان می‌تواند منجر به بروز رفتار غیر مطلوب در بین آنها شود [۱۷]. بنابراین سیستم پاداش‌دهی یکسان و فرصت‌های شغلی برابر، طبیعتاً منجر به افزایش یکپارچگی بین واحدها خواهد شد.

علاوه بر رعایت عدالت در اهدای مشوق و پاداش‌ها، محققین حقوق و پاداش [۱۸]، مشاورین توسعه محصول [۱۹] و مدرسین دانشگاهی بازاریابی [۲۰] ارتباط دادن مشوق‌ها به سود نهایی حاصل از پروژه را مورد تأکید قرار داده‌اند. در بسیاری از سازمان‌ها سیستم پاداش‌دهی بازاریابان براساس افزایش سهم بازار بدون توجه به علت رشد [۲۱] و سیستم پاداش‌دهی مهندسان بر اساس تعداد حق اختراع ثبت‌شده<sup>۱</sup> و مقاله‌های منتشرشده بدون توجه به اثر آنها بر کیفیت و تنوع محصولات [۲۲] طراحی شده است. چنین سیستم‌هایی با توجه به اینکه مسئولیت‌های متفاوتی برای واحدها در نظر گرفته‌اند مانعی برای یکپارچگی واحدها و موفقیت پروژه توسعه محصول خواهند بود [۴].

### طراحی ساختار واحد نوآوری با استفاده از روش‌های نوین

درگیر شدن کارکنان بازاریابی در فاز توسعه ایده و مفهوم محصول جدید موضوعی حیاتی در بهبود عملکرد نوآورانه بنگاه است. اما نکته مهم این است که ساختار غیرمتمرکز و پذیرش ریسک از ملزومات اصلی واحد تحقیق و توسعه است. از طرفی واحد بازاریابی، به‌طور ذاتی واحدی عملیاتی است که بیشتر مبتنی بر وظایف و ساختارهای از پیش تعیین‌شده عمل می‌کند. سوال اساسی این است که چگونه می‌توان ساختاری طراحی کرد که از طرفی کارکنان

2. Aljaž Stare

1. Patent

سازمان دوسوتوان<sup>۱</sup>

یکی از روش‌هایی که به‌منظور پاسخگویی به نیاز یکپارچگی در سازمان‌ها توسعه داده شده است، سازمان دوسوتوان است. تعاریف مختلفی برای سازمان دوسوتوان توسط محققین مختلف بیان شده است.

کاتز سازمان دوسوتوان را به این صورت معرفی می‌کند [۲]: سازمان دوسوتوان سازمانی است که در یک بازار رقابتی قادر به زنده ماندن (بقا) در طول زمان باشد. در چنین سازمانی تأکید بر نظم و کنترل در سازمان به‌منظور دستیابی به اهداف کوتاه‌مدت همزمان با کسب تجربه و یادگیری از عملیات فعلی و پذیرش ریسک برای آینده موردنظر خواهد بود.

تاشمن<sup>۲</sup> و اریرلی<sup>۳</sup> [۳] سازمان دوسوتوان را این‌گونه تعریف می‌کنند: سازمان دوسوتوان یعنی ایجاد توانمندی پیاده‌سازی تغییرات تدریجی و انقلابی در سازمان.

دانکان<sup>۴</sup> چنین تعریفی از سازمان دو لبه ارائه می‌دهد [۲۵]: سازمان دوسوتوان، سازمانی است که توانمندی به کارگیری همزمان کاوش و جستجو به معنی تصور، اختراع و تجربه به‌منظور خلق فرصت‌های جدید را در کنار بهره‌برداری از توانمندی‌های موجود به‌منظور تقویت مهارت‌های فعلی، ایجاد تمایز و ظرفیت پاسخگویی به تقاضای دنیای کسب‌وکار فعلی را دارد.

تعریف جامع سازمان دو سو توان که در واقع چکیده‌ای از مفاهیم اشاره شده فوق را شامل می‌شود، چنین است: مفهوم سازمان دو سو توان در واقعیت به راه کسب موفقیت سازمان در درازمدت اشاره دارد، زیرا سازمان‌های دولبه همواره در طول زمان توانایی تمرکز همزمان بر فعالیت‌های نوآورانه و عملیاتی را دارا هستند [۲۶].

تحقیقات اولیه نشان می‌دهد که سازمان‌های دوسوتوان به ندرت یافت می‌شوند. بسیاری از شرکت‌ها در حال تلاش برای شناسایی مسیری بینابینی میان جستجو و کاوش و تقویت توانمندی‌های موجود هستند [۲۷]. مشکل اصلی در سازمان دوسو توان یافتن راهی برای ایجاد هماهنگی بین

فعالیت‌های کوتاه‌مدت و تغییرات تدریجی در مقابل تغییرات رادیکال و فعالیت‌های توسعه‌ای برای آینده است [۲۶]. مفهوم معماری دوگانه جامع‌ترین روش عملیاتی معرفی شده برای دستیابی به چنین سازمانی است. فیول<sup>۵</sup> مفهوم معماری دوگانه را این‌چنین تعریف می‌کند:

معماران دوگانه حمایت‌های استراتژیک و ساختاری از واحدهای اختصاص داده شده به فعالیت‌های نوآورانه انقلابی و تدریجی را از هم تفکیک می‌کنند که به مدیران اجرایی قوی به‌منظور ایجاد یکپارچگی و تعادل بین منابع نیاز دارد [۲۸].

دمانپور<sup>۶</sup> و همکاران [۲۹] در راستای مفهوم معماری دوگانه برای توضیح محیط سازمان‌های دوسوتوان، واحدها را به دو دسته تقسیم می‌کنند: واحدهای نوآوری و واحدهای عملیاتی.

تامپسون<sup>۷</sup> و اریرلی<sup>۸</sup> [۳] واحد نوآوری را به عنوان بازوی جستجوگر سازمان دولبه معرفی می‌کنند که استراتژی آن جستجوی فرصت‌های جدید برای رشد سازمان از طریق نوآوری است. ساختار، فرهنگ و سیستم پاداش‌دهی چنین واحدی نیز در همین راستا طراحی شده است.

در مقابل واحد عملیاتی بر فعالیت‌های معمول و روزمره سازمان متمرکز است و در واقع هسته اصلی کسب‌وکار سازمان را شکل می‌دهد. تامپسون و اریرلی [۳] این جنبه از سازمان دولبه را به عنوان لبه بهره‌بردار<sup>۹</sup> معرفی می‌کنند که استراتژی آنها کسب سود از طریق تمرکز بر هسته اصلی کسب‌وکار سازمان است و در کنار آن سعی می‌کنند، راهی برای افزایش کارایی در هسته مرکزی کسب‌وکار پیدا کنند. آنچه باعث تعامل و هماهنگی این واحدها در سازمان دو سو توان می‌شود، مفهوم وابستگی متقابل<sup>۱۰</sup> است. مککان<sup>۱۱</sup> و گالبرایث<sup>۱۲</sup> [۳۰] وابستگی متقابل را این‌گونه تعریف می‌کنند:

5. C. M. Fiol  
6. F. Damanpour  
7. M.L. Tushman  
8. A. O'Reilly  
9. Exploitative  
10. Interdepartmental relations  
11. J. McCann  
12. J.R. Galbraith

1. ambidextrous  
2. M.L. Tushman  
3. A. O'Reilly  
4. Duncan

تفاوت‌های سازمانی همچون تفاوت در نقش افراد یا محدودیت‌های فیزیکی ناشی از استراتژی‌ها و سیاست‌های مدیران ارشد یک سازمان بوده و به عنوان عوامل محیطی بر تعاملات داخلی کارکنان اثر می‌گذارند.

به‌منظور دستیابی به حداکثر یکپارچگی مطلوب، سازمان‌ها باید برای تعدیل اثر هر دو دسته فوق راهکارهایی مدنظر داشته باشند. برخی راهکارها همچون جابجایی کارکنان یا ایجاد سیستم‌های اجتماعی غیررسمی در سازمان با تسهیل تعاملات کارکنان و در نتیجه ایجاد جریان اطلاعاتی بین افراد با تخصص‌های مختلف اثر عوامل فردی که بیشتر ناشی از تفاوت در تجربیات، بینش‌ها و تخصص افراد است را تعدیل می‌کند. در مقابل راه‌حل‌هایی همچون طراحی ساختار سازمانی مناسب یا طراحی سیستم‌های پاداش‌دهی عادلانه شرایطی را فراهم می‌کند که کارکنان مختلف برداشت‌های یکسانی از استراتژی‌ها و اهداف کلان سازمان داشته باشند، لذا علاوه بر وظایف ناشی از جایگاه آنها در سازمان محدودیت‌ها و نیازمندی‌های سایرین به‌منظور دستیابی به اهداف از پیش تعیین‌شده را مدنظر قرار خواهند داد. علاوه بر این راه‌حل‌هایی همچون کاهش فاصله فیزیکی بین کارکنان و ایجاد زیرساخت‌های مناسب فناوری اطلاعات جهت تسهیل ارتباطات با افزایش سرعت و حجم جریان اطلاعاتی درون سازمان هم در تعدیل اثر موانع فردی و هم تعدیل موانع سازمانی مؤثرند. در جدول ذیل خلاصه یافته‌های پژوهش‌های پیشین در این زمینه جمع‌بندی شده است.

هرچه میزان تقسیم‌کار بین واحدها در سازمان بیشتر باشد، میزان منابع تقسیم شده نیز بیشتر خواهد بود و بنابراین وابستگی متقابل واحدها افزایش خواهد یافت. آنها در ادامه ذکر می‌کنند [۳۰]:

اگر وابستگی متقابل به درستی مدیریت نشود، تطبیق‌پذیری را سخت می‌کند و در نتیجه آن، هزینه هماهنگی افزایش و کارایی واحدها کاهش می‌یابد و پیچیدگی‌های غیر ثمربخش نیز به‌وجود می‌آید. اما زمانی که ارزش تقسیم‌شده حاصل از وابستگی متقابل ایجاد و توسط واحدها درک شود، این وابستگی سودمند خواهد بود و باعث می‌شود واحدهای با وظایف متضاد با یکدیگر بهتر تعامل و همکاری کنند.

این وظیفه مدیران است که با تقسیم بهینه منابع ارزش تقسیم شده ناشی از وابستگی متقابل را بین دو واحد نوآوری و عملیاتی ایجاد کرده و در کنار آن سعی کنند یک اجتماع و هماهنگی در راستای استراتژی‌های ارزش تقسیم شده و همکاری بین واحدها ایجاد کنند.

#### ۴. نتیجه‌گیری

نوآوری یکی از ابزارهای مهم ایجاد مزیت رقابتی پایدار است. از موانع مهم نوآوری، سختی یکپارچگی دانش بازار و دانش فنی است که با بزرگتر شدن، پیچیده‌تر شدن و تخصصی‌تر شدن سازمان‌ها این چالش جدی‌تر می‌شود. موانع موجود در مسیر یکپارچگی به دو لایه فردی و سازمانی تقسیم می‌شوند. منظور از لایه فردی تفاوت‌ها و تمایزهای ذاتی افراد فعال در واحدهای مختلف همچون تفاوت‌های زبانی، تفاوت در نگرش‌ها و دنیای تفکر فرهنگی و تفاوت‌های شخصیتی است که معمولاً ناشی از تجربیات، تخصص‌ها و نوع نگاه متفاوت افراد مختلف به یک موضوع واحد است.

| ردیف | موانع ایجاد یکپارچگی بین واحدها | سطح     | راه حل  |
|------|---------------------------------|---------|---|
| ۱    | تفاوت‌های شخصیتی                | فردی    | جابه‌جایی کارکنان   |
| ۲    | تفاوت در دنیای تفکر فرهنگی      |         | جابه‌جایی کارکنان<br>سیستم‌های اجتماعی غیررسمی<br>ساختار سازمانی              |
| ۳    | تفاوت زبانی                     |         | جابه‌جایی کارکنان<br>سیستم‌های اجتماعی غیررسمی<br>ساختار سازمانی              |
| ۴    | تفاوت در مسئولیت سازمانی        | سازمانی | ساختار سازمانی<br>مشوق‌ها و جوایز   |
| ۵    | محدودیت‌های فیزیکی              |         | جایابی و طراحی فیزیکی مناسب<br>جابه‌جایی کارکنان<br>سیستم‌های اجتماعی غیررسمی |

در بین مهندسين ناشی شود، زیرا معمولاً مهندسين ایرانی دوره‌های آموزشی گسترده‌ای در حوزه تحصیلی خود می‌گذرانند ولی لزوماً شناختی از مسائل اقتصادی و مدیریتی در حین تحصیل دریافت نمی‌کنند. علاوه بر این عدم وجود نگاه بلند مدت در بین مدیران بنگاه‌ها و تلاش برای بقای کوتاه‌مدت عمده مشکلی است که مسئولیت‌های سازمانی واحدهای مختلف را به سمتی سوق می‌دهد که اهمیت نوآوری و به تبع آن ایجاد یکپارچگی بین سازمان‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. در کنار این موارد عدم توجه به اصول طراحی دفتر باز<sup>۱</sup> در کنار عدم توجه به چرخش کارکنان و عدم وجود نقشه راه حرفه‌ای برای موقعیت‌های شغلی مختلف در واحدهای منابع انسانی موانع موجود را تقویت کرده و مانع از ایجاد یکپارچگی مطلوب در سطح بنگاه‌های ایرانی شده است. بررسی این موارد با یک روش علمی در سطح بنگاه‌های ایرانی می‌تواند دستاوردهای ارزشمندی برای فعالان این حوزه در ایران داشته باشد که به عنوان موضوعات پیشنهادی برای تحقیقات آتی در محیط داخلی کسب‌وکارهای ایرانی مطرح می‌شود.

سازمان‌های ایرانی می‌توانند با شناخت موانع در سطوح مختلف فردی و سازمانی، با اتخاذ راه‌حل‌های مناسب از میان راه‌حل‌های عمومی ذکر شده در بالا به یکپارچگی مطلوب دانش برسند. در این مسیر شناخت درست از موانع خاص سازمان، اولویت‌بندی آنها و انتخاب راه‌حل برای موانع با اولویت بالاتر نقش مهمی در موفقیت این تحولات خواهد داشت زیرا ایجاد این یکپارچگی نیازمند تغییر در باورها و نگرش‌های دو گروه سازمانی دارد و چنین تغییر بزرگی باید به صورت مرحله‌ای و با دستیابی به موفقیت‌های کوچک‌تر تحقق یابد.

تجربیات و مشاهدات نویسندگان این مقاله که خود سابقه حضور در سازمان‌های نوآور ایرانی را دارند نشان می‌دهد از بین موانع ذکر شده سه مورد دنیای تفکر فرهنگی، تفاوت در مسئولیت‌های سازمانی و محدودیت‌های فیزیکی سه مشکل عمده رایج در بنگاه‌های ایرانی است. محققان به تجربه دریافته‌اند که به‌طور عمده مدیران و کارشناسان فعال در کسب‌وکارهای ایرانی معمولاً در حرفه خود عمیق بوده ولی درک درستی از عملکرد و فعالیت‌های واحدهای دیگر ندارند. این مشکل می‌تواند ناشی از آموزش‌های تک‌بعدی دوران تحصیل به خصوص

1. Open office

References

منابع

- [1] M. Subramaniam and M. A. Youndt” The influence of intellectual capital on the types of innovative capabilities” Academy of Management Journal 48(3), 450-463 (2005).
- [2] R. Katz,” Managing Technological Innovation in Business Organizations; The international handbook on innovation” , Elsevier Science, Amsterdam, Netherlands, 2003, p. 775-789.
- [3] M.L. Tushman, C.A. O’Reilly, “Ambidextrous organizations: Managing evolutionary and revolutionary change” California Management Review; 1996; edition 38 (4) - pages 8-30
- [4] Abbie Griffin and John R. Hauser. “ Integrating R&D and Marketing: A review and analysis of the literature” Product Innovation Management 1996; 13: 191-215
- [5] Souder, William E. “Managing relations between R&D and marketing in new product development”. Journal of Product innovation management 5:6-19 (1988)
- [6] Song, X., Michael, “An empirical investigation of the Marketing/R&D interface PHD Dissertation”. university of virginia, 1991
- [7] Saxberg, B. and Slocum J.W. the management of scientific manpower, management science, vol 18, 1968
- [8] Deborah Dougherty . “ Interpretive Barriers To Successful Product Innovation In Large Firms” Organizational Science Vol 3, no. 2, May 1992
- [9] Griffin Abbie and Hauser John R, “The voice of customer”. Marketing science, vol, 1993
- [10] Griffin Abbie. “ Evaluating QFDs use in U.S firms as a process for developing products”. journal of product innovation, vol9, 1003
- [11] Allen, Thomas J. “Communication networks in R&D Laboratories, R&D management” 1:14-21 (1970)
- [12] Product Design and Development, 5th Edition 4th Edition by Karl T. Ulrich (Author), Steven D. Eppinger (Author)
- [13] Allen, Thomas J. “Managing the flow of technology” Cambridge, Ma: MIT Press, 1986
- [14] Deborah Dougherty . “Understanding new markets for new products” Strategic management journal, 1990 11: 59-78
- [15] Souder, William E. “ Managing New product innovation”. Lexington, MA: Lexington books, 1987
- [16] Workman, John. “Marketing’s limited Role in New product development in one customer system firm” Journal of Marketing Research November 1993 30:405-421.
- [17] Cropanzano R, Randall ML “ Injustice and work behavior: A historical Review”. In: Cropanzano, editor. Justice in the work place. Hillsdale, NJ: Erlbaum, 1994, p.3-20
- [18] Coombs, Gary and Gomez-Mejia, Luis R. “cross functional pay strategies in high technology firms” Compensation and benefit review, september-october 1991 23: 40-48.
- [19] Kuczmarski, Thomas D. “managing new Products” Englewood Cliffs NJ: Prentice hall, 1992
- [20] Hauser, John R., Simster, Duncan I. and Wernerfelt, Birger. “Customer satisfaction incentives”. Marketing science , Fall 1994 13(4):63-73 .
- [21] Keenan, William. “Back on fast track again ”. Sales and Marketing management November 1989:30-49.
- [22] Turner, William J. “How the IBM awards program work”. Research Management July 1979: 24-27 .
- [23] Mario Špundak. “Mixed agile/traditional project management methodology – reality or illusion?”. Procedia - Social and Behavioral Sciences 119: 939 – 948 ( 2014 )
- [24] Aljaž Stare. “Agile Project Management in Product Development Projects”. Procedia - Social and Behavioral Sciences 119: 295 – 304 ( 2014 )
- [25] Duncan, R. “The foundations of this literature stem from” The ambidextrous organization: designing dual

- structures for innovation, in R. Kilman and L. Pondy (eds.), *The Management of Organizational Design*, North Holland, New York, 167e188 (1976);
- [26] JurriënKok, “Stimulating integration of departments within the ambidextrous organization”, Faculty of Electrical Engineering, Mathematics and Computer Science - University of Twente
- [27] M. T. Hannan and J. Freeman, “The population ecology of organizations”, *American Journal of Sociology*, 1977,82, 929-964 .
- [28] C. M. Fiol, “Thought worlds colliding: the role of contradiction in corporate innovation processes”, *Entrepreneurship Theory and Practice* 19, 71-90 (1995)
- [29] F. Damanpour, S. Gopalakrishnan; “Theories of organizational structure and innovation adoption”: the role of environmental change; *J. Eng. Technol.Manage.* 1998 volume 15: 1-24 .
- [30] J. McCann, J.R. Galbraith; “Interdepartmental relations; in: *Handbook of Organizational Design*”, P.C. Nystrom, W.H. Starbuck; 1982, vol. 2, Oxford University Press, New York.



## بررسی تأثیر عوامل مؤثر بر قصد تسهیم دانش

علی بیرانوند<sup>۱\*</sup>، محمدحسن صیف<sup>۲</sup>

۱. استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه پیام نور، ایران

۲. دانشیار گروه برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه پیام نور، ایران

تاریخ پذیرش ۹۷/۱۰/۲۳

تاریخ دریافت ۹۷/۷/۱۷

### چکیده

هدف این تحقیق بررسی تأثیر مشوق‌ها، اعتماد، و لذت کمک به دیگران بر قصد تسهیم دانش است. این پژوهش از نوع کاربردی است که به روش توصیفی به جمع‌آوری نظرات اعضای مراکز تحقیقاتی و آموزشی وابسته به سازمان جهاد کشاورزی استان فارس پرداخته است. جهت تحلیل روابط میان متغیرهای تحقیق از مدل معادلات ساختاری استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که تأثیر مستقیم مشوق‌ها و لذت کمک به دیگران بر قصد تسهیم دانش و تأثیر مستقیم اعتماد بر قصد تسهیم دانش تأیید نمی‌شود. همچنین تأثیر غیرمستقیم مشوق‌ها، اعتماد و لذت کمک به دیگران به قصد تسهیم دانش به‌واسطه هنجارهای ذهنی و نگرش به تسهیم دانش تأیید می‌شود. باورها در فرایند تسهیم دانش یک سازمان نقش محوری دارند. مدیران می‌توانند در سازمان‌ها از طریق متغیرهای مختلف و تحت تأثیر قرار دادن باورهای افراد، تأثیرات قابل‌توجهی در ایجاد نگرش و هنجار در سازمان داشته باشند که نهایتاً با ایجاد قصد انجام آن کار در افراد نسبت به ایجاد رفتار مناسب و مورد تأیید در سازمان خود مؤثر باشند.

**کلیدواژه‌ها:** مدیریت دانش، تسهیم دانش، اشتراک دانش، استان فارس.

۱. مقدمه

دانش نیروی حیاتی یک سازمان و عامل بقای آن در عصر رقابتی کنونی است. بنابراین مدیریت دانش برای سازمان‌ها بسیار مهم است، زیرا سایر دارایی‌های یک سازمان را مدیریت می‌کند [۵ و ۳ و ۴ و ۵]. دانش یک منبع مهم سازمانی است که یک مزیت رقابتی اقتصادی پایدار و پویا را فراهم می‌کند [۶ و ۷ و ۵]. مزایای یک سازمان دانش‌بنیان این است که دارایی آن کس که دانش است با مصرف بیشتر، افزایش می‌یابد. افزایش بهره‌وری، افزایش عملکرد و بهبود قابلیت نوآوری را به دنبال خواهد داشت. سازمان‌های مختلف با توجه به ضرورت و اهمیت پیاده‌سازی سیستم مدیریت دانش، به آماده نمودن زیرساخت‌های اساسی و لازم جهت اجرای آن می‌پردازند. بررسی میزان آشنایی کارکنان با تسهیم دانش و سنجش عوامل تأثیرگذار بر علاقه‌مندی آنان به تسهیم دانش امروزه به یک ضرورت تبدیل شده است. دانش ضمنی<sup>۱</sup> به راحتی در سازمان منتقل نمی‌شود [۸]. اما همین دانش باید به اشتراک گذاشته شود. در میان فرایندهای مدیریت دانش، اشتراک دانش به عنوان یکی از مهم‌ترین موارد شناخته شده است. ویتهرسپون، برگنر، کوکل، و ستونه<sup>۲</sup> معتقدند که به اشتراک گذاری دانش یک سازه برای موفقیت سازمان است و به عنوان یک استراتژی بقا پذیرفته شده است. تسهیم هدفمند دانش موجب شتاب در یادگیری و خلاقیت فردی و سازمانی شده و توسعه خدمات بهتر را به دنبال دارد [۹]. عوامل متعددی وجود دارد که رفتارهای اشتراک دانش را تحت تأثیر قرار می‌دهند. ویژگی‌های شخصی حاملان دانش، و ویژگی‌های گروه‌ها و سازمان‌ها، رفتار افراد را در برابر

اشتراک دانش تحت تأثیر قرار می‌دهند. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که متغیرهای جمعیت‌شناختی مانند سن و جنس [۱۰]، خصوصیات ذاتی افراد [۱۱]، نگرش افراد [۸] و برخی متغیرهای گروهی و سازمانی شامل حمایت از مدیریت عالی [۱۲]، فرهنگ سازمانی، ارزش‌ها و هنجارها [۱۳ و ۱۴] در تمایل به اشتراک گذاری دانش مؤثراند.

با توجه به این که هدف اصلی این پژوهش، بررسی عوامل مؤثر بر قصد تسهیم دانش در سازمان‌های آموزشی و تحقیقاتی وابسته به سازمان جهاد کشاورزی استان فارس می‌باشد، تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای برونزا (مشوق‌ها، لذت، و اعتماد) بر متغیرهای درونزا (هنجارهای ذهنی و نگرش و تمایل به تسهیم دانش) جهت شناسایی میزان تأثیر بر قصد تسهیم دانش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پژوهش حاضر بر اساس هدف، از نوع کاربردی و بر مبنای ماهیت، از نوع توصیفی می‌باشد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه است که از این طریق به بررسی تأثیر متغیرهای برونزای مشوق‌ها، لذت، و اعتماد بر قصد تسهیم دانش پرداخته شده است. متغیرهای واسطه یا درونزا در این تحقیق نگرش و تمایل تسهیم دانش و هنجارهای ذهنی می‌باشند. پایایی و روایی بخش‌های تشکیل‌دهنده پرسشنامه به صورت تفکیک شده در جدول ۱ نمایش داده شده است. جهت تحلیل روابط میان متغیرهای تحقیق از مدل معادلات ساختاری استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر ۵۱۴ نفر اعضای مراکز تحقیقاتی و آموزشی وابسته به سازمان جهاد کشاورزی استان فارس می‌باشند که با کمک فرمول کوکران ۱۱۶ نفر از این افراد به عنوان نمونه انتخاب شدند.

جدول ۱. مقادیر آلفای کرونباخ جهت تعیین پایایی ابزار اندازه‌گیری

| آلفای کرونباخ | متغیرها                               |
|---------------|---------------------------------------|
| ۰/۸۴          | قصد تسهیم دانش                        |
| ۰/۷۵          | نگرش نسبت به تسهیم دانش               |
| ۰/۸۰          | هنجارهای ذهنی نسبت به تسهیم دانش      |
| ۰/۸۷          | مشوق‌ها و پاداش‌های سازمانی ادراک شده |
| ۰/۷۳          | لذت بردن از کمک به همکاران            |
| ۰/۷۴          | اعتماد به همکاران                     |

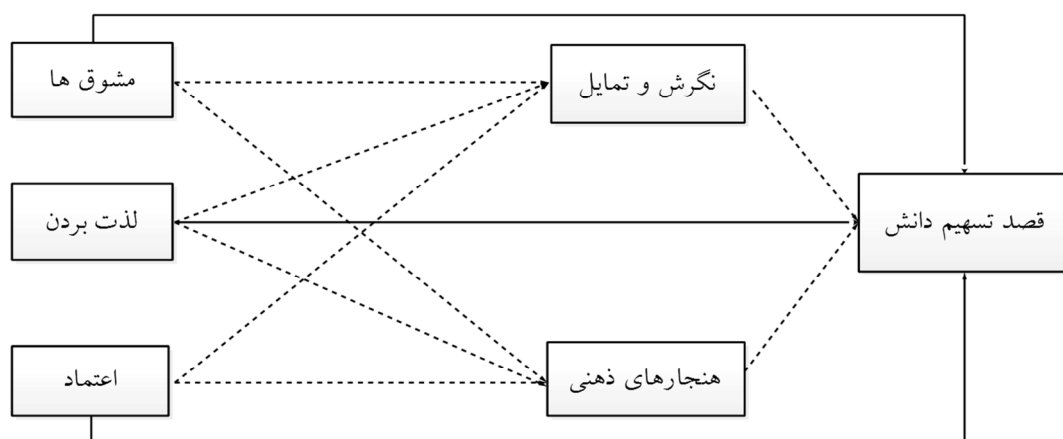
1. Tacit knowledge  
2. Witherspoon, Bergner, Cockrell, Stone

## ۲. مدل مفهومی پژوهش

با توجه به اهمیت تصمیم‌گیری مدیران در ارتباط با راهکارهای تقویت قصد تسهیم دانش که نهایتاً منجر به رفتار تسهیم دانش در سازمان شود، لازم است که عوامل مؤثر بر تسهیم دانش درک و شناسایی شود. به منظور ارائه الگوی مفهومی مناسب جهت آزمون متغیرهای مورد نظر در این پژوهش از تئوری عمل استدلالی<sup>۱</sup> فیشبین و عاجزن<sup>۲</sup> استفاده شده است [۱۵]. تئوری عمل استدلالی در شرایطی کاربرد دارد که کنترل ارادی قابل توجهی بر روی رفتار وجود داشته باشد (به عبارت دیگر موفقیت نظریه عمل استدلالی به میزان کنترل ارادی بر روی رفتار بستگی دارد) در حالی که وقتی میزان کنترل ارادی بر یک رفتار کاهش یابد (یعنی فرد با وجود قصد رفتاری، توانایی انجام آن را نداشته باشد) کاربرد این مدل چندان زیاد نیست. عاجزن و همکارانش با مشاهده این اختلاف در سال ۱۹۸۹ با اضافه نمودن عاملی تحت عنوان «کنترل رفتار ادراک شده»، الگوی جدیدی را پایه‌گذاری کردند و آن را «تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده»<sup>۳</sup> نام نهادند. در این نظریه، عامل سومی در کنار دو عامل «نگرش رفتاری» و «هنجارهای ذهنی» در نظریه عمل استدلالی مطرح گردید. در شرایطی که قصد رفتاری برای انجام کاری کافی باشد و یا این که کنترل

ارادی بر روی رفتار وجود داشته باشد، از قدرت این عامل سوم کاسته می‌شود. زمانی که نگرش و هنجارهای ذهنی ثابت باشند، سهولت یا سختی انجام یک رفتار بر روی قصد آن رفتار اثر قوی خواهد گذاشت. وزن‌های نسبی این سه سازه در جوامع مختلف و رفتارهای مختلف متفاوت است.

در این پژوهش از تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده عاجزن<sup>۴</sup> جهت بررسی تأثیر عوامل برونزایی از قبیل مشوق‌ها، لذت، و اعتماد، بر هنجارهای ذهنی و نگرش و تمایل به تسهیم دانش استفاده شده است تا تأثیر این عوامل بر قصد تسهیم‌دانش شناسایی شود [۱۶]. در این پژوهش از دو متغیر واسطه هنجارهای ذهنی و نگرش و تمایل به تسهیم دانش استفاده شده است. مدل مفهومی ارائه شده در این تحقیق تحت تأثیر نظریه «رفتار برنامه‌ریزی‌شده» عاجزن و همکاران، وقوع یک رفتار ویژه را مشروط بر این که فرد قصد انجام رفتار را داشته باشد پیش‌بینی می‌کند. طبق این مدل رفتاری، قصد انجام یک رفتار توسط سه عامل رفتاری، هنجاری، و کنترلی پیش‌بینی می‌شود که این عوامل از مجموع باورهای شخص ناشی می‌گردند [۱۶].



شکل ۱. مدل مفهومی قصد تسهیم‌دانش [۱۶]

1. Theory of reasoned action
2. Fishbein & Ajzen
3. Theory of planned behavior

4. Ajzen

### ۳. مفاهیم و پیشینه پژوهش

عوامل متعددی رفتار تسهیم دانش را تحت تأثیر قرار می‌دهند. از این میان، ویژگی‌های شخصیتی حامل دانش و همچنین ویژگی‌های گروه‌ها و سازمان‌ها تأثیر بسیاری بر رفتار تسهیم دانش دارند. نتایج تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که خصوصیات فردی از قبیل جنسیت [۱۰]، خصوصیات ذاتی افراد [۱۰]، نگرش افراد [۸] و همچنین برخی ویژگی‌های گروهی و سازمانی شامل حمایت مدیران [۱۲]، فرهنگ سازمانی و هنجارها و ارزش‌ها [۱۳ و ۱۴ و ۱۸]، مشوق‌ها و پاداش‌ها [۱۹] بر رفتار تسهیم دانش تأثیرگذار می‌باشند. در ادامه عوامل مشوق‌ها، لذت، و اعتماد، هنجارهای ذهنی و تمایل و نگرش به تسهیم دانش تشریح می‌شود.

#### تأثیر مشوق‌ها بر قصد تسهیم دانش

یک از رایج‌ترین علل شکست تسهیم یا به اشتراک‌گذاری دانش در سازمان‌ها، عدم استقبال همگانی کارکنان در فعالیتهای تسهیم دانش است [۲۰]. ممکن است نبود استقبال از شرکت در فعالیتهای تسهیم‌دانش ناشی از

شرایط اجتماعی- فرهنگی و فناورانه باشد. این باورها را می‌توان بخشی از دانش ضمنی افراد در نظر گرفت که به راحتی قابل شناسایی و بیان نیستند. به اشتراک‌گذاری دانش می‌تواند توسط انگیزه‌های مثبت یا منفی تحریک شود. این انگیزاننده‌ها مانند کاتالیزور عمل می‌کنند و در فرهنگ سازمانی باید از چنین فعالیت‌هایی جهت تسهیم دانش پشتیبانی شود [۲۱]. مالهوترا تشریح می‌کند که منظور از انگیزاننده منفی، مجازات نیست، بلکه فرایندی است که به حذف محرک‌های غلط مانند تلاش اضافی یا عدم اطلاعات ضروری کمک می‌کند. از سوی دیگر انگیزاننده مثبت باید به عنوان پذیرش پاداش فضایی مانند شایستگی، توانایی انجام کار، همکاری در نظر گرفته شود [۲۲].

پاداش را می‌توان تجویز یک محرک به یک ارگانسیم پس از دریافت پاسخ و یا مورد انتظار دانست که احتمال دادن پاسخ را در دفعات بعدی افزایش دهد. بر اساس دیدگاه اندرسن<sup>۱</sup> پاداش‌ها و انگیزه‌ها متنوع‌اند. اندرسن پاداش‌ها و انگیزه‌ها را در ارتباط با نیازهای انسانی به صورت زیر دسته‌بندی کرده است [۲۳].

جدول ۲. پاداش‌ها و انگیزه‌های اشتراک دانش [۲۳].

| پیامدهای مثبت- افراد تسهیم می‌کنند که پیامدهای زیر را که با ارزش می‌دانند و انتظار دارند با تسهیم دانش، به دست آورند                            | پاداش‌ها و انگیزه برای نیازهای   |
|---|--|
| پیامدهای منفی- افراد تسهیم نمی‌کنند وقتی که دوست ندارند پیامدهای زیر در نتیجه تسهیم دانش، به دست آید  |  |
| عملکرد بد (درجه بندی) به دلیل وقت گذاشتن برای تسهیم دانش- از دست دادن شغل به دلیل اینکه دانش مدون می‌شود و توسط دیگران به راحتی استفاده می‌شود. | ارزیابی مثبت سالانه و فرصت شغلی / امنیت شغلی / امنیت حرفه‌ای / پیشرفت شغلی / پاداش نقدی                              |
| مورد انتقاد گرفتن از همکاران به دلیل اینکه دانش مورد استفاده گروه‌های رقیب می‌شود.  | شدن و ماندن بعنوان یکی از اعضای ویژه گروه و سازمان / مقبولیت اجتماعی / پذیرفته شدن از طرف دیگران / افزایش تعهد گروهی |
| ترس از دست دادن وجهه به دلیل اینکه اطلاعات ارائه شده نامربوط و یا اینکه از طرف دیگران مناسب تشخیص داده نشود.                                    | قدردانی از تخصص / اعتبار   |
| از دست دادن قدرت به دلیل دستیابی دیگران به اطلاعات و دانش   | به دست آوردن قدرت از طریق نشان دادن تخصص   |
|   | یادگیری و رشد شخصی / لذت و رضایت   |
|   | امنیت و بقا  |
|   | ارتباطات و مناسبات   |
|   | شأن و موقعیت   |
|   | قدرت   |
|   | موفقیت و خودشکوفایی  |

1. Andriessen

درد [۲۴]. با توجه به نقش اعتماد به همکاران در تسهیم دانش، فرضیه‌های زیر مطرح می‌شود:

**فرضیه پنجم:** اعتماد بر قصد تسهیم دانش اثر مستقیم و مثبت دارد.

**فرضیه ششم:** اعتماد از طریق هنجار ذهنی و نگرش به تسهیم دانش بر قصد تسهیم دانش اثر غیرمستقیم و مثبت دارد.

### تأثیر هنجارهای ذهنی در تسهیم دانش بر قصد تسهیم دانش

جو سازمانی شامل ارزش‌های مشترک، هنجارها، معنا، اعتقادات، اسطوره‌ها و هر چیز دیگری در سازمان است. جو سازمانی رفتار کارکنان را با هدایت کردن آنها به رفتار مناسب و مطابق با هنجارهای مورد نظر سازمان سمت می‌بخشد. به مرور کارکنان با درونی کردن این هنجارها آن را به رفتار مناسب سازمانی تبدیل می‌کنند [۲۶].

**فرضیه هفتم:** هنجار ذهنی در تسهیم دانش از طریق نگرش و تمایل به تسهیم دانش بر قصد تسهیم دانش دارای اثر غیر مستقیم و مثبت است.

### تأثیر نگرش بر تسهیم دانش در قصد تسهیم دانش

عاجز معتقد است نگرش افراد نسبت به تسهیم دانش، یک باور و اعتقاد رفتاری با دیدگاه مثبت و یا منفی درباره رفتار عملکردی است [۱۶].

**فرضیه هشتم:** نگرش و تمایل به تسهیم دانش بر قصد تسهیم دانش دارای اثر مستقیم و مثبت است.

## ۴. یافته‌ها

### شاخص‌های آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

در جدول ۳ شاخص‌های آمار توصیفی شامل میانگین، انحراف استاندارد، کجی و کشیدگی برای متغیرهای مورد نظر آورده شده است.

با توجه به نقش مشوق‌ها در تسهیم دانش، فرضیه‌های زیر مطرح می‌شود:

**فرضیه اول:** مشوق‌ها بر قصد تسهیم دانش اثر مستقیم و مثبت دارند.

**فرضیه دوم:** مشوق‌ها از طریق هنجار ذهنی و نگرش به تسهیم دانش بر قصد تسهیم دانش اثر غیرمستقیم و مثبت دارند.

### تأثیر لذت حاصل از کمک به دیگران بر قصد تسهیم دانش

داونپورت و پروساک اظهار می‌دارند که نوع دوستی یعنی حس لذت از کمک به دیگران به عنوان منبع انگیزش ذاتی در تسهیم دانش مؤثر است. بهنکه<sup>۱</sup> معتقد است، کارکنان دانش خود را تسهیم می‌کنند چون از کمک به دیگران لذت می‌برند [۲۴]. با توجه به تأثیر لذت حاصل از کمک به دیگران بر اشتراک دانش، فرضیه‌های زیر مطرح می‌شود:

**فرضیه سوم:** لذت از کمک دیگران بر قصد تسهیم دانش اثر مستقیم و مثبت دارد.

**فرضیه چهارم:** لذت از کمک دیگران از طریق نگرش و تمایل به تسهیم دانش بر قصد تسهیم دانش اثر غیرمستقیم و مثبت دارد.

### تأثیر اعتماد به همکاران بر قصد تسهیم دانش

عوامل انگیزشی به عنوان خصوصیات ذاتی، سبب تحریک رفتار و ترغیب فرد به همکاری می‌شوند. واکنش متقابل، انصاف و اعتماد از جمله عوامل انگیزشی هستند که تأثیر بسزائی در تسهیم دانش دارند [۲۴]. به‌طور کلی عوامل فردی، سازمانی، محیطی به‌صورت مستقیم یا غیر مستقیم از طریق عوامل انگیزشی بر روی تسهیم دانش تأثیر می‌گذارند که اعتماد و قصد تسهیم دانش طبق نتایج اخیر، از جمله عوامل انگیزشی مهم به‌شمار می‌روند [۲۵].

له<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) معتقد است که اعتماد به انتظارات مثبت از طرف مقابل و میزان آسیب‌پذیری آن شخص بستگی دارد. میزان اعتماد یا عدم اعتماد فرد به همکار خود می‌تواند به او انگیزه دهد تا به تسهیم دانش در محیط کار بپردازد. اعتماد مقدم بر تسهیم دانش است و با آن رابطه مثبت

1. Behnke

2. Lee

جدول ۳. شاخص‌های آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

| متغیر                      | میانگین | انحراف استاندارد | کجی   | کشیدگی |
|----------------------------|---------|------------------|-------|--------|
| مشوق‌ها و پاداش            | ۱۹/۹۴   | ۵/۴۹             | ۱/۰۰  | ۰/۴۸   |
| لذت از کمک دیگران          | ۱۶/۱۹   | ۵/۰۵             | ۰/۱۱  | -۰/۴۳  |
| اعتماد                     | ۴۱/۴۴   | ۴/۸۰             | ۰/۳۷  | -۰/۵۶  |
| هنجار ذهنی در تسهیم دانش   | ۳۰/۸۴   | ۳/۷۳             | ۰/۲۸  | -۰/۳۶  |
| نگرش و تمایل به تسهیم دانش | ۳۸/۴۲   | ۲/۶۵             | -۰/۳۴ | ۰/۲۸   |
| قصد تسهیم دانش             | ۲۹/۷۸   | ۵/۳۵             | ۰/۴۹  | -۰/۰۸  |

### ماتریس همبستگی

پایه و اساس مطالعات تحلیل مسیر همبستگی بین متغیرها بر ماتریس همبستگی می‌باشد. در ادامه ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش نمایش داده شده است.

با توجه به مقادیر به دست آمده کجی و کشیدگی برای متغیرهای پژوهش که بین -۱ و +۱ قرار دارد. بنابراین توزیع تمامی متغیرها نرمال است. بر این اساس، می‌توان جهت تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش از مدل تحلیل مسیر استفاده نمود.

جدول ۴. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

| متغیرها                    | ۱      | ۲      | ۳      | ۴      | ۵      | ۶ | ۷ |
|----------------------------|--------|--------|--------|--------|--------|---|---|
| مشوق‌ها و پاداش            | ۱      |        |        |        |        |   |   |
| لذت از کمک به دیگران       | ۰/۱۰*  | ۱      |        |        |        |   |   |
| اعتماد                     | ۰/۱۸** | ۰/۰۶   | ۱      |        |        |   |   |
| هنجار ذهنی در تسهیم دانش   | ۰/۴۶** | ۰/۱۲** | ۰/۴۶** | ۱      |        |   |   |
| نگرش و تمایل به تسهیم دانش | ۰/۳۰** | ۰/۱۸** | ۰/۳۰** | ۰/۴۷** | ۱      |   |   |
| قصد تسهیم دانش             | ۰/۲۲** | ۰/۱۲** | ۰/۳۱** | ۰/۴۳*  | ۰/۴۸** | ۱ |   |

\*  $P < 0.05$  \*\*  $P < 0.01$

متغیرهای پژوهش مربوط به رابطه بین اعتماد و لذت از کمک به دیگران می‌باشد. همچنین با توجه به جدول ۴ از میان متغیرهای برونزا اعتماد (۰/۳۱) و از میان متغیرهای درونزا نیز نگرش و تمایل به تسهیم دانش (۰/۴۸) بیشترین ضریب همبستگی را با قصد تسهیم دانش دارا هستند.

### تحلیل مسیر

در این پژوهش برای بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مشوق‌ها و پاداش، لذت از کمک به دیگران، اعتماد، هنجار ذهنی در تسهیم دانش، نگرش و تمایل به تسهیم دانش بر یکدیگر و بر قصد تسهیم دانش و همچنین آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش تحلیل مسیر استفاده می‌کنیم. در ضمن این پژوهش بررسی همزمان

با توجه به جدول ۴، بالاترین ضریب همبستگی در میان متغیرهای این پژوهش مربوط به رابطه بین نگرش و تمایل به تسهیم دانش و قصد تسهیم دانش (۰/۴۸) است که از نظر آماری در سطح ۰/۰۱ معنادار می‌باشد. پایین‌ترین ضریب همبستگی به دست آمده نیز مربوط به رابطه بین دو متغیر برونزای لذت از کمک دیگران و اعتماد (۰/۰۶) است که از نظر آماری معنادار نیست. از میان متغیرهای پژوهش به ترتیب متغیرهای نگرش و تمایل به تسهیم دانش (۰/۴۸)، هنجار ذهنی (۰/۴۳)، اعتماد (۰/۳۱)، مشوق‌ها و پاداش (۰/۲۲) و لذت از کمک دیگران (۰/۱۳)، بالاترین تا پایین‌ترین ضریب همبستگی را با قصد تسهیم دانش دارا می‌باشند که همگی این ضرایب در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. در ضمن تنها ضریب همبستگی غیر معنادار در میان

فرضیه‌ها در قالب مدل اولیه صورت می‌گیرد و در نهایت مشخصه‌های برازندگی مدل و نمودار مدل برازش شده آورده می‌شود.

**اثرات مستقیم متغیرهای تحقیق**

جدول ۵ مربوط به برآوردهای ضرایب اثرات مستقیم است.

**جدول ۵. برآوردهای ضرایب اثرات مستقیم**

| مقدار تی                                | خطای استاندارد برآورد | پارامتر استاندارد شده | متغیرها                    |
|---|-----------------------|-----------------------|----------------------------|
| <b>اثر مشوق‌ها بر:</b>                  |                       |                       |                            |
| ۱۰/۴۲                                   | ۰/۰۲                  | ۰/۳۸**                | هنجار ذهنی در تسهیم دانش   |
| ۲/۳۰                                    | ۰/۰۲                  | ۰/۱۰*                 | نگرش و تمایل به تسهیم دانش |
| -۰/۱۴                                   | ۰/۰۴                  | -۰/۰۱                 | قصد تسهیم دانش             |
| <b>اثر لذت از کمک به دیگران بر:</b>     |                       |                       |                            |
| ۲/۹۹                                    | ۰/۰۲                  | ۰/۱۲**                | نگرش و تمایل به تسهیم دانش |
| ۰/۹۸                                    | ۰/۰۶                  | ۰/۰۴                  | قصد تسهیم دانش             |
| <b>اثر اعتماد بر:</b>                   |                       |                       |                            |
| ۲/۳۹                                    | ۰/۰۳                  | ۰/۱۱*                 | هنجار ذهنی در تسهیم دانش   |
| ۱۰/۸۵                                   | ۰/۰۲                  | ۰/۴۰**                | نگرش و تمایل به تسهیم دانش |
| ۲/۴۶                                    | ۰/۰۵                  | ۰/۱۱*                 | قصد تسهیم دانش             |
| <b>اثر هنجار ذهنی در تسهیم دانش بر:</b> |                       |                       |                            |
| ۷/۳۸                                    | ۰/۰۳                  | ۰/۳۶**                | نگرش و تمایل به تسهیم دانش |
| ۴/۱۴                                    | ۰/۰۳                  | ۰/۲۱**                | قصد تسهیم دانش             |
| <b>اثر نگرش و تمایل به تسهیم دانش:</b>  |                       |                       |                            |
| ۷/۸۴                                    | ۰/۰۴                  | ۰/۳۵**                | قصد تسهیم دانش             |

\*  $P < 0.05$     \*\*  $P < 0.01$

همچنین اثر مستقیم لذت از کمک به دیگران بر قصد تسهیم دانش برابر با (۰/۰۴) و از نظر آماری معنادار نیست.

با توجه به جدول ۵ اثر مستقیم متغیر اعتماد بر هنجار ذهنی در تسهیم دانش برابر با (۰/۱۱) و با توجه به مقدار (t=۲/۳۹) در سطح ۰/۰۵ معنادار است. اثر مستقیم اعتماد بر نگرش و تمایل به تسهیم دانش برابر با (۰/۴۰) و با توجه به مقدار (t=۱۰/۸۵) در سطح ۰/۰۵ معنادار است. همچنین اثر مستقیم اعتماد بر قصد تسهیم دانش برابر با (۰/۱۱) و با توجه به مقدار (t=۲/۴۶) در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

با توجه به جدول ۵ اثر مستقیم متغیر مشوق‌ها بر هنجار ذهنی در تسهیم دانش برابر با (۰/۳۸) و با توجه به مقدار (t=۱۰/۴۲) در سطح ۰/۰۱ معنادار است. اثر مستقیم متغیر مشوق‌ها بر نگرش و تمایل به تسهیم دانش برابر با (۰/۱۰) و با توجه به مقدار (t=۲/۳۰) در سطح ۰/۰۵ معنادار است. همچنین اثر مستقیم مشوق‌ها بر قصد تسهیم دانش برابر با (۰/۰۱-) و از نظر آماری معنادار نیست. بنابراین فرضیه اول تحقیق مبنی بر تأثیر مستقیم مشوق‌ها بر قصد تسهیم دانش، تأیید نمی‌شود.

با توجه به جدول ۵ اثر مستقیم متغیر لذت از کمک دیگران بر نگرش و تمایل به تسهیم دانش برابر با (۰/۱۲) و با توجه به مقدار (t=۲/۹۹) در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

تسهیم دانش برابر با (۰/۳۵) و با توجه به مقدار (t=۷/۸۴) در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

### اثرات غیرمستقیم متغیرهای تحقیق

جدول ۶ اطلاعات مربوط به برآورد اثرات غیرمستقیم متغیرهای مورد بررسی بر یکدیگر را نشان می‌دهد.

با توجه به جدول ۵ اثر مستقیم متغیر هنجار ذهنی در تسهیم دانش بر نگرش و تمایل به تسهیم دانش برابر با (۰/۳۶) و با توجه به مقدار (t=۷/۳۸) در سطح ۰/۰۱ معنادار است. همچنین اثر مستقیم هنجار ذهنی در تسهیم دانش بر قصد تسهیم دانش برابر با (۰/۲۱) و با توجه به مقدار (t=۴/۱۴) در سطح ۰/۰۱ معنادار است. در نهایت اثر مستقیم متغیر نگرش و تمایل به تسهیم دانش بر قصد

جدول ۶. برآورد ضرایب اثرات غیر مستقیم

| t                                       | خطای استاندارد برآورد | پارامتر استاندارد شده | تأثیر متغیرها              |
|---|-----------------------|-----------------------|----------------------------|
| اثر غیرمستقیم مشوق‌ها بر:               |                       |                       |                            |
| ۶/۰۳                                    | ۰/۰۱                  | ۰/۱۴**                | نگرش و تمایل به تسهیم دانش |
| ۶/۱۸                                    | ۰/۰۳                  | ۰/۱۶**                | قصد تسهیم دانش             |
| اثر غیر مستقیم لذت از کمک به دیگران بر: |                       |                       |                            |
| ۲/۸۰                                    | ۰/۰۲                  | ۰/۰۴**                | قصد تسهیم دانش             |
| اثر غیر مستقیم اعتماد بر:               |                       |                       |                            |
| ۶/۱۱                                    | ۰/۰۱                  | ۰/۱۵**                | نگرش و تمایل به تسهیم دانش |
| ۶/۳۱                                    | ۰/۰۳                  | ۰/۱۷**                | قصد تسهیم دانش             |
| اثر غیرمستقیم هنجار ذهنی بر:            |                       |                       |                            |
| ۵/۳۸                                    | ۰/۰۳                  | ۰/۱۳**                | قصد تسهیم دانش             |

\* P < ۰/۰۵    \*\* P < ۰/۰۱

اثر غیرمستقیم لذت کمک به دیگران بر قصد تسهیم دانش برابر با (۰/۰۴) و با توجه به (t = ۲/۸۰) در سطح ۰/۰۱ معنادار است. با توجه به اینکه این اثر غیرمستقیم از طریق نگرش و تمایل به تسهیم دانش صورت می‌گیرد، می‌توان گفت که این متغیر نقش واسطه‌ای را در میان لذت از کمک دیگران و قصد تسهیم دانش ایفا می‌کند.

اثر غیرمستقیم اعتماد بر نگرش و تمایل به تسهیم دانش برابر با (۰/۱۵) و با توجه به (t = ۶/۱۱) در سطح ۰/۰۱ معنادار است. با توجه به اینکه این اثر غیرمستقیم از طریق هنجار ذهنی در تسهیم دانش صورت می‌گیرد، می‌توان گفت این متغیر نقش واسطه‌ای را در میان اعتماد و نگرش به تسهیم دانش ایفا می‌کند.

اثر غیرمستقیم اعتماد بر قصد تسهیم دانش برابر با (۰/۱۷) و با توجه به (t = ۶/۳۱) در سطح ۰/۰۱ معنادار

بر اساس اطلاعات جدول ۶ اثر غیرمستقیم مشوق‌ها بر نگرش و تمایل به تسهیم دانش برابر با (۰/۱۴) و با توجه به (t = ۶/۰۳) در سطح ۰/۰۱ معنادار است. با توجه به اینکه این اثر غیرمستقیم از طریق هنجار ذهنی در تسهیم دانش صورت می‌گیرد، می‌توان گفت این متغیر نقش واسطه‌ای را در میان مشوق‌ها و پاداش و نگرش به تسهیم دانش ایفا می‌کند.

اثر غیر مستقیم مشوق‌ها بر قصد تسهیم دانش برابر با (۰/۱۶) و با توجه به (t = ۶/۱۸) در سطح ۰/۰۱ معنادار است. با توجه به اینکه این اثر غیرمستقیم از طریق هنجار ذهنی در تسهیم دانش و نگرش و تمایل به تسهیم دانش صورت می‌گیرد، می‌توان گفت که این متغیرها نقش واسطه‌ای را در میان مشوق‌ها و پاداش و قصد تسهیم دانش ایفا می‌کنند.



### اثرات کلی متغیرهای تحقیق

یکی دیگر از پارامترهای برآورد شده اندازه‌گیری اثرات کل می‌باشد که از ترکیب اثرات مستقیم و غیرمستقیم به دست می‌آید. در برخی موارد متغیرها بر یکدیگر اثر مستقیم و یا فقط غیرمستقیم دارند که در این صورت اثر کل برابر با اثر مستقیم و یا غیرمستقیم است. به عنوان مثال در این پژوهش متغیراعتماد بر هنجار ذهنی در تسهیم دانش فقط دارای اثر مستقیم است. بنابراین اثر کل این متغیر بر هنجار ذهنی در تسهیم دانش برابر با اثر مستقیم است. بنابراین با توجه به ارائه اثرات مستقیم و غیر مستقیم در جداول ۵ و ۶ جدول ۷ صرفاً مربوط به متغیرهایی است که بر یکدیگر هم اثر مستقیم و هم اثر غیرمستقیم دارند. جدول زیر مربوط به برآورد اثرات کل متغیرهای مورد بررسی بر یکدیگر است.

است. با توجه به اینکه این اثر غیرمستقیم از طریق هنجار ذهنی در تسهیم دانش و نگرش و تمایل به تسهیم دانش صورت می‌گیرد، می‌توان گفت که این متغیرها نقش واسطه‌ای را در میان اعتماد و قصد تسهیم دانش ایفا می‌کنند.

اثر غیرمستقیم هنجار ذهنی در تسهیم دانش بر قصد تسهیم دانش برابر با (۰/۱۳) و با توجه به (t = ۵/۳۸) در سطح ۰/۰۱ معنادار است. با توجه به اینکه این اثر غیرمستقیم از طریق و نگرش و تمایل به تسهیم دانش صورت می‌گیرد، می‌توان گفت که این متغیر نقش واسطه‌ای را در میان هنجار ذهنی در تسهیم دانش و قصد تسهیم دانش ایفا می‌کند. در ادامه جدول ۷ مربوط بر اثرات کل متغیرها بر یکدیگر همراه با توضیحات لازم آورده می‌شود.

جدول ۷. برآورد ضرایب اثر کلی متغیرهای تحقیق

| متغیرها                          | پارامتر استاندارد شده | خطای استاندارد برآورد | t    |
|----------------------------------|-----------------------|-----------------------|------|
| اثر کل مشوق‌ها بر:               |                       |                       |      |
| نگرش و تمایل به تسهیم دانش       | ۰/۲۴**                | ۰/۰۲                  | ۵/۷۲ |
| قصد تسهیم دانش                   | ۰/۱۶**                | ۰/۰۴                  | ۳/۶۶ |
| اثر کل لذت از کمک دیگران بر:     |                       |                       |      |
| قصد تسهیم دانش                   | ۰/۰۸                  | ۰/۰۴                  | ۱/۹۴ |
| اثر کل اعتماد بر:                |                       |                       |      |
| نگرش و تمایل به تسهیم دانش       | ۰/۲۵**                | ۰/۰۲                  | ۵/۹۷ |
| قصد تسهیم دانش                   | ۰/۲۸**                | ۰/۰۱                  | ۴/۵۲ |
| اثر کل هنجار ذهنی در تسهیم دانش: |                       |                       |      |
| قصد تسهیم دانش                   | ۰/۳۳**                | ۰/۰۷                  | ۶/۵۹ |

\* P < ۰/۰۵    \*\* P < ۰/۰۱

معنادار نیست. اثر کل اعتماد بر نگرش و تمایل به تسهیم دانش برابر با (۰/۲۵) و با توجه به (t=۵/۹۷) در سطح ۰/۰۱ معنادار است. همچنین اثر کل اعتماد بر قصد تسهیم دانش برابر با (۰/۲۸) و با توجه به (t = ۴/۵۲) در سطح ۰/۰۱ معنادار است. اثر کل هنجار ذهنی در تسهیم دانش بر قصد تسهیم دانش برابر با (۰/۳۳) و با توجه به (t = ۶/۵۹)

اثر کل مشوق‌ها بر نگرش و تمایل به تسهیم دانش برابر با (۰/۲۴) است که با توجه به (t = ۵/۷۲) در سطح ۰/۰۱ معنادار است. اثر کل مشوق‌ها بر قصد تسهیم دانش برابر با (۰/۱۶) و با توجه به (t = ۳/۶۶) در سطح ۰/۰۱ معنادار است. اثر کل لذت از کمک دیگران بر قصد تسهیم دانش برابر با (۰/۰۸) و با توجه به (t = ۱/۹۴) و از نظر آماری

از دیگر ویژگی‌های تحلیل مسیر مقایسه اثرات کل متغیرها بر یکدیگر، مقایسه اثرات مستقیم با اثرات غیرمستقیم و همچنین اندازه‌گیری میزان واریانس تبیین شده هر کدام از متغیرهای درونزا توسط مدل است. بر این اساس در جدول اثرات مستقیم، اثرات غیرمستقیم، اثرات کل و میزان واریانس تبیین شده متغیرها بر قصد تسهیم دانش گزارش شده است.

در سطح ۰/۰۱ معنادار است. در مورد سایر اثرات کل نیز همانطور که اشاره شد صرفاً براساس معنادار بودن اثرات مستقیم و یا غیرمستقیم که در جداول ۵ و ۶ به آنها اشاره شد قضاوت می‌شود. در ادامه جدول مربوط به مقایسه اثرات مستقیم، غیر مستقیم و کل متغیرها بر یکدیگر همراه با توضیحات لازم آورده می‌شود.

### مقایسه اثرات مستقیم، غیرمستقیم، کل و میزان واریانس تبیین شده متغیرها

جدو ۸. ضرایب استاندارد شده اثرات مستقیم، غیرمستقیم و اثرات کل متغیرها

بر قصد تسهیم دانش و واریانس تبیین شده آن

| متغیرها                       | اثرات مستقیم | اثرات غیرمستقیم | اثرات کل | واریانس تبیین شده |
|-------------------------------|--------------|-----------------|----------|-------------------|
| تأثیرپذیری قصد تسهیم دانش از: |              |                 |          |                   |
| مشوق‌ها                       | -۰/۰۱        | ۰/۱۶**          | ۰/۱۶**   |                   |
| لذت از کمک دیگران             | ۰/۰۴         | ۰/۰۴**          | ۰/۰۸     |                   |
| اعتماد                        | ۰/۱۱*        | ۰/۱۷**          | ۰/۲۸**   | ۰/۲۶              |
| هنجار ذهنی در تسهیم دانش      | ۰/۲۱**       | ۰/۱۳**          | ۰/۳۳**   |                   |
| نگرش و تمایل به تسهیم دانش    | ۰/۳۵**       | -               | ۰/۳۵**   |                   |

که این موضوع نیز بیانگر اهمیت برخی متغیرهاست که در مدل مفهومی مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. در ادامه با توجه به نتایج گزارش شده در جداول ۵ و ۶ به بررسی فرضیه‌های تحقیق می‌پردازیم:

#### بررسی اثبات یا رد فرضیه‌های تحقیق

همانطور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود اثر مستقیم متغیر مشوق‌ها و پاداش بر هنجار ذهنی در تسهیم دانش برابر با (۰/۳۸) و با توجه به مقدار (t=۱۰/۴۲) در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. اثر مستقیم این متغیر بر نگرش و تمایل به تسهیم دانش برابر با (۰/۱۰) و با توجه به مقدار (t=۲/۳۰) در سطح ۰/۰۵ معنی دار است. همچنین اثر مستقیم مشوق‌ها و پاداش بر قصد تسهیم دانش برابر با (۰/۰۱-) و از نظر آماری معنادار نیست. بنابراین فرضیه اول پژوهش تأیید می‌گردد. بنابراین فرضیه اول پژوهش در ارتباط با اثر مستقیم مشوق‌ها و پاداش بر هنجار ذهنی در تسهیم دانش و نگرش و تمایل به تسهیم دانش تأیید و در

اثر مستقیم متغیر مشوق‌ها بر قصد تسهیم دانش معنادار نیست در حالی که اثر غیرمستقیم این متغیر بر قصد تسهیم دانش برابر با (۰/۱۶) و معنادار است که این امر از نظر بررسی نقش واسطه‌ای بسیار حائز اهمیت است. اثر غیر مستقیم لذت از کمک دیگران بر قصد تسهیم دانش برابر با ۰/۰۴ و معنادار است در حالی که اثر مستقیم و کل این متغیر بر قصد تسهیم دانش معنادار نیست. همچنین اثر غیرمستقیم اعتماد بر قصد تسهیم دانش برابر با (۰/۱۷) و از اثر مستقیم آن (۰/۱۱) بر قصد تسهیم دانش بزرگتر است. ضمناً اثر کل اعتماد بر قصد تسهیم دانش برابر با ۰/۲۸ و از اثر مستقیم و غیرمستقیم آن بزرگتر است. همچنین اثر مستقیم (۰/۲۱) هنجار ذهنی در تسهیم دانش بر قصد تسهیم دانش از اثر غیر مستقیم (۰/۱۳) بزرگتر ولی از اثر کل (۰/۳۳) کوچکتر می‌باشد. میزان واریانس تبیین شده قصد تسهیم دانش، نگرش و تمایل به تسهیم دانش و هنجار ذهنی در تسهیم دانش در مدل مورد نظر این پژوهش به ترتیب برابر با ۰/۲۶، ۰/۲۲، ۰/۱۳ و ۰/۰۵ است

توجه به مقدار (t=۲/۴۶) در سطح ۰/۰۵ معنادار است. بنابراین فرضیه سوم پژوهش تأیید می‌گردد.

همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود اثر غیرمستقیم اعتماد بر نگرش و تمایل به تسهیم دانش برابر با (۰/۱۵) و با توجه به (t = ۶ / ۱۱) در سطح ۰/۰۱ معنادار است. بنابراین فرضیه نهم پژوهش تأیید می‌گردد.

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌گردد اثر غیرمستقیم هنجار ذهنی در تسهیم دانش بر قصد تسهیم دانش برابر با (۰/۱۳) و با توجه به (t = ۵ / ۳۸) در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. بنابراین فرضیه هفتم پژوهش تأیید می‌گردد.

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود اثر مستقیم متغیر نگرش و تمایل به تسهیم دانش بر قصد تسهیم دانش برابر با (۰/۳۵) و با توجه به مقدار (t=۷/۸۴) در سطح ۰/۰۱ معنادار است. بنابراین فرضیه هشتم پژوهش تأیید می‌گردد.

### مشخصه‌های برازندگی مدل و مدل برازش شده

جهت بررسی برازندگی مدل از شاخص‌های برازندگی استفاده شده است. به‌طور کلی از میان مشخصه‌های برازندگی متنوعی که وجود دارد، در این پژوهش شاخص‌های برازش نسبت مجذور کای به درجه آزادی، جذر برآورد واریانس خطای تقریب، شاخص برازندگی تطبیقی، شاخص نکویی برازش، شاخص تعدیل شده نکویی برازش، و P-value گزارش می‌شود. در جدول ۹ مشخصه‌های برازندگی مدل ارائه شده است.

ارتباط با اثر مستقیم این متغیر بر قصد تسهیم دانش رد می‌شود.

همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود اثر غیرمستقیم مشوق‌ها و پاداش بر قصد تسهیم دانش برابر با (۰/۱۶) و با توجه به (t = ۶ / ۱۸) در سطح ۰/۰۱ معنادار است. بنابراین فرضیه دوم پژوهش تأیید می‌گردد.

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود اثر مستقیم متغیر لذت از کمک دیگران بر نگرش و تمایل به تسهیم دانش برابر با (۰/۱۲) و با توجه به مقدار (t=۲/۹۹) در سطح ۰/۰۱ معنادار است و اثر مستقیم این متغیر بر قصد تسهیم دانش برابر با (۰/۰۴) و از نظر آماری معنادار نیست. بنابراین فرضیه سوم پژوهش در ارتباط با اثر مستقیم لذت از کمک دیگران بر نگرش و تمایل بر تسهیم دانش تأیید و در ارتباط با اثر مستقیم این متغیر بر قصد تسهیم دانش رد می‌گردد.

همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود. اثر غیرمستقیم لذت از کمک دیگران بر قصد تسهیم دانش برابر با (۰/۰۴) و با توجه به (t = ۲/۸۰) در سطح ۰/۰۱ معنادار است. بنابراین فرضیه هشتم پژوهش تأیید می‌گردد.

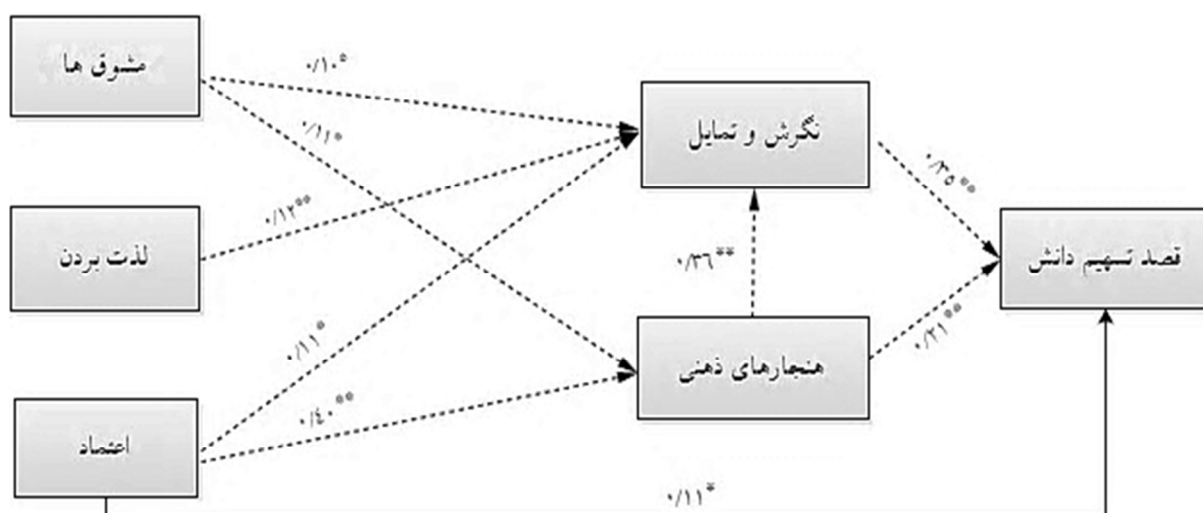
همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود اثر مستقیم متغیر اعتماد بر هنجار ذهنی در تسهیم دانش برابر با (۰/۱۱) و با توجه به مقدار (t= ۲/۳۹) در سطح ۰/۰۵ معنادار است. اثر مستقیم این متغیر بر نگرش و تمایل به تسهیم دانش نیز برابر با (۰/۴۰) و با توجه به مقدار (t=۱۰/۸۵) در سطح ۰/۰۵ معنادار است. همچنین اثر مستقیم اعتماد بر قصد تسهیم دانش برابر با (۰/۱۱) و با

جدول ۹. مشخصه‌های نکویی برازندگی مدل

| برآورد | مشخصه   |
|--------|---|
| ۲/۴۹   | نسبت مجذور کای به درجه آزادی (x <sup>۲</sup> /df) |
| ۱/۰۰   | شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)                        |
| ۱/۰۰   | شاخص نکویی برازش (GFI)                            |
| ۰/۹۶   | شاخص تعدیل شده نکویی برازش (AGFI)                 |
| ۰/۰۵۵  | جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA)             |
| ۰/۱۱   | P-value   |

ادامه نمودار مسیر مدل برازش شده همراه با پارامترهای برآورد شده (مقادیر استاندارد) ارائه شده است.

با توجه به مشخصه‌های نکویی برازش که در جدول ۹ گزارش شده برازش مدل پیش‌بینی خلاقیت کارکنان در سطح نسبتاً خوبی می‌باشد و این مشخصه‌ها حاکی از همسویی مدل برازش شده با جامعه نظری تحقیق است. در



شکل ۲. مدل برازش شده قصد تسهیم دانش

شغلی حاصل از رشد سطح دانش سایر همکاران می‌توان به عنوان عامل بازدارنده در تسهیم دانش مطرح شود. نکته قابل توجه این است که متغیرهای مشوق‌ها و لذت از کمک به دیگران به صورت غیرمستقیم از طریق تأثیر مثبت بر نگرش و هنجارها می‌توانند بر قصد تسهیم دانش مؤثر باشند. در این رابطه به مدیران و تصمیم‌گیرندگان لزوم تغییر نگرش در تسهیم دانش و ایجاد هنجارهای ذهنی در سازمان پیشنهاد می‌شود. نتایج این بخش با پژوهش‌های [۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۳] همسو است. با توجه به این که نگرش و هنجارهای ذهنی بر قصد رفتار تسهیم دانش مؤثرند، پیشنهاد می‌شود تا مدیران ابتدا روی ایجاد نگرش و تبدیل کردن تسهیم دانش در سازمان‌های تابعه به هنجار ذهنی بکوشند. ایجاد رفتار تسهیم دانش به هنجار ذهنی باعث افزایش قصد تسهیم دانش در سازمان می‌شود. نکته قابل ذکر این است که مطابق با نظریه آیژن و فیشبن، باورها در افراد نقش محوری داشته و مدیران می‌توانند در سازمان‌ها از طرق متغیرهای مختلف باورهای افراد را تحت تأثیر قرار داده،

## ۵. نتیجه‌گیری

هدف اصلی این تحقیق بررسی تأثیر متغیرهای برون‌زا (مشوق‌ها، لذت از کمک به دیگران، و اعتماد) و دورن‌زا (هنجارهای ذهنی در تسهیم دانش، نگرش و تمایل به تسهیم دانش) بر قصد تسهیم دانش است. با توجه به نتایج کلی به دست آمده در این پژوهش، تأثیر مستقیم مشوق‌ها و لذت از کمک به دیگران بر قصد تسهیم دانش تأیید نمی‌گردد. سایر روابط مستقیم و غیرمستقیم فیما بین متغیرهای تعریف شده در فرضیات ارائه شده، تأیید شده است. تأیید نشدن رابطه مستقیم مشوق‌ها و لذت از کمک به دیگران بر قصد تسهیم دانش، نشان‌دهنده این است با توجه به سطح بالای تحصیلات، و خود ارزشمندی غالب افراد تحصیل کرده پیشنهاد مشخص پاداش بر قصد تسهیم دانش تأثیر مثبتی ندارد. همچنین به دلیل بیگانه بودن سازمان‌های مورد بررسی با مفاهیم مدیریت دانش، اصولاً مسأله تسهیم دانش هنوز به صورت جدی مورد توجه قرار نگرفته است. از طرفی، محافظه‌کاری افراد و عدم امنیت

تأثیرات بسزائی در ایجاد نگرش و تبدیل آنها به هنجار در سازمان داشته باشند، که نهایتاً با ایجاد قصد انجام تسهیم دانش در افراد نسبت به ایجاد محیط دانشی مناسب و مورد تأیید در سازمان خود مؤثر باشند.

## References

## منابع

1. Asrar-ul-Haq M, Anwar S. "A systematic review of knowledge management and knowledge sharing: Trends, issues, and challenges". Nisar T, editor. *Cogent Bus Manag*. 2016 Dec 31;3(1):1127744.
2. Grant RM. "Toward a knowledge-based theory of the firm". *Strateg Manag J*. 1996;17(2):109-22.
3. Nahapiet J, Ghoshal S. "Social Capital, Intellectual Capital, and the Organizational Advantage". *Acad Manage Rev*. 1998 Apr 1;23(2):242-66.
4. Nakano D, Muniz J, Dias Batista E. "Engaging environments: tacit knowledge sharing on the shop floor". *J Knowl Manag*. 2013 Mar 29;17(2):290-306.
5. Spender J-C. "Making knowledge the basis of a dynamic theory of the firm: Making Knowledge". *Strateg Manag J*. 1996 Dec;17(S2):45-62.
6. Davenport TH, Davenport PD of MIS of MTH, Prusak L. "Working Knowledge: How Organizations Manage what They Know". Harvard Business Press; 1998. 224.
7. Foss NJ, Pedersen T. "Transferring knowledge in MNCs: The role of sources of subsidiary knowledge and organizational context". *J Int Manag*. 2002;8(1):49-67.
8. Bock G-W, Zmud RW, Kim Y-G, Lee J-N. "Behavioral Intention Formation in Knowledge Sharing: Examining the Roles of Extrinsic Motivators, Social-Psychological Forces, and Organizational Climate". *MIS Q*. 2005;29(1):87-111.
9. Witherspoon CL, Bergner J, Cockrell C, Stone DN. "Antecedents of organizational knowledge sharing: a meta-analysis and critique". *J Knowl Manag*. 2013;17(2):250-277.
10. Constant D, Kiesler S, Sproull L. "What's Mine Is Ours, or Is It? A Study of Attitudes about Information Sharing". *Inf Syst Res*. 1994 Dec 1;5(4):400-21.
11. Cabrera Á, Collins WC, Salgado JF. "Determinants of individual engagement in knowledge sharing". *Int J Hum Resour Manag*. 2006 Feb 1;17(2):245-64.
12. Kevin Kelloway E, Connelly CE. "Predictors of employees' perceptions of knowledge sharing cultures". *Leadersh Organ Dev J*. 2003 Aug 1;24(5):294-301.
13. De Long DW, Fahey L. "Diagnosing cultural barriers to knowledge management". *Acad Manag Perspect*. 2000 Feb 1;14(4):113-27.
14. Jill A, McKinnon L, Harrison GL. "Organizational cultural: Association with commitment, job satisfaction, propensity to remain, and information sharing in Taiwan". *J Dev Stud*. 2003;39(6):1-22.
15. Fishbein M, Ajzen I. "Belief, attitude, intention and behavior: an introduction to theory and research". 1975.
16. Ajzen I. "The theory of planned behavior. *Organ Behav Hum Decis Process*". 1991 Dec;50(2):179-211.
17. Bock GW, Kim Y-G. "Breaking the Myths of Rewards: An Exploratory Study of Attitudes about Knowledge Sharing". *IGI Glob*. 2002;15(2):14-21.
18. Suppiah V, Singh Sandhu M. "Organisational culture's influence on tacit knowledge-sharing behaviour". *J Knowl Manag*. 2011 May 31;15(3):462-77.
19. Kim Y, Jeon S, Koh J. "An integrative model for knowledge sharing in communities-of-practice". *J Knowl Manag*. 2011 Apr 5;15(2):251-69.
20. Malhotra Y. "Why knowledge management systems fail: enablers and constraints of knowledge management in human enterprises". In: *Handbook on Knowledge Management 1*. Springer; 2004. p. 577-599.

21. Lee TT. “ Knowledge Sharing Behavior: Clarifying Its Measurement and Antecedents [Doctor of Philosophy] ”. [South Florida]: Industrial-Organizational Psychology Department of Psychology College of Arts and Sciences University of South Florida; 2018.
  22. Evangelou C, Karacapilidis N. On the interaction between humans and Knowledge Management Systems: a framework of knowledge sharing catalysts. *Knowl Manag Res Pract*. 2005 Nov 1;3(4):253-61.
  23. Andriessen JE. “ To share or not to share, that is the question. Conditions for the willingness to share knowledge”. -2006-02 Delft Innov Syst Pap. 2006;
  24. Behnke TM. “Knowledge sharing at work: An examination of organizational antecedents”. St. Ambrose University.; 2010.
  25. Wang S, Noe RA. “Knowledge sharing: A review and directions for future research”. *Hum Resour Manag Rev*. 2010;20(2):115-31.
  26. Chennamaneni anitha. “Determinants of knowledge sharing behaviors: Developing and testing an integrated theoretical model [Phd Desertation] ”. [Artington]: The University of Texas; 2006.
  27. Ajzen L. “Constructing a TPB questionnaire: Conceptual and methodological considerations [Internet] ”. 2002 [cited 2019 Feb 15]. Available from: [https://scholar.google.com/scholar?hl=en&as\\_sdt=0,5&q=Constructing a TpB questionnaire: conceptual and methodological considerations.&btnG=](https://scholar.google.com/scholar?hl=en&as_sdt=0,5&q=Constructing a TpB questionnaire: conceptual and methodological considerations.&btnG=)
  28. Biranvand A, Seif M, Khasseh A. “ Knowledge Sharing among Librarians in Public Libraries of Fars Province, Iran”. *Libr Philos Pract E-J*. 2015 Aug 19;
  29. Hansen S, Avital M. “Share and share alike: The social and technological influences on knowledge sharing behavior”. 2005
  30. Jewels T, Ford M. “Factors Influencing Knowledge Sharing in Information Technology Projects”. *E-Serv J*. 2006;5(1):99-117.
  31. Kijl N. “Structured literature review of Knowledge Sharing with Theory Maps”. In: *Proceedings from 12thTwente Student Conference on IT Enschede: The Netherlands*. 2010.
  32. Rehman M, Mahmood AKB, Salleh R, Amin A. “Review of factors affecting knowledge sharing behavior”. In: *International Conference on E-business, Management and Economics IPEDR*. 2011. p. 223–227.
۳۳. بیرانوند ع، شعبانی ا، استانی محمدی م. «بررسی عوامل موثر بر تسهیم دانش کتابداران و ارائه مدل پیش بینی رفتار آنها (مطالعه موردی: کتابخانه های عمومی استان فارس)». *مطالعات کتابداری و علم اطلاعات*. ۱۳۹۶؛۹(۱):۳۹-۶۰. بیرانوند ع، شعبانی ا، استانی محمدی م. بررسی عوامل موثر بر تسهیم دانش کتابداران و ارائه مدل پیش بینی رفتار آنها (مطالعه موردی: کتابخانه های عمومی استان فارس). *مطالعات کتابداری و علم اطلاعات*. ۱۳۹۶؛۹(۱):۳۹-۶۰.

## مطالعه علم‌سنجی انتشارات علمی حوزه زلزله‌شناسی بر اساس پایگاه استنادی وبگاه علوم

محمد فلاح<sup>۱</sup>، علی قربی<sup>۲\*</sup>، علیرضا نوروزی<sup>۳</sup>، افسانه جعفری<sup>۴</sup>

۱. کارشناس ارشد علم‌سنجی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران
۲. کارشناس ارشد علم‌سنجی، دانشکده مدیریت، دانشکده دانشگاه تهران
۳. دانشیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران
۴. کارشناس ارشد مدیریت اطلاعات، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی کرمانشاه

تاریخ پذیرش ۹۷/۹/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۶/۲۸

### چکیده

هدف پژوهش حاضر، مطالعه تحلیلی و ارزیابی کمی و کیفی تولیدات علمی حوزه زلزله‌شناسی در پایگاه استنادی وبگاه علوم در جهان و ایران از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۸ میلادی است. مطالعه حاضر، پژوهشی پیمایشی است و با استفاده از رویکرد علم‌سنجی انجام شده است که با استفاده از شاخص‌های کمی تولیدات علمی جهان و ایران در حوزه زلزله‌شناسی را مورد ارزیابی قرار داده است. یافته‌ها نشان داد تعداد تولیدات علمی حوزه زلزله در جهان، ۱۱۴۲۹۲ مدرک بوده که سهم ایران از تولید علم جهان در این حوزه ۳۰۶۵ مدرک است؛ همچنین نتایج نشان داد که ایران در جهان در مرتبه سیزدهم و در میان کشورهای آسیایی در مرتبه ششم قرار دارد. تعداد کل استنادها به مدارک ۱۹۶۳ استناد است که میانگین استناد به هر مدرک ۶/۲۵ استناد و شاخص هرش در این حوزه برای کشور ایران ۵۱ است. نتایج نشان می‌دهد با وجود این که ایران یک کشور زلزله‌خیز است، تعداد تولیدات علمی کشور ما در مقایسه با برخی کشورها که کانون زلزله نیستند پایین است. بنابراین، بایستی توجه بیشتری به تحقیق و توسعه در حوزه زلزله‌شناسی شود.

**کلیدواژه‌ها:** نمایه استنادی، تحلیل استنادی، تولیدات علمی، زلزله‌شناسی، علم‌سنجی.

## ۱. مقدمه

پژوهش یکی از اساسی‌ترین زیرساخت‌های توسعه و پیشرفت علمی و صنعتی کشورها و رشته‌های مختلف محسوب می‌شود. پژوهش‌های هدفمند به‌ویژه در حوزه زلزله‌شناسی می‌تواند علاوه بر پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه در این حوزه، از انجام پژوهش‌های تکراری و اتلاف زمان، منابع و انرژی جلوگیری کند و اگر به تولید اطلاعات علمی منجر شود می‌تواند به عنوان یکی از شاخص‌های رشد و توسعه یافتگی حوزه زلزله‌شناسی کشور تلقی شود. اهمیت تولید اطلاعات علمی در حوزه زلزله‌شناسی و نقش انکارناپذیر آن در توسعه این حوزه تا بدان حد است که بسیاری از کشورهای پیشرفته دنیا حجم عظیمی از سرمایه‌های ملی خود را صرف توسعه پژوهش و مراکز پژوهشی در حوزه زلزله‌شناسی می‌کنند.

یکی از کارآمدترین شیوه‌های بررسی برون‌داد علمی و به عبارت دیگر وضعیت کلی پژوهش، استفاده از مطالعات علم‌سنجی با بررسی مقاله‌های نمایه شده در پایگاه‌های استنادی معتبر است. در این نوع از مطالعات، اندازه‌گیری کمی تولیدات علمی می‌تواند تا حدودی مشخص کند که فراوانی پژوهش‌های هر کشور، هر نهاد، هر رشته علمی و هر فرد چگونه بوده و چه روندی را طی می‌کند، پژوهشگران چه زمینه‌ها و سؤالاتی را برای پژوهش خود انتخاب می‌کنند و چه زمینه‌ها و سؤالاتی مورد غفلت واقع می‌شود؛ پژوهش‌ها را چه کسانی، چه نهادهایی و در چه مراکزی انجام می‌دهند؛ این پژوهش‌ها از نظر مالی چقدر حمایت می‌شوند و تأثیرگذاری آنها بر محیط‌های علمی و پژوهش‌های دیگر چگونه است. اگرچه ارزیابی‌های کمی نمی‌تواند و نباید جایگزین ارزیابی‌های کیفی پژوهش‌ها شود؛ می‌تواند ابزار مؤثری برای درک بهتر فرایند پژوهش‌های علمی و تجزیه و تحلیل، توزیع و استفاده از اطلاعات علمی حوزه زلزله‌شناسی باشد؛ در عین حال می‌تواند برخی محدودیت‌های ارزیابی‌های کیفی مانند تأثیر سوگیری ارزیابان بر یافته‌ها را نداشته باشد. از آنجا که سالانه سهم گسترده‌ای از بودجه کشور به مؤسسات و مراکز پژوهشی به ویژه در حوزه زلزله‌شناسی اختصاص

می‌یابد، بررسی و تحلیل مستمر فعالیت‌های پژوهشی این مؤسسات می‌تواند یکی از گام‌های مهم در شناسایی نیازهای اساسی کشور در این حوزه باشد که در جهت‌دهی و تعریف پژوهش‌های آتی نقشی محوری دارد؛ از این رو، تولیدات علمی نمایه‌سازی شده در نمایه‌های بین‌المللی، همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی تحقیق و توسعه کشورها به شمار می‌رود [۳].

لازم به ذکر است که تحقق این موضوع علاوه بر مطالعه توصیفی و تعیین وضع موجود، نیاز به اقدامات عملی و مداوم در راستای پیاده‌سازی نظام پایش تولیدات زلزله‌شناسی کشور در جهت پیگیری دائمی و اصلاح روندهای موجود دارد. بنابراین، به نظر می‌رسد انجام مطالعه‌ای جامع با هدف تعیین وضعیت تولیدات علمی و پژوهش‌های حوزه زلزله‌شناسی در جهت ساماندهی به این حوزه ضروری است.

## اهمیت و ضرورت پژوهش

با استفاده از مطالعات علم‌سنجی و ارزیابی کمی و کیفی برون‌دادهای علمی حوزه زلزله‌شناسی بر اساس مقاله‌های نمایه شده در پایگاه‌های استنادی بین‌المللی می‌توان رشد کمی و کیفی تولیدات علمی و فراوانی پژوهش‌های کشور در این حوزه را نمایان ساخت؛ نهادها، سازمان‌ها و افراد فعال و پرکار در این حوزه را تعیین نمود؛ همچنین میزان تأثیرگذاری پژوهشی و استنادی مطالعات پیشین را ارزیابی کرد.

سطح تولید علم در هر کشوری تا حدود زیادی با کیفیت نظام آموزشی و پژوهشی دانشگاهی به‌ویژه در سطح تحصیلات تکمیلی آن کشور بستگی دارد. زیرا دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی پتانسیل‌ها و توانمندی‌های لازم را در راستای اجرای طرح‌های پژوهشی بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای در قالب تجربه و تخصص اساتید باتجربه، در اختیار دارند. در راستای حفظ پویایی حرکت و جنبش علمی کشور به‌ویژه در حوزه زلزله‌شناسی، ارائه گزارشی از طرح‌های پژوهشی، پایان‌نامه‌های دانشجویی، مقاله‌های علمی و کتاب‌های تألیفی و ... ضروری است.



وضعیت تولید علم حوزه زلزله‌شناسی در جهان، آسیا و خاورمیانه طی سال‌های گذشته از ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۸ چگونه بوده است؟

زبان، نوع مدرک، روند زمانی و رشد تولیدات علمی حوزه زلزله‌شناسی جهان و ایران در پایگاه استنادی وبگاه علوم<sup>۱</sup> در فاصله سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۸ چگونه است؟ دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و پژوهشگران فعال و پرکار و پُر استناد در حوزه زلزله‌شناسی در پایگاه استنادی وبگاه علوم در فاصله سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۸ در چه جایگاهی قرار دارند؟ کدام کشورها بیشترین همکاری علمی با ایران در تولید مدارک علمی حوزه زلزله‌شناسی در پایگاه استنادی وبگاه علوم در فاصله سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۸ را داشته‌اند؟ وضعیت کلی تعداد مدارک نمایه شده، تعداد کل استنادها و شاخص هرش تولیدات پژوهشگران ایرانی در پایگاه استنادی وبگاه علوم در فاصله سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۸ چگونه است؟

## ۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی در حوزه زلزله و حوزه‌های دارای پوشش موضوعی نزدیک به این حوزه انجام شده است. برخی از این پژوهش‌ها به بررسی تغییرات و رشد تولیدات علمی قبل و بعد از وقوع بلایای طبیعی نظیر سیل، زلزله، سونامی و غیره؛ و نیز ترسیم نقشه‌های علم‌سنجی پرداخته‌اند.

هو و چاوو<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) در پژوهش خود با عنوان «تحلیل کتابشناختی پژوهش‌های حوزه فاجعه سونامی» به بررسی پژوهش‌های انجام شده در این زمینه در پایگاه اطلاعاتی نمایه استنادی علوم در بازه زمانی ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۴ پرداختند. واحدهای تحلیل آنها در این پژوهش شامل نوع مدرک، زبان مدرک، تعداد مدارک، نویسندگان، الگوهای انتشاراتی، توزیع در بین طبقه‌بندی‌های موضوعی، کلیدواژه‌های نویسندگان، کشورهای منتشرکننده آثار، آثار پراستناد و توزیع استناد منتشر شده، پس از سونامی اندونزی بود. نتایج پژوهش آنها نشان داد که حدود ۵۳ درصد از کل اسناد توسط کشورهای آمریکا و ژاپن تولید شده است. زبان

در نتیجه، به‌منظور برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری علمی و پژوهشی در حوزه زلزله‌شناسی کشور، در اختیار داشتن استنادی در خصوص عملکرد پژوهشی این حوزه در کشور ضروری است تا بتوان عوامل مؤثر در تولید علم و فناوری در حوزه زلزله را شناخت و درصدد رفع موانع تولید علم و فناوری برآمد. عوامل تأثیرگذار در تولید علم مانند ایجاد و تقویت فرهنگ علم دوستی؛ توسعه منابع انسانی (پژوهشگر به عنوان رکن اساسی)؛ توسعه دوره‌های تحصیلی دانشگاهی؛ تأمین منابع استنادی مورد نیاز جامعه پژوهشی کشور مانند مجله‌ها، کتاب‌ها، و پایگاه‌های استنادی علمی جهت دستیابی به نتایج پژوهش‌های پیشین؛ توسعه آزمایشگاه‌ها و مراکز پژوهشی؛ توسعه کمی و کیفی مجله‌های علمی پژوهشی داخلی و تلاش برای بین‌المللی کردن آنها؛ داشتن استانداردهای علمی؛ مشخص کردن حداقل انتظارات از هر فرد با توجه به موقعیت او؛ مدیریت عالمانه پژوهش کشور؛ سیاست‌گذاری علمی و نظارت صحیح می‌تواند در تولید علم در حوزه زلزله‌شناسی ایران مؤثر باشد. عدم وجود هر یک از این عوامل مانع تولید علم می‌شود. بنابراین، اهمیت پژوهش حاضر این است که برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیرندگان امور پژوهشی در حوزه زلزله را متوجه وضعیت تولیدات علمی اعضای هیئت‌علمی و متخصصان این حوزه نموده تا چنانچه کاستی‌هایی در این زمینه وجود دارد برای رفع آنها و بهینه‌سازی و ارتقاء جایگاه واقعی تولیدات علمی این حوزه اقدام مناسبی نمایند. با وجود اهمیت موضوع زلزله، تاکنون پژوهشی که در کشور به تولیدات علمی این حوزه با رویکرد علم‌سنجی توجه کند، صورت نگرفته است. این مسئله گویای این حقیقت است که متخصصان این حوزه نمی‌توانند از چشم‌اندازی دقیق در مورد فعالیت‌های علمی حوزه خود برخوردار باشند.

## پرسش‌های اساسی پژوهش

این پژوهش درصدد است تا به پرسش‌های اساسی زیر پاسخ دهد:

1. Web of science  
2. Ho and Chiu

درصد کل آثار را تولید کرده‌اند. جهشی در شمار تولیدات علمی این حوزه پس از سونامی اندونزی که در ۲۶ دسامبر ۲۰۰۴ رخ داد، مشاهده می‌شود. برخی از پژوهش‌های مرتبط با این حوزه صرفاً به ارائه اطلاعات کتابشناختی موجود در پایگاه اطلاعاتی وبگاه علوم (وب آو ساینس) بسنده کرده‌اند؛ از جمله پژوهش لو و دیگران<sup>۶</sup> (۲۰۱۲) که در پژوهش خود با عنوان «مطالعه کتابسنجی پژوهش‌های حوزه زلزله: ۱۹۰۰ تا ۲۰۱۰» به بررسی کیفیت ۸۴۰۵۱ مدرک منتشر شده در حوزه زلزله در نمایه استنادی علوم و نمایه استنادی علوم اجتماعی در بازه زمانی ۱۹۰۰ تا ۲۰۱۰ پرداختند. آنها در پژوهش خود به شناسایی پژوهشگران، سازمان‌ها و کشورهای برتر در حوزه پژوهشی زلزله پرداختند و رشدی نامنظم را شناسایی کردند. بیشترین کلیدواژه‌های به کار رفته در پژوهش‌های این حوزه عبارت بود از: ارزیابی، کالیفرنیا، دگردیسی، مدل، معکوس کننده، لرزه‌خیزی، تکتونیک، ساختار پوسته، گسل، ناحیه، لیتوسفر و میرایی. برخی از پژوهش‌ها فقط به اطلاعات کتابشناختی موجود در پایگاه‌های اطلاعاتی بسنده نکرده و با استفاده از شاخص‌ها و نرم‌افزارهای علم‌سنجی به بررسی و مقایسه پرداختند؛ از جمله شاخص‌های مورد بررسی در این پژوهش‌ها می‌توان به شاخص همکاری، درجه همکاری نویسندگان، تحلیل استنادی نویسندگان، کشورها، سازمان‌ها و... اشاره کرد. در این راستا می‌توان به پژوهش گوپتا<sup>۷</sup> (۱۹۹۳) اشاره کرد که در پژوهش خود با عنوان «گرایش به پژوهش‌های چندنویسنده در حوزه ژئوفیزیک» به بررسی پژوهش‌های نمایه شده در پایگاه جامع نمایه تجمعی ژئوفیزیک پرداخت. وی در پژوهش خود که بازه زمانی سال‌های ۱۹۳۶ تا ۱۹۸۵ را در بر می‌گرفت، به بررسی گرایش‌های نویسندگان به همکاری و تک‌نویسندگی در نگارش آثار پرداخت. جامعه پژوهش شامل ۳۴۱۷ اثر در حوزه ژئوفیزیک و ۱۳۱۸ اثر در حوزه اکتشاف ژئوفیزیک بود. نتایج پژوهش نشان داد که ۵۶/۲ درصد از کل جامعه پژوهش به صورت تک‌نویسنده نگارش شده‌اند. تعداد پژوهش‌های تک‌نویسنده به تدریج در بازه

انگلیسی زبان غالب ۹۵ درصد از اسناد است. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که الگوهای انتشاراتی در هشت ماه نخست از سونامی اندونزی که در ۲۶ دسامبر ۲۰۰۴ رخ داد به گونه‌ای بود که اکثر آثار مقاله نبودند و اکثر مقاله‌ها نیز در مجله‌های با ضریب تأثیر بالا منتشر شدند.

لی و دیگران<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان «مطالعه تطبیقی پژوهش‌های منتشر شده در مجلات پزشکی با موضوع زلزله» به بررسی اشاعه و تولید اطلاعات علمی در حوزه‌های درمان، مدیریت فوریت‌های پزشکی و ممانعت از بیماری‌های واگیر پس از زلزله ونچوان<sup>۲</sup> در ماه می ۲۰۰۸ پرداختند. قبل از زلزله ونچوان تعداد معدودی مقاله مرتبط با زلزله وجود داشت و تعداد مقاله‌های موجود در پایگاه اطلاعاتی مدلاین<sup>۳</sup> چهار برابر مقاله‌های موجود در پایگاه اطلاعاتی سی.بی.ام.<sup>۴</sup> بود. در مقابل، تعداد مقاله‌های چینی مرتبط با موضوع زلزله بعد از زلزله ونچوان به سرعت افزایش یافت. در حالی که این افزایش ناگهانی در آگوست سال ۲۰۰۸، ۶/۹ برابر بیشتر از میانگین ۵۰ سال قبل از زلزله بود. مقاله‌های مرتبط با زلزله در پایگاه سی.بی.ام. در ۳۷۸ مجله که حوزه‌های متنوعی از موضوع‌ها را پوشش می‌دادند، پراکنده بودند. به علاوه، تغییر اندکی در تعداد مقاله‌های مرتبط با موضوع زلزله در پایگاه اطلاعاتی مدلاین رخ داده بود.

ساگار و دیگران<sup>۵</sup> (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان «ترسیم نقشه علمی حوزه سونامی: مطالعه‌ای بر مبنای استناد» به ترسیم نقشه پژوهش‌های منتشر شده در حوزه سونامی با استفاده از داده‌های پایگاه استنادی اسکوپوس در بازه زمانی سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۸ پرداختند. تعداد ۴۳۳۸ اثر با ۲۱۱۰۷ استناد دریافتی‌شان استخراج شدند. پارامترهای مورد مطالعه در این پژوهش شامل نرخ رشد تولیدات علمی، توزیع آثار در میان کشورها، شاخص فعالیت کشورها، مقاله‌های پراستناد، الگوهای نویسندگی، شاخص همکاری و توزیع کلیدواژه‌ها بود. نتایج پژوهش نشان داد که ایالات متحده آمریکا، ژاپن، انگلستان، هند و استرالیا حدود ۵۴/۲۰

6. Liu et al.  
7. Gupta

1. Li et al.  
2. Wenchuan  
3. MEDLINE  
4. Chinese Biomedical Literature  
5. Sagar et al.

دهه اخیر رشد چشمگیری را تجربه کرده است. ژئوفیزیک چندرشته‌ای، مهندسی ژئوفیزیک و منابع آب سه طبقه‌بندی موضوعی عمده بودند که این تولیدات را شامل می‌شدند. مجله ژئومورفولوژی<sup>۲</sup> فعال‌ترین مجله در این دوره بود. مهم‌ترین خوشه‌های مربوط به نویسندگان و نواحی جغرافیایی، مربوط به آمریکای شمالی، اروپای غربی و شرق آسیا بود. آمریکا تأثیرگذارترین کشور در این حوزه بود. آکادمی علوم چین<sup>۳</sup>، سازمان زمین‌شناسی آمریکا<sup>۴</sup> و شورای ملی پژوهش‌های ایتالیا<sup>۵</sup> سه حامی و مشارکت‌کننده اصلی در تولیدات علمی این حوزه در سطح سازمانی بودند. گزاتی اف<sup>۶</sup> از شورای ملی پژوهش‌های ایتالیا پرتولیدترین نویسنده برای تولید باکیفیت‌ترین مقاله‌ها بود.

برخی دیگر از پژوهش‌های انجام شده در این حوزه علاوه بر بررسی‌های علم‌سنجی و ارائه اطلاعات کتابشناختی به ارائه دلایل و انگیزه‌های موجود که رشد منابع این حوزه را سبب شده‌اند، پرداخته‌اند؛ از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به پژوهش گوکیوگلو، اوکای و سیزر<sup>۷</sup> (۲۰۰۸) اشاره کرد که در پژوهش خود با عنوان «متون منتشر شده در حوزه علوم زمین در بازه زمانی ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۵: گرایش‌ها و دلایل ممکن» با استفاده از نمایه استنادی علوم به بررسی ۲۳۱۰ اثر منتشر شده که حداقل یک نویسنده آنها دارای وابستگی به کشور ترکیه بود، پرداختند. تعداد مقاله‌های منتشر شده توسط کشور ترکیه در حوزه علوم زمین از دهه ۱۹۹۰ دارای افزایش موازی با کل آثار منتشر شده این کشور بود. در دهه پایانی، نرخ رشد سالانه ۱۶ درصد بود. همچنین رشدی همزمان در تعداد استنادها را نیز شاهد بودند. دلایل این افزایش در تعداد انتشارات به ترتیب عبارت بود از: تغییر در قوانین مربوط به ارتقاء و استخدام در دانشگاه‌ها، تغییر در نگرش اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها به سمت نشر، افزایش حمایت از پژوهش‌ها، انگیزه‌های مالی برای نشر مقاله و گسترش آموزش عالی. با وجود این، نتایج نشان داد که رشد

زمانی سال‌های ۱۹۳۶ تا ۱۹۸۵ روبه کاهش نهاده است. نسبت تعداد نویسندگان به هر اثر ۱/۶ درصد به دست آمده که در بازه زمانی ۱۹۳۶ تا ۱۹۵۰ به ۱/۷ درصد و در بازه زمانی ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۵ به ۱/۹ درصد افزایش داشته است. نتایج پژوهش همچنین نشان داد که همکاری در انجام پژوهش در حوزه ژئوفیزیک سیری صعودی را در بازه زمانی سال‌های ۱۹۳۶ تا ۱۹۸۵ طی کرده است.

اسدی و قادری سهی (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان «سی و نه سال تولید علم ایران در حوزه ژئوفیزیک» با استفاده از روش پیمایشی و رویکرد علم‌سنجی به بررسی تولیدات علمی حوزه ژئوفیزیک از نوع مقاله و در پایگاه اطلاعاتی اسکوپوس پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که روند رشد مقاله‌ها در این حوزه و در بازه زمانی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۳ سیر صعودی و مطلوب داشته و دارای نرخ رشد ۱۰/۶۶ بوده است. سهم ایران در تولیدات علمی این حوزه نسبت به کل تولیدات کل جهان ۰/۶۵ بوده است؛ به طوری که رتبه ۳۰ را به خود اختصاص داد. همچنین نتایج پژوهش آنها نشان داد که الگوی نویسندگی سه و بیش از سه نویسندگی از فراوانی برخوردار است. شاخص همکاری بین نویسندگان حوزه ژئوفیزیک ۲/۶۱ و تعداد مقاله‌های تک‌نویسنده بسیار کم بود. همچنین نتایج پژوهش حاکی از آن بود که موضوع‌های ایران، زاگرس، شبکه عصبی مصنوعی، منطق فازی، تهران و... از موضوع‌هایی بودند که بیشترین فراوانی را داشتند.

وو و دیگران<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) در پژوهش خود با عنوان «گرایش‌های جهانی پژوهش در حوزه صفحه‌های لغزنده زمین در بازه زمانی ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۴: تحلیلی کتابشناختی» به تحلیل کتابشناختی آثار منتشر شده در حوزه صفحه‌های لغزنده زمین در نمایه استنادی علوم و علوم اجتماعی پرداختند. بر اساس نمونه‌ای شامل ۱۰۵۶۷ مقاله مربوط به این حوزه، تحلیلی کتاب‌سنجی برای مشخص شدن تولیدات علمی، طبقه‌بندی موضوعی، مجله‌ها، توزیع جغرافیایی نویسندگان، نویسندگان پرتولید، همکاری‌های دانشگاهی، دانشکده‌ای و سازمانی و روابط واژگانی انجام شد. نتایج نشان داد که پژوهش در این حوزه در طول دو

2. Geomorphology  
3. Chinese Academy of Sciences  
4. US Geological Survey  
5. Italian National Research Council  
6. Guzzetti F  
7. Gokceoglu, Okay and Sezer

1. Wu et al.

دربازه‌های زمانی خاص نظیر زمان‌های قبل و بعد از رخداد بلایای طبیعی از قبیل سیل و زلزله پرداخته‌اند و پژوهش‌هایی که به بررسی حوزه‌های داغ پژوهشی و گرایش‌های حال و آینده پرداخته‌اند.

### روش پژوهش

روش پژوهش بر اساس مسئله پژوهش تعیین می‌شود، روش پژوهش را می‌توان از دیدگاه‌های مختلفی مورد بررسی قرارداد: پژوهش حاضر از لحاظ روش در زمره پژوهش‌های علم‌سنجی قرار می‌گیرد و از نظر ماهیت نیز کمی است.

تقسیم‌بندی دیگر برحسب نحوه گردآوری اطلاعات است؛ از این نظر پژوهش حاضر جزو پژوهش‌های توصیفی است. هدف پژوهشگر از انجام این نوع پژوهش توصیف عینی، واقعی و منظم خصوصیات یک موقعیت یا یک موضوع است. به عبارت دیگر، پژوهشگر در این‌گونه پژوهش‌ها سعی می‌کند تا آنچه هست را بدون هیچ‌گونه دخالت یا استنتاج ذهنی گزارش دهد و نتایجی عینی از موقعیت بگیرد [۱].

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی مدارک علمی نمایه شده در حوزه زلزله‌شناسی در پایگاه استنادی وبگاه علوم در فاصله بین سال‌های ۱۹۷۰ تا سال ۲۰۱۸ میلادی است، اطلاعات مورد نیاز این پژوهش در ۲۰ تا ۲۳ اکتبر ۲۰۱۸ از پایگاه استنادی وبگاه علوم استخراج شد.

برای گردآوری اطلاعات از پایگاه استنادی وبگاه علوم در بخش جستجوی ساده محدودکننده‌های کمی تعبیه کرده است که به کاربران اجازه می‌دهد با انتخاب فیلدهای مشخص شده به جستجو بپردازند. در قسمت جستجوی ساده با انتخاب فیلد موضوع و جستجوی واژه Earthquake کل اطلاعات نمایه‌نامه پایگاه استنادی وبگاه علوم که تولیدات حوزه زلزله‌شناسی در آن نمایه می‌شود، استخراج گردید که ۱۱۴۲۹۲ رکورد بازیابی شد سپس داده‌ها را در قالب فایل خروجی گرفته و در نرم‌افزار هیست سایت<sup>۲</sup> تجزیه و تحلیل شد.

چشمگیر در تعداد انتشارات با شاخص‌های تأثیر نظیر تعداد استنادهای دریافتی مقاله‌ها همگام نیست. اگرچه انتشاراتی که نویسنده اول آنها از کشور ترکیه نبود تنها ۲۰ درصد از جامعه را در حوزه علوم زمین و در بازه زمانی ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۵ به خود اختصاص می‌داد، این انتشارات ۳۸ درصد کل استنادهای دریافتی را در برمی‌گرفت و ۴۸ اثر از این آثار از مقاله‌های پراستناد بودند.

بررسی سایر پیشینه‌های موجود در حوزه زلزله و علوم مرتبط همچنین نشان داد که برخی پژوهش‌ها نیز به بررسی حوزه‌های داغ پژوهشی و تغییر در پارادایم‌های پژوهشی این حوزه پرداخته‌اند که از آن جمله می‌توان به پژوهش امار<sup>۱</sup> (۲۰۱۸) اشاره کرد که در پژوهش خود با عنوان «تحلیل جغرافیایی و علم‌سنجی بر روی پژوهش‌های مربوط به بلایای طبیعی» به کشف الگوهای حاکم بر پژوهش‌های حوزه بلایای طبیعی در پایگاه استنادی وبگاه علوم پرداخت. جامعه پژوهش وی شامل ۵۸۸۴۲۴ مدرک پژوهشی بود که در بازه زمانی ۱۹۰۰ تا ۲۰۱۷ منتشر شده و انواع مختلفی از بلایای طبیعی را شامل می‌شدند. وی در این پژوهش بین دو دسته از بلایای طبیعی تمایز قائل شده بود:

۱. زمین‌شناسی/ژئومورفیک، نظیر زمین‌لرزه‌ها، رانش زمین، فرسایش، فعالیت‌های آتشفشانی و...
۲. آب و هوا/آب و هواشناسی، نظیر سیل‌ها، طوفان‌ها، خشکسالی، تندباد و ... . گرایش‌های غالب، تمرکز جغرافیایی و همکاری و مشارکت کشورهای مختلف به تصویر کشیده شد و نیز حوزه‌های داغ پژوهشی و گرایش‌های (تغییر در پارادایم‌های پژوهش) مشخص شدند. مروری کلی بر پژوهش‌های این حوزه نشان می‌دهد که این پژوهش به چند دسته تقسیم می‌شوند: پژوهش‌هایی که صرفاً به ارائه اطلاعات کتابشناختی مقاله‌ها پرداخته‌اند، پژوهش‌هایی که ضمن ارائه اطلاعات کتابشناختی به مقایسه کشورها، دانشگاه‌ها، پژوهشگران، ترسیم نقشه‌های علم‌سنجی پرداخته و شاخص‌هایی در این راستا برای مقایسه عرضه کرده‌اند، پژوهش‌هایی که به بررسی‌های علم‌سنجی

2. HistCite

1. Emmer

## ۳. یافته‌ها

جدول ۱ تولیدات علمی حوزه زلزله‌شناسی در پایگاه استنادی وبگاه علوم از سال ۱۹۷۰ تا سال ۲۰۱۸ میلادی را نشان می‌دهد. این جدول نشان می‌دهد که ایران با ۳۰۶۵ مدرک در رتبه سیزدهم تولیدکنندگان آثار علمی در حوزه زلزله‌شناسی در سطح جهان قرار دارد.

در جدول‌ها و نمودارهای بعدی تولیدات علمی ایران به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. تعداد کل مدارک بازیابی شده برای تمامی کشورها ۱۱۴۲۹۲ است. جدول زیر ۲۱ کشوری را نشان می‌دهد که بیشترین تولیدات علمی در این حوزه را در سطح جهان داشته‌اند.

پاسخ پرسش اول پژوهش. وضعیت تولید علم حوزه زلزله‌شناسی در جهان، آسیا و خاورمیانه طی سال‌های گذشته از ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۸ چگونه بوده است؟

جدول ۱. کشورهای برتر در حوزه زلزله از نظر تعداد تولیدات علمی

| ردیف | کشور      | تعداد مدرک | درصد  |
|------|-----------|------------|-------|
| ۱    | آمریکا    | ۳۰۹۰۶      | ۴۰/۲۷ |
| ۲    | چین       | ۱۶۳۲۰      | ۱۴/۲۷ |
| ۳    | ژاپن      | ۱۴۴۸۲      | ۱۲/۶۷ |
| ۴    | ایتالیا   | ۹۲۲۹       | ۸/۰۷  |
| ۵    | فرانسه    | ۵۵۵۳       | ۴/۸۵  |
| ۶    | انگلستان  | ۴۷۹۹       | ۴/۱۹  |
| ۷    | هند       | ۴۵۵۷       | ۳/۹۸  |
| ۸    | آلمان     | ۴۲۱۹       | ۳/۶۹  |
| ۹    | کانادا    | ۳۷۵۲       | ۳/۲۸  |
| ۱۰   | ترکیه     | ۳۷۳۵       | ۳/۲۶  |
| ۱۱   | روسیه     | ۳۶۸۹       | ۳/۲۲  |
| ۱۲   | تایوان    | ۳۵۸۶       | ۳/۱۳  |
| ۱۳   | ایران     | ۳۰۶۵       | ۲/۸۶  |
| ۱۴   | یونان     | ۲۸۵۴       | ۲/۴۹  |
| ۱۵   | نیوزلند   | ۲۶۳۹       | ۲/۳۰  |
| ۱۶   | استرالیا  | ۲۳۰۷       | ۲/۰۱  |
| ۱۷   | اسپانیا   | ۱۸۴۳       | ۱/۶۳  |
| ۱۸   | سوئیس     | ۱۷۴۳       | ۱/۵۲  |
| ۱۹   | مکزیک     | ۱۶۱۰       | ۱/۴۰  |
| ۲۰   | کره جنوبی | ۱۵۳۲       | ۱/۳۴  |
| ۲۱   | شیلی      | ۱۰۹۸       | ۰/۹۶  |

جدول ۱ تعداد و درصد تولیدات علمی حوزه زلزله‌شناسی ۲۱ کشور فعال و پرکار جهان از سال ۱۹۷۰ تا سال ۲۰۱۸ میلادی را نشان می‌دهد. این جدول نشان می‌دهد که کشور آمریکا به‌تنهایی ۲۷ درصد کل تولیدات علمی حوزه زلزله‌شناسی را منتشر کرده است. پس از آن، به‌ترتیب چین (۱۴/۲۷ درصد)، ژاپن (۱۲/۶۷ درصد) و ایتالیا (۸/۰۷ درصد) قرار دارند. همچنین کشور ایران با ۳۰۶۵ مدرک حدود ۲/۶۸ درصد از کل تولیدات علمی حوزه زلزله‌شناسی جهان را منتشر کرده است.

جدول ۲ تعداد و درصد تولیدات علمی حوزه زلزله‌شناسی کشورهای آسیا و خاورمیانه از سال ۱۹۷۰ تا سال ۲۰۱۸ میلادی را نشان می‌دهد.

جدول ۲. کشورهای برتر آسیا در تولیدات علمی حوزه زلزله‌شناسی در بازه زمانی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۸

| ردیف | کشور         | تعداد مدرک | درصد  |
|------|--------------|------------|-------|
| ۱    | چین          | ۱۶۳۲۰      | ۱۴/۲۷ |
| ۲    | ژاپن         | ۱۴۴۸۲      | ۱۲/۶۷ |
| ۳    | هند          | ۴۵۵۷       | ۳/۹۸  |
| ۴    | روسیه        | ۳۶۸۹       | ۳/۲۲  |
| ۵    | تایوان       | ۳۵۸۶       | ۳/۱۳  |
| ۶    | ایران        | ۳۰۶۵       | ۲/۶۸  |
| ۷    | کره جنوبی    | ۱۵۳۲       | ۱/۳۴  |
| ۸    | اندونزی      | ۹۱۸        | ۰/۸۰  |
| ۹    | اسرائیل غاصب | ۸۲۸        | ۰/۷۲  |
| ۱۰   | سنگاپور      | ۵۸۶        | ۰/۵۱  |

جدول ۲ نشان می‌دهد که ایران پس از کشورهای چین، ژاپن، هند، روسیه و تایوان در رتبه ششم در میان کشورهای آسیا قرار دارد. یافته‌های این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که در سطح خاورمیانه، ایران در رتبه نخست تولیدات علمی حوزه زلزله‌شناسی قرار دارد. جدول ۲ همچنین بیان می‌نماید که از میان کشورهای آسیایی چین

جدول ۴. روند رشد تولیدات علمی حوزه زلزله‌شناسی در بازه زمانی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۸

| سال انتشار | تعداد مدارک | سال انتشار | تعداد مدارک |
|------------|-------------|------------|-------------|
| ۲۰۱۸       | ۱۳          | ۱۹۹۳       | ۱۶۶۶        |
| ۲۰۱۷       | ۶۵۴۹        | ۱۹۹۲       | ۱۳۲۳        |
| ۲۰۱۶       | ۸۸۰۹        | ۱۹۹۱       | ۱۴۰۱        |
| ۲۰۱۵       | ۷۱۴۷        | ۱۹۹۰       | ۵۷۵         |
| ۲۰۱۴       | ۷۵۵۴        | ۱۹۸۹       | ۴۷۰         |
| ۲۰۱۳       | ۷۰۷۱        | ۱۹۸۸       | ۳۴۰         |
| ۲۰۱۲       | ۶۵۰۴        | ۱۹۸۷       | ۳۵۶         |
| ۲۰۱۱       | ۶۴۳۸        | ۱۹۸۶       | ۳۳۵         |
| ۲۰۱۰       | ۵۸۷۳        | ۱۹۸۵       | ۳۹۲         |
| ۲۰۰۹       | ۵۱۹۷        | ۱۹۸۴       | ۳۴۰         |
| ۲۰۰۸       | ۴۷۴۱        | ۱۹۸۳       | ۳۴۹         |
| ۲۰۰۷       | ۳۹۵۴        | ۱۹۸۲       | ۳۳۴         |
| ۲۰۰۶       | ۳۵۳۷        | ۱۹۸۱       | ۳۱۴         |
| ۲۰۰۵       | ۳۵۲۲        | ۱۹۸۰       | ۲۷۶         |
| ۲۰۰۴       | ۳۱۵۱        | ۱۹۷۹       | ۳۰۲         |
| ۲۰۰۳       | ۲۹۴۲        | ۱۹۷۸       | ۳۴۹         |
| ۲۰۰۲       | ۲۱۹۹        | ۱۹۷۷       | ۳۱۴         |
| ۲۰۰۱       | ۲۱۹۸        | ۱۹۷۶       | ۳۰۶         |
| ۲۰۰۰       | ۲۲۷۷        | ۱۹۷۵       | ۲۴۵         |
| ۱۹۹۹       | ۲۱۲۶        | ۱۹۷۴       | ۲۳۵         |
| ۱۹۹۸       | ۱۹۰۴        | ۱۹۷۳       | ۲۱۸         |
| ۱۹۹۷       | ۱۹۱۶        | ۱۹۷۲       | ۱۷۸         |
| ۱۹۹۶       | ۱۶۷۳        | ۱۹۷۱       | ۱۵۳         |
| ۱۹۹۵       | ۱۴۹۸        | ۱۹۷۰       | ۱۵۸         |
| ۱۹۹۴       | ۱۴۲۸        | جمع        | ۱۱۴۲۹۲      |

و ژاپن ۲۷ درصد از تولیدات این حوزه را به خود اختصاص داده‌اند؛ دلیل این امر می‌تواند در معرض زلزله قرار داشتن کشورهای آسیایی به ویژه چین و ژاپن باشد.

جدول ۳. کشورهای برتر خاورمیانه در تولیدات علمی حوزه زلزله‌شناسی در بازه زمانی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۸

| ردیف | کشور          | تعداد مدرک | درصد |
|------|---------------|------------|------|
| ۱    | ترکیه         | ۳۸۳۰       | ۳/۲۸ |
| ۲    | ایران         | ۳۰۶۵       | ۲/۸۲ |
| ۳    | عمان          | ۸۵۴        | ۰/۷۳ |
| ۴    | اسرائیل غاصب  | ۸۴۳        | ۰/۷۲ |
| ۵    | مصر           | ۵۹۷        | ۰/۵۱ |
| ۶    | عربستان سعودی | ۴۱۱        | ۰/۳۵ |
| ۷    | قبرس          | ۱۲۰        | ۰/۱۰ |
| ۸    | اردن          | ۱۱۹        | ۰/۱۰ |
| ۹    | لبنان         | ۷۸         | ۰/۰۷ |
| ۱۰   | عراق          | ۴۰         | ۰/۰۳ |

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، در میان کشورهای خاورمیانه کشور ترکیه با ۳۸۳۰ مدرک بیشترین تولیدات علمی حوزه زلزله را به خود اختصاص داده است و پس از آن به ترتیب کشورهای ایران، عمان، رژیم اشغالگر قدس، مصر، عربستان سعودی و قبرس بیشترین تولیدات علمی این حوزه در خاورمیانه را به خود اختصاص داده‌اند.

پاسخ پرسش دوم پژوهش: زبان، نوع مدرک، روند زمانی و رشد تولیدات علمی حوزه زلزله‌شناسی جهان و ایران در پایگاه استنادی وبگاه علوم در فاصله سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۸ چگونه است؟

جدول ۶. زبان مدارک منتشر شده در حوزه

زلزله‌شناسی در بازه زمانی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۸

| تعداد مدارک | زبان مدارک |
|-------------|------------|
| ۱۰۹۹۸۰      | انگلیسی    |
| ۱۶۱۱        | چینی       |
| ۱۰۵۰        | روسی       |
| ۳۸۱         | اسپانیایی  |
| ۳۰۳         | فرانسوی    |
| ۲۷۲         | آلمانی     |
| ۲۰۴         | ژاپنی      |
| ۱۵۴         | ترکی       |
| ۱۳۱         | ایتالیایی  |
| ۵۵          | کرواتی     |
| ۴۷          | کره‌ای     |
| ۳۷          | پرتهالی    |
| ۲۷          | اکراینی    |
| ۴۵          | سایر       |

جدول ۶ زبان مدارک نمایه شده در پایگاه استنادی وبگاه علوم در فاصله سال‌های مورد بررسی در حوزه زلزله‌شناسی در جهان را نشان می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد که بیشتر مدارک به زبان انگلیسی در پایگاه نمایه شده است و پس از آن به ترتیب زبان‌های چینی، روسی، اسپانیایی و فرانسوی قرار دارند. یافته‌ها همچنین نشان داد که بیشتر مدارک نمایه شده پژوهشگران ایرانی در پایگاه استنادی وبگاه علوم به زبان انگلیسی است و تنها دو مدرک به زبان کرواتی و آلمانی نمایه شده است.

پاسخ پرسش سوم پژوهش. دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و پژوهشگران فعال و پرکار و پُر استناد در حوزه زلزله‌شناسی در پایگاه استنادی وبگاه علوم در فاصله سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۸ در چه جایگاهی قرار دارند؟

جدول ۴ روند رشد تولیدات علمی حوزه زلزله‌شناسی که از سال ۱۹۷۰ تا سال ۲۰۱۸ میلادی در پایگاه استنادی وبگاه علوم منتشر شده‌اند را نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات این جدول، بیشترین تولیدات علمی جهان در این حوزه مربوط به سال ۲۰۱۶ میلادی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که رشد تولیدات علمی از سال ۱۹۷۰ تا سال ۲۰۰۰ به صورت نامنظم است و از سال ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۱۶ روند صعودی و از سال ۲۰۱۷ به بعد روند نزولی را شاهد هستیم که شاید یکی از دلایل نزول آن نمایه نشدن تمامی مقاله‌ها در پایگاه باشد.

جدول ۵. قالب مدارک منتشر شده در حوزه

زلزله‌شناسی در بازه زمانی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۸

| تعداد مدارک | نوع مدارک            |
|-------------|----------------------|
| ۸۶۸۴۰       | مقاله                |
| ۲۳۴۳۸       | مجموع مقاله همایش‌ها |
| ۲۲۰۰        | سرمقاله              |
| ۱۸۸۶        | فصل کتاب             |
| ۱۷۶۸        | نقد و بررسی          |
| ۴۸۲         | یادداشت              |
| ۳۴۹         | مطالب خبری           |
| ۲۶۳         | تصحیح                |
| ۱۰۵         | بحث                  |
| ۹۶          | کتاب                 |
| ۱۱۴         | سایر                 |
| ۱۱۴۲۹۲      | جمع                  |

جدول ۵ نوع مدارک نمایه شده در پایگاه استنادی وبگاه علوم در فاصله سال‌ها ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۸ میلادی در حوزه زلزله‌شناسی در جهان را نشان می‌دهد. مطابق یافته‌های جدول زیر بیشترین نوع مدرک نمایه شده، مقاله با ۸۶۸۴۰ رکورد، مجموعه مقاله همایش‌ها با ۲۳۴۳۸ رکورد، و سرمقاله با ۲۲۰۰ رکورد می‌باشد و تعداد کتاب‌های نمایه شده در این حوزه ۹۶ عنوان کتاب است. یافته‌ها در خصوص کشور ایران نیز نشان داد که ۳۰۶۵ مقاله نمایه شده در این حوزه، ۲۶۲۴ مدرک به صورت مقاله و ۴۴۱ رکورد در قالب سایر مدارک نمایه شده است.

داخلی دانشگاه آزاد اسلامی با ۴۶۴ مدرک، پرکارترین دانشگاه مشارکت‌کننده در تولیدات علمی حوزه زلزله‌شناسی بوده است و پس از آن دانشگاه تهران و پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی قرار دارند.

جدول ۸. فهرست پانزده پژوهشگر ایرانی پر تولید در حوزه زلزله‌شناسی در بازه زمانی ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۸

| ردیف | نویسندگان           | مؤسسه/دانشگاه        | تعداد مدرک | شاخص هرش |
|------|---------------------|----------------------|------------|----------|
| ۱    | غلامرضا قدرتی امیری | دانشگاه علم و صنعت   | ۶۲         | ۱۱       |
| ۲    | مهدی زارع           | پژوهشگاه زلزله‌شناسی | ۵۹         | ۸        |
| ۳    | محمود حسینی         | پژوهشگاه زلزله‌شناسی | ۴۶         | ۸        |
| ۴    | حمید زعفرانی        | پژوهشگاه زلزله‌شناسی | ۳۹         | ۱۱       |
| ۵    | سامان یغمایی        | دانشگاه تبریز        | ۳۳         | ۷        |
| ۶    | فرامرز خشنودیان     | دانشگاه امیرکبیر     | ۳۲         | ۶        |
| ۷    | محمد تاتار          | پژوهشگاه زلزله‌شناسی | ۳۰         | ۱۷       |
| ۸    | آزاد یزدانی         | دانشگاه کردستان      | ۲۹         | ۶        |
| ۹    | حسین حمزه لو        | پژوهشگاه زلزله‌شناسی | ۲۸         | ۹        |
| ۱۰   | مرتضی طالبیان       | پژوهشگاه زلزله‌شناسی | ۲۸         | ۱۶       |
| ۱۱   | محسن غفوری آشتیانی  | پژوهشگاه زلزله‌شناسی | ۲۷         | ۹        |
| ۱۲   | محسن تهرانی زاده    | دانشگاه امیرکبیر     | ۲۷         | ۵        |
| ۱۳   | مهدی آخوندزاده      | دانشگاه تهران        | ۲۵         | ۸        |
| ۱۴   | علی خیرالدین        | دانشگاه سمنان        | ۲۵         | ۶        |
| ۱۵   | سید مهدی زهرایی     | دانشگاه تهران        | ۲۵         | ۴        |

جدول ۷. سازمان‌ها و دانشگاه‌های مولد در جهان و ایران در حوزه زلزله‌شناسی در بازه زمانی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۸

| ردیف | سازمان (جهانی)           | تعداد مدرک | سازمان (ایرانی)                 | تعداد مدرک |
|------|--------------------------|------------|---------------------------------|------------|
| ۱    | دانشگاه کالیفرنیا        | ۵۱۹۲       | دانشگاه آزاد اسلامی             | ۴۶۴        |
| ۲    | اداره امور داخلی آمریکا  | ۳۹۰۷       | دانشگاه تهران                   | ۴۵۶        |
| ۳    | سازمان زمین‌شناسی آمریکا | ۳۸۸۹       | پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی | ۳۹۹        |
| ۴    | آکادمی علوم روسیه        | ۳۱۷۲       | دانشگاه صنعتی شریف              | ۲۵۱        |
| ۵    | مدیریت زلزله‌شناسی چین   | ۲۹۹۰       | دانشگاه صنعتی امیرکبیر          | ۲۰۹        |
| ۶    | دانشگاه توکیو            | ۲۷۴۲       | دانشگاه علم و صنعت ایران        | ۱۹۸        |
| ۷    | دانشگاه کوت دازور فرانسه | ۲۵۱۱       | دانشگاه صنعتی خواجه‌نصیرالدین   | ۱۵۰        |
| ۸    | مرکز لرزه‌نگاری نیوزلند  | ۲۴۶۵       | تربیت مدرس                      | ۱۳۲        |
| ۹    | آکادمی علوم چین          | ۲۱۴۴       | دانشگاه تبریز                   | ۱۱۳        |
| ۱۰   | دانشگاه کیوتو            | ۱۸۱۶       | مرکز زمین‌شناسی ایران           | ۸۳         |

جدول ۷ دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی جهان و ایران که بیشترین مشارکت علمی در تولید مدارک علمی حوزه زلزله‌شناسی داشته‌اند را نشان می‌دهد. یافته‌های این جدول نشان می‌دهد که از میان مؤسسات جهانی، دانشگاه‌ها و مراکز زلزله‌شناسی کشور آمریکا بیشترین تولیدات در این حوزه را دارا هستند و پس از آن مراکز علمی روسیه و چین در رتبه‌های دوم و سوم قرار می‌گیرند. در میان مؤسسات



استنادی وبگاه علوم از سال ۱۹۷۰ تا سال ۲۰۱۸ میلادی را نشان می‌دهد. مطابق یافته‌های جدول دکتر امیری از دانشگاه علم و صنعت و دکتر زارع، دکتر حسینی و دکتر زعفرانی از پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی به ترتیب بیشترین تولیدات حوزه زلزله‌شناسی را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۸ فهرست ۱۵ پژوهشگر ایرانی که حداقل در تولید ۲۵ مدرک علمی در حوزه زلزله‌شناسی مشارکت و همکاری علمی داشته‌اند را نشان می‌دهد. قابل ذکر است که ممکن است یک مدرک واحد توسط چند پژوهشگر نوشته شده باشد. جدول ۷ همچنین شاخص هرش نویسندگان ایرانی پرکار در حوزه زلزله‌شناسی در پایگاه

جدول ۹. فهرست پانزده پژوهشگر ایرانی تأثیرگذار به لحاظ تعداد استنادهای دریافتی در حوزه زلزله‌شناسی در بازه زمانی ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۸

| ردیف | نویسندگان               | مؤسسه/دانشگاه                                  | تعداد مدرک | تعداد استنادها | نسبت استناد به مدرک |
|------|-------------------------|--|------------|----------------|---------------------|
| ۱    | محمد تاتار              | پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله | ۳۰         | ۱۰۴۱           | ۳۴.۷                |
| ۲    | مرتضی طالبیان           | پژوهشگاه زلزله‌شناسی                           | ۲۸         | ۹۳۸            | ۳۳.۵                |
| ۳    | فرخ توکلی               | سازمان نقشه برداری کشور                        | ۱۱         | ۶۹۳            | ۶۳                  |
| ۴    | حمید ناظری              | سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی             | ۲۴         | ۵۹۷            | ۲۴.۸                |
| ۵    | منوچهر قریشی (Ghorashi) | سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی             | ۱۸         | ۵۸۰            | ۳۲.۲                |
| ۶    | منوچهر قریشی (Qorashi)  | سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی             | ۶          | ۵۵۸            | ۹۳                  |
| ۷    | حمیدرضا نانکلی          | سازمان نقشه‌برداری کشور                        | ۱۰         | ۵۲۷            | ۵۲.۵                |
| ۸    | محسن غفوری آشتیانی      | پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله | ۲۷         | ۴۵۰            | ۱۶.۶                |
| ۹    | خالد حسامی آذر          | پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله | ۱۸         | ۳۸۴            | ۲۱.۳۳               |
| ۱۰   | حمید زعفرانی            | پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله | ۳۹         | ۳۶۸            | ۹.۴۳                |
| ۱۱   | غلامرضا قدرتی امیری     | دانشگاه علم و صنعت                             | ۶۲         | ۳۵۴            | ۵.۷۰                |
| ۱۲   | مهدی زارع               | پژوهشگاه زلزله‌شناسی                           | ۵۹         | ۳۴۶            | ۵.۸۶                |
| ۱۳   | فرامرز نیلفروشان        | سازمان نقشه برداری کشور                        | ۳          | ۳۳۴            | ۱۱۱.۱               |
| ۱۴   | مهدی متقی               | مرکز پژوهش ژئوفیزیک آلمان                      | ۱۹         | ۳۱۳            | ۱۶.۴۷               |
| ۱۵   | مرتضی فتاحی             | مؤسسه ژئوفیزیک                                 | ۲۱         | ۳۱۲            | ۱۴.۸۵               |

به ترتیب دکتر فرامرز نیلفروشان، دکتر منوچهر قریشی، دکتر فرخ توکلی، دکتر حمیدرضا نانکلی و دکتر محمدرضا تاتار در رتبه‌های اول تا پنجم قرار داشتند.

**پاسخ پرسش چهارم پژوهش: کدام کشورها بیشترین همکاری علمی با ایران در تولید مدارک علمی حوزه زلزله‌شناسی در پایگاه استنادی وبگاه علوم در فاصله سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۸ را داشته‌اند؟**

همان‌طور که در جدول شماره ۹ مشاهده می‌شود، به لحاظ تأثیر استنادی دکتر محمد تاتار در رتبه نخست قرار دارد. همچنین داده‌های جدول نشان می‌دهد که به لحاظ نسبت استناد به آثار منتشر شده دکتر منوچهر قریشی در رتبه دوم قرار دارد. ذکر این نکته حائز اهمیت است که دکتر منوچهر قریشی آثار خود را در بازه‌های زمانی مختلف با نام خانوادگی متفاوت منتشر کرده و این امر سبب جدایی محاسبه استنادهای آثار وی شده است. به لحاظ تأثیرگذاری

جدول ۱۱. میزان استناد به تولیدات علمی منتشر شده در حوزه زلزله‌شناسی پژوهشگران ایرانی

|       |   |
|-------|---|
| ۳۰۶۵  | تعداد کل مدارک                              |
| ۱۹۱۶۳ | تعداد کل استناد                             |
| ۵۳۰۸  | خوداستنادی                                  |
| ۱۳۸۵۵ | تعداد استناد بدون خود استنادی               |
| ۱۱۲۱۶ | تعداد مقاله‌های استناد کننده                |
| ۹۵۹۴  | تعداد مقاله‌های استنادکننده بدون خوداستنادی |
| ۶/۲۵  | میانگین استناد به مدرک                      |
| ۵۱    | شاخص هرش                                    |

جدول ۱۱ نشان می‌دهد که میانگین استناد به هر مدرک ۶/۲۵ است؛ یعنی اینکه به‌طور متوسط هر مدرک منتشر شده در زلزله‌شناسی توسط پژوهشگران ایرانی نمایه شده در پایگاه استنادی وبگاه علوم از سال ۱۹۷۰ تا سال ۲۰۱۸ میلادی ۶/۲۵ استناد دریافت کرده است. این جدول همچنین نشان می‌دهد که شاخص هرش تولیدات علمی حوزه زلزله‌شناسی پژوهشگران ایرانی نمایه شده در پایگاه استنادی وبگاه علوم، ۵۱ است؛ یعنی اینکه ۵۱ مدرک (مقاله) وجود دارد که هر کدام حداقل ۵۱ استناد دریافت کرده‌اند.

#### ۴. نتیجه‌گیری

در جهان امروز پیشرفت و توسعه کشورها بر مبنای علم و دانش استوار است. پژوهش و تولید علم و فناوری از مهم‌ترین عناصر رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، صنعتی و سیاسی کشور به حساب می‌آید. توفیق در این زمینه‌ها در صورتی محقق می‌شود که در برنامه‌ریزی‌های هدفمند و کلان کشور، توجه مناسبی به امر پژوهش و فناوری صورت پذیرد [۶].

تاکنون کشوری در جهان دیده نشده است که بدون توسعه همه‌جانبه علمی به توسعه اقتصادی، صنعتی و بهداشتی برسد. بنابراین لازم است پژوهش و فناوری به عنوان یک مسئله حیاتی و نیروی محرکه پیشرفت و توسعه پایدار و رسیدن به رفاه و استقلال و سلامت واقعی جامعه

جدول ۱۰. مشارکت و همکاری کشورهای مختلف در تولید آثار علمی حوزه زلزله‌شناسی در بازه زمانی ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۷

| ردیف | کشور     | تعداد مدارک |
|------|----------|-------------|
| ۱    | آمریکا   | ۲۲۴         |
| ۲    | انگلستان | ۱۲۴         |
| ۳    | فرانسه   | ۹۹          |
| ۴    | چین      | ۷۰          |
| ۵    | آلمان    | ۶۵          |
| ۶    | استرالیا | ۵۱          |
| ۷    | ایتالیا  | ۴۷          |
| ۸    | ژاپن     | ۴۷          |
| ۹    | سوئد     | ۴۷          |
| ۱۰   | مالزی    | ۴۲          |
| ۱۱   | ترکیه    | ۳۱          |
| ۱۲   | چین      | ۲۴          |
| ۱۳   | سوئیس    | ۲۰          |
| ۱۴   | نیوزلند  | ۱۸          |

جدول ۱۰ مشارکت و همکاری علمی کشورها در تولیدات علمی حوزه زلزله‌شناسی با پژوهشگران ایرانی در پایگاه استنادی وبگاه علوم از سال ۱۹۷۰ تا سال ۲۰۱۸ میلادی را نشان می‌دهد. در این جدول نام کشورهای آمده است که حداقل در تولید ۱۵ مدرک علمی با ایران همکاری داشته‌اند. این جدول همچنین نشان می‌دهد که کشورهای آمریکا، انگلستان، فرانسه، چین، آلمان و استرالیا به ترتیب بیشترین مشارکت و همکاری علمی در تولیدات علمی حوزه زلزله‌شناسی با پژوهشگران ایران در پایگاه استنادی وبگاه علوم از سال ۱۹۷۰ تا سال ۲۰۱۸ میلادی را داشته‌اند. در این جدول، کشورهایی که حداقل ۱۵ مقاله با ایران داشته‌اند ذکر شده‌اند.

پاسخ پرسش پنجم پژوهش: وضعیت کلی تعداد مدارک نمایه شده، تعداد کل استنادها و شاخص هرش تولیدات پژوهشگران ایرانی در پایگاه استنادی وبگاه علوم در فاصله سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۸ چگونه است؟

نکته قابل توجه در مطالعه حاضر، جایگاه خوب ایران در میان کشورهای جهانی و آسیایی است و همچنین جایگاه اول ایران در سطح خاورمیانه نشان از اهمیت این موضوع برای پژوهشگران حوزه زلزله‌شناسی ایرانی است.

روند رشد تولیدات علمی حوزه زلزله‌شناسی در پایگاه استنادی وبگاه علوم طی ۴۸ سال مورد بررسی از سال ۱۹۷۰ به بعد نشان می‌دهد که با وجود افت و خیزهایی که در روند رشد انتشار مدارک ثبت شده وجود دارد، در کل روند تولیدات مدارک پژوهشگران این حوزه در جهان و ایران دارای رشد صعودی است که نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های پیشین از جمله یمینی فیروز و دیگران، فراهانی، رضائی صوفی و خاصه (۱۳۸۹) در سایر حوزه‌های علمی مورد بررسی در پایگاه استنادی وبگاه علوم مشابه بوده است. تا سال ۲۰۰۰ رشد تولیدات علمی جهانی و ایران در این حوزه تقریباً ناچیز است و از سال ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۱۷ رشد صعودی داشته است. اما در سال ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ رشد تولیدات علمی در این حوزه موضوعی کاهش یافته است و بیشترین تولیدات مربوط به سال ۲۰۱۶ میلادی است [۲۳].

نتایج همچنین نشان می‌دهد که مدارک نمایه شده در پایگاه استنادی وبگاه علوم در قالب‌هایی چون مقاله مجله، مجموعه مقاله‌های همایش، چکیده همایش، نقد و بررسی، نامه (نامه سردبیر)، تصحیح، سرمقاله (سخن سردبیر)، فصل کتاب، و کتاب بوده است که به ترتیب بیشترین مدارک شامل: مقاله مجله، مجموعه مقاله‌ها، و سرمقاله بودند. بیش از ۹۶ درصد تولیدات علمی حوزه زلزله‌شناسی در جهان به زبان انگلیسی است و در ایران نیز ۹۹ درصد تولیدات علمی نیز به زبان انگلیسی است. با توجه به اینکه این پایگاه استنادی تأکیدش بر زبان انگلیسی است؛ این نتیجه به نظر عادی است.

همچنین نتایج پژوهش در خصوص مشارکت مؤسسات و دانشگاه‌ها در تولیدات علمی حوزه زلزله‌شناسی نشان داد که از میان مؤسسات خارجی دانشگاه کالیفرنیا با ۵۱۹۲ مدرک، اداره امور داخلی آمریکا با ۳۹۰۷ مدرک و سازمان زمین‌شناسی آمریکا با ۳۸۸۹ مدرک بیشترین مشارکت علمی در تولید علم را داشته‌اند. علاوه بر این، از میان

در اولویت قرار گیرد که این امر با برنامه‌ریزی درست از سوی مراکز ذی‌ربط و ایثار و پشتکار محققان و افزایش اختصاص سهمی از درصد تولید ناخالص ملی به امر تحقیقات تا حداقل سه درصد، احترام به محققان و حمایت از برنامه‌های پژوهشی آنها ارکان اساسی در رسیدن به این مهم است [۷].

نتایج حاصل از این پژوهش علم‌سنجی برای حوزه زلزله‌شناسی به‌طور عام در پایگاه استنادی وبگاه علوم نشان می‌دهد که تعداد کل مدارک بازمیابی شده برای تمامی کشورها از سال ۱۹۷۰ تا سال ۲۰۱۸ میلادی ۱۱۴۲۹۲ مدرک است که در این میان کشور آمریکا به تنهایی ۲۷ درصد کل تولیدات علمی حوزه زلزله‌شناسی را منتشر کرده است. پس از آن، به ترتیب چین (۱۴/۲۷ درصد)، ژاپن (۱۲/۶۷ درصد) و ایتالیا (۸/۰۷ درصد) در رتبه‌های بعدی قرار دارند. این قسمت از یافته‌ها با پژوهش وو و دیگران (۲۰۱۵) هم‌راستا است؛ آنها در پژوهش خود نشان دادند که نویسندگان و مؤسسات تأثیرگذاری از کشورهای چین، ایتالیا و آمریکا نظیر آکادمی علوم چین، سازمان زمین‌شناسی آمریکا و شورای ملی پژوهش‌های ایتالیا نقش مؤثری در تولیدات علمی با کیفیت در این حوزه و حوزه‌های نزدیک نظیر ژئوفیزیک داشته‌اند. همچنین کشور ایران با ۳۰۶۵ مدرک حدود ۲/۶۸ درصد و در واقع، کمتر از ۳ درصد از کل تولیدات علمی حوزه زلزله‌شناسی جهان را منتشر کرده است و رتبه ۱۳ جهان را به خود اختصاص داده است، که این امر نشان‌دهنده همسویی ایران با سایر کشورهای تأثیرگذار در این حوزه است [۱۶].

همچنین در رتبه‌بندی میان کشورهای آسیایی، ایران پس از کشورهای چین، ژاپن، هند، روسیه و تایوان در رتبه ششم قرار دارد. یافته‌های این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که در سطح خاورمیانه، ایران در رتبه نخست تولیدات علمی حوزه زلزله‌شناسی قرار دارد. در میان کشورهای آسیایی چین با ۱۶۳۲۰ مدرک (دارای رتبه دوم جهان) و ژاپن با ۱۴۴۸۲ مدرک (دارای رتبه سوم جهان) است. همچنین تعداد تولیدات علمی کشور چین ۵ برابر و ژاپن ۴ ایران است. یافته‌های این پژوهش همچنین نشان داد که در سطح خاورمیانه، ایران در رتبه نخست قرار دارد.

استانداها و شاخص هرش به دست آمده می‌توان از لحاظ کیفی مقاله‌های نمایه شده پژوهشگران ایرانی را در حوزه زلزله شناسی قابل قبول دانست؛ اما از لحاظ کمی تعداد مدارک نمایه شده در طول ۴۸ سال با توجه به ظرفیت‌های موجود در دانشگاه‌ها، اعم از نیروی انسانی متخصص و توانمند، مراکز پژوهشی متعدد، تعداد موضوع‌های مطالعاتی مورد نیاز کشورها هنوز جایگاه واقعی خود را دست نیافته است و جای تأمل دارد.

این موضوع بایستی مورد توجه مسئولان پژوهشی و آموزشی حوزه زلزله‌شناسی کشور قرار گیرد و از این رو توسل به خطامشی پژوهشگران الزام‌آور به نظر می‌رسد. اگرچه ممکن است حجم بالایی از مقاله‌ها به دلایل گوناگون (موانع زبانی، نوع مجله‌ها و...) در پایگاه‌های بین‌المللی نمایه نشوند و یا در مجله‌هایی به چاپ رسیده‌اند که آن مجله‌ها در مرحله کسب مجوز برای نمایه شدن در آن پایگاه هستند. همچنین اثر تحریم بر عدم پذیرش بسیاری از مقاله‌های ایرانی در نشریات معتبر جهانی از دیگر موضوع‌هایی است که به‌طور قطع در میزان تولیدات علمی ایران در حوزه‌های مختلف تأثیر گذاشته است. بنابراین، مسئولان امور با توجه به یافته‌های این پژوهش باید همچنان در جهت افزایش تولید علم و ارتقاء رتبه علمی کشور ایران بکوشند؛ و با بهره گرفتن از سیاست‌های تشویق، پژوهشگران را به چاپ مقاله در مجله‌هایی که توسط پایگاه‌های استنادی معتبر نمایه می‌شود ترغیب نمایند. از این رو، برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی مانند: آموزش زبان دانشگاهی، مقاله‌نویسی علمی، استخراج مقاله از طرح‌های پژوهشی و پایان‌نامه‌ها، روش پژوهش در حوزه زلزله‌شناسی، مأخذ نویسی، و آشنایی با پایگاه‌های استنادی پیشنهاد می‌شود. گوکیوگلو و دیگران (۲۰۰۸) از ترکیه و آندراو و دیگران (۲۰۱۳) از شیلی نیز در پژوهش‌های خود خاطر نشان ساخته‌اند که فقدان سیاست‌گذاری‌های علمی و پژوهشی از سوی دولت و سازمان‌ها در حوزه‌های علمی بر برون‌دادهای علمی تأثیر گذاشته است [۱۵].

در خاتمه پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران ایرانی در این حوزه طی سال‌های آینده با برگزاری همایش‌ها در

مؤسسات و دانشگاه‌های ایرانی دانشگاه آزاد با سهم مشارکت ۴۶۴ مدرک (از ۳۰۶۵ مدرک تعداد کل تولیدات علمی ایران) پرکارترین دانشگاه مشارکت‌کننده است و پس از آن دانشگاه تهران با ۴۵۶ مدرک و پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی با ۳۹۹ مدرک قرار دارند. این قسمت از یافته‌ها نیز با پژوهش و دیگران (۲۰۱۵) هم‌راستاست که نقش چشمگیر مؤسسات زلزله‌شناسی آمریکایی به‌طور قابل توجهی در آن مورد بحث واقع شده است [۱۶].

نتایج همچنین نشان داد که از میان پژوهشگران ایرانی غلامرضا قدرتی امیری از دانشگاه علم و صنعت، مهدی زارع، محمود حسینی و حمید زعفرانی از پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی پرکارترین نویسندگان در حوزه زلزله‌شناسی در پایگاه استنادی وبگاه علوم هستند. در خصوص مشارکت ایران با کشورهای خارجی در تولیدات علمی حوزه زلزله‌شناسی نتایج نشان می‌دهد که کشورهای آمریکا، انگلستان، فرانسه، چین، آلمان و استرالیا به ترتیب بیشترین مشارکت و همکاری علمی با ایران در حوزه زلزله‌شناسی در پایگاه استنادی وبگاه علوم از سال ۱۹۷۰ تا سال ۲۰۱۸ میلادی را داشته‌اند که با توجه به حضور فعال و تأثیرگذار این کشورها در حوزه‌های مربوط به زلزله‌شناسی همکاری ایران با این کشورها را می‌توان نشانه آگاهی پژوهشگران ایرانی از اهمیت همکاری علمی و نیز انجام این همکاری با پژوهشگران تأثیرگذار دانست. همان‌طور که در پژوهش ساگار و دیگران (۲۰۱۰) نشان داده شد که کشورهای نظیر ایالات متحده آمریکا، ژاپن، انگلستان، هند و استرالیا بیشترین و باکیفیت‌ترین (به لحاظ استناد و سایر شاخص‌های تأثیرگذاری) آثار را در این حوزه منتشر کرده‌اند [۱۳].

همچنین نتایج نشان داد که پژوهشگران کشور ایران ۳۰۶۵ مدرک تولید کرده‌اند که میزان استناد به آنها ۱۹۱۶۳ بار بوده است. از مجموع کل استنادها ۵۳۰۸ مورد آن خود استنادی بوده است و میانگین استناد به هر مدرک ۶/۲۵ برآورد شد. شاخص هرش پژوهشگران ایرانی در این حوزه مساوی است با ۵۱، یعنی به‌طور میانگین ۵۱ مقاله منتشر شده در پایگاه استنادی وبگاه علوم حداقل ۵۱ بار مورد استناد قرار گرفته شده است. بنابراین، اگرچه باوجود تعداد

سطح بین‌المللی میزان همکاری‌های علمی خود را با متخصصان خارجی افزایش دهند تا از نظر نرخ رشد تولیدات علمی، همپای هم‌تایان خارجی خود گام بردارند. همچنین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی براساس سایر شاخص‌های تأثیرگذاری به ارزیابی آثار منتشر شده در این حوزه بپردازند.

## References

## منابع

- [۱] سیف نراقی، مریم، و نادری، عزت‌الله. روش تحقیق در علوم انسانی (با تأکید بر علوم رفتاری)، بدر، تهران، صص. ۳۹. ۱۳۸۵
- [۲] فراهانی، ابوالفضل، رضائی صوفی، مرتضی، و خاصه، علی‌اکبر «تولیدات علمی ایران در رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی». فصلنامه المپیک، ۱۹(۲)، صص. ۷۷-۸۹. ۱۳۹۰.
- [۳] نوروزی چاکلی، عبدالرضا؛ حسن زاده، محمد. «تولیدات علمی نمایه‌سازی شده ایران و کشورهای اسلامی منطقه ی خاورمیانه در WOS (۲۰۰۷ - ۲۰۰۳)». دانش‌شناسی، ۶ صص. ۸۹-۱۰۶. ۱۳۸۸.
- [۴] یمینی فیروز، مسعود، حسینی، سیدعماد، یمینی فیروز، موسی، و سالار، سروین. «سهم علوم ورزشی در تولید علم جهانی: مطالعه‌ای در ISI». نشریه مدیریت و فیزیولوژی ورزشی شمال، ۱۳۹۲، ۱(۱)، صص. ۱-۱۰.
- [5] Andrade, D.C., Lopez, B.A., Ramirez-Campillo, R., Beltran, A.R., & Rodriguez, R.P. "Bibliometric analysis of south american research in sports science from 1970 to 2012". *Motriz-revista de educacao fisica*, 2013, 19(4), 783-791.
- [6] Asadi, M., & Ghaderi Sohi, "A. Thirty-nine years of Iran's scientific products in the field of Geophysics". *Journal of the Earth and Space Physic*, 2015, 41(1), 145-164.
- [7] Chiu, W. T., & Ho, Y. S. "Bibliometric analysis of tsunami research". *Scientometrics*, 2007, 73(1), 3-17.
- [8] Emmer, A. (2018). "Geographies and scientometrics of research on natural hazards". *Geosciences (Switzerland)*, 8(10).
- [9] Gokceoglu, C., Okay, A. I., & Sezer, "E. International earth science literature from Turkey - 1970-2005", Trends and possible causes. *Scientometrics*, 2008, 74(3), 409-423.
- [10] Gupta, D. K. "Collaborative research trend in exploration geophysics". *Scientometrics*, 1993, 28(3), 287-296.
- [11] Li, Y., Wen, J., Du, L., Gao, Z., Li, L., Chen, Q., . . . Ai, C. "A comparative study on earthquake-related literature published in medical journals". *Journal of Evidence-Based Medicine* 2009, 2(4), 252-257.
- [12] Liu, X., Zhan, F. B., Hong, S., Niu, B., & Liu, Y. "A bibliometric study of earthquake research". 1900-2010. *Scientometrics*, 2012, 92(3), 747-765.
- [13] Sagar, A., Kademani, B. S., Garg, R. G., & Kumar, V. "Scientometric mapping of Tsunami publications: A citation based study". *Malaysian Journal of Library and Information Science*, 2010. 15(1), 23-40.
- [14] Ugolini, D. "A bibliometric analysis of scientific production in cancer molecular epidemiology". *Carcinogenesis*, 2007. 28(8), 901-908.
- [15] Waaijer, C. J. F., & Palmblad, M. "Bibliometric mapping: Eight decades of analytical chemistry, with special focus on the use of mass spectrometry" Paper presented at the Proceedings of ISSI 2015 Istanbul: 15th International Society of Scientometrics and Informetrics Conference.
- [16] Wu, X., Chen, X., Zhan, F. B., & Hong, S. "Global research trends in landslides during" 1991-2014: a bibliometric analysis. *Landslides*, 2015. 12(6), 1215-1226. doi:10.1007/s10346-015-0624-z
- [17] Yaminfirooz, M., Siamian, H., Jahani, M., Yaminfirooz, M. "Scientific production of sports science in iran: a scientometric analysis". *Acta Informatica Medica*, 2014, 22 (3), 195-198.



## الگویابی ساختاری تأثیر مهارت‌های ارتباطی کتابداران بر ارتباطات بین فردی و نقش آن بر راهبردهای مدیریت تعارض در کتابخانه‌ها

اکبر بهمنی چوب بستی<sup>۱\*</sup> و سید مهرداد سیدین<sup>۲</sup>

۱. استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران،

۲. کارشناس ارشد مدیریت اجرایی، کارشناس ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی، اداره کل کتابخانه‌های عمومی استان مرکزی، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۸/۰۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۵/۱۳

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف ارتقای قابلیت کتابداران در مدیریت تعارض در کتابخانه‌ها با به‌کارگیری مهارت‌های ارتباطی و ارتباطات بین فردی است. بنابراین در این پژوهش به بررسی روابط علمی تأثیر مهارت‌های ارتباطی کتابداران بر ارتباطات بین فردی و نقش آن بر راهبردهای مدیریت تعارض در کتابخانه‌ها پرداخته شد.

این پژوهش از نوع توصیفی است که به روش پیمایشی انجام گرفت. جامعه پژوهش را تمامی کتابداران شاغل در کتابخانه‌های عمومی استان مرکزی تشکیل می‌دهند. ابزار گردآوری اطلاعات شامل پرسشنامه‌های مهارت‌های ارتباطی کویین دام، ارتباطات بین فردی گراهام و مدیریت تعارض سازمانی پوتنام و ویلسون بود.

نتیجه آزمون رگرسیون آماری بیانگر تأثیر مؤلفه‌های مهارت‌های ارتباطی بر ارتباطات بین فردی و راهبردهای مدیریت تعارض است و همچنین مؤلفه‌های مهارت‌های ارتباطی بر راهبردهای مدیریت تعارض تأثیر معناداری دارند.

با توجه به نقش علی مهارت‌های ارتباطی می‌توان با شناسایی ضعف‌های موجود در حوزه کتابخانه‌های عمومی، زمینه را برای رشد و ترقی این مهارت‌ها از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزشی و موارد پیشنهادشده در این پژوهش فراهم آورد تا کتابداران در ارائه خدمات به کاربران نهایت بهره‌مندی را از مهارت‌های ارتباطی خود ببرند و در مراجعه مجدد کاربر بهترین روش ارتباط بین فردی برای کاهش تعارض در کتابخانه‌ها را اتخاذ نمایند.

**کلیدواژه‌ها:** مهارت‌های ارتباطی، ارتباطات بین فردی، راهبردهای مدیریت تعارض، کتابداران، کتابخانه‌های عمومی.

## ۱. مقدمه

انسان به‌عنوان موجودی اجتماعی برای رفع نیازهای زندگی فردی و اجتماعی خود، نیازمند ارتباط و برقراری رابطه و تعامل با سایر افراد است. یکی از فرض‌های اساسی رفتار سازمانی، شناخت ویژگی‌های فردی و ارتباطی افراد در جهت دسترسی به بهره‌وری بیشتر و تحقق اهداف سازمانی است [۱].

ارتباطات، انتقال اطلاعات از فرستنده به گیرنده است. به‌گونه‌ای که برای هر دو قابل‌فهم و واضح باشد. در صورتی که یکی از این عناصر فرستنده، گیرنده و پیام، موجود نباشند هیچ‌گونه ارتباطی برقرار نمی‌شود [۲]. باوجوداین، همچنان تأثیرگذاری بر دریافت‌کننده پیام و اطمینان از میزان اثربخشی پیام و ایجاد زمینه تأثیرگذاری بر منبع هدف و شناخت و آگاهی از عوامل مؤثر بر رفتار و شناخت ویژگی‌های فردی و شخصیتی افراد و از طرفی توسعه دانش کاربردی راهکارهای نفوذ و قدرت و عوامل مؤثر بر رفتار اثرگذار از جمله دغدغه‌های مدیریتی در رفتار سازمانی است [۳]. هارجی و کریستین با توجه به تعریفی که از مهارت‌های ارتباطی می‌کنند «مجموعه‌ای از رفتارهای هدفمند، به هم مرتبط و متناسب با وضعیت فرد از مهارت‌های ارتباطی که آموخته با توجه به نیازش بهره می‌برد، آموختنی بوده و تحت کنترل فرد می‌باشند» [۴].

کوبین دام<sup>۱</sup> مهارت‌های ارتباطی را شامل مؤلفه‌های زیر می‌داند:

۱. مهارت گوش دادن: فرایندی است شامل دریافت، درک، توجه، معناگذاری و پاسخگویی توسط شنونده به پیام ارائه شده که می‌تواند به شکل کلامی و غیرکلامی باشد؛

۲. توانایی دریافت و ارسال پیام: توانایی دریافت و ارسال پیام ارتباطی، نه تنها دریافت و ارسال پیام به معنای عام بلکه توانایی کشف معنای حقیقی پیام‌های کلامی و غیرکلامی در ارتباط اجتماعی؛

۳. بینش نسبت به فرایند ارتباط: توانایی درک چگونگی تأثیرگذاری در روابط اجتماعی و نیز توانایی فهم دیگران؛

۴. کنترل عاطفی: توانایی ابراز احساسات و کنترل آن و

نیز کنار آمدن با عواطف و دیگران است؛

۵. ارتباط توأم با قاطعیت: برخورداری از جسارت بدان حد است که فرد بتواند صرف‌نظر از واکنش عاطفی

دیگران، سؤالات و ابهامات خود را تبیین کند [۵].

خدمات کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی گستره‌ای فراگیر دارد. بسیاری از خدماتی که کتابخانه‌ها ارائه می‌نمایند، مستلزم ارتباط کتابدار با افراد است [۶]. رسالت اصلی کتابخانه‌ها جلب رضایت مراجعه‌کننده است، در صورتی مراجعه‌کنندگان با رضایت، کتابخانه را ترک خواهند کرد که یا نیاز اطلاعاتی آنها برطرف شده باشد یا اینکه در صورت برطرف نشدن نیازشان با برخورد مناسبی از سوی کتابداران مواجه شده باشند و اطمینان یابند که کتابدار در یاری‌رساندن به آنها تمام تلاش خود را به کار بسته است. در غیر این صورت، علاوه بر نارضایتی در برخی مواقع، حتی ممکن است فرد، دیگر به کتابخانه مراجعه نکند. برای برطرف کردن نیاز اطلاعاتی افراد و جلب رضایت آنها بایستی تعامل و ارتباطی دوسویه بین کتابدار و مراجعه‌کننده برقرار شود [۷].

در این راستا کتابداران به‌عنوان نیروی انسانی فعال، نقش مؤثری در تحقق یافتن اهداف کتابخانه‌ها دارند. نکته اینجاست که هر چه توان نیروی انسانی موجود در کتابخانه‌ها نسبت به برقراری ارتباط مناسب و کارآمد بیشتر باشد، امکان ارائه خدمات بهتر نیز فراهم می‌گردد. از این رو سهم مهمی از ارتباطات یک کتابخانه متوجه کتابداران آن است [۸]. همچنین کتابداران با توجه به نقشی که در بخش‌های مختلف کتابخانه ایفا می‌کنند باید از مهارت‌های ارتباطی بالایی برخوردار باشند. مهم‌ترین نقش کتابداران، پیوند بین نیازهای کاربران و منابع اطلاعاتی است که در مصاحبه با مرجع و ارتباط با کاربر محقق می‌شود [۹]. بسیاری از کتابداران قادر به برقراری رابطه‌ی خوب با مراجعین نیستند و به‌رغم داشتن دانش خوب نمی‌توانند کتابداران موفق باشند. کتابداران موفق، کتابدارانی هستند که به‌خوبی از قابلیت‌های ارتباطی خود بهره‌گیرند و رابطه‌ی اثربخش و سازنده برقرار کنند. در برخورد با نیاز اطلاعاتی پیچیده، نیاز به کتابداران با تخصص ویژه که بتوانند ابهام

1. Queen Dom



ویژگی، خدمات کتابخانه به ذهن آدمی مربوط می‌شود و به عبارتی، رو کردن فرد به کتابخانه‌ها در اصل برای یافتن چیزی را که فکر می‌کند نمی‌داند، در آنجا بیاید و بداند. چهارمین ویژگی آن است که در بیشتر موارد خدمات کتابخانه قابل صرف نظر کردن هستند. همچنان که در سید مصرف خانوار به هنگام بروز تنگنای اقتصادی کالاهای فرهنگی به نفع کالاهای حیاتی حذف می‌شوند، خدمات کتابخانه‌ای نیز قابل حذف و یا حداقل جانشینی‌اند. ویژگی‌های چهارگانه فوق در ترکیب با یکدیگر بستری می‌سازد که ارتباطات بین فردی را در استفاده جامعه از خدمات کتابخانه برجسته می‌کند [۱۱]. کتابدار در محیط کتابخانه، از سویی با مدیران بخش‌ها و ادارات مختلف سازمانی و از سوی دیگر با همکاران خود در سطوح بالاتر، مساوی یا پایین‌تر ارتباط دارد. کتابداران همچنین در ارتباط مداوم با سازمان‌هایی مانند مدارس، کانون‌های پرورش فکری کودکان و مساجد هستند که می‌توانند فعالیت مشترک یا مکمل داشته باشند؛ اما اساسی‌ترین روابط کتابدار با مراجعه‌کنندگان کتابخانه است. با توجه به جامعه استفاده‌کننده انواع کتابخانه، متنوع‌ترین طیف مخاطبان به کتابخانه‌های عمومی مراجعه می‌کنند و لاجرم با نیازها و علایق بسیار متفاوتی مواجه هستند [۱۵].

تعارض فرایندی است که در آن یک‌طرف تلاش می‌نماید تا به‌طور عمدی باعث محرومیت طرف مقابل در نیل به اهداف مورد نظر شود. تعارض در محیط‌های رقابتی امری کاملاً طبیعی و نتیجه تفاوت در نیازها، خواسته‌ها، اهداف، عقاید یا ارزش‌های دو یا چند نفر است که خود را با احساساتی نظیر خشم، درماندگی، دلسردی، تشویش، اضطراب و ترس نشان می‌دهد. برای مدیریت تعارض قبل از هر چیز باید تعارض را شناسایی و علل ایجاد آن را مورد تجزیه و تحلیل و نهایتاً سبک مناسب را انتخاب و به کار برد. تعارض می‌تواند با استفاده از مهارت‌های ارتباطات مؤثر، حل مسئله و مذاکره مدیریت شود. درواقع سبک‌ها و شیوه‌های رفتاری خاص مدیران در مواجهه با تعارض سبک مدیریت تعارض نامیده می‌شود [۱۶].

موجود در تقاضای مراجعه‌کننده را برطرف کنند و او را به اطلاعات مورد نیازش هدایت کنند، بیشتر احساس می‌شود [۱۰]؛ بنابراین برقراری ارتباط مؤثر و سازنده نیازمند داشتن مهارت برقراری ارتباط است. فایده به‌کارگیری مهارت‌های ارتباطی که می‌تواند به‌طور مستقیم نصیب کتابدار شود، مصون ماندن از تنش ناشی از درگیری در محیط کار است؛ فایده دیگر رابطه خوب با اعضای جامعه آن است که می‌تواند به ارتقای حیثیت و جایگاه حرفه کتابداری در مقام عضو حرفه نزد افکار عمومی جامعه بیانجامد [۱۱].

ارتباط، تار و پود سازمان را به هم پیوند می‌دهد و موجب یکپارچگی و وحدت سازمانی می‌گردد. مسئولیت ایجاد ارتباطات صحیح در سازمان به عهده مدیریت است. از این رو مدیران باید از کم و کیف فرایند ارتباطی آگاه باشند و نحوه برقراری ارتباط مؤثر را بدانند [۱۲]. فرایند مهارت‌های انسانی در چهار حیطه ارتباط با خود، روابط بین فردی، روابط گروهی و روابط جمعی قرار می‌گیرد که در این میان، روابط بین فردی مهم‌ترین بخش‌های روابط انسانی است. روابط بین فردی به‌صورت ارتباط با زیردستان، بالادستان و هم‌رده‌ها تعریف می‌شود. در سازمان‌ها هر سه بخش از این ارتباطات قابل بررسی است [۱۳]. حیطه‌های مختلفی که گراهام<sup>۱</sup> تحت عنوان روابط بین فردی از آن استفاده کرد شامل: آگاهی از خود و خود فاش‌سازی، خود نظمی و شفافیت، آگاهی از دیگران، قبول کردن بازخورد و ارزیابی، کنار آمدن با احساسات و تفاوت‌ها است [۱۴]. از این رو در مقوله مهارت‌های ارتباطی باید اذعان نمود مهارت‌های کلامی، گوش دادن و بازخورد مؤثر، مهارت‌هایی هستند که در تعاملات بین فردی و فرایند ارتباطات نقش مؤثری دارند [۳].

نخستین ویژگی اهمیت ارتباط بین فردی در خدمات کتابخانه‌ای، ماهیت رابطه فرد با فرد در محیط کتابخانه است. به‌عبارت‌دیگر، استفاده از خدمات کتابخانه‌ها همواره فردی است. دوم آنکه، خدمات کتابخانه از نوع خدمات انبوه و یک‌شکل نیست زیرا افراد نیازهای اطلاعاتی گوناگون دارند و منابع برآوردن این نیازها نیز متنوع است. سومین

1. Graham

اهداف، ارزش‌ها، سبک‌ها و موقعیت‌های متفاوت آنها موجب ایجاد تنش می‌گردد؛ بنابراین آستین<sup>۴</sup> اعلام نمود نگرانی مدیران در سازمان نباید کاهش تعارض باشد، بلکه مدیریت تعارض و هدایت آن در جهت تحقق اهداف سازمانی و نیز منافع فردی از اهمیت برخوردار است. از این جهت برخورد صحیح با تعارض و اتخاذ راهبردهای مناسب برای مدیریت تعارض از موضوعات اساسی در هر سازمانی است [۱۸].

عدم آگاهی از میزان و عوامل بروز اختلاف و تعارض در کتابخانه‌های عمومی علاوه بر اینکه بر عملکرد و اثربخشی کتابخانه‌ها و نیز میزان ارتباط کتابداران با مراجعان تأثیرگذار خواهد بود، بدون تردید در سطح جامعه هم تأثیرات منفی خواهد داشت. به‌طور کلی، در کتابخانه‌ها نیز مانند هر سازمان دیگر امکان بروز تعارض وجود دارد و لیکن آنچه مهم است این است که تعارض اداره شود و نه اینکه سرکوب شود و نه اینکه اجازه داده شود تعارض تشدید و از کنترل خارج شود. از این جهت شناسایی عوامل بروز تعارض در کتابخانه‌ها و همچنین شناسایی نحوه برخورد کتابداران با تعارض از اهمیت زیادی برخوردار است. با توجه به اینکه کتابخانه‌های عمومی نقش مهمی در توسعه اهداف جامعه دارند، در این بین به نظر می‌رسد کتابخانه‌ها به‌عنوان یک سازمان، زمانی موفق هستند که دارای کتابدارانی با شناخت و درک کامل از ارزش و تأثیر ارتباطات مناسب و استفاده آگاهانه از مهارت‌های ارتباطی، استقرار الگوی ارتباطی اثربخش و با آگاهی از میزان و عوامل بروز تعارض در کتابخانه‌های عمومی بتوانند در فرایندهای خدمات کتابخانه نقش چشمگیری را ایفا نمایند.

در بین پژوهش‌های صورت پذیرفته در حوزه علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی مبحث روان‌شناسی افراد بسیار کم مورد توجه است و در مورد رابطه مهارت‌های ارتباطی با سایر عوامل کلیدی به‌صورت خاص و ویژه، تاکنون هیچ پژوهشی صورت نپذیرفته است. بر این اساس نصیری‌پور و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی نشان دادند که در بین مؤلفه‌های نظام ارتباطات، سه مؤلفه که در حد مطلوب برآورد شد عبارت بودند از: مثبت‌گرایی، همدلی، روحیه

پژوهشگران راهبردهای مختلفی را برای مدیریت تعارض بیان کرده‌اند. توماس<sup>۱</sup> پنج استراتژی عمده رقابت، همکاری، اجتناب، سازش و مصالحه را برای مدیریت تعارض ارائه کرده است. در این پژوهش راهبردهای مدیریت تعارض بر اساس چهارچوب مفهومی پوتنام و ویلسون<sup>۲</sup> مورد توجه قرار گرفته است. آنها در پژوهش میدانی خود این پنج شیوه را در درون سه راهبرد به شرح زیر قرار داده‌اند:

الف. راهبرد مقابله نکردن: شامل شیوه‌های اجتناب و سازش می‌شود. این راهبرد زمانی اتخاذ می‌شود که اختلافی وجود دارد ولی موضوع خیلی مهم نیست و نرمش در یک موضوع پیش افتاده، اعتباری برای موضوع دیگری که برای فرد مهم است کسب می‌کند. همچنین زمانی که در موضوعی فرد توان مقابله با رقیب را در خود نمی‌بیند یا در خواسته‌های خود چندان مصمم نیست از این استراتژی استفاده می‌کند.

ب. راهبرد راه‌حل‌گرایی: این حالتی است که افراد هم روحیه همکاری خوبی از خود نشان می‌دهند و هم این که مصمم‌اند به خواسته‌های خود برسند، یعنی استراتژی طرفین «برد-برد» است. در اینجا هم ما و هم رقیب می‌خواهیم به خواسته خود برسیم. در چنین وضعی، از استراتژی «همکاری مبتنی بر اعتماد» استفاده می‌کنیم.

ج. راهبرد رقابت: این راهبرد زمانی شکل می‌گیرد که دو فرد و یا دو گروه مصمم باشند که به خواسته‌های خود دست یابند و روحیه همکاری با همدیگر نداشته باشند و با هم رقابت کنند. استراتژی طرفین در رقابت برد و باخت است و معمولاً زمانی از استراتژی رقابت استفاده می‌شود که به اقدام سریع و قاطع نیاز باشد و برای رسیدن به تصمیم صحیح، رقابت ایجاد می‌شود [۱۷].

بنا بر نظر رحیم<sup>۳</sup>، تعارض می‌تواند سازنده یا مخرب باشد یعنی می‌تواند خلاقیت بیشتر و نوآوری و تغییر را ترویج دهد یا آنکه باعث اتلاف انرژی و منابع سازمان شود. همان‌گونه که افراد در سازمان‌ها با هم تعامل می‌کنند،

1. Thomas
2. Putnam and Wilson
3. Rahim

4. Austin

در تحقیقات خارجی انجام گرفته می‌توان به تحقیقات آدومی و اوزیوما<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) که با هدف بررسی راهبردهای مدیریت تعارض مدیران کتابخانه‌های دانشگاهی انجام شد؛ اشاره کرد، نتایج نشان داد که مدیران کتابخانه‌های دانشگاهی نیجریه در هنگام روبه‌رو شدن با تعارض بیشتر گرایش به استفاده از سبک اجتناب داشتند. همچنین در کتابخانه‌ای که تعارض بهتر مدیریت شده است در دستیابی به اهداف موفق‌تر بوده است. کالکارنی و دشپاند<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) در پژوهش خود که به سنجش کیفیت خدمات کتابخانه‌های دولتی هند از دیدگاه کاربران و تأثیر مهارت‌های ارتباطی کارکنان بر آن پرداختند. نتایج نشان دادند که کیفیت خدمات در کلیه ابعاد میانگین رضایت کاربران را برآورده کرده است. در این میان کارکنان نقش مهمی در کیفیت خدمات داشتند و عواملی چون استقبال با روی باز، برخورد اولیه و پوشش مناسب تأثیر مثبتی بر کیفیت خدمات داشتند. راجش<sup>۳</sup> (۲۰۱۳) در تحقیق خود نشان داد که رضایت معلمان از مهارت‌های ارتباطی بین فردی سرپرستاران با رضایت از رشد خود در شغل نیز رابطه مثبت دارد.

با توجه به اهمیت ویژه‌ای که نقش مهارت‌های ارتباطی در زندگی فردی و عمومی دارد و برای روشن‌تر شدن این نکته که ارتباطات مناسب در یک کتابخانه چه تأثیری در ارائه خدمات دارا است، پژوهش در این زمینه لازم و ضروری به نظر می‌رسد؛ از این رو شناخت و آگاهی از مهارت‌های ارتباطی و ارتباطات بین فردی کتابداران و تبیین روابط بین آنها و همچنین ارتقای قابلیت کتابداران در مدیریت تعارض در کتابخانه‌ها که هدف عمده این تحقیق است، می‌تواند به یافته‌هایی منجر شود که با شناسایی سطوح مهارت‌های ارتباطی افراد و میزان ارتباطات بین فردی افراد با زیردستان و بالادستان در دو موقعیت واقعی و ایده‌آل موجب بهبود سطح ارتباطات و در نهایت، اثربخشی کتابخانه در مدیریت تعارض شود. بر این اساس فرضیه‌های پژوهش بدین صورت طراحی شد:

حمایت‌گری. بین نظام ارتباطات (روحیه حمایت‌گری، مثبت‌گرایی و تساوی) از یک‌سو و تعارض بین فردی مدیران و کارکنان رابطه معناداری وجود داشت. شادپور و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که رابطه معنادار و معکوس بین متغیرهای ارتباطات با تعارض نشان می‌دهد و به‌کارگیری ارتباطات اثربخش در یک فضای حمایت‌گرانه همراه با انتقال حس مثبت به‌طرف مقابل می‌تواند عامل کاهش تعارض در مراکز درمان محسوب شود. فهیم دوین و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی نشان دادند بین مهارت‌های ارتباطی و انتخاب راهبرد کنترل برای مدیریت تعارض همبستگی منفی وجود دارد. بین مهارت‌های ارتباطی و انتخاب راهبرد عدم مقابله ارتباط معنادار منفی مشاهده شد. بین مهارت‌های ارتباطی و انتخاب راهبرد راه‌حل‌گرایی (همکاری، مصالحه) همبستگی معناداری وجود دارد. تقی‌پور و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی اعلام کردند نتایج تحلیل‌های الگویابی معادلات ساختاری، برازندگی الگو را با داده‌ها، مورد حمایت قرار دادند. ضریب مسیر مهارت‌های ارتباطی به توانمندسازی و ضریب مسیر سبک‌های مثبت حل تعارض به توانمندسازی مثبت و معنادار بود. همچنین ضریب مسیر سبک‌های منفی حل تعارض به توانمندسازی، منفی و معنادار بود. آنان به این نتیجه رسیدند روش‌هایی که مدیران برای حل تعارض و برقراری ارتباط با کارکنان اجرا می‌کنند در توانمند کردن کارکنان نقش مهمی را ایفا می‌کند. خسروی و واصفیان (۱۳۹۳) بیان کردند بین مهارت‌های ارتباطی با راهبردهای مدیریت حل تعارض ارتباط معنادار وجود دارد. همچنین بین سابقه با انتخاب راهبردهای مدیریت حل تعارض تفاوت معنادار مشاهده شد؛ که این رابطه در تحقیق کارور (۱۳۹۵) به صورت یک رابطه منفی و معنادار خود را نشان می‌دهد ولی بین متغیرهای مهارت ارتباطی و راهبرد راه‌حل‌گرایی مدیریت تعارض رابطه مثبت و معناداری وجود دارد که در نهایت اعلام کرد که یکی از روش‌های افزایش مدیریت صحیح تعارضات، تقویت مهارت ارتباطی مدیران است.

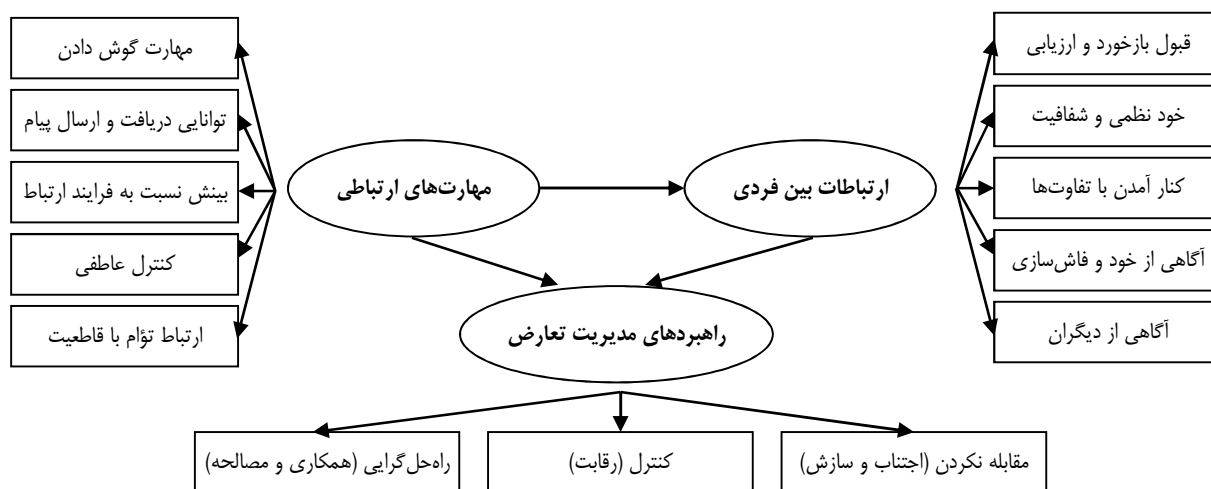
1. Adomi and Ozioma  
2. Kulkarni & Deshpande  
3. Rajesh

الگوی پیشنهادی مربوط به پیش‌بینی‌های مهارت‌های ارتباطی با ارتباطات بین فردی و راهبردهای مدیریت تعارض برانزده داده‌ها است.

### مدل مفهومی پژوهش

مطابق مباحث مطرح‌شده در بیان مسئله و چهارچوب مفهومی پژوهش در زمینه تبیین روابط متغیرهای پژوهش با یکدیگر و پیشینه‌های پژوهش، شکل ۱ مدل مفهومی پژوهش حاضر را نشان می‌دهد.

- بین مهارت‌های ارتباطی کتابداران با ارتباطات بین فردی در کتابخانه‌های عمومی استان مرکزی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین مهارت‌های ارتباطی کتابداران با راهبردهای مدیریت تعارض در کتابخانه‌های عمومی استان مرکزی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین ارتباطات بین فردی کتابداران با راهبردهای مدیریت تعارض در کتابخانه‌های عمومی استان مرکزی رابطه معناداری وجود دارد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

نمونه‌گیری طبقه‌ای کوکران با خطای مجاز (۰/۰۵) استفاده شد. از این رو در این پژوهش تعداد کل نمونه ۸۹ نفر در نظر گرفته شد.

ابزار گردآوری اطلاعات شامل پرسشنامه‌های مهارت‌های ارتباطی کوپین دام دارای ۳۴ گویه با ۵ مؤلفه (گوش دادن، توانایی دریافت و ارسال پیام، بیش نسبت به فرایند ارتباط، کنترل عاطفی و ارتباط توأم با قاطعیت) با پایایی ۰/۸۳، ارتباطات بین فردی گراهام با ۱۹ گویه و شامل ۵ مؤلفه (آگاهی از خود و خود فاش‌سازی، خود نظمی و شفافیت، آگاهی از دیگران، قبول بازخورد و ارزیابی و کنار آمدن با احساسات و تفاوت‌ها) با پایایی ۰/۸۷ و مدیریت تعارض سازمانی پوتنام و ویلسون که دارای ۳۱ گویه با ۳ مؤلفه (شامل عدم مقابله، راه‌حل‌گرایی و کنترل) با پایایی ۰/۹۲ بود که در سیستم لیکرت پنج ارزشی

### ۲. روش پژوهش

به منظور بررسی تأثیر مهارت‌های ارتباطی کتابداران بر ارتباطات بین فردی و نقش آن بر راهبردهای مدیریت تعارض کتابخانه‌ها، با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری به بررسی تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته پرداخته شد و تأثیر متغیرهای مشاهده شده بر متغیرهای مستقل مورد بررسی قرار گرفت. از این رو تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی بود که به روش پیمایشی انجام گرفت.

جامعه آماری مورد بررسی این پژوهش کلیه کارکنان شاغل در کتابخانه‌های عمومی استان مرکزی در سال ۱۳۹۷ بود که طبق آمار امور اداری کتابخانه‌های عمومی استان ۱۸۴ نفر بودند. نمونه آماری تحقیق، به صورت تصادفی انتخاب شد. برای تعیین حجم نمونه از روش

با توجه به جدول ۱ و سطوح معناداری به دست آمده هر یک از متغیرهای پژوهش که بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است، فرضیه تأیید شده و داده‌های تمام متغیرها از توزیع نرمال تبعیت می‌کند و برای آزمون هر یک از متغیرها می‌توان از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد.

برای بررسی همگنی واریانس از آزمون لوین استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ ذکر شده است.

**جدول ۲. آزمون لوین برای بررسی همگنی**

**واریانس‌های متغیرهای پژوهش**

| متغیر شاخص | مهارت‌های ارتباطی | ارتباطات بین فردی | راهبردهای مدیریت تعارض |
|------------|-------------------|-------------------|------------------------|
| df1        | ۲                 | ۲                 | ۲                      |
| df2        | ۵۳                | ۵۳                | ۵۳                     |
| F          | ۱/۸۷              | ۱/۵۵              | ۰/۵۷                   |
| sig        | ۰/۳۴              | ۰/۲۸              | ۰/۶۰                   |

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود در  $P \geq 0/05$  فرض تساوی واریانس‌ها برای همه متغیرهای پژوهشی برقرار است.

مورد سنجش قرار گرفت. روش‌های آماری شامل تجزیه و تحلیل اطلاعات این پژوهش در دو سطح توصیفی و استنباطی انجام شد. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای اس. پی. اس. ۱. نسخه ۲۲ و لیزرل ۲ نسخه ۸/۸ با سطح اطمینان ۹۵ درصد استفاده شد.

**۳. یافته‌های پژوهش**

نتایج بررسی جمعیت شناختی اعضای نمونه نشان داد که از بین ۸۹ پاسخگو، بیشتر پاسخگویان با ۵۹/۶ درصد مربوط به گروه سنی بین ۳۱ الی ۴۰ سال هستند. ۴۳/۸ درصد پاسخگویان را مردان و ۵۶/۲ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. از جانب دیگر ۷۴/۲ درصد پاسخگویان متأهل و ۲۵/۸ درصد پاسخگویان مجرد بودند. میزان تحصیلات ۶۹/۷ درصد از پاسخگویان کارشناسی بود. از نظر سابقه کار بیشتر پاسخگویان ۶۷/۴ درصد، زیر ۱۰ سال سابقه کار داشتند. نهایتاً ۸۵/۴ درصد از پاسخگویان به صورت پیمانی در کتابخانه‌ها مشغول به خدمت می‌باشند. در آمار استنباطی ابتدا برای نرمال بودن نمونه از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف و برای همگنی واریانس از آزمون لوین استفاده شد.

**جدول ۱. آزمون کولموگروف - اسمیرنوف**

| متغیر شاخص | مهارت‌های ارتباطی | ارتباطات بین فردی | راهبردهای مدیریت تعارض |
|------------|-------------------|-------------------|------------------------|
| Z          | ۱/۱۲              | ۰/۸۴              | ۰/۷۶                   |
| P          | ۰/۷۱              | ۰/۸۹              | ۰/۸۱                   |

**جدول ۳. آزمون همبستگی تعیین رابطه بین مهارت‌های ارتباطی**

**و ارتباطات بین فردی و راهبردهای مدیریت تعارض**

| متغیرها                                     | ضریب همبستگی | سطح معناداری |
|---|--------------|--------------|
| مهارت‌های ارتباطی با ارتباطات بین فردی      | ۰/۵۷         | ۰/۰۴۰        |
| مهارت‌های ارتباطی با راهبردهای مدیریت تعارض | ۰/۴۷         | ۰/۰۱۰        |
| ارتباطات بین فردی با راهبردهای مدیریت تعارض | ۰/۳۶         | ۰/۰۳۳        |

1. SPSS  
2. LISREL

ارتباطی با راهبردهای مدیریت تعارض، همچنین بین ارتباطات بین فردی با راهبردهای مدیریت تعارض رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به جدول ۳ به دلیل اینکه سطح معناداری به دست آمده از ۰/۰۵ کمتر است، می توان گفت بین مهارت های ارتباطی با ارتباطات بین فردی و مهارت های

جدول ۴. آزمون رگرسیون برای تعیین رابطه مهارت های ارتباطی با ارتباطات بین فردی

| sig    | F      | sig   | t      | bc     | R <sup>2</sup> | R     |                             |
|--------|--------|-------|--------|--------|----------------|-------|-----------------------------|
| ۰/۰۳۰۵ | ۰/۰۱۰۲ | ۰/۰۰۰ | ۱۵/۳۵  | ۶۹/۱۵  | ۰/۴۵           | ۰/۲۸۷ | اعداد ثابت                  |
|        |        | ۰/۰۳۹ | ۰/۴۴   | ۰/۳۶۵  |                |       | مهارت گوش دادن              |
|        |        | ۰/۰۳۳ | ۰/۱۲۵  | ۰/۲۲۰  |                |       | توانایی دریافت و ارسال پیام |
|        |        | ۰/۰۰۶ | - ۲/۶۳ | - ۱/۹۵ |                |       | ارتباط توأم با قاطعیت       |
|        |        | ۰/۰۱۱ | ۱/۱۷   | ۰/۷۲۵  |                |       | کنترل عاطفی                 |
|        |        | ۰/۰۳۷ | ۰/۲۱   | ۰/۱۳۸  |                |       | بینش نسبت به فرایند ارتباط  |

تأثیر متغیر مهارت های ارتباطی است. از آنجاکه سطح معناداری آماره F از ۰/۰۵ کمتر است، می توان گفت رابطه بین مهارت های ارتباطی با ارتباطات بین فردی از نوع خطی است.

با توجه به جدول ۴ ضریب تعیین یا (R<sup>2</sup>) نشان می دهد که چند درصد تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیر مستقل تبیین می شود، بر اساس داده های به دست آمده در جدول فوق ۴۵ درصد از تغییرات متغیر ارتباطات بین فردی تحت

جدول ۵. آزمون رگرسیون برای تعیین رابطه بین مهارت های ارتباطی با راهبردهای مدیریت تعارض

| sig   | F      | sig   | t      | bc     | R <sup>2</sup> | R     |                             |
|-------|--------|-------|--------|--------|----------------|-------|-----------------------------|
| ۰/۰۴۲ | ۰/۰۲۰۴ | ۰/۰۰۰ | ۱۲/۱۵  | ۶۳/۲۵  | ۰/۲۰۳          | ۰/۳۲۵ | اعداد ثابت                  |
|       |        | ۰/۰۱۹ | ۰/۱۴   | ۰/۲۰   |                |       | مهارت گوش دادن              |
|       |        | ۰/۰۱۴ | ۰/۱۱۵  | ۰/۱۸۰  |                |       | توانایی دریافت و ارسال پیام |
|       |        | ۰/۰۰۷ | - ۳/۷۸ | - ۲/۸۵ |                |       | ارتباط توأم با قاطعیت       |
|       |        | ۰/۰۲۵ | ۲/۱۷   | ۰/۹۰   |                |       | کنترل عاطفی                 |
|       |        | ۰/۰۴۰ | ۰/۳۵   | ۰/۶۰   |                |       | بینش نسبت به فرایند ارتباط  |

به دست آمده آماره F از ۰/۰۵ کمتر است، می توان گفت رابطه بین مهارت های ارتباطی با راهبردی های مدیریت تعارض از نوع خطی است.

با توجه به جدول ۵ ضریب تعیین یا (R<sup>2</sup>) به دست آمده برابر با ۰/۲۰۳ بوده نشان می دهد که ۲۰/۳ درصد تغییرات متغیر راهبردهای مدیریت تعارض به وسیله مهارت های ارتباطی تبیین می شود. همچنین به دلیل اینکه سطح معناداری

جدول ۶. آزمون رگرسیون برای تعیین رابطه بین ارتباطات بین فردی با راهبردهای مدیریت تعارض

| sig    | F       | Sig    | t     | bc    | R <sup>2</sup> | R      |                                 |
|--------|---------|--------|-------|-------|----------------|--------|---------------------------------|
| .۰/۰۰۲ | .۰/۰۹۱۰ | .۰/۰۰۰ | ۱۱/۱۵ | ۵۷/۴۵ | .۰/۳۴۷         | .۰/۱۳۵ | اعداد ثابت                      |
|        |         | .۰/۰۱۹ | ۰/۶۵  | ۰/۱۷۵ |                |        | آگاهی از خود و فاش‌سازی         |
|        |         | .۰/۰۰۰ | ۰/۰۹۰ | ۰/۱۴۰ |                |        | خود نظمی و شفافیت               |
|        |         | .۰/۰۰۰ | ۱/۱۸  | ۰/۲۵  |                |        | آگاهی از دیگران                 |
|        |         | .۰/۰۰۵ | ۲/۱۲  | ۰/۵۰۱ |                |        | قبول بازخورد و ارزیابی          |
|        |         | .۰/۰۱۰ | ۰/۴۴  | ۰/۲۶۲ |                |        | کنار آمدن با احساسات و تفاوت‌ها |

با توجه به برقراری روابط خطی بین متغیرها و برقراری تساوی واریانس بین آن‌ها، برای آزمون مدل مفهومی پژوهش از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. متغیرهای پژوهش شامل مهارت‌های ارتباطی، ارتباطات بین فردی و راهبردهای مدیریت تعارض و خرده مقیاس‌های آنها وارد مدل شدند.

با توجه به جدول ۶ ضریب تعیین یا (R<sup>2</sup>) به دست آمده برابر ۰/۳۴۷ است و نشان می‌دهد که ۳۴/۷ درصد تغییرات متغیر ارتباطات بین فردی به وسیله متغیر راهبردهای مدیریت تعارض پیش‌بینی می‌شود. همچنین به دلیل اینکه سطح معناداری به دست آمده آماره F از ۰/۰۵ کمتر است، می‌توان گفت رابطه بین ارتباطات بین فردی با راهبردی‌های مدیریت تعارض از نوع خطی است.

جدول ۷. شاخص‌های برازش در مدل معادلات ساختاری تأیید شده پژوهش

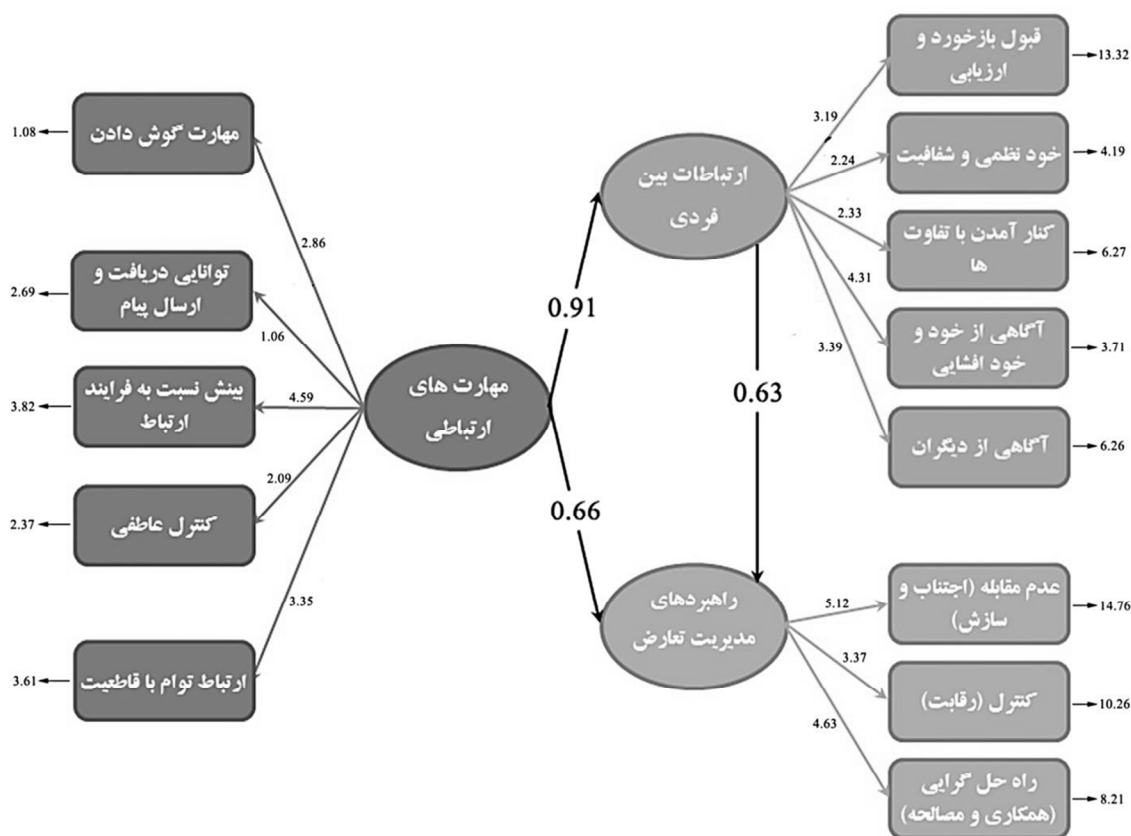
| برازش مناسب    | مدل اصلی | نام شاخص                                 |
|----------------|----------|--|
|                | ۲۵۶/۱۶   | مقدار خی (X <sup>2</sup> )               |
|                | ۱۰۷      | درجات آزادی (df)                         |
| 2 ≥            | ۱/۴۶     | x <sup>2</sup> /df                       |
| 0.05 < P < 0.1 | ۰/۰۰۱    | P-Value                                  |
| RMSEA < 0.08   | ۰/۰۵     | ریشه خطای میانگین مجذورات تقریبی (RMSEA) |
| NFI > 0.90     | ۰/۹۰     | شاخص نرم شده برازندگی (NFI)              |
| GFI > 0.90     | ۰/۹۶     | شاخص برازندگی تطبیقی (GFI)               |
| AGFI > 0.90    | ۰/۹۵     | شاخص خوبی برازندگی تعدیل شده (AGFI)      |

معیاری برای سنجش میزان خوب بودن مدل است و میزانی بالاتر از ۰/۰۹ نشان‌دهنده مناسب بودن مدل استخراج شده با توجه به داده‌ها است. میزان این شاخص برای مدل برابر با ۰/۹۶ است. شاخص AGFI، در واقع حالت تطبیق داده شده شاخص GFI با در نظر گرفتن درجه آزادی است. میزانی بالاتر از ۰/۰۹ نشان‌دهنده مناسب بودن مدل استخراجی با توجه به داده‌هاست. همچنین نسبت خی دو به درجات آزادی کمتر از ۳ است و

بر اساس جدول ۷، با توجه به مقادیر شاخص‌های برازندگی، همه آنها نشان‌دهنده برازش مطلوب و مناسب مدل با داده‌های پژوهشی است و مدل پژوهش تأیید می‌شود. مطابق جدول فوق مقدار شاخص نسبت کای اسکوئر بر درجه آزادی ۱/۴۶ به دست آمد که از مقدار ۲ کمتر است و نشان‌دهنده بهترین نسبت شاخص است هر چه میزان RMSEA کمتر از ۰/۰۵ باشد مدل خوب و اگر از ۰/۰۸ کوچک‌تر باشد مستدل است. شاخص GFI،

مهارت‌های ارتباطی بر ارتباطات بین فردی و راهبردهای مدیریت تعارض تأثیر می‌گذارد و ارتباطات بین فردی نیز بر راهبردهای مدیریت تعارض تأثیرگذار است.

نشان‌دهنده مناسب بودن مدل ساختاری است. به عبارت دیگر داده‌های مشاهده‌شده تا میزان زیادی منطبق بر مدل مفهومی پژوهش است و نشان می‌دهند که



شکل ۲. اثر مهارت‌های ارتباطی بر ارتباطات بین فردی و ارتباط آن با راهبردهای مدیریت تعارض

### ۵. نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج رابطه معناداری بین مهارت‌های ارتباطی با ارتباطات بین فردی وجود دارد و نتیجه آزمون رگرسیون آماری بیانگر ارتباط مؤلفه‌های مهارت‌های ارتباطی با ارتباطات بین فردی است. نتایج این پژوهش با نظری و همکاران (۱۳۹۱) همخوانی دارد. از آنجاکه از دیدگاه صاحب‌نظران ارتباط بین فردی سازمانی نیز یکی از مهارت‌های ضروری مورد نیاز کارکنان است و برای آنچه سازمان از افراد انتظار دارد و آنچه باید انجام دهند لازم و موردنیاز است، با این شرایط سطح مهارت‌های ارتباطی افراد می‌تواند با مهارت‌های ارتباطی کتابداران مرتبط باشد. ارتباطات بین فردی به‌عنوان یکی از مهارت‌های اساسی

با توجه به شکل ۲ عدد معناداری مسیر مابین متغیرها بزرگ‌تر از ۱/۹۶ است، از این‌رو این فرضیه مناسب بودن برازش مدل مورد تأیید قرار می‌گیرد. از طرفی چون عدد معناداری به‌دست‌آمده مثبت است این اثر مستقیم است. میزان اثرگذاری متغیر مهارت ارتباطی بر ارتباطات بین فردی با توجه به شکل ۲ برابر (۰/۹۱) است که نشان می‌دهد به ازای یک واحد تغییر در متغیر مهارت ارتباطی، متغیر ارتباطات بین فردی ۰/۹۱ واحد و هم‌راستا با مهارت ارتباطی تغییر خواهد یافت. میزان اثرگذاری متغیر مهارت ارتباطی بر مدیریت تعارض با توجه به شکل ۱ برابر (۰/۶۶) است که نشان می‌دهد به ازای یک واحد تغییر در متغیر مهارت ارتباطی، متغیر مدیریت تعارض ۰/۶۶ واحد و هم‌راستا با مهارت ارتباطی تغییر خواهد یافت.



مهارت‌های ارتباطی به‌عنوان شرط لازم برای استخدام کتابداران و حضور کتابداران در دوره‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت آموزشی که در آن روش‌ها و شیوه‌های نوین در گسترش خدمات خود را فرا می‌گیرند؛ به صورتی که آنان می‌آموزند که چگونه از توانایی خود در مهارت‌های ارتباطی بهره ببرند و در ارائه خدمات از عمومی گرفته تا مرجع بر آن تکیه نمایند لازم و ضروری است.

از آنجاکه رابطه معناداری بین مهارت‌های ارتباطی با راهبردهای مدیریت تعارض وجود دارد و بررسی رگرسیون مؤلفه‌های مهارت‌های ارتباطی با راهبردهای مدیریت تعارض بیانگر رابطه بین آنها از نوع خطی و ارتباط مؤلفه‌های مهارت‌های ارتباطی با راهبردهای مدیریت تعارض است. نتایج این پژوهش با دستاوردهای بیکمرادی (۱۳۹۶)، نظری (۱۳۹۴) و نقی‌زاده باقی و همکاران (۱۳۸۹) همخوان است؛ بنابراین می‌توان گفت مهارت‌های ارتباطی فرصت‌هایی را برای کتابداران فراهم می‌کند که طی آن دامنه وسیعی از تعارضات در شغل و محیط کارشان حل شود و به‌عنوان رویکردی به‌منظور ایجاد انگیزه کار در کارکنان محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد با کاربست مفهوم مهارت‌های ارتباطی اثربخش، شرایط ارتباطی بهبودیافته و منجر به حل تعارضات شوند. پیشنهاد می‌گردد کتابداران برای موفقیت بیشتر در حل تعارضات، مهارت‌های ارتباطی را نادیده نگرفته و جایی که موضوعاتی که منشأ اختلاف نظر می‌شود خود را دور نگه دارد. برای کاهش تعارضات پیشنهاد همکاری به دیگران داده شود و سعی در انتخاب راهبرد عدم مقابله برای حل تعارض شود. این را باید در نظر گرفت کتابداران با کاهش اختلافات ارتباطی، تعارضات را مطلوب‌تر و جهت کارآمدتر شدن کتابخانه‌هایشان استفاده کنند و کتابداران با شنود مؤثر و دادن بازخورد به مراجعان کتابخانه راحت‌تر می‌تواند تعارضات بین آنها را حل کند و این را مورد توجه قرار می‌دهند که عدم مهارت ارتباطی باعث اختلال در ارتباطات و سوءبرداشت گشته و این خود از عواملی هستند که تعارضات را تشدید و عملکرد کتابخانه‌ها را پایین می‌آورد.

درنهایت با توجه به نتایج می‌توان گفت رابطه معناداری بین ارتباطات بین فردی با راهبردهای مدیریت تعارض

کتابداران می‌تواند بر بسیاری از متغیرهای مهارت‌های ارتباطی تأثیرگذار باشد. مهارت‌های ارتباطی و ارتباطات بین فردی کتابداران در شرایط شغلی متفاوت نیازمند تعامل فراوان با افراد مختلف از جمله زیردستان، مافوق‌ها و مراجعه‌کنندگان است که به نظر می‌رسد مقوله‌های ارتباطات بین فردی از مهارت‌های ارتباطی تأثیرپذیرند.

به‌طورمعمول کتابدارانی که مهارت‌های ارتباطی بالاتری دارند، در ارتباطات بین فردی موفق‌تر عمل می‌کنند؛ بنابراین کتابداران که از ارتباطات بین فردی بهتری برخوردارند، می‌توانند در مورد احساسات کارکنان و مراجعان فهم بهتری داشته باشند. اعتماد دیگران را نسبت به خودشان بهتر جلب کنند، به دیگران کمک کنند تا او را بهتر بفهمند. ضمن اینکه در کلام با شفافیت بیشتری صحبت می‌کنند. به نظرهای دیگران به‌خوبی گوش فرا می‌دهند، انتقادات نسبت به خود را می‌شنوند و پس از تجزیه و تحلیل نسبت به جواب و برطرف کردن آنها اقدام می‌کنند، صادقانه مفاهیم مد نظر خود را به دیگران انتقال می‌دهند.

از آنجایی که مهارت‌های ارتباطی نیز یکی از مهارت‌های ضروری مورد نیاز کارکنان است و اگر مهارت‌های ارتباطی را جزء ویژگی‌های فردی کتابداران محسوب کنیم، با توجه به تأثیر مهارت‌های ارتباطی بر ارتباطات بین فردی سازمانی و نیز آموزش‌پذیر بودن مهارت‌های ارتباطی پیشنهاد می‌شود با برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی نسبت به توسعه این مهارت‌های ارتباطی اقدام شود. ضمن اینکه به نظر می‌رسد سطح مهارت‌های ارتباطی به‌عنوان یک عامل اثرگذار بر ارتباطات بین فردی می‌بایست ارتقا یابد. در نتیجه پیشنهاد می‌شود در آموزش مستمر این مهارت‌ها به افرادی که در تماس با کاربر نهایی قرار دارند اهتمام شود. همچنین با تدوین برنامه آموزشی کوتاه‌مدت و بلندمدت مهارت‌های ارتباطی کتابداران توسط نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و استفاده از افراد با تحصیلات بالاتر در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی و نیز استفاده از کتابداران دارای مدارک تحصیلی مرتبط با رشته تحصیلی می‌توان نسبت به ارتقای قابلیت مهارت‌های ارتباطی و ارتباطات بین فردی کتابداران اقدام نمود. سنجش سطح

ارائه شده رفتارها و مهارت‌های اثرگذار بر ارتباطات را به‌عنوان عاملی مهم در تأثیرگذاری بر دیگران می‌داند و ایجاد زمینه دسترسی به اهداف فردی و سازمانی را پیشنهاد می‌دهد و در نهایت الگوی جدیدی (شکل ۱) را از شاخصه‌های مهارت‌های ارتباطی و ارتباطات بین فردی و نقش آن بر مدیریت راهبردی تعارضات کتابخانه‌ها ارائه می‌دهد.

به نظر می‌رسد داشتن حداقل‌هایی از مهارت‌های ارتباطی و مهارت در ارتباطات بین فردی جزء عوامل مهم هر کتابدار محسوب می‌شود که در ارتباطات در کتابخانه به‌عنوان یک پدیده پیچیده اجتماعی نقش بسیار مهم و حائز اهمیت دارد. توانایی ارتباطی، مهم‌ترین عامل تصمیم‌گیری سازمان و موفقیت افراد در کار است. از این رو دارا بودن توانایی‌ها و مهارت‌های ارتباطی و ارتباطات بین فرد در بین کتابداران بسیار حائز اهمیت است. همچنین باید توجه داشته باشیم هنگامی که افراد در محل کار به شکل مناسبی ارتباط برقرار نکنند، زمان را تلف می‌کنند، منابع را هدر می‌دهند، در رسیدن به اهداف با شکست مواجه شده و روابط آنها با یکدیگر خراب می‌شود. بنابراین کتابداران باید روی راه‌هایی که موجب بهبود روابط می‌شود، تمرکز کنند تا در بین اعضا و مراجعین جایگاه بهتری به دست آورد. همچنین باید ناسازگاری‌ها را به حداقل برساند و با تأثیرگذاری روی نظرها و رفتارهای افراد در محل کار واکنش‌های عملی متقابل را به‌خوبی کنترل کند. به عبارتی برای کتابدارانی که تدوین رویه‌های صحیح در محیط کار و باارزش قائل شدن برای به‌کارگیری مهارت ارتباطی در محل خدمت تلاش می‌کنند، به‌صورت مادی و معنوی تشویق شوند و در کنار آن برای به کار نرفتن این مهارت‌ها بازخواست شوند.

وجود دارد. نتایج این پژوهش با دستاوردهای شادپور و همکاران (۱۳۸۹) که رابطه معنادار بین متغیرهای ارتباطات بین فردی با تعارض نشان می‌دهد همخوانی دارد. به‌کارگیری ارتباطات اثربخش در یک فضای حمایت‌گرا همراه با انتقال حس مثبت به طرف مقابل می‌تواند عامل کاهش تعارض محسوب شود. درحالی‌که پژوهش نصیری پور و همکاران (۱۳۸۸) رابطه معنادار و معکوس بین تعارض سازمانی و نظام ارتباطات را نشان داد. وقتی سیستم ارتباطی ناکارآمد باشد، تعارض‌های مخرب در سازمان رخ می‌دهد. با بررسی اشراقی (۱۳۸۸) مشخص گردید تعارض موجود در ادارات تربیت‌بدنی استان آذربایجان غربی ناشی از نظام ارتباطات سازمانی حاکم بر این ادارات بوده است. نظام ارتباطات این سازمان‌ها از نوع رسمی و یک‌طرفه بوده و کارکنان این ادارات از آزادی عمل در برقراری ارتباط و اطلاع‌رسانی مؤثر محروم بودند.

با توجه به اینکه کتابداران با استفاده از یافته‌های علوم مدیریت و ارتباطات، سعی در فهم نگرش افراد، درک دیدگاه‌ها و الگوهای ارتباطی به‌منظور تعیین شیوه‌های مدیریتی دارند، از این رو آنها می‌توانند با در نظر گرفتن شبکه‌های ارتباطی مؤثر و بهبود مهارت‌های انسانی از جمله توسعه مهارت‌های ارتباطی زمینه مدیریت مؤثر و تحقق اهداف سازمانی را تسهیل کنند. در این زمینه هرگاه بر مدیر مشخص شود که حتی کتابداران پس از آموزش دیدن نیز قادر به استفاده از مهارت ارتباطات بین فردی نیستند جهت جلوگیری از بروز تعارض در محیط کار عاقلانه است که آنان را از کار با مراجعان معاف کنند و در بخش‌های دیگر به کار بگمارند.

ضرورت شناخت و آگاهی از مهارت‌های ارتباطی و ارتباطات بین فردی کتابداران و تبیین روابط بین آنها می‌تواند به بهبود سطح ارتباطات و در نهایت مدیریت تعارض کتابخانه‌ها منجر شود. در همین زمینه، مدل

## References

## منابع

- [۱] نظری، ر. و صافدل، ح. «ارائه مدل اثر ارتباطات بین فردی کارکنان بر کیفیت زندگی کاری و تعهد سازمانی در سازمان‌های ورزشی». فصلنامه رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی. ۱۳۹۴؛ ۳ (۱۱): ۲۱-۳۲.

- [2] Sullivan, P. "Communication differences between male and female team sport athletes. Communication reports". *Academic research library*. P: 1231.2004.
- [3] Yukl, G. "How leaders influence organizational effectiveness". *The leadership quarterly*. 2008; 19, 708-722.
- [4] Smith, G. "Communication skills critical for internal auditors". *Managerial journal*. 2005; 20(5), 513-519.
- [۵] رداد، الف. و قطب‌زاده اردکانی، م. «بررسی تأثیر مهارت‌های ارتباطی کتابداران بر کیفیت ارائه خدمات» (مطالعه موردی: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی). *فصلنامه مطالعات کتابداری و علم اطلاعات*. ۱۳۹۶؛ ۲۱(۳): ۹۱-۱۱۰.
- [۶] فتاحی، ر. *ارزش‌ها و جذابیت‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی*. تهران: کتابدار. ۱۳۸۸.
- [۷] سید حسینی، ش. خسروی، ع. و بصیریان جهرمی، ر. «بررسی مهارت‌های ارتباطی کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بوشهر از دیدگاه کتابداران و مراجعه‌کنندگان به کتابخانه: رویکردی مقایسه‌ای». *فصلنامه دانش‌شناسی*. ۱۳۹۵؛ ۹(۳۳): ۵۱-۶۱.
- [۸] عباسی، ر. عباسی، ر. و عابدی، ی. «نحوه‌ی اتخاذ راهبردهای مدیریت تعارض در میان کتابداران کتابخانه‌های عمومی: بررسی نقش خلاقیت». *فصلنامه تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی*. ۱۳۸۹؛ ۱۶(۲)، ۲۹-۴۴.
- [۹] رهادوست، ف. *فلسفه کتابداری و اطلاع‌رسانی*. تهران: کتابدار. ۱۳۸۶.
- [۱۰] زارع فراشبندی، ف. «نقش ارتباط غیر کلامی در مصاحبه مرجع». *فصلنامه تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی*. ۱۳۸۰؛ ۱۱(۲): ۱۱-۱۶.
- [۱۱] افشار، الف. *مهارت‌های ارتباطی برای کتابداران*. تهران: چاپار. ۱۳۹۷.
- [۱۲] الوانی، م. *مدیریت عمومی*. نشر نی. ۱۳۷۹.
- [13] Dikert, a., Maria Paasivaaraa, b., Casper Lassenius a. "Challenges and success factors for large-scale agile transformations: A systematic literature review". *The Journal of Systems and Software*. 2016; no.119, 87-108.
- [۱۴] نظری، ر. احسانی، م. اشرف گنجویی، ف. و قاسمی، ح. «اثرات مهارت‌های ارتباطی و ارتباطات بین فردی بر اثربخشی سازمانی سازمان‌های ورزشی ایران». *فصلنامه مطالعات مدیریت ورزشی*. ۱۳۹۱؛ ۵(۴): ۶۷-۸۲.
- [۱۵] مزینانی، ع. *کتابخانه و کتابداری*. تهران: سمت. ۱۳۷۹.
- [۱۶] بیکمردی، ع. عبدی، ف. سلطانیان، ع. و حمیدی، ی. «همبستگی سبک‌های مدیریت تعارض با مشخصات فردی مدیران پرستاری مرکز آموزشی درمانی شهر همدان». *مجله علمی دانشکده پرستاری و مامائی همدان*. ۱۳۹۶؛ ۲۵(۲): ۲۷-۳۵.
- [17] Hornung, C. "Conflict management techniques". from <http://www.onlinewbc.Gov>. 2002.
- [۱۸] ضیایی، س. *بررسی عوامل بروز تعارض در کتابخانه‌های دانشگاه فردوسی و علوم پزشکی مشهد و شناسایی راهبردهای مدیریت تعارض از دیدگاه کتابداران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی، مشهد. ۱۳۹۱.
- [۱۹] نصیری پور، الف. ریاحی، ل. و افضل الف. «نظام ارتباطات و رابطه آن با تعارض سازمانی در مجتمع بیمارستانی حضرت رسول اکرم (ص) تهران». *فصلنامه آینده‌پژوهی مدیریت*. ۱۳۸۸؛ ۲۰(۸۳): ۵۵-۶۴.
- [۲۰] شادپور، پ. برزگر، م. و افضل، الف. «تأثیر ارتباطات بر تعارض بین فردی مدیران و کارکنان در یک مرکز آموزشی درمانی». *فصلنامه نظام سلامت*. ۱۳۸۹؛ ۲(۱ و ۲): ۱۷-۲۶.
- [۲۱] فهیم دوین، ح. پیمانی زاده، ح. و نیرومند، م. «رابطه مهارت‌های ارتباطی با راهبردهای مدیریت تعارض و مقایسه این متغیرها در مدیران و مربیان شاغل در ورزش کشتی استان خراسان شمالی». *فصلنامه تحقیقات علوم ورزشی*. ۱۳۸۹؛ ۱(۱).

- [۲۲] تقی پور، آ. دژبان، ر. خادم دزفولی، ز. و نعیمی، ع. «بررسی رابطه بین مهارت‌های ارتباطی و سبک‌های حل تعارض مدیران با توانمندی کارکنان». فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی. ۱۳۹۰؛ ۱(۲): ۱۷-۴۳.
- [۲۳] خسروی، م. و واصفیان، ف. «رابطه مهارت‌های ارتباطی با راهبردهای مدیریت حل تعارض مدیران دوره متوسطه». فصلنامه علمی پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت. ۱۳۹۳؛ ۵(۳): ۵۴-۷۹.
- [۲۴] کارور، ح. «بررسی رابطه مهارت‌های ارتباطی با مدیریت تعارض» (مطالعه موردی: مدیران گروه صنعتی پارس خودرو). فصلنامه پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری. ۱۳۹۵؛ ۳(۱۲): ۱۱۱-۱۲۵.
- [25] Adomi, E. E. & Ozioma Anie, S. "Conflict Management in Nigerian University Libraries". *Library Management*. 2006; 27(8), 120- 134.
- [26] Kulkarni, M., & Deshpande, M. "Powering library users establishing channel of communication for service quality expectations of trainers from government Administrative Training Institute (ATI) Libraries in India". Available Online from: <http://conferencer.retrieved> from <http://www.iiifla.org/ifla78>. 2012.
- [27] Rajesh, I. Irudhaya & Suganthi, L. "The satisfaction of teachers with their supervisors' interpersonal communication skills in relation to job burn-out and growth satisfaction in southern India". British Educational Leadership, Management & Administration Society (BELMAS). 2013.
- [۲۸] نقی زاده باقی، ع. اسدی، ح. گودرزی، م. و سجادی ن. «رابطه نوع تعارض، سبک مدیریت تعارض و اثربخشی تیم‌های والیبالی باشگاه‌های لیگ برتر کشور». فصلنامه مدیریت ورزشی. ۱۳۸۹؛ ۵: ۵۱-۷۱.
- [۲۹] اشراقی، ح. کاشف، م. و محرم زاده، م. «تأثیر نظام ارتباطات سازمانی بر تعارض در ادارات تربیت‌بدنی استان آذربایجان غربی». فصلنامه المپیک. ۱۳۸۸؛ ۱۷(۴۵): ۳۳-۴۶.
- [30] Graham, J. "An analysis of sport manager's interpersonal communication skills in selected Ontario amateur sport organization". Dissertation, University of Windsor, Windsor, Ontario, Canada. 1998; 82-92.
- [31] Thomas, K. "Conflict and Conflict Management". Hand book of industrial and Organizational Psychology. New York: Wiley pub. 1976.

## ایده رصدخانه‌های فرهنگی<sup>۱</sup>

نویسنده: کاتارزینا پلبانسیک<sup>۲</sup>

مترجم: الهام یوسفی\*

کارشناس رصدخانه فرهنگی اجتماعی استان اصفهان

تاریخ دریافت: ۹۷/۸/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۲۳

### چکیده

مقاله پیش رو تلاشی برای سازماندهی دانش موجود پیرامون رصدخانه‌های فرهنگی است. در مطالعاتی که به موضوع مدیریت فرهنگ اختصاص یافته، این مورد نسبتاً جدید بوده و کمتر مورد تحلیل قرار گرفته است. این متن بر مبنای طبقه‌بندی اتخاذ شده توسط شوستر در سال ۱۹۹۹، نتایج گروه کاری ENCATC با عنوان *رصدخانه‌های فرهنگی و اطلاعات و دانش فرهنگی و تحقیقات خود نویسنده* است. مقاله حاضر، مدل‌های مختلف (به ویژه بر اساس شبکه‌ها و فرم‌های سازمانی)، قلمرو و اهداف رصدخانه‌ها را ارائه و مقایسه می‌کند. همچنین، سوالاتی در مورد ماهیت رصدخانه‌ها و مدیریت دانش انباشته شده، مطرح می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** رصدخانه‌های فرهنگی، مدیریت، تحقیقات فرهنگی.

۱. این مقاله ترجمه مقاله The idea of culture observatories- overview است:

Plebańczyk, K. (2014). The idea of culture observatories- overview. *Acta Academiae Artium Vi lvensis*. 72, 169-180.

2. katarzyna.plebanczyk@uj.edu.pl

\*. yousefi\_1387@yahoo.com

## ۱. مقدمه

امروزه کشورها تلاش می‌کنند پتانسیل تحقیقاتی خود را در رابطه با کارکرد فرهنگی دوباره برقرار کنند. سازمان‌های بین‌المللی که دولت‌ها را گرد هم می‌آورند مانند یونسکو، شورای اروپا یا اتحادیه اروپا، در حال گسترش فعالیت‌های پژوهشی خود و ایجاد تقاضا برای تحقیقات تطبیقی و تبادل اطلاعات هستند و بدین ترتیب، بنیان‌های همکاری‌های بین‌المللی آینده را بنا می‌نهند. در دهه ۱۹۹۰، این همکاری موجب تمرکز بیشتر در ایجاد روش‌های متداول تحقیقاتی و فشار بر دولت‌ها شد تا خط‌مشی‌های فرهنگی خود را در زمینه‌های قابل اطمینان برآمده از تحقیقات علمی پایه‌گذاری کنند. به لطف این تحقیق است که در حال حاضر بیشتر در مورد تبادل فرهنگی می‌دانیم. سازمان‌ها و مؤسسات فرهنگی به‌طور فزاینده‌ای به گفت‌وگو با مخاطبان خود می‌پردازند و در تلاش‌اند تا نیازهای آنان را برآورده سازند. در مقیاس کلان، تحقیق به منظور تولید دانش، ایجاد راهبردهای توسعه و ترسیم چشم‌انداز خط‌مشی‌های فرهنگی انجام می‌گیرد. در مقیاس کوچک، تحقیق مستقیماً به مؤسسات کمک می‌کند و برای اقدامات فرهنگی سودمند است.

## مفروضات:

این مقاله بر چندین فرض استوار بود: افزایش قابل ملاحظه تحقیقات کاربردی به منظور حمایت از مدیریت در بخش فرهنگ؛ اطلاعات تحقیقاتی پراکنده؛ افزایش تعداد مؤسسات تحقیقاتی، به ویژه آن دسته که به عنوان رصدخانه‌های فرهنگی عمل می‌کنند. این مفروضات حاکی از منابع بسیار گسترده برای شروع مطالعه هستند. امروزه در سراسر جهان بسیاری از سازمان‌ها در این پژوهش مشارکت دارند؛ اما اغلب اقداماتی هستند که به صورت تشریفاتی، موقتی و تصادفی انجام می‌شوند.

## قلمرو

برای اهداف این مقاله، رصدخانه‌ها محدود به شبکه‌ها و اشکال نهادی (رسمی)، به استثنای اداره‌های آماری

با توجه به این واقعیت که فعالیت‌های آنها کمی متفاوت است) هستند. طبقه‌بندی اتخاذ شده بر اساس تحلیل پژوهشگر آمریکایی جی. ام. شوستر<sup>۱</sup> است. شوستر در سال ۱۹۹۹، تجزیه و تحلیل سیستم‌های اطلاعاتی موجود و مدل‌های فرهنگی را انجام داد که نقطه شروع و مرجعی برای تحقیقات بیشتر بود. این طبقه‌بندی بسیار گسترده است و علاوه بر اشکال سازمانی شامل فعالیت‌هایی مانند شبکه‌ها<sup>۲</sup> می‌شود.

دومین نقطه شروع، مطالعه انجام شده توسط سی. اُرتگا<sup>۳</sup> و اقتباس شده توسط گروه کاری ENCATC<sup>۴</sup> با عنوان *رصدخانه‌های فرهنگی و اطلاعات و دانش فرهنگی* بود. نتایج این مطالعه تاکنون منتشر نشده است. بنابراین، این مقاله فقط بر اساس مفروضات اولیه نوشته شده است. به نظر می‌رسد مطالعات اُرتگا، که شامل ۳۸ رصدخانه (نهادی/رسمی)<sup>۵</sup> است، باید -به ویژه تا اروپای شرقی- بسط یابد.

در لهستان نیز می‌توانید علاقه‌ای رو به رشد را نسبت به رصدخانه‌های فرهنگی و نخستین تلاش‌ها را برای ایجاد رصدخانه‌های فرهنگی منطقه‌ای مشاهده کنید. بررسی عملکرد، فعالیت‌ها و تأمین مالی آنها مقاله‌ای جداگانه را می‌طلبد. بنابراین موارد مذکور در این مطالعه گنجانده نشده‌اند.

اهداف اصلی این مقاله عبارتند از:

تلاش برای سازماندهی دانش موجود در مورد رصدخانه‌های فرهنگی، اهداف و قلمرو فعالیت آنها؛ نگاهی به رصدخانه‌ها، به ویژه در زمینه فعالیت‌های تحقیقاتی آنها.

کشورهای مختلف روش‌های گوناگونی را برای تحقیق در مورد خط‌مشی‌ها و پدیده‌های فرهنگی دارند. سازمان‌های ذکر شده یعنی یونسکو، شورای اروپا و اتحادیه اروپا تشکیلات خود را برای این هدف در اختیار دارند. مشکلی که اغلب در مباحث مربوط به تحقیقات فرهنگی

1. J. M. Schuster

2. Networks

3. C. Ortega

4. European Network Of Cultural Administration Training Centres

5. Institutional

یونسکو (۲۰۰۹)، نه دسته فعالیت فرهنگی را شناسایی می‌کند که با یکدیگر، معادل فرهنگ در زندگی اقتصادی هستند. این فعالیت‌ها عبارتند از: میراث، مواد چاپی و مطبوعات، موسیقی، هنرهای نمایشی، رسانه‌های سمعی و بصری، فعالیت‌های اجتماعی فرهنگی، ورزش، بازی‌ها و محیط طبیعی [۶].

با توجه به پیشرفت فناوری (به ویژه دیجیتال)، امروزه هرکسی می‌تواند به فرهنگی دسترسی داشته باشد که متناسب با سلیقه شخصی او باشد. بر خلاف نگرانی‌های معمول، مردم از مؤسسات فرهنگی «واقعی» فاصله نمی‌گیرند؛ دقیقاً برعکس، در سال‌های اخیر موزه‌ها و تئاترها مخاطبان فزاینده‌ای را جذب کرده‌اند. از آنجایی که گیرنده می‌تواند و می‌خواهد به‌طور همزمان «خالق» باشد؛ محصولات ملموس<sup>۲</sup> فرهنگی همچون آثار هنری یا موسیقی، معمولاً بازیابی<sup>۳</sup> می‌شوند. این امر لزوماً با هدف ایجاد یک کار جدید هنری نیست (هرچند هنرمندان اغلب کارهای دیگران را «بازیابی» می‌کنند)، اما عمدتاً برای آزمودن توانایی‌های فردی، یا برای به اشتراک گذاشتن اثر یا روش استفاده شده با دیگران به کار می‌رود. با توجه به دسترسی جهانی، اینترنت در حال حاضر محبوب‌ترین منبع اطلاعات و دانش است. با توجه به این باور عمومی که می‌گوید اگر چیزی در اینترنت نیست، پس وجود ندارد، ما به طور مداوم با اطلاعات بیشتر و بیشتر اشباع می‌شویم. اینترنت، به یک دلیل معقول جایگزین نشریات چاپی در بسیاری از موضوعات شده و آن زمان بسیار کوتاهی است که می‌توان اطلاعات را منتشر کرد. مشکل، مجموعه عظیمی از اطلاعات و داده‌ها نیست، بلکه مدیریت، انتخاب و طبقه‌بندی آنها بر اساس سودمندی‌شان برای اهداف خاص است.

## ۲. رصدخانه‌های فرهنگی

### مرور اجمالی

در پاسخ به مشکلات اخیر، بسیاری از کشورها به اصطلاح رصدخانه‌های فرهنگی یا آزمایشگاه‌های فرهنگ<sup>۴</sup>

وجود دارد، این است که سازمان‌های مختلف، اطلاعات را فقط به خاطر آمار جمع‌آوری می‌کنند، اما آنها را تحلیل نمی‌کنند. بر اساس گزارش فردریک پاتورا<sup>۱</sup> از وزارت فرهنگ و ارتباطات فرانسه، تحقیق در زمینه خط مشی فرهنگی باید شامل مطالعه واقعی، بررسی آمار و اسناد و مدارک باشد [۱]. می‌توان به این مورد، تقاضا برای انجام تحقیقات پیوسته و جامع را اضافه نمود که شامل نظارت مستمر بر فعالیت‌های فرهنگی و همچنین تقاضا برای تحقیقات بنیادی است که به سازماندهی پدیده‌ها می‌پردازد و تحقیقات کاربردی که تأثیر مستقیم بر مدیریت فرهنگ سازمان دارد.

فرهنگ مدرن بسیار متنوع است، نه تنها از لحاظ اشکال آن، بلکه از لحاظ تأمین مالی، خط‌مشی‌ها و اقتصاد نیز بسیار متفاوت است. این امر مشکلات تحقیقاتی را به وجود می‌آورد؛ زیرا شناخت ما از فرهنگ بسیار گسترده است و تنها به حوزه عمومی و رسمی محدود نمی‌شود. اگرچه در کتاب فرهنگ/همیت دارد [۲]، تلاش برای تعریف فرهنگ انجام شده است، اما حاکی از یک کار بیهوده است، زیرا هیچ چیز مبهم‌تر از واژه فرهنگ نیست [۳].

مطالعه KEA، با در نظر گرفتن «حوزه‌های» جدید فرهنگ، در دو بخش تقسیم‌بندی می‌شود:

بخش فرهنگی - حوزه‌های سنتی هنر و صنایع فرهنگی، که نتایج آن صرفاً هنری است، مانند هنرهای تجسمی، هنرهای نمایشی، میراث، فیلم و ویدئو، تلویزیون، بازی‌های ویدئویی، موسیقی، کتاب و مطبوعات.

بخش خلاق - شامل ایده‌ها و اقداماتی است که از فرهنگ به عنوان ارزش افزوده در تولید محصولات غیر فرهنگی استفاده می‌کنند؛ اینها عبارتند از: معماری، طراحی، تبلیغات و صنایع وابسته (کامپیوتر، تلفن همراه، پخش‌کننده MP3، و غیره) [۴].

با دنبال کردن این مسیر فکری، فرهنگ از طریق موارد زیر مشخص می‌شود:

- خلاقیت؛
- رجوع به استفاده از نمادها؛
- ویژگی‌های قابل درک به شیوه‌های بسیار [۵].

2. Tangible Products  
3. Recycled  
4. Culture Laboratories

1. Frédérique Patureau

بودند از: «ساختار مربوط به زیرساخت‌های اطلاعاتی در زمینه خط‌مشی‌های فرهنگی چیست؟ فعالیت‌های تحقیقاتی مختلف مانند گردآوری و تحلیل داده‌ها، ...، تدوین اطلاعات، تهیه مستندات، فهرست‌بندی و بایگانی یا انتشار و ارتباطات چگونه انجام می‌شوند؟» [۱].

تحقیقات مربوط به اطلاعات در حوزه خط‌مشی‌های فرهنگی توسط سازمان‌ها و مؤسسات مختلف انجام می‌شود که به صورت عمومی یا خصوصی تأمین می‌شوند. شوستر، با آغاز تحلیل خود از زیرساخت‌های تحقیقاتی، چندین مدل را شناسایی کرد که آنها را به مدل‌های مبتنی بر مؤسسات و مدل‌های بیرون از مؤسسات تقسیم نمود. با این حال، وی اشاره کرد که صحبت درباره یک نوع سیستم یا سازماندهی منطقی غیرممکن است، زیرا اکثر نمونه‌ها عناصر چند مدل را با یکدیگر ترکیب می‌کنند.

مدل‌های مبتنی بر سازمان عبارتند از:

#### بخش تحقیقاتی یک سازمان دولتی که امور مالی

را تأمین می‌کند: این موارد واحدهای جداگانه‌ای در بالاترین سطح اداری کشور هستند که در ساختارهای مختلف وزارتخانه‌ها فعالیت می‌کنند. این سازمان‌ها به امور مربوط به ظرفیت تحقیق و اطلاعات ملی، تحقیقات بر اساس ماموریت و خدمات گردآوری اسناد می‌پردازند.

#### اداره ملی آمار: در اکثر کشورها، ادارات آماری

داده‌های مربوط به بخش فرهنگ را جمع‌آوری و پردازش می‌کنند.

#### مؤسسه تحقیقاتی مستقل غیرانتفاعی: شوستر با

نام بردن از بنیاد بوکمن هلند<sup>۱</sup> به عنوان نمونه، تأکید می‌کند که این مدل خاص موجب آزادسازی حوزه پژوهش و اطلاعات از فشار سیاسی می‌شود.

#### مراکز تحقیقاتی دانشگاهی تأمین مالی شده

توسط دولت: یکی از قویترین مراکز، مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه (مرکز ملی تحقیقات علمی) است. این مدل نه تنها از نفوذ سیاسی آزاد است، بلکه امکان فعالیت با ماهیت علمی بیشتر و همکاری با برنامه‌های آموزشی و آموزش دانشگاه را نیز می‌دهد.

را معرفی کرده‌اند. این سازمان‌ها که هدفشان پایش فرهنگی است، عمدتاً به جمع‌آوری و پردازش داده مشغول هستند، اما تحقیقات هدفمندی را نیز انجام می‌دهند، باعث تبادل دانش و تجربیات می‌شوند، و گاه اطلاعات مختلف یا حداقل بخش‌هایی را که مطابق نیازهای گروه‌های مختلف کاربران طبقه‌بندی شده است، به اطلاع عموم می‌رسانند. رصدخانه یکی از رایج‌ترین واژه‌های استفاده شده است، اگرچه کاملاً دارای ابهام است. اولین سازمان‌هایی از این دست (که در اواسط دهه ۱۹۷۰ شکل گرفت) عمدتاً داده‌ها را گردآوری و پردازش می‌کردند و از دهه ۱۹۹۰ تحقیقاتی را بر اساس ماموریت انجام داده‌اند. با این حال، وضعیت آنها امروزه به دلیل پدیده‌هایی مانند پیشرفت فناوری (به ویژه دیجیتال) و تلاش برای توسعه فرهنگ تا حدودی متفاوت است.

زمینه‌های فعالیت رصدخانه‌های مدرن بسیار وسیع‌تر است: آنها جلسات، کنفرانس‌ها و کارگاه‌های آموزشی را تشکیل می‌دهند، منبع ارتباطی در فرهنگ هستند و در مورد رویدادها اطلاع می‌دهند. آنها اطلاعات جمع‌آوری شده را برای اهداف مدیریت فرهنگی و سیاست‌گذاری فرهنگی در دسترس قرار می‌دهند و همکاری‌های فرهنگی را در همه سطوح تسهیل می‌کنند. رصدخانه‌ها درصددند که بازیگران فعال بازار فرهنگی باشند؛ از این رو، اصطلاح آزمایشگاه فرهنگی به طور فزاینده‌ای در حال ظهور است. با این حال، این نام، کمتر متداول است و به جای نشان دادن یک نوع منحصر به فرد از فعالیت، برای متمایز ساختن یک مؤسسه استفاده می‌شود.

در حال حاضر، مؤسسات متعددی به عنوان رصدخانه‌ها یا آزمایشگاه‌های فرهنگ شناخته می‌شوند. اهداف، قلمرو و اشکال فعالیت آنها از سطح منطقه‌ای به سطح بین‌المللی متفاوت است و شامل دیده‌بانی پدیده‌ها و یا مشارکت فعال در سیاست‌گذاری آگاهانه فرهنگی است. این موضوع توسط شوستر مورد تحقیق قرار گرفت که در سال ۱۹۹۹ به منظور تحلیل سیستم‌ها و مدل‌های فعلی اطلاعات فرهنگی به وی ماموریت داده شد. هدف، بررسی آنها و شناسایی مدلی بود که می‌تواند با بازار ایالات متحده (به صورت جزئی یا کلی) منطبق شود. برخی از سوالات تحقیقاتی وی عبارت

1. Dutch Boekman foundation.



مطالعات و پیش‌نگری (از وزارت فرهنگ و ارتباطات فرانسه) تأمین شده است، به کار خود ادامه می‌دهد.

بیش از ۵۰٪ از سی و هشت رصدخانه موجود (این رقم شامل شبکه‌های مشارکتی نیست، بلکه فقط سازمان‌های ساختارمند با کارکردهای پژوهشی را شامل می‌شود) قبل از ۱۹۷۰<sup>۱</sup> تاسیس شدند. در سال ۱۹۸۹، رصدخانه خط‌مشی‌های فرهنگی<sup>۲</sup> (گرنوبل، فرانسه) و در حال حاضر کالج‌رلینک<sup>۳</sup> در کرواسی (زاگرب) ایجاد شده‌اند.

در سال‌های بین ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۴ رصدخانه صوتی و تصویری اروپا<sup>۴</sup> در استراسبورگ، ERICarts مستقر در بن (آلمان) و EUCLID (مستقر در منچستر و لیورپول، انگلستان) پدید آمدند.

پس از سال ۱۹۹۵، رصدخانه‌های فرهنگی در نقاط مختلف جهان به سرعت ایجاد شدند (که ۱۴٪ از آنها پس از سال ۲۰۰۰ ایجاد شدند). معروف‌ترین آنها عبارتند از:

- Interarts، بارسلونا، اسپانیا؛
- مرکز تحقیقات سیاست فرهنگی، گوتنبرگ، سوئد؛
- رصدخانه فعالیت‌های فرهنگی، لیسبون، پرتغال؛
- ICAn، ناتینگهام، انگلستان؛
- رصدخانه فرهنگ شهری، بوگوتا، کلمبیا؛
- رصدخانه کارائیب کلمبیا، کلمبیا؛
- بنیاد آسیا-اروپا، سنگاپور؛
- رصدخانه فرهنگی، بوینس آیرس، آرژانتین؛
- تبادل خلاق، لندن، انگلستان؛
- رصدخانه فرهنگی پیمونت، تورین، ایتالیا؛
- رصدخانه بوداپست، بوداپست، مجارستان؛
- رصدخانه آمریکای لاتین، مونته‌ویدئو، اروگوئه؛
- رصدخانه سیاست‌های فرهنگی شهرداری، مونته‌ویدئو، اروگوئه؛
- رصدخانه سیاست‌های فرهنگی در آفریقا، ماپوتو، موزامبیک؛

**شرکت مشاوره خصوصی:** در اصل آن چیزی است

که دارای یک شخصیت تجاری باشد و تحقیق در مورد سیاست فرهنگی که توسط بسیاری از این شرکت‌ها انجام می‌شود، خلاصه و کوتاه مدت است. یکی از استثناهای بزرگ‌تر که توسط شوستر نقل شده است، اطلاعات بین‌المللی در مورد فرهنگ در لندن است - شرکتی که میراث پژوهشی و اطلاعات خصوصی شورای هنر بریتانیای کبیر را مالک شده است.

**رصدخانه فرهنگی:** فرمی از ادغام مدل‌های مختلف

است. مؤسساتی که خود را «رصدخانه‌های فرهنگی» می‌نامند، به عناصر مختلفی از تحقیقات فرهنگی می‌پردازند. از آنجا که رصدخانه‌ها معمولاً در ساختارهای دولتی کار نمی‌کنند، اغلب در یک کشور (به عنوان مثال در فرانسه) موارد متعددی از آنها وجود دارد. شمار روزافزون چنین مؤسساتی توجه یونسکو را جلب کرد و موجب شد ایده ترکیب آنها را در یک شبکه بین‌المللی ارائه دهد.

با این وجود، نمونه‌هایی که شوستر ذکر کرده است باید به عنوان نقطه شروع در نظر گرفته شوند. به عنوان مثال توزیع مشخصی از وظایف پژوهشی را در هلند می‌توان مشاهده کرد. اداره آمار مرکزی هلند منبع اصلی اطلاعات برای مؤسسات دولتی است؛ داده‌ها در گزارش‌هایی که بعداً منتشر می‌شوند، مورد تحلیل قرار می‌گیرند. وزارت آموزش و پرورش، فرهنگ و علم چنین گزارش‌هایی را به بنیاد بوکمن واگذار می‌کند و این بنیاد، دانش و اطلاعات مربوط به فرهنگ و هنر را از نظر سیاست و عمل، گردآوری و منتشر می‌کند. همچنین ضمن ترویج تحقیق و توسعه، دیدگاه‌هایی را درباره سیاست‌گذاری و انتشار سیاست‌های مربوط به هنر و فرهنگ ارائه می‌دهد [www.boekman.org].

بنیاد مذکور به عنوان یک کتابخانه و بایگانی مستندات نیز عمل می‌نماید و به سازماندهی کنفرانس‌هایی که هدفشان انتشار نتایج تحقیقات است، کمک می‌کند. با این حال، این بنیاد، سازمانی کاملاً مستقل نیست.

مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه نیز که در زمینه تأمین مالی بخش آموزش و پرورش فعالیت می‌کند، کاملاً مستقل نیست. این شبکه گسترده از مراکز علمی و پژوهشی به لطف کمک مالی و تحقیقاتی که توسط مرکز

۱. نتایج تحقیقات انجام شده برای پایان‌نامه دکترای کریستینا ارتگا نور از دانشگاه Deusto (بیلباو، اسپانیا) که در کنفرانس رصدخانه‌های فرهنگی و گروه کاری اطلاعات و دانش فرهنگی وابسته به ENCATC که در دسامبر ۲۰۰۸ برگزار شد، ارائه شد. این نتایج به خاطر حسن نیت نویسنده تحقیق در دسترس قرار گرفت.

2. Observatoire des Politiques culturelles

3. Culturelink

4. European Audiovisual Observatory

- رصدخانه بوینس آیرس<sup>۱</sup>، آرژانتین؛

- شورای ملی فرهنگ و هنر، شیلی.

ارتباط در زمینه تأمین مالی فرهنگ، سیاست فرهنگی، قانون و آمار است.

سازمانی که بیشترین اهمیت را برای خط‌مشی فرهنگی اروپا دارا می‌باشد، مؤسسه تحقیقات اروپایی<sup>۷</sup> برای خط‌مشی‌های تطبیقی فرهنگی و هنر<sup>۸</sup> است. این سازمان توسط انجمن اروپایی محققان و مراکز فرهنگی و مراکز تعالی<sup>۹</sup> که در عرصه فرهنگ در بسیاری از کشورهای اروپایی فعالیت می‌کنند، ایجاد شده است. این بنیاد، سازمانی مستقل و فراملی است که مطالعات تطبیقی و پایش تمام جنبه‌های فرهنگ (برای مثال خط‌مشی فرهنگی، بازار کار فرهنگی، صنایع فرهنگی و رسانه، مدیریت هنر و کلکسیون‌ها، آموزش هنر) را انجام می‌دهد. تلاش برای ترویج گفت‌وگوی فرهنگی و علمی در اروپا و جهان از طریق اقداماتی مانند نشریات، کنفرانس‌ها و پلتفرم‌های آنلاین انجام می‌گیرد. حوزه‌های اصلی فعالیت‌های آن عبارتند از: مقایسه خط‌مشی‌های فرهنگی و سیستم‌های مدیریتی، تحقیق در مورد روندها و نیازها در حوزه همکاری‌های فرهنگی و علمی اروپا، برنامه‌های تبادل کارکنان هنری و رسانه‌ای، ارتقاء شایستگی‌های حرفه‌ای کارکنان فرهنگ و رسانه و توسعه صنایع فرهنگی. همانطور که عنوان کامل آن نشان می‌دهد، این سازمان یک شبکه نیست، بلکه به عنوان یک مرکز دائمی با کارکنان پژوهشی خود، با هدف حفظ یک سازمان مستقل در سراسر اروپا تأسیس شده است. مهم‌ترین دستاورد مؤسسه تحقیقاتی اروپایی، پایه‌گذاری مجله خط‌مشی‌های فرهنگی<sup>۱۰</sup> در کشورهای اروپایی است که توسط شورای اروپا تهیه شده است و در سال ۲۰۰۰ با همکاری مرکز تحقیق و توسعه فرهنگی<sup>۱۱</sup> توسعه یافته است. این مجله هم‌اکنون به صورت آنلاین در دسترس است و به روزرسانی می‌شود<sup>۱۲</sup>.

بزرگترین تعداد رصدخانه‌ها یعنی بیست مورد از آنها در اروپا کار می‌کنند؛ ده مورد در آمریکای جنوبی، چند مورد در آمریکای شمالی و آفریقا، و یک مورد در آسیا وجود دارد. آنها طیف وسیعی از فعالیت‌ها را از محلی تا بین‌قاره‌ای<sup>۲</sup> دارا هستند. اکثر آنها (۳۸٪) در سطح بین‌المللی فعالیت دارند، ۲۳٪ دامنه فعالیت‌های خود را ملی اعلام می‌کنند و ۲۱٪ ادعا می‌کنند که در سطح بین‌قاره‌ای عمل می‌کنند<sup>۳</sup>. فعالیت‌های این رصدخانه‌ها بر زمینه‌های متفاوتی از خط‌مشی‌های فرهنگی، از طریق همکاری، مدیریت، بازار کار در فرهنگ و همه چیز در زمینه پیشرفت فناورانه، اقتصاد، و توسعه اجتماعی و تمدن متمرکز است. برخی در تلاش‌اند تا با تأثیرگذاری بر روند تصمیم‌گیری‌ها به ترویج توسعه بپردازند؛ برخی دیگر در تلاش‌اند همین کار را با تولید مقالات علمی، مطالعات، طرح‌ها و برنامه‌ها انجام دهند. علاوه بر این، رصدخانه‌های موجود، قلمروهای فعالیت مختلفی را ارائه می‌دهند که در نامگذاری‌ها، بیانیه‌ها و طرح‌های عملی آنها بیان شده است. برای مثال رصدخانه بوداپست<sup>۴</sup>، رصدخانه منطقه‌ای در زمینه تأمین مالی فرهنگ در اروپای شرقی - مرکزی، توسط بنیاد رصدخانه فرهنگی اروپای شرقی - مرکزی اداره می‌شود و فعالیت‌های آن ۱۸ کشور (از جمله لهستان) را پوشش می‌دهد که تاریخ مشترک و میراث پساکمونینست را به اشتراک می‌گذارند. ماموریت این رصدخانه «کمک به کسانی است که مایل به کسب اطلاعات بیشتر در مورد شرایط (تأمین مالی، قانون، مدیریت، سیاست) زندگی فرهنگی (فعالیت‌ها، محصولات و سازمان‌ها) در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی»<sup>۵</sup> هستند. کار آن بر تبادل تجربیات و اطلاعات با انجام فعالیت‌هایی مانند تولید کتاب‌های راهنما درباره «اقدامات خوب»، سیاست‌های منطقه‌ای<sup>۶</sup> مؤثر و غلط و روش‌های تأمین مالی فرهنگ متمرکز است. هدف دیگر آن حمایت از تحقیق و برقراری

7. ERICarts

8. European Research Institute for Comparative Cultural Policy and the Arts

9. Centers of Excellence

10. compendium of cultural policies

11. Cultural Information and Research Centers Liaison [CIRCLE]

12. www.culturalpolicies.net

1. OIC

2. transcontinental

4. BO

5. www.budops.org

6. sectorial

۳. مشاهدات نویسنده بر مبنای فهرست فوق

ارزیابی بین‌المللی قرار می‌دهد. به عنوان یک مرکز به پایش فعالیت‌های فرهنگی می‌پردازد و به شدت بر ارتباط فرهنگ و جامعه تأکید می‌کند. در سال ۱۹۸۵، این مرکز از استقرار ارتباط مراکز اطلاعات و تحقیقات فرهنگی در اروپا<sup>۴</sup> - حمایت کرد؛ شبکه‌ای که ده مؤسسه از کشورهای مختلف را گرد هم آورد. این امر امکان فعالیت‌های منظم، نشست‌های منظم برای بحث در مورد جدیدترین مسائل فرهنگی و همچنین داشتن اطلاعات به روز پیرامون روندهای متغیر خط‌مشی‌های فرهنگی را فراهم ساخت. از همه مهم‌تر، این شبکه، گروهی از محققان را گرد هم می‌آورد که افزون بر کار کردن در مراکز اطلاعات و تحقیقات فرهنگی در اروپا در بسیاری از مؤسسات دیگر به کار مشغول‌اند. به عنوان مثال پیتر اینکی<sup>۵</sup>، دبیر کل باسابقه این شبکه مدیر رصدخانه بوداپست نیز هست. بر اساس اطلاعاتی که از رئیس باسابقه شبکه، پروفیسور دوروتا ایلچاک<sup>۶</sup> گرفته شده است، از سال ۲۰۰۸ اقدامات شبکه به آرامی در حال زوال است و اعضای آن به‌طور فزاینده‌ای در سایر مؤسسات ساختاریافته مشغول به کار هستند.

مثال دیگر کالچرلینک<sup>۷</sup> است که «شبکه شبکه‌های تحقیق و همکاری»<sup>۸</sup> در توسعه فرهنگی است که توسط یونسکو و شورای اروپا در سال ۱۹۸۹ ایجاد شد و در مؤسسه روابط بین‌الملل در زاگرب، کرواسی واقع شده است. مأموریت کالچرلینک توسعه ارتباطات و همکاری بین اعضای شبکه است. هدف بلندمدت آن ایجاد یک سامانه اطلاعاتی جهانی برای تحقیق و همکاری در توسعه فرهنگ است. فعالیت‌های آن به‌طور کلی بر گردآوری، پردازش و انتشار اطلاعات در مورد زندگی فرهنگی و همچنین توسعه فرهنگی و خط‌مشی‌های کشورهای مختلف متمرکز شده است. این وظایف در سطوح مختلف اجرا می‌شود: از طریق یک صفحه اینترنتی، تهیه پایگاه‌های داده توسط خود مؤسسات، پروژه‌های تحقیقاتی، نشریات، فعالیت‌های هنری و همکاری بین‌المللی حوزه اصلی فعالیت

واژه «رصدخانه‌های فرهنگی» بسیار محبوب است و برای نشان دادن طیف وسیعی از فعالیت‌ها استفاده شده است. بسیاری از مؤسسات تحقیقاتی یا اطلاعاتی در قالب شبکه‌ها (مدل‌هایی که بر اساس مؤسسات نیستند) عمل می‌کنند. شکل‌گیری آنها معمولاً بر اساس خط‌مشی فرهنگی یونسکو و شورای اروپا است.

بنابراین، شبکه بین‌المللی رصدخانه‌ها در حوزه خط‌مشی‌های فرهنگی نیز که تحت نظارت یونسکو فعالیت می‌کند، یک رصدخانه است. این نهاد یک شبکه بین‌المللی است که از مراکز گردآوری اطلاعات درباره خط‌مشی‌های فرهنگی تشکیل شده است. هدف از این همکاری، تبادل مستمر اطلاعات در حوزه برنامه‌ریزی و ارزیابی خط‌مشی‌های فرهنگی، ترویج پژوهش‌های علمی و تحلیل سیاست‌های فرهنگی است. در اصل، این شبکه باید منعکس‌کننده تنوع جغرافیایی-فرهنگی<sup>۱</sup> باشد، هماهنگی فعالیت‌ها را بهبود بخشد و مراکز مسئول اجرای ابتکارات خاص را در یک منطقه معین شناسایی کند.

شبکه «آزمایشگاهی برای فرهنگ»<sup>۲</sup> برنامه اینترنتی است که با حمایت بنیاد فرهنگی اروپا ایجاد شده است. هدف آن ترویج همکاری اروپا در بخش فرهنگی و همچنین تبادل فرهنگی در سطح بین‌المللی، آغاز مباحثات فرهنگی، انتشار اطلاعات در مورد فعالیت‌های فرهنگی و حمایت از تحقیقات علمی اروپا در ارتباط با فرهنگ است. این پلتفرم برای همه متخصصان حوزه همکاری فرهنگی اروپا و برای سایر علاقه‌مندان به آن، طراحی شده است. آزمایشگاه فرهنگ که در ابتدا به عنوان یک پروژه آزمایشی برای دوره ۲۰۰۴-۲۰۰۸ ایجاد شد، همچنان در حال اجراست و در نسخه‌های شش‌زبانی - انگلیسی، فرانسوی، ایتالیایی، آلمانی، اسپانیایی و لهستانی - اجرا می‌شود.

شورای اروپا که در سال ۱۹۴۹ شکل گرفت، در طول سال‌ها در شماری از پروژه‌های پان-اروپایی<sup>۳</sup> مربوط به خط‌مشی‌های فرهنگی دخیل بوده است. این شورا واحدهای تحقیقاتی دائمی ایجاد نمی‌کند، بلکه به مسائل نوظهور از طریق پروژه‌ها و برنامه‌ها می‌پردازد و آنها را در معرض

4. Cultural Information and Research Centers Liaison in Europe [CIRCLE]

5. Péter Inkei

6. Dorota Ilczuk

7. Culturelink

8. The Network of Networks for Research and Cooperation

1. Geocultural

2. LabforCulture

3. Pan-European

- پاسخ به نیازهای مؤسسات فرهنگی از قبیل ایجاد شرایط و آغاز همکاری‌های محلی، ملی و بین‌المللی علاوه بر آموزش مدیران.

### قلمرو

غالب تحقیقات انجام شده در سطح جهانی شامل گسترش پایگاه آماری است. با وجود تغییراتی که در سال‌های اخیر مشاهده شده است، مؤسسات تحقیقاتی که در زمینه فرهنگ فعالیت می‌کنند، بیشتر به انباشت اعداد توجه دارند، نه به تحلیل‌ها و در واقع به همین دلیل دائماً مورد نقد قرار می‌گیرند. مسئله، کمبود داده نیست، بلکه این واقعیت است که داده‌ها به اندازه کافی مورد استفاده قرار نمی‌گیرند. در اکثر کشورها، داده‌های آماری به طور منظم به دست می‌آیند و به مجموعه‌ای با پتانسیل کاربردی بسیار بالا می‌رسند. با این حال، گردآوری و در دسترس بودن داده جایگزین تحلیل و پژوهش شده است و نقدها در این زمینه ادامه دارد. برای مثال تی. چنی<sup>۱</sup> اشاره می‌کند که مقدار زیادی اطلاعات در دسترس است، اما ظرفیت سازمانی برای تحلیل آنها محدود است. آلن پیکاک<sup>۲</sup> خاطرنشان کرد:

بزرگترین موزه‌ها و گالری‌ها و همچنین شرکت‌های بزرگ که از سوی شورای هنر اسکاتلند حمایت مالی می‌شوند، اعداد مورد نیاز قانون را تولید می‌کنند، اما این اعداد تحت هیچگونه تحلیلی قرار نمی‌گیرند یا دست کم آن تحلیلی نیست که منافع عمومی را به ارمغان بیاورد [۱].

از یک سو، تلاش‌های فعال باید بر تحلیل پدیده‌ها، توسعه رویکرد یکپارچه به مسائل مختلف و توسعه روش‌شناسی تحقیق (تحقیقات بنیادین) تمرکز داشته باشد؛ از سوی دیگر، باید شامل تحقیقات کاربردی نیز باشند. به‌طور خاص، این تلاش‌ها باید شامل موارد زیر باشند:

پایش فرایندهای فرهنگی در سطح ملی و بین‌المللی، برای مثال توسعه شبکه‌های فرهنگی، همکاری بین‌المللی، پیگیری روندهای فرهنگی، فناوری‌های جدید در فرهنگ و گردشگری فرهنگی.

آن ترویج پروژه‌های تحقیقاتی مشترک منطقه‌ای، بین منطقه‌ای و بین‌المللی پیرامون خط‌مشی‌های فرهنگی، ارتباطات بین‌المللی، هویت فرهنگی و تأثیر اصلاحات بر وضعیت فرهنگ است.

همچنین لازم است از گروه کاری ENCATC در حوزه رصدخانه‌های فرهنگی و اطلاعات و دانش فرهنگی نام ببریم که هدف آن پایش پدیده‌های فرهنگی و گرد هم آوردن نمایندگان جوامع علمی و رصدخانه‌ها و شبکه‌های موجود است.

صرف نظر از مدل سازمانی و مالی پذیرفته شده یا دامنه فعالیت‌های رصدخانه‌ها، می‌توان آنها را از منظر کسب‌وکارشان مورد بحث قرار داد. بر اساس بررسی‌های اولیه نویسنده که در این مقاله بیان شد، در دهه ۱۹۹۰ فعالیت‌های رصدخانه‌ها گسترش یافت و یکی از مهم‌ترین اشکال آن فعالیت‌ها بیش از آنکه انجام پژوهش به منزله محرکی برای توسعه فرهنگ باشد، به ابزاری برای دستیابی به این هدف تبدیل شد. بر اساس تحلیل فعالیت‌های رصدخانه‌ها، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که یک رصدخانه فرهنگی دقیقاً چه چیزی است و چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد تا به عنوان رصدخانه فرهنگی محسوب شود. این گزیده تلاش خواهد کرد تا به چندین پرسش اساسی در مورد اهداف، قلمرو، شکل فعالیت و انتشار اطلاعات رصدخانه پاسخ دهد.

### اهداف رصدخانه‌های فرهنگی

تحلیل فعالیت‌های مؤسسات مذکور نشان می‌دهد که صرف نظر از اینکه با سازمان یا شبکه محلی، ملی یا جهانی مواجه هستیم، هدف اصلی، مدیریت دانش در حوزه فرهنگ و همچنین تحریک توسعه آن از طریق فعالیت‌هایی مانند گردآوری (از جمله پژوهش)، ذخیره سازی و به اشتراک‌گذاری اطلاعات در مورد فرهنگ است. اهداف دیگر شامل تسهیل مدیریت مؤسسات فرهنگی دولتی و خصوصی و نیز مشارکت فعال در سیاست‌گذاری آگاهانه است. این امر باید توسط موارد زیر انجام شود:

- آغاز و هماهنگ کردن فعالیت‌های علمی و پژوهشی در زمینه فرهنگ؛
- پایش فرایندهای فرهنگی؛

1. T. Cheney  
2. Alan Peacock

**آغاز و هماهنگ کردن فعالیت‌های علمی و****پژوهشی در زمینه فرهنگ:**

- تعیین روندها و موضوعات پژوهشی؛
- آغاز و انجام تحقیقات علمی؛
- تدوین واژه‌شناسی تخصصی؛
- سازماندهی جلسات و کنفرانس‌های علمی؛
- تهیه آثار تحلیلی، نظرات، دیدگاه‌ها و چشم‌اندازهای کارشناسی؛
- مدیریت پروژه‌های تحقیقاتی؛
- مشاوره و رایزنی؛
- خدمات نشر از جمله کتاب‌ها، کتابشناسی‌ها، مجلات، مقالات کنفرانس‌ها.

**پایش فرایندهای فرهنگی:**

- گردآوری اطلاعات به روز در مورد شرایط ملی و جهانی فرهنگ، تعریف استانداردها، ایجاد و اجرای نظام شاخص‌ها؛
- شناسایی روندهای جدید در فرهنگ؛
- پردازش اطلاعات، ساخت پایگاه داده فرهنگی؛
- ایجاد سامانه الکترونیکی اطلاعات فرهنگی.

**پاسخ به نیازهای مؤسسات فرهنگی:**

- آغاز گفت‌وگو درباره فرهنگ و مدیریت فرهنگی، از جمله برگزاری نشست‌ها، کنفرانس‌ها، کارگاه‌ها و بحث‌ها که کارشناسان فرهنگی را گرد هم می‌آورد.
- هماهنگ‌سازی همکاری میان بخش‌های مختلف فرهنگ؛
- ایجاد شبکه‌ای از مؤسسات و سازمان‌ها که به همکاری با یکدیگر می‌پردازند.
- فعالیت‌های آموزشی، به عنوان مثال کارآموزی؛
- مدیریت پروژه فرهنگی؛
- فعالیت‌های اطلاعاتی، به عنوان مثال قرار دادن اطلاعات گردآوری شده در دسترس مخاطبان ذینفع در قالب فرم‌های از پیش تنظیم شده؛
- جست‌وجوی منابع مالی.

مدیریت فرهنگ، شامل:

- (الف) خط مشی‌های فرهنگی - پروژه‌ها و پیشنهادات ختم‌شده ملی، منطقه‌ای و محلی برای یک دوره، دیدگاه‌ها و نگرش‌های معین
- (ب) قانون‌گذاری؛
- (ج) اقتصاد فرهنگی: زیرساخت‌ها، منابع و روش‌های تأمین مالی پروژه‌های فرهنگی (چه حرفه‌ای و چه آماتور)، مدیریت مالی در مؤسسات فرهنگی؛
- (د) بازار فرهنگ - عرضه و تقاضا، تبلیغات، بازاریابی، روابط عمومی، حمایت مالی؛
- (ه) برنامه‌ها و پروژه‌های فرهنگی؛
- (و) مسائل مربوط به مشاغل در بخش فرهنگی، جابجایی کارکنان و هنرمندان، اشتغال و حقوق؛
- (ز) مدیریت نهادهای فرهنگی (از جمله موزه‌ها و گالری‌ها، آرشیوها، میراث ملی، حفظ و نگهداری آثار تاریخی، ادبیات، کتاب‌ها، مجلات، موسیقی، رقص، تئاتر، هنرهای سمعی بصری، کتابخانه‌ها).

**روش‌شناسی پژوهش فرهنگی**

فرهنگ در مقابل سایر علوم مانند انسان‌شناسی، فلسفه، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی (به عنوان مثال فعالیت فرهنگی اجتماعی، آمادگی برای پذیرش هنر، فرصت‌های اقتصادی، سطح آگاهی از نیازهای فرهنگی خود، ایجاد حس هویت فرهنگی در یک منطقه معین ژئوپلیتیک، جهانی شدن و رفتار فرهنگی جوامع و افراد)؛

فعالیت‌های فرهنگی حرفه‌ای / آماتور و خصوصی / عمومی در زمینه‌های مختلف فرهنگی شامل ادبیات، هنرهای زیبا، طراحی، تئاتر، موسیقی، فیلم، معماری، رادیو، تلویزیون، چندرسانه‌ای، هنرهای سمعی بصری، میراث فرهنگی، رسانه‌های جدید (رویدادها، پروژه‌ها، خلق و گردش آثار هنری، محصولات فرهنگی ملموس و ناملموس).

**انواع فعالیت**

این وظایف از طریق اقدامات خاص مرتبط با سه هدف ذکر شده انجام می‌شود:

## انتشار اطلاعات

به اشتراک‌گذاری اطلاعات باید بر اساس راه‌حل‌های مدرن مبتنی بر ICT و در درجه اول بر روی صفحه‌های اینترنت آنلاین باشد. بخش اعظم اطلاعات گردآوری، اما به ندرت توزیع می‌شود. امروزه انتشار اطلاعات معمولاً از طریق نشر نتایج تحقیق انجام می‌شود که برای خواننده عمومی داخلی و خارجی یا غیرقابل دسترس یا غیرقابل درک هستند. این مورد بسیار نادر است زیرا فعالیت اکثریت رصدخانه‌ها بین‌المللی است.

استفاده از صفحات وب، دسترسی سریع و همزمان به انواع منابع اطلاعاتی را برای یک خواننده بالقوه فراهم می‌کند. چنین منابعی باید در پایگاه‌های داده و بولتن‌های خبری آنلاین ذخیره شوند که در سرور رصدخانه و سرورهای مؤسسات همکار واقع شده‌اند. دسترسی به منابع باید براساس نوع کاربر متفاوت باشد و هزینه‌هایی برای گزینه‌های خاص در نظر گرفته شود. این پلت‌فرم علاوه بر نسخه الکترونیکی، باید دارای نسخه چاپ شده در کتابخانه رصدخانه نیز باشد.

مسئله دیگر زبان است. بسیاری از رصدخانه‌ها صفحات اینترنتی و محتویات آن را فقط به زبان مادری خود منتشر می‌کنند که در صورتی که فقط در سطح ملی یا محلی عمل کنند، قابل درک است؛ اما زمانی که سازمان در مقیاس وسیع‌تر عمل می‌کند یا مدیریت ملی خود را به نمایش می‌گذارد، توجیه آن دشوارتر است.

هیچ جایی همچون صفحات اینترنتی وجود ندارد که نتایج مطالعات انجام شده را بتواند در دسترس قرار دهد. گزارش‌های فردی اغلب بر روی شبکه جهانی وب پراکنده می‌شوند و یافتن شان بسیار دشوار است. بسیاری از اوقات، فرد حتی نمی‌داند که یک مطالعه خاص انجام شده است.

سخنان جی. هاگورت<sup>۱</sup> از دانشگاه اوترخت<sup>۲</sup> در کتاب منتشر شده در سال ۱۹۹۲، بهترین نتیجه‌گیری را ارائه می‌دهد. آنها ثابت می‌کنند که جهان دائماً در حال تغییر است، همانگونه که ۲۰ سال پیش تغییر می‌کرد، و بنابراین تحلیل و سنجش این پدیده‌ها بسیار دشوار است:

«تاکنون مهم‌ترین وظیفه برای یک مدیر فرهنگی، ایجاد شرایط بنیادی برای فرایند خلاقیت بود. امروزه این وظیفه در حال تغییر است و نیازمند مشاهده دقیق خود فرایند است؛ فرایند مدیریت فرهنگ و نیز توسعه بیشتر افق فرهنگی-سیاسی که مجدداً جایگاه فرهنگ را در جامعه (جهان) پیوسته در حال تغییر تعریف خواهد کرد» [۷].

## ۳. نتیجه‌گیری

تحلیل فوق منجر به چندین نتیجه‌گیری می‌شود. هر تلاشی برای بحث درباره رصدخانه‌های فرهنگی، خالی از خطر نیست. این امر به خاطر این واقعیت است که: انجام یک طبقه‌بندی واضح برای تعیین اینکه رصدخانه چه چیزی است و چه چیزی نیست، بی‌نهایت دشوار است. اکثر مدل‌ها هم از لحاظ شکل سازمانی و هم شکل عملکردی به صورت ترکیبی<sup>۳</sup> هستند. همان طور که قبلاً ذکر شد، شمار پیشنهادی رصدخانه‌ها در مطالعه اخیر سی. اُرنگا باید بسط یابد؛ به عنوان مثال توسط مؤسسه خط‌مشی فرهنگی<sup>۴</sup> در روسیه، رصدخانه تنوع فرهنگی در توسعه انسانی آسیا-اقیانوسیه<sup>۵</sup> در استرالیا، رصدخانه یونسکو با موضوع هنر در آموزش و پرورش<sup>۶</sup> برای تحقیق درباره فرهنگ بومی و خلاقیت در آموزش و پرورش در هنگ کنگ، یا مؤسسه فرهنگ و گردشگری کره<sup>۷</sup> (اما اینها فقط چند نمونه‌اند).

در بسیاری از قسمت‌های مقاله، مشاهده شد که امروزه رصدخانه‌ها فعالیت بسیار گسترده‌ای دارند - نه تنها در تحلیل فرهنگ، بلکه همچنین به عنوان محرکی برای توسعه آن فعالیت می‌کنند.

بنابراین، این پرسش‌ها باقی می‌مانند: آیا این مشخصه، ویژگی جدید رصدخانه‌ها است؟ آیا این امر، نتیجه یک ضرورت است: ماندن در بازار و یافتن منابع سرمایه‌گذاری؟ شایان ذکر است افزایش فعالیت‌ها تنها مشخصه رصدخانه‌هایی که در دهه گذشته ایجاد شده‌اند، نیست.

3. Mixed

4. Informkultura

5. The Pacific Asia Observatory of Cultural Diversity in Human Development

6. UNESCO Arts in Education Observatory

7. Korean Culture and Tourism Institute

1. G. Hagoort

2. Utrecht

دانش توسط رصدخانه‌ها استفاده می‌شود و نحوه استفاده از آن برای اجرای خط‌مشی‌های فرهنگی چگونه است؟ در بخش آخر مقاله که به انتشار اطلاعات اختصاص داشت، نشان داده شد که این بخش، ضعیف‌ترین نقطه عملکرد رصدخانه‌ها است. برای تأیید این امر، انجام تحقیقات بیشتر و عمیق‌تر ضروری است

خطر بالقوه‌ای که ممکن است به آن اشاره شود، کم‌رنگ شدن فعالیت‌هایی است که تاکنون فعالیت‌های اکثر رصدخانه‌ها را توصیف کرده است. پرسش‌های بیشتری می‌تواند مطرح شود. به نظر می‌رسد مهم‌ترین پرسش این باشد که: در حال حاضر مدیریت دانش چه مواردی را دربرمی‌گیرد؟ چگونه این

## References

## منابع

- [1] Schuster J. M. 2007. *Informing Cultural Policy- Research and Information Infrastructure*, Krakow. pp. 277.
- [2] Huntington, P. S. & Harrison, E. L. (eds.), 2000. *Culture matters- How Values Shape Human Progress*, Poznań, pp. 348.
- [3] Von Herder, J. G. 1962. *Philosophy of history of man*, PWN, Warszawa, pp. 550.
- [4] KEA. 2006. *The Economy of Culture in Europe*. Study prepared for the European Commission, October 2006. pp. 13.
- [5] Ginsburgh A. V. & Throsby, D. (eds.), 2006. *Handbook of the Economics of Art and Culture*, Vol. 1. Amsterdam: Elsevier. pp. 1400.
- [6] UNESCO. 2009. *UNESCO Framework for Cultural Statistics*, pp. 100.
- [7] Hagoort G., 1997. *Cultural entrepreneurship. An introduction to arts management*, Kraków.





## معرفی کتاب



## ارزیابی پژوهش در علوم انسانی: معیارها و روشها

فرزانه قنادی نژاد\*

۱. دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران

**Ochsner, Michael; Hug, Sven E.; Daniel, Hans-Dieter (2016). Research Assessment in the Humanities: Towards Criteria and Procedures. America: Springer. 247 p. ISBN 978-3-319-29014-0**

در طول دهه‌های گذشته، شاهد رواج روش‌های کمی، برای ارزیابی پژوهش‌ها، به ویژه در حوزه‌های علوم طبیعی و مهندسی بوده‌ایم. با وجود این که روشن است که این روش‌های کمی، نمی‌تواند در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی کاربرد داشته باشد، اما با این حال، هنوز فشارها بر این حوزه‌ها وجود دارد که خود را با روش‌ها و معیارهایی که برای ارزیابی پژوهش‌ها در علوم طبیعی استفاده می‌شود، سازگار سازند.

فشاری که بر روی پژوهشگران علوم انسانی و علوم اجتماعی وجود داشته تا ارزیابی پژوهش‌های خود را به صورت کمی انجام دهند، منجر به واکنش‌های اعتراض‌آمیزی از سوی انجمن‌های این حوزه‌ها شده است. این اعتراضات باعث شد تا پژوهش‌های مختلفی بر روی این موضوع آغاز شود. همزمان با این اعتراضات، کتاب *ارزیابی پژوهش‌ها در علوم انسانی: به سوی معیارها و روش‌ها* در جهت توجه به ایجاد روش‌ها و معیارهایی که برای ارزیابی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی مناسب باشد، توسط انتشارات اشپرینگر به چاپ رسیده است.

ویراستاران این کتاب (مایکل اوکسنر<sup>۱</sup>، سون ای. هاگ<sup>۲</sup> و هانس-دیتر دانیل<sup>۳</sup>)، با همکاری ۲۵ نفر از پژوهشگران مشهور بین‌المللی که دارای رتبه‌های دانشگاهی و پیش‌زمینه‌های مختلف در علوم انسانی و علوم اجتماعی هستند، به تألیف این کتاب پرداخته‌اند. تألیف این کتاب از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ به طول انجامید و در پنج بخش و ۱۷ فصل تنظیم شده است:

بخش اول، از یک سو، شرایط نگارش کتاب را تشریح می‌کند، و از سوی دیگر، شامل مطالعات تجربی در خصوص چگونگی داوری‌ها در علوم انسانی و تفکرات پژوهشگران این حوزه‌هاست. علاوه بر این، دلایلی را بیان می‌نماید که بر اساس آن‌ها، رشته‌های علوم انسانی باید ارزیابی‌های خود را خود به دست گیرند. بخش اول شامل چهار فصل به شرح زیر است:

در فصل اول، یک مطالعه موردی که در آن از روش‌های کتاب‌سنجی در ارزیابی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی استفاده شده بود، مورد بررسی قرار گرفته و مشخص شد که به کارگیری این روش‌ها در علوم انسانی دشوار است. پروژه‌ای انجام شد تا ابزارها و روش‌های جایگزینی مورد بررسی قرار گیرد که در آنها جنبه‌هایی اندازه‌گیری می‌شدند که سنجش آنها توسط روش‌های سنتی کتاب‌سنجی، امکان‌پذیر نبود.

فصل دوم، به این مبحث اختصاص یافته است که علوم انسانی باید سیستمی را ایجاد نمایند که بتوانند پژوهش‌های خود را ارزیابی کنند تا توسط سیستم‌های دیگری که با ماهیت پژوهش‌های انسانی همخوانی ندارند، مورد ارزیابی قرار نگیرند.

فصل سوم، به مسأله چگونگی ارزیابی پژوهش‌ها توسط پژوهشگران علوم انسانی و اجتماعی در پنل‌های تخصصی داوری اختصاص دارد. بنابراین، اشتراکات و افتراقات بین روش‌های مختلف علوم انسانی و علوم اجتماعی در چگونگی ارزیابی پژوهش‌ها به وسیله قواعد غیر رسمی<sup>۴</sup> را بیان می‌کنند و تأثیر سیستم‌های ارزیابی بر روی این قواعد را ذکر می‌نمایند.

فصل چهارم به این مسئله پرداخته که پژوهشگران علوم انسانی، چه درکی از کیفیت پژوهش‌ها دارند. نویسندگان اشاره کرده‌اند که چنانچه بخواهیم پژوهش‌ها در علوم انسانی را به صورت درست و مناسبی ارزیابی کنیم، باید گستره وسیعی از معیارهای کیفی را مد نظر قرار دهیم. آنها همچنین نشان دادند که اکثریت پژوهشگران علوم انسانی، روش‌های ارزیابی که صرفاً کمی هستند را رد می‌کنند.

بخش دوم، متمرکز بر رتبه‌بندی انتشارات و بانک‌های انتشاراتی<sup>۵</sup> است. انتشارات در قلب کارهای علمی جای دارند. بنابراین، اغلب برای ارزیابی پژوهش‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند که این کار معمولاً با شمارش ساده‌ی تعداد یک واحد یا با رتبه‌بندی‌های پیچیده کانال‌های انتشاراتی انجام می‌شود. بررسی‌ها بیانگر آن بود که در خصوص انتشارات علوم اجتماعی، علوم انسانی و حقوق، با خلأ اطلاعاتی روبه‌رو هستیم. ایجاد یک بانک داده برای انتشارات علوم اجتماعی، علوم انسانی و حقوق می‌تواند پژوهش‌های این حوزه‌ها را بیش‌تر دسترس‌پذیر کند و فرایند بازایی اطلاعات را بهبود بخشد. همچنین به صورت همزمان می‌تواند به رهبران پژوهش‌ها در ارزیابی این پژوهش‌ها یاری رساند.

در فصل اول این بخش، گزارشی از چندین نفر از بنیان‌گذاران پژوهش‌های ملی ارائه می‌شود تا یک بانک داده را برای علوم اجتماعی و علوم انسانی ایجاد نماید. همچنین الزاماتی که برای ایجاد یک بانک داده جامع لازم است که بتواند برای علوم اجتماعی، علوم انسانی و حقوق مفید باشد نیز توصیف می‌شود.

در فصل دوم، این بانک داده در قابل مدلی در سطح ملی مطرح می‌شود. این بانک، پژوهش‌های علوم انسانی را قابل رؤیت ساخته و امکان بازایی آثار منتشر شده از طریق این بانک داده، فراهم می‌شود.

فصل سوم اشاره دارد که در اکثر موارد، انتشارات صرفاً شمارش نمی‌شوند، بلکه بر اساس ارزش علمی که دارند، توزین نیز می‌شوند.

1. Michael Ochsner  
 2. Sven E. Hug  
 3. Hans-Dieter Daniel  
 4. Informal rules  
 5. Publication database

در فصل چهارم این بخش، یک پروژه پژوهشی تحت عنوان شاخص‌های کیفیت پژوهشی در نظام‌های دانشگاهی اروپا<sup>۱</sup> انجام شده است که مأموریت آن، توسعه رویکردهای جدید برای ارزیابی کیفیت آثار پژوهشی بود. در این فصل، اشاره شده که روش‌های سنتی ارزیابی کیفیت آثار پژوهشی، به شدت وابسته به روش‌های رتبه‌بندی بر اساس استنادات و ضریب تأثیر مجلات است. این پروژه برای ترکیب روش‌های ارزیابی و شاخص‌های مختلف برای تسهیل بررسی‌ها و همچنین بالا بردن شفافیت فرایندهای ارزیابی مطرح شده است.

بخش سوم به موضوع کتاب‌سنجی در علوم انسانی می‌پردازد. این بخش محدودیت‌ها و مزایای بالقوه‌ای را بررسی خواهد کرد که در صورت استفاده از روش‌های کتاب‌سنجی در پژوهش‌های علوم انسانی با آنها مواجه خواهیم شد. فصل اول این بخش، ابزارهای مدرن کتاب‌سنجی در علوم انسانی را تشریح می‌کند. در این فصل اشاره شده که هر چند از کتاب‌سنجی، نمی‌توان به آسانی برای ارزیابی پژوهش‌ها در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی استفاده نمود، با این حال، می‌توان از آن به گونه‌ای که با این علوم سازگار شده باشند، به عنوان ابزاری مکمل برای ارزیابی‌ها بهره برد. در فصل دوم، به این مسئله پرداخته شده که چرا نمی‌توان از تجزیه و تحلیل کتاب‌ها و مراجع در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی استفاده نمود. به نظر می‌رسد پژوهشگران این حوزه، آثار سایر پژوهشگران این حوزه را مطالعه نمی‌کنند یا حداقل در آثار خودشان، به آنها استناد نمی‌کنند. به منظور اثبات این ادعا، رفتار استناددهی پژوهشگران این حوزه بررسی و نشان داده شده که ارزیابی عملکرد پژوهش‌ها با استفاده از تجزیه و تحلیل کتاب‌ها در این علوم، امکان‌پذیر نیست. بخش چهارم به ارزیابی‌های پیشین پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی در عمل می‌پردازد و روش‌های خاص در ارزیابی‌های مربوط به علوم انسانی را مطرح می‌کند.

با توجه به این که ارزیابی پژوهش‌ها با استفاده از کتاب‌سنجی، (هنوز) در علوم انسانی امکان‌پذیر نیست، بنابراین پژوهش‌های این حوزه، بر اساس قواعد خود مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. فصل اول از این بخش، روش‌هایی را بیان می‌کند که پژوهش‌های علوم انسانی در عمل، مطابق با آنها ارزیابی می‌شوند و نشان می‌دهد که این ارزیابی‌ها به چه شکلی هستند. در فصل دوم این بخش، گزارشی ارائه شده است که در بنیاد فولکس واگن<sup>۲</sup>، که یکی از بزرگ‌ترین مؤسسات سرمایه‌گذاری خصوصی برای پژوهش‌ها در اروپا است، پژوهش‌های علوم انسانی چگونه مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. آنها پیشنهاد کردند که ارزیابی پژوهش‌های علوم انسانی، بر اساس چهار شاخص انجام شود: زیرساخت<sup>۳</sup>، نوآوری<sup>۴</sup>، بین‌رشته‌ای بودن<sup>۵</sup> و بین‌المللی بودن<sup>۶</sup>.

فصل سوم از این بخش، روش‌های ارزیابی در فرانسه را تبیین می‌نماید. در این فصل پس از توضیح فعالیت‌های ارزیابی انجام گرفته توسط بازیگران کلیدی حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی در فرانسه، دو پروژه در حال اجرا تشریح می‌شود که به درک ویژگی‌های پژوهش‌های علوم انسانی در فرانسه کمک می‌کند.

بخش پنجم بر روی یک روش پیشین در ارزیابی این پژوهش‌ها تمرکز دارد که اکنون به‌طور کامل طراحی مجدد شده تا با نیازهای مربوط به ارزیابی‌های علوم انسانی همسو شود: امتیازدهی پژوهش‌های انجام شده تحت عنوان انگلیستیک و امریکانیستیک<sup>۷</sup> که توسط شورای علوم و علوم انسانی آلمان<sup>۸</sup> انجام شده بود.

فصل اول، فرایندی را که برای استخراج یک روش امتیازدهی مقبول برای علوم انسانی از سوی گروهی از متخصصین این حوزه اجرا شده است را توصیف می‌نماید.

1. European Educational Research Quality Indicators (EERQI)
2. Volkswagen
3. Infrastructue
4. Innovation
5. Interdisciplinarity
6. Internationality
7. Anglistik/Amerikanistik
8. German Council of Science and Humanities

فصل دوم، دیدگاه‌های موافق و مخالف برای مشارکت در فعالیتهای امتیازدهی از نظر رؤسای دو انجمنی که در آن شرکت کردند، یعنی انجمن آلمانی برای مطالعات انگلیسی و انجمن آلمانی برای مطالعات آمریکایی را نشان می‌دهد.

فصل سوم، روش دقیق امتیازدهی به پژوهش‌های انگلیستیک/امریکانیستیک را تشریح نموده و نتیجه می‌گیرد که امتیازدهی به پژوهش‌ها برای ارزیابی پژوهش‌ها مناسب است. در ادامه، انتقادات و نگرانی‌هایی که در امتیازدهی وجود داشته و همچنین مزایای آن مطرح می‌شود.

فصل چهارم، یک تحلیل تجربی از امتیازدهی‌های انجام شده در پژوهش انگلیستیک/امریکانیستیک را بیان می‌کند. تحلیل‌های نویسنده نشان از قابلیت اطمینان بالا در امتیازدهی به پژوهش‌ها دارد.



## گزارش‌ها

\* در این بخش فعالیت سازمان‌ها و نهادهای مرتبط در حوزه علم، فناوری و نوآوری در قالب گزارش معرفی می‌شود.



## دومین نشست تعامل نظام دانشگاهی و فضای اجتماعی

دومین نشست تخصصی «تعامل نظام دانشگاهی و فضای اجتماعی» در تاریخ ۲ بهمن ۹۷ در مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور برگزار شد. پس از برگزاری نخستین نشست تخصصی تعامل نظام دانشگاهی و فضای اجتماعی در تاریخ ۲۶ آبان ۹۷ و در آستانه برگزاری نخستین همایش ملی «تعامل نظام دانشگاهی و فضای اجتماعی: ضرورت مبانی و راهکارها»، دومین نشست تخصصی تعامل نظام دانشگاهی و فضای اجتماعی با سخنرانی دکتر رضا منصوری، استاد دانشگاه صنعتی شریف و دکتر بهزاد سلطانی، عضو هیات علمی دانشگاه کاشان با حضور از اعضای هیأت علمی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور و علاقه‌مندان برگزار شد. دکتر منصوری ضمن تأکید بر اینکه دانشگاه و جامعه دو عنصر جدانشدنی هستند، گفت: در کشورهای پیشرفته و صنعتی در صورت تعطیلی دانشگاه صنعت دچار مشکل خواهد شد؛ این در حالیست که در کشور ما اینگونه نیست. از بعد از دوران مشروطه در ۲۰۰ سال اخیر، به دینامیک دو مفهوم دانشگاه و جامعه توجه نشده است. دانشگاه یک نهاد اجتماعی است که پدیده علم، بخشی از آن است. همینطور علم نیز یک پدیده اجتماعی است که این پدیده از جنس تکامل داروینی است که در چند صد سال اخیر قوام پیدا کرده و به شکل علم امروزی درآمده است و قطعاً در مفهوم دانشگاه هم اثر می‌گذارد. باید در دانشگاه‌ها دینامیک تحولات اجتماعی را ببینیم و پیش‌بینی نیازهای آینده را هم بکنیم و بدانیم که تا ۵۰ سال آینده دنیا به چه سمتی خواهد رفت. دکتر منصوری با تأکید بر اینکه دانشگاه‌های جهان دائماً در حال تحول هستند، به انقلاب‌های مهمی که در دانشگاه‌های جهان باعث به وجود آمدن شکل جدیدی از دانشگاه‌ها شدند، اشاره کرد و افزود: هیچ یک از دانشگاه‌های ما بر مبنای اینکه دائماً باید تغییر کنند ایجاد نشده‌اند. هیچ یک از فعالیت‌های دانشگاه که امروزه نقش مهم‌تری دارند، به یک باره به وجود نیامدند، بلکه قبلاً هم وجود داشتند و فقط میزان اهمیت و نقش آنها کم و زیاد شده است. امروزه فناوری نقش مهمی در فعالیت‌های دانشگاه‌ها پیدا کرده‌اند.

در واقع این اجتماع علمی است که دانشگاه را به وجود می‌آورد و مشکلات جامعه از طریق اجتماع علمی وارد دانشگاه شده، بررسی و راه‌حل‌های آنها پیدا می‌شوند؛ ولی متأسفانه در ایران به این مورد بسیار کم توجه می‌شود. خود ما دانشگاهیان باید به فکر باشیم تا راه‌های ارتباط جامعه و دانشگاه را طوری که با تاریخ ما سازگار باشد، تعریف کنیم.

در ادامه این نشست، دکتر سلطانی ضمن اشاره به تاریخچه پیدایش دانشگاه گفت: کارکردهای تکنیکی دانشگاه به ۶ دسته آموزش، پژوهش، تولید انسان فرهیخته، کارآفرینی، توسعه اقتصادی منطقه‌ای و توسعه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و منطقه‌ای تقسیم می‌شود. افزایش تعداد دانشگاه و دانشجو را نباید جزء تجاری‌سازی محسوب کرد.

در دانشگاه نوع دوم، هدف فعالیت‌های دانشگاه معطوف به نیاز جامعه است و هدف صرفاً آموزش و پرورش نیست، بلکه ایجاد ساختارهای دانشجویی و شرکت‌های دانشگاهی با توجه به نیاز جامعه هدف است؛ هدف این است که نتایج پژوهش دانشگاهی در اقتصاد ملی تأثیرگذار باشد و کارآفرینی در دانشگاه ایجاد شود.

وی تعداد بالای دانش‌آموختگان دانشگاهی در ایران را یک مزیت برشمرده و در عین حال خاطر نشان کرد: هیچ کشوری به اندازه کشور ما روی این مورد سرمایه‌گذاری نکرده است، اما با این مزیت چه کردیم؟ ۲۷ درصد نرخ بیکاری که بالای ۷۵ درصد آنها را فارغ‌التحصیلان دانشگاهی تشکیل می‌دهند و ما بزرگترین مزیت را به بزرگترین تهدید تبدیل کرده‌ایم.

دکتر سلطانی با بیان اینکه در گذشته، ۹۵ درصد پتانسیل دانشگاه صرف آموزش، ۵ درصد پژوهش، ۰ درصد کارآفرینی و ۰ درصد توسعه اقتصاد منطقه‌ای می‌شد، عنوان کرد: در حال حاضر این میزان به ۷۰ درصد در آموزش، ۲۰ درصد پژوهش و ۱۰ درصد کارآفرینی و ۰ درصد توسعه اقتصاد منطقه‌ای رسیده است؛ نقطه ایده‌آل در آینده ۴۰ درصد آموزش، ۳۵ درصد پژوهش، ۲۰ درصد کارآفرینی و ۵ درصد توسعه اقتصاد منطقه‌ای است.

## نخستین همایش تعامل نظام دانشگاهی و فضای اجتماعی

نخستین همایش ملی «تعامل نظام دانشگاهی و فضای اجتماعی: ضرورت مبانی و راهکارها» به همت مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور در تاریخ ۲۹ بهمن ماه ۹۷ در سالن همایش‌های شهید چمران دانشگاه تربیت مدرس برگزار شد. هدف از برگزاری این همایش، بررسی ابعاد مختلف نظری و عملی فضای اجتماعی واسط میان نهادهای تولیدکننده دانش و عموم شهروندان و نقش آن در کارآمد کردن پژوهش‌ها و دستاوردهای دانشگاهی بود.

دکتر وحید احمدی، مشاور وزیر علوم و رئیس مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، دکتر غلامرضا غفاری، معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دکتر نصرت‌ا... ضرغام، رئیس صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور، دکتر امیر ناظمی، معاون وزیر و رئیس سازمان فناوری اطلاعات ایران، دکتر برات قبادیان، معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت، سخنرانان مراسم افتتاحیه این همایش بودند.

دکتر قدیمی، دبیر علمی نخستین همایش ملی «تعامل نظام دانشگاهی و فضای اجتماعی: ضرورت مبانی و راهکارها» با بیان اینکه در جوامع پیشرفته کارکردهای دانشگاه‌ها به دیوارهای معمول آموزش و پژوهش محدود نمی‌شود، افزود: در تفسیر نوین فلسفه اجتماعی دانشگاه‌ها صرفاً به وظایف متعارف علمی و تربیتی بسنده نمی‌شود، بلکه دانشگاه‌ها موظف هستند در راستای رسالت اجتماعی خود به طیف وسیعی از فعالیت‌های ناظر بر نیازها و مصالح عمومی جامعه بپردازند. انطباق آموزش‌های دانشگاهی با منافع و انتظارات جامعه از دیگر مسئولیت‌های اجتماعی دانشگاه‌ها است. مشارکت دانشگاه‌ها در ترویج فضیلت‌های شهروندی، صلح، رفاه و توسعه در پرتو آزاداندیشی و نقادی و نظارت عمومی از جمله ارزش‌هایی است که در راستای مسئولیت اجتماعی دانشگاه به رشد و تعالی معنوی و مادی جامعه منجر می‌شود.

دکتر احمدی نیز با اشاره به این نکته که از گذشته عالمان به دنبال اثرگذاری در جامعه بوده‌اند، بنابراین تعامل بین نظام دانشگاهی و فضای اجتماعی حرف جدیدی نیست، خاطر نشان کرد: علاوه بر آن که فهم و زبان مشترک میان دانشگاه‌ها و فضای اجتماعی ایجاد نشده است، باید تأکید شود که ایجاد تعامل میان این دو نهاد دستوری و ارشادی نیست. با طرح مسائل در این همایش، در صدد هستیم تا سطح اندیشه‌ها در این حوزه را ارتقا و راهکارهایی در خصوص ایجاد تعامل میان دانشگاه‌ها در فضای اجتماعی ارائه دهیم. در کشور، ظرفیت‌های علمی بالایی وجود دارد و ایران توانسته است در تولید مقالات رتبه اول را کسب کند، ولی در آنجایی که باید شاهد اثرگذاری دانشگاه‌ها و حضور دستاوردهای آنها در کشور باشیم، دچار خلاءهای جدی هستیم و تاکنون استادان و دانشمندان نتوانسته‌اند جای خود را در جامعه بیابند. نظام حاکم بر دانشگاه‌ها باید به گونه‌ای باشد که استادان نقش خود را در منطقه و کشور بیابند. در دنیا الگوهای موفق به ویژه در کشورهای اروپایی وجود دارد که بر اساس آن با ایجاد شبکه ارتباطات اجتماعی، دانشگاه‌ها با لایه‌های مختلف جامعه در ارتباط هستند؛ چرا که این دانشگاه‌ها دریافته‌اند که وظایف اصلی آنها تربیت دانشجو و گرفتن پروژه‌های تحقیقاتی نیست و چنین رویکردی موفقیت، پایداری، توسعه و ارتقای سطح فرهنگی و اجتماعی و مدیریتی را به دنبال دارد.

دکتر ضرغام دیگر سخنران مراسم افتتاحیه نخستین همایش ملی «تعامل نظام دانشگاهی و فضای اجتماعی: ضرورت مبانی و راهکارها»، با تأکید بر اینکه تعامل میان دانشگاه‌ها و فضای جامعه نیازمند یکپارچگی میان همه دست‌اندرکاران است، تأکید کرد: تجربیات جهانی اثبات کرده که علم و فناوری، محرک اصلی رشد اقتصادی و توسعه جوامع بشری است، ولی مشروط بر آن که یکپارچگی‌های لازم در تحقیقات بنیادی و کاربردی، یکپارچگی در تحقیقات عمومی و دولتی و تبعیت از معیارهای جهانی صورت گیرد. ظرفیت‌های علمی و تحقیقاتی زیادی در کشور وجود دارد و این ظرفیت‌ها نیازمند آن است که تقاضاهایی از سمت



جامعه به آنها ارائه شود. وجود تقاضا موجب می‌شود تا دیوارهای ذهنی و فیزیکی دانشگاه شکسته شود؛ نمونه آن اتفاقی بود که در زمان جنگ رخ داد و دانشگاه‌ها به خدمت امنیت کشور درآمدند.

دکتر قبادیان نیز با طرح این سوال که چرا دانشگاه‌ها نقش خود را در جامعه ایفا نمی‌کنند، تأکید کرد: چالش‌هایی چون تغییر اقلیم، خشکسالی، ریزگردها و بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، چالش‌هایی نیستند که یک شبه در کشور ایجاد شوند. باید از قبل، برنامه‌ریزی‌های لازم برای اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی داشته باشیم. در دانشگاه‌ها تنها به تربیت دانشجویان پرداخته می‌شود و هر موضوعی که به عنوان پایان‌نامه پیشنهاد می‌دهند، به تصویب می‌رسد. مقصران اصلی برای عدم تعامل میان دانشگاه با فضای جامعه، خود دانشگاه‌ها هستند، زیرا دانشگاه‌ها می‌توانند پایان‌نامه‌های دانشجویان را در راستای رفع مشکلات کشور هدایت کنند. تا سال ۹۴ تنها ۸۰۰ واحد صنعتی و معدنی دارای واحدهای تحقیق و توسعه (R&D) بودند، ولی با برنامه‌های اجرا شده در دو سال اخیر، دو هزار واحد صنعتی دیگر صاحب واحدهای تحقیق و توسعه شدند؛ چرا که این واحدها به این درک رسیده‌اند که باید از علم و فناوری استفاده کنند.

دکتر ناظمی نیز در بخشی از سخنرانی خود در مراسم افتتاحیه همایش، با تأکید بر این مسئله که دانشگاه‌ها به سمت کاربردی‌سازی و تجاری‌سازی پیش می‌روند، افزود: در گذشته مسئولیت دانشگاه‌ها تنها در قبال علم و دانش بود، اما در حال حاضر این مراکز علمی در قبال کل جامعه وظیفه دارند و تحقیقات دانشگاهی در خصوص دانش جهان شمول صحبت می‌کند. بر همین اساس، دانشگاه‌ها دیگر برخلاف گذشته از بافت‌های اجتماعی جدا نیستند.

دکتر غفاری با اشاره به این نکته که دانشگاه نباید به حوزه آموزش و پژوهش محدود شود، خاطر نشان کرد: در کنار آموزش دانش (در دانشگاه)، باید زندگی کردن هم آموزش داده شود. طبعاً وقتی با موضوعی مثل تعامل نظام دانشگاهی و فضای اجتماعی روبرو هستیم، باید نگاه آینده‌نگارانه داشته باشیم و سیاست‌های جاری را بررسی کنیم.

نخستین همایش ملی تعامل نظام دانشگاهی و فضای اجتماعی با برگزاری دو نشست تخصصی «بررسی و تحلیل وضعیت فعلی پیوند نظام دانشگاهی و فضای اجتماعی» و «شاخص‌های ارزیابی پیوند میان نظام دانشگاهی و فضای اجتماعی» به کار خود ادامه داد.

در نشست بررسی و تحلیل وضعیت فعلی پیوند نظام دانشگاهی و فضای اجتماعی که به مدیریت دکتر سعید سمنانیان، عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس برگزار شد، دکتر مقصود فراستخواه، عضو هیأت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی به موضوع کوشش در جهت الگوی مفهومی و عملیاتی دانشگاه اجتماعی در ایران اشاره کرد؛ دکتر علی پایا، استاد مدعو دانشگاه وستمنستر انگلستان، نظام دانشگاهی، چالش‌های بومی و جهانی و تعامل با فضای اجتماعی را مورد بررسی قرار داد؛ دکتر غلامرضا ذاکر صالحی، عضو هیأت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی با محور سنخ‌شناسی الگوهای تعامل بین نهادهای علمی و جامعه سخنرانی کرد؛ دکتر سحر کوثری، عضو هیأت علمی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، چشم‌انداز فضای اجتماعی دانشگاه و عوامل تأثیرگذار بر آن را بررسی کرد و دکتر محمد حسن زاده، عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس با محور پارک‌های علم و فناوری، حلقه اتصال عموم مردم به منظومه پیچیده علم و فناوری سخنرانی کرد.

نشست شاخص‌های ارزیابی پیوند میان نظام دانشگاهی و فضای اجتماعی به مدیریت دکتر نسرین نورشاهی، رییس مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی برگزار شد و دکتر نعمت‌ا. فاضلی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، موضوع کالایی شدن دانش و چالش آن برای جامعه را بررسی کرد؛ دکتر هادی خانیکی، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی به موضوع فرهنگ گفت‌وگو و نقش آن در ارتقای سرمایه اجتماعی دانشگاه اشاره کرد؛ دکتر آرش موسوی، عضو هیأت علمی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور با محور تعاملات نظام دانشگاهی با دنیای بیرون: مسائل و راه‌حل‌ها سخنرانی کرد؛ دکتر موسی اکرمی، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات موضوع پیش‌نیازهای تعامل نظام دانشگاهی و فضای اجتماعی را بررسی و دکتر غریب فاضل‌نیا، عضو هیأت علمی دانشگاه زابل، گزارشی از تجربه این دانشگاه در راستای تعامل دانشگاه و فضای اجتماعی ارائه کرد.

نخستین همایش ملی تعامل نظام دانشگاهی و فضای اجتماعی با برگزاری میزگرد «راهکارهای تعامل نظام دانشگاهی و فضای اجتماعی» با حضور دکتر الهه حجازی، دکتر وحید احمدی، دکتر حسین ابراهیم‌آبادی، دکتر محمد جواد دهقانی و دکتر مجتبی موحدی پایان یافت.

\*\*\*\*\*

### بیانیه پایانی نخستین همایش ملی «تعامل نظام دانشگاهی و فضای اجتماعی: ضرورت، مبانی و راهکارها»

نظام دانشگاهی به‌عنوان یکی از گره‌ها در شبکه درهم‌تنیده اجتماع، چه با نگاه به تاریخ آن و چه با تحلیل وضعیت بین‌المللی و کارکردهای آن، نمی‌تواند بدون تعامل و بده‌وبستان با دیگر گره‌های این شبکه موجودیت یابد و ایفای نقش کند. ایجاد نظام دانشگاهی خود مولود تغییراتی است که بیرون از این نظام در فکر و فرهنگ و صنعت و سیاست انسان رخ داده است و در مقام کنشگری فعال خود مولد بسیاری از تغییراتی است که در مناسبات فکری و فرهنگی و صنعتی و سیاسی جهان معاصر رخ داده است. محدود دیدن دانشگاه به فضای فیزیکی آن و قطع ارتباط ارگانیک آن با دیگر بخش‌های جامعه منجر به عقیم شدن آن خواهد شد و در چنین شرایطی است که انواع تلاش‌ها برای توسعه، روزآمدسازی و گسترش نظام دانشگاهی، ولو با صرف بودجه‌های کلان، موفق نخواهد بود. در بافت فضای اجتماعی است که نظام دانشگاهی از مسائل و نیازهای جامعه خبردار می‌شود، اعتماد عمومی را به خود جلب می‌کند، دستاوردهایش را عرضه می‌دارد و از شهروندان درباره این دستاوردها و میزان کارآمدی آنها بازخورد می‌گیرد. در چنین فضایی است که علم، فرهنگ، صنعت و عموم شهروندان از طریق ابزارهایی که در اختیار دارند بر هم اثر متقابل می‌گذارند و یکدیگر را به پاسخگویی و لحاظ کردن نیازها، حساسیت‌ها و ارزش‌های دیگر بازیگران وامی‌دارند. بدون فضایی حائل که بین دانشگاه‌ها و مراکز علمی از یک سو و جامعه از سویی دیگر پیوند برقرار کند، نهادهای علمی همچون جزیره‌هایی بی‌ارتباط با بدنه جامعه به کار خود مشغول خواهند بود و جامعه نیز نیازهای خود را به منابعی دیگر عرضه می‌کند و راه‌حل‌ها را از آن منابع می‌گیرد. نخستین همایش ملی تعامل نظام دانشگاهی و فضای اجتماعی که به همت مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور و در جهت تحقق اهداف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در بهمن ماه ۱۳۹۷ برگزار می‌شود دعوتی است از اندیشمندان و صاحب‌نظران، از حوزه‌های گوناگون نظری و مهندسی و کاربردی، برای تأمل مجدد در باب رابطه دانشگاه و جامعه؛ تأمل درباره ضرورت، مبانی و رویکردهای برقراری پیوند میان این دو و اندیشیدن به الگوها و راهکارهای افزایش اعتماد عمومی به نظام دانشگاهی. بی‌شک طی چنین مسیری جز با گرد هم آمدن همه اندیشمندان، سیاستگذاران و فعالان دانشگاهی و جز با مشارکت مؤثر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای شنیدن سخن کارشناسان و آنگاه تأسیس دفاتر و نهادهای لازم در ساختار وزارتخانه با محوریت مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور برای پیگیری و اجرایی کردن پیشنهادهای کارشناسان میسر نخواهد بود. تداوم سالانه این دست همایش‌ها و وارد شدن موضوع افزایش تعامل میان نظام دانشگاهی و فضای اجتماعی به فهرست دغدغه‌های رؤسای دانشگاه‌ها و دیگر سیاستگذاران نظام آموزش عالی، مطالعه نمونه‌های موفق بین‌المللی و در نهایت رسیدن به الگویی مناسب وضعیت کشور از جمله اهدافی است که مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور می‌تواند در آینده آنها را دنبال کند. افزایش ارتباط میان نظام دانشگاهی و صنعت، سازمان‌های مردم‌نهاد و عموم شهروندان که در قالب برنامه‌های ترویجی و عمومی‌سازی می‌تواند دنبال شود و همچنین گنجاندن درس‌ها و سرفصل‌هایی در برنامه‌های دانشگاهی که منجر به افزایش آگاهی دانشجویان از اهمیت این موضوع شود نیز می‌تواند از دیگر اهداف بلندمدت تداوم چنین

همایش‌هایی باشد. در بُعد نظری نیز توصیف و ارزیابی انواع مدل‌ها و رویکردهای تعامل دانشگاه با فضای عمومی، مطالعه و ارزیابی انواع مدل‌ها و رویکردهای ترویجی و در نهایت رسیدن به تعریفی جامع‌تر از دانشگاه در کشور می‌تواند از دیگر دستاوردهای تداوم این همایش‌ها به حساب آید. امید است برگزاری چنین نشست‌هایی گامی ولو کوچک در جهت بازتعریف دانشگاه و نظام دانشگاهی هم در ذهن سیاستگذاران و فعالان دانشگاهی و هم در نگاه عموم شهروندان باشد، تا از این رهگذر بتوان به جایگاهی مناسب برای دانشگاه در جهان پرتلاطم و پرتغییر معاصر دست یافت. دبیرخانه دائمی همایش در مرکز تحقیقات مستقر خواهد بود و تلاش می‌شود هر سال با برگزاری هرچه بهتر گام‌های صادقانه‌ای در جهت تعامل برداشته شود.



## **The Idea of Culture Observatories- Overview**

**Author: Katarzyna Plebańczyk<sup>1</sup>**

Jagiellonian University, Poland

**Translator: Elham Yousefi Hamedani\***

Specialist at Isfahan Cultural and Social Observatory

Received: 2018.11.6

Accepted: 2019.2.12

### **Abstract**

This article is an attempt to organize knowledge of cultural observatories. In the studies dedicated to the theme of management of culture, this subject is relatively new and less analyzed. The text is based on the classification adopted by J. M. Schuster in 1999, the results of the work of the *ENCATC Working Group: Cultural Observatories and Cultural Information and Knowledge* and the author's research. The article presents and compares various models (especially based on networks and institutional forms), scope and objectives of the observatories. However, it also raises questions about the essence of the observatories and the governance of accumulated knowledge.

**Keywords:** Culture observatories, Management, Culture research.

---

1. katarzyna.plebanczyk@uj.edu.pl

\*. Yousefi\_1387@yahoo.com

---

## **Structural Modeling the Effect of Librarians' Communication Skills on Interpersonal Communications and its Role in Conflict Management Strategies in the Libraries**

**Akbar Bahmani Chob Basti<sup>\*1</sup>, Seyyed Mehrdad Syyedin<sup>2</sup>**

1. Assistant Professor of Government Management. Payam Noor university, Tehran, Iran.

2. Master of Executive Management & Master of LIS, Markazi Public Library, Iran.

Received: 2018.8.4

Accepted: 2018.10.30

### **Abstract**

The purpose of this study was to enhance the ability of librarians in conflict management in libraries through the use of communication skills and interpersonal communication. Therefore, in this research, the effect of communication skills of librarians on interpersonal communication and its role in conflict management strategies in libraries was investigated.

This is a descriptive study that was conducted through a survey method. The study community consisted of all librarians working in the public libraries of Markazi province. Data collection tools consisted of Queen Dom communication skills questionnaire, Graham interpersonal communication, and Potenhhn and Wilson Corporate Communication Conflict Management. Using Levin's test for data variance, the Kolmogorov-Smirnov test for natural distribution of data, t and F tests for comparison of averages and linear regression and structural equation modeling were used to study the effect of observed variables on the variables.

The result of the statistical regression test shows the effect of components of communication skills on interpersonal communication and conflict management strategies as well as the components of communication skills with conflict management strategies that have a significant effect.

Given the role of the causal communication skills, it is possible to identify the weaknesses in this field in public libraries, to develop these skills through the workshops and the proposals proposed in this study so that librarians can benefit in providing services to users. Take their communication skills and adopt the best communication method in the user's referral.

**Keywords:** Communication skills, Interpersonal communication, Conflict management strategies, Librarians, Public libraries.

---

\*. Corresponding Author: bahmani.akbar@gmail.com

## Scientometric Study of Scientific Publications in Seismology based on Web of Science

Mohammad Fallah<sup>1</sup>, Ali Ghorbi<sup>\*2</sup>, Alireza Noruzi<sup>3</sup>, Afsaneh Jafari<sup>4</sup>

1. Msc, Scientometrics, Faculty of Management, University of Tehran, Iran.

2. Msc, Scientometrics, Faculty of Management, University of Tehran, Iran.

3. Associate Professor, Department of Knowledge and Information Science, Faculty of Management, University of Tehran, Iran. E-mail: noruzi@ut.ac.ir

4. Msc, Information Management, Faculty of Social Science, Razi University, Iran.

Received: 2018.08.04

Accepted: 2018.10.30

### Abstract

This study aims to investigate and evaluate the scientific productions of Iran and the world in the field of seismology in the Web of Science database from 1970 to 2018, quantitatively and qualitatively. The present study was carried out, using a scientometric approach. This research is applied research that evaluates the quality and quantity of scientific products of the world and Iran in the field of seismology. The results showed that the number of scientific productions in the seismology field in the world is 114292 documents. The number of papers published by the Iranian researchers in this area was 3065 documents. Furthermore, the results showed that Iran is in the thirteenth position in the world and sixth position among other Asian countries. The total number of citations documents published by Iranians was 1963. The average citation per document was 6.25 and the H-index for Iran in this field is 51. The results showed that while Iran is an earthquake-prone country; the number of scientific research conducted by the Iranian researchers is low, in comparison to some countries that are not the earthquake-prone countries. Therefore, more attention should be paid to research and development in the field of seismology.

**Keywords:** Seismology, Scientific publications, Citation analysis, Scientometrics.

---

\*. Corresponding Author: alighorbi73@ut.ac.ir

## The Effect of Effective Factors on Knowledge Sharing Intention

Ali Biranvand<sup>\*1</sup>, Mohammad Hassan Seif<sup>2</sup>

1. Assistant Professor, Department of Knowledge and Information Science, Payame Noor University, Iran.

2. Associate Professor, Department of Educational Sciences, Payame Noor University, Iran.

Received: 2018.10.9

Accepted: 2018.1.13

### Abstract

The purpose of this research is to examine the impact of incentives, Trust, and Pleasure on helping others to share knowledge. This is applied research that is descriptive and has been used to collect the views of the members of research and education centers affiliated to the Jihad-e-Agriculture Organization of Fars province. A structural equation model has been used to analyze the relationships between the variables in the research. The results show that the direct impact of Incentives and Enjoyment of Helping other people on their sharing intention isn't confirmed. But the direct impact of trust on the intention to share knowledge is confirmed. The indirect effect of incentives, trust, and Enjoyment of Helping others to share knowledge through mental norms and Attitudes toward knowledge sharing is confirmed. Beliefs play a central role in the organization's sharing process. Managers can have a significant influence on the organization's attitudes and norms in organizations through various variables and affecting their beliefs, ultimately, by creating the Intention to do it in individuals rather than creating appropriate behavior and approval in the organization they are effective.

**Keywords:** Knowledge management, Knowledge sharing, Fars province.

---

\*. Corresponding Author: biranvand@gmail.com



## **Integrating Technical and Market Knowledge in Innovative Companies: Challenges and Solutions**

**Mostafa Sadeghi<sup>1</sup>, Mehdi Kiamehr<sup>\*2</sup>**

1. Research Assistant, National Research Institute for Science Policy

2. Assistant Professor, National Research Institute for Science Policy

Received: 19, Apr. 2018

Accepted: 30, Sep. 2018

### **Abstract**

The aim of the present work is to illustrate the most important theoretical gaps of commercialization of scientific research, in inside and outside of the country. In addition, some of the most significant research ideas are proposed to depict the future path of this topic. The utilized method in the investigation, which was led to this paper, was the library research and conceptual analysis. In World Literature, it is observed that some of the literatures have been mainly reasoned on the basis of sociological theories of science against the commercialization of scientific research, and some others, used the objective and empirical results, to provide their defense for commercialization as an existing reality. In domestic literature, five main topics, which attract the attention of authors, are as follow: definition the concepts of commercialization of scientific research, appropriate executive models in Iran, the success factors of commercialization of science in universities of the world and Iran, present obstacles in Iran, its positive and negative consequences. The two recent issues have more importance in domestic literature, mostly the scientific community of management, and to a lesser extent, the sociologists have been entered to this debate. Other scholars in the fields of science policy, economics of science, and philosophy of science have been disregarded to this issue. The debate on commercialization of scientific research within the country lacks the theoretical frameworks for analyzing, evaluating and proceeding to the necessity of the subject.

**Keywords:** Commercialization of scientific research, Economics of science, University and industry, Theoretical basis of commercialization, Policy making of science and technology.

---

\*. Corresponding Author: kiamehr@sharif.edu

## The Role of Scientific NGOs in Developing the Science and Technology

SeyyedHamed Mazarei<sup>1</sup>, Mahdi Pakzad Bonab<sup>\*2</sup>, Mostafa Mohseni Kiasari<sup>3</sup>

1. Researcher of Technology Studies Institute

2. Faculty member of NRISP

3. Researcher of Technology Studies Institute

Received: 2018.5.6

Accepted: 2018.12.9

### Abstract

It is several years the concept of NGOs has been brought up as the third pillar of development in development programs along with public and private sectors. One way for playing the development role by NGOs is to update their functions and tasks in their tip statute of associations. The present paper has focused on scientific associations as scientific NGOs. For this reason, this research is looking for replying to three main questions as follows: 1-What functions scientific NGOs have to have for science and technology development? 2-What functions have been incorporated in tip statute of scientific associations of the country for S&T development? 3-What political suggestions can be posed for improving the functions of NGOs in developing science and technology? Studies show that it is better than functions such as conducting and directing the R&D projects, presenting models for development, scientific streaming, sustainable development topics, identifying and prioritizing the needs and transferring them to government, consultation services to government and startups, training new technologies, assisting in formulating the industrial standards and regulations, networking in science and technology, etc. to be added to the tip statute of scientific associations.

**Keywords:** NGOs; Scientific associations; Science and Technology development; NGOs functions.

---

\*. Corresponding Author: Pakzad@nrisp.ac.ir

## Requiem for Article; Eight Generations of Authentic Articles in the Humanities and Social Sciences

Maghsoud Farasatkah\*

Faculty of Institute for Research and Planning in Higher Education (IRPHE)

Received: 2019.1.2

Accepted: 2019.3.6

### Abstract

The scientific growth in Iran has been Deceptive. Its prideful indicators along with disturbing evidence have become a paradox. There are contradictory signs of it. Iran is a country of fifty thousand scientific articles that's 50 times as much in twenty years. Its growth rate has exceeded fast developing countries like China, Korea, and Turkey. Nearly 1,800 magazines are often quarterly, continue to increase yearly plenty of articles to the archive of Iranian knowledge archive. Articles with several million citations. Twenty percent of Iranian scientific papers are written by an international contributing author. Iran's contribution to the human and social knowledge of the world according to the publication of articles increased from about 0.4% in 2012 to 0.7% in 2018. It is a sharp turn: Publish or Perish! But what is the result? A huge machine that has an annual financial turnover of more than 1000 billion Tomans. Its fuel is 800,000 postgraduate students plus over eighty thousand faculty members. The manufactural model is the automatic production of student-faculty articles. The student writes and the faculty sees! Its gears are the regulations that count the papers and gives degree. Counts again and gives the academic rank of a faculty member. Again counts and determines other ranks. Again, the myth of counting, counting and still counting. Sometimes even systematic corruption breaks out in the process of producing and publishing these articles. But one thing remains unclear; what is the social impact of these articles? What helps to promote Iranian national knowledge and awareness? What contribution does it make to people's everyday life around the country and the sustainable development of this land? What national added value does it bring? Where are the humanities and social science articles In this case? There are a variety of ways to test the quality of performance. One way is to compare them with benchmark performance from the past to the present. In this article, eight generations of authentic articles in the humanities and social sciences that has been published for the past two centuries in Akhtar to Bukhara are set as benchmark performance for criticism of the current mass of official papers in journals called scientific journals. Probably at least ten types of traumatic tendencies cause a form of inertia. Reduces hope for the quality of articles in humanities and social science and the social impact of these articles: the centrality of quantity, formalism, ritualism, stateism, the centrality of supply, subsistence, officiality, behaviorism/ centrality of administrative duty, managerialism, and the problem of ivory tower.

**Keywords:** Scientific growth, Myth of counting, The Effectiveness of articles, Knowledge promotion, Humanities and Social science, Quality benchmark line, Obstacles on the way.

---

\*. Corresponding Author: m\_farasatkah@yahoo.com

# **English Abstracts**



## Rahyaft

Policy Studies of Science,  
Technology and  
Innovation

No. 72, Winter 2019

Rahyaft as a Science  
Policy Quaterly is  
Published by National  
Research Institute for  
Science Policy (NRISP)

This quarterly journal  
aims at upgrading and  
augmenting coordination  
in research, both in terms  
of methodology  
throughout the country.

Moreover, it is the  
objective of this journal  
to raise problems and  
assist scientific and  
research oriented policy-  
making both in social and  
the natural sciences.

Rahyaft's full papers are  
published in Farsi along  
with abstracts in English.

## Rahyaft's Content

- **Requiem for Article; Eight Generations of Authentic Articles in the Humanities and Social Sciences**  
Maghsood Farasatkah..... 1
- **The Role of Scientific NGOs in Developing the Science and Technology**  
SeyyedHamed Mazarei, Mahdi Pakzad Bonab & Mostafa. Mohseni Kiasari ..... 19
- **Integrating Technical and Market Knowledge in Innovative Companies: Challenges and Solutions**  
Mostafa Sadeghi & Mehdi Kiamehr..... 33
- **The Effect of Effective Factors on Knowledge Sharing Intention**  
Ali Biranvand & Mohammad Hassan Seif ..... 47
- **Scientometric Study of Scientific Publications in Seismology based on Web of Science**  
Mohammd Fallah, Ali Ghorbi, Alireza Noruzi & Afsaneh Jafari..... 61
- **Structural Modeling the Effect of Librarians' Communication Skills on Interpersonal Communications and its Role in Conflict Management Strategies in the Libraries**  
Akbar Bahmani Chob Basti & Seyyed Mehrdad Syyedini..... 77
- **The idea of Culture Observatories- overview**  
Author: Katarzyna Plebańczyk  
Translator: Elham Yousefi Hamedani..... 91
- **Book presentation / Research Assessment in the Humanities**  
Farzane Ghanadinejad ..... 103
- **Report** ..... 107
- **English Abstracts**..... 114



**Rahyaft as a Policy Studies of Science, Technology and Innovation**

**Rahyaft**

**No. 72, Winter 2019**

**Published by:** National Research Institute for Science Policy

Ministry Of Science Research and Technology

**Director in Charge:** Vahid Ahmadi

**Editor-in-Chief:** Akram Ghadimi

**Editorial Board:** Aria Alasty, Hamidreza Araste, Maghsood Farasatkah, Akram Ghadimi,  
Mohammadreza Hosseini Beheshti, Hadi Khaniki, Reza Maknon, Jafar Mehrad,  
Farideh Osareh, Ali Paya, Ebrahim Salehi Omran, Mohammad Tavakol,  
Mohammad Ali Zolfi Gol

**Executive Manager:** Somaye Karimizade Ardakani

**Persian Editor:** Azita Manouchehri Qashqaie

**English Editor:** Zoheir Sabaghpour Azarian

**Designer:** Rahim Kabirsaber

**ISSN:** 1027-2690

**Email:** rahyaft.nrisp@gmail.com

**Website:** www.nrisp.ac.ir

**Address:** No 9, Ghaneirad Street, South Shiraz St., Mollasadra Ave., Tehran, Iran

**Postal Cod:** 14358-94461

**Tel:** +98 (21) 88036144